

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



فصلنامه علمی تخصصی معارف قرآن و عترت ﷺ

سال پنجم، شماره دهم

پاییز و زمستان ۹۸

شماره شاپا: ۴۵۹۷-۲۵۳۸

ناشر: دانشگاه معارف قرآن و عترت اصفهان

صاحب امتیاز: دانشگاه معارف قرآن و عترت ﷺ اصفهان

مدیر مسئول: منصور شاهین‌فر

سرمدیر: سیدعباس خلیقی‌پور

مدیر اجرایی: نیره‌سادات آیت

ویراستار: رحمت شایسته فرد

صفحه‌آرا: نشر حیات طیبه

هیئت تحریریه:

نصیرالدین جوادی، رحمت شایسته فرد، مسعوده فاضل یگانه، فرشید زالی، علی عابدی،

سیدمهدی مرتضوی، محمدحسین قاسم پیوندی، محمدرضا حق‌شناس، علی بنائیان،

مریم سادات نیلی‌پور، شریفه سادات امام جمعه زاده، نیره‌سادات آیت

همکاران این شماره: دکتر محسن حاج کاظمیان، دکتر شهاب‌الدین ذوفقاری، دکتر سیده‌راضیه طبائیان

دکتر مجتبی طغیانی خوراسگانی، دکتر زهرا قاسمی

آدرس: اصفهان، بزرگراه شهید خرازی، ابتدای خیابان شهیدان غربی، دانشگاه معارف قرآن و عترت ﷺ

صندوق پستی: ۷۷۹۹۳-۸۱۸۷۶ تلفن: ۰۳۱-۳۳۳۷۲۰۲۰۰ دورنگار: ۰۳۱-۳۳۳۸۴۹۳۹

پست الکترونیک: majaleh1@icqt.ac.ir majalehmaaref@chmail.ir

شماره مجوز ارشاد: ۷۵۱۰۴

راهنمای تدوین و شرایط پذیرش مقاله

مقدمه

فصلنامه معارف قرآن و عترت، پس از اخذ مجوز رسمی از کمیته ناظر بر نشریات علمی کشور زیر نظر معاونت پژوهشی دانشگاه معارف قرآن و عترت (پایه) اصفهان در حوزه‌های مرتبط با علوم قرآن و حدیث، مباحث فلسفی و کلامی و نیز فقه و حقوق اسلامی به فعالیت می‌پردازد.

شیوه نامه نگارش مقاله

در نگارش مقاله نکات زیر رعایت و فایل آن با فرمت word7 تحویل داده شود.

الف- نکات آیین نگارش

حجم مقاله بین ۱۴ تا ۲۰ صفحه و حداکثر ۶۰۰۰ کلمه.

عنوان کامل و صحیح مقاله در وسط صفحه اول و بالای چکیده نوشته شود. اسامی نویسنده/ نویسندگان ذیل عنوان سمت چپ قید گردد؛ رتبه و محل فعالیت علمی و اطلاعات تماس با نویسنده/ نویسندگان در پاورقی آورده شود.

چکیده حداکثر ۲۰۰ کلمه؛ کلیدواژه‌ها حداکثر ۷ واژه باشد.

مقدمه شامل سوالات، فرضیات، پیشینه تحقیق، مآخذ کلی و روش کار می‌باشد و خواننده را برای ورود به بحث اصلی آماده سازد.

در متن اصلی نویسنده به طرح موضوع و تحلیل آن می‌پردازد.

مقاله باید شامل نتیجه‌گیری باشد.

توضیحات اضافی بصورت زیرنویس در مقاله ارجاع داده شود.

در هر مقاله فاصله بین سطرها ۱/۱۵ سانتی متر و فونت نگارش متن Badr؛ عناوین اصلی Badr؛

و عناوین فرعی Badr؛ پاورقی‌ها Badr؛ تورفتگی: ۶/۰ و به صورت تک رنگ باشد.

ب- نکات ادبی

رعایت قواعد دستوری و رسم الخط فارسی.

پرهیز از ایجاز و اطناب بی مورد.

پ- نکات محتوایی

برخورداری از رویکرد تحقیقی با ساختار منطقی و مطلوب.

رعایت اخلاق پژوهش خصوصا در نقل و نقد آراء مخالف و رعایت امانت در نقل قول‌ها.

ارائه مستندات معتبر و کافی.

حتی المقدور استفاده از ارجاع دهی غیر مستقیم. (حداکثر حجم ارجاع مستقیم ۲۰٪ مقاله است)

نحوه تنظیم ارجاعات

ارجاعات باید بصورت درون متنی و داخل پرانتز به ترتیب نام خانوادگی نویسنده، سال، جلد و صفحه ذکر شود. مثال (طباطبایی، ۱۳۷۵، ج ۵، ص ۱۵۹)

فهرست منابع با رعایت ترتیب الفبایی و بصورت زیر در انتهای مقاله آورده شود؛ و تنها قرآن، صحیفه سجادیه و سایر کتب آسمانی از این ترتیب خارج هستند.

ارجاعات به کتاب در فهرست منابع

نام خانوادگی نویسنده، نام، نام کتاب (بصورت ایتالیک)، نام مترجم یا مصحح، نام خانوادگی مترجم یا مصحح، نوبت چاپ، شهر محل نشر: ناشر، سال انتشار.

ارجاعات به مجله در فهرست منابع

نام خانوادگی نویسنده، نام نویسنده، سال انتشار، عنوان مقاله (بصورت ایتالیک)، نام و نام خانوادگی ویراستار، نام مجموعه مقالات محل نشر: ناشر، شماره صفحات.

ارجاعات به سایت‌های اینترنتی در فهرست منابع

نام خانوادگی نویسنده، نام نویسنده، آخرین تاریخ و زمان تجدید نظر در پایگاه اینترنتی، عنوان و موضوع، نام و آدرس سایت اینترنتی.

نحوه پذیرش مقاله

دریافت مقالات از طریق پست الکترونیکی majaleh1@icqt.ac.ir و پس از احراز شرایط بالا در هیئت تحریریه، جهت بررسی و ارزیابی علمی به داوران فصلنامه ارجاع می‌شود. در صورت تأمین نظرات داوران توسط نویسنده و تأیید نهایی سردبیر، نامه پذیرش مقاله صادر و جهت بهره‌برداری و انتشار در شمارگان بعدی یا ویژه‌نامه‌های فصلنامه اقدام می‌شود. شماره تماس:

۰۹۳۸۵۱۸۶۲۹۳

یادآوری

- ۱- مقاله باید حاصل کار نویسنده/ نویسندگان آن باشد.
- ۲- مقاله یا چکیده آن نباید در نشریه دیگری چاپ شده باشد.
- ۳- مقاله نباید قبلاً یا همزمان برای ارزیابی به مجله دیگری ارسال شده باشد.
- ۴- هرگونه مسئولیت علمی و اخلاقی مربوط به تحقیق و مطالب مقاله به عهده نویسنده/ نویسندگان است.
- ۵- حق ویراستاری ادبی و صوری برای مجله معارف قرآن و عترت محفوظ است.
- ۶- مجله در ویرایش مقالات و تلخیص آن‌ها به گونه‌ای که محتوای علمی آنها دگرگون نشود، آزاد می‌باشد.

فهرست مقالات

- نقش عدالت محوری در ثبات خانواده از منظر آیات و روایات..... ۷
جمیله بیگلر
- راهکارهای مواجهه با چالش‌های دینی و اخلاقی فضای مجازی بر مبنای طرح‌واره انسان عامل ۴۹
نیره حاجی‌علیان
- پیش‌بینی امید، قدردانی و رضایت از زندگی بر اساس سبک زندگی اسلامی دانشجویان شهر اصفهان ۷۱
ظریفه حقیقت‌پور، مجتبی طغیانی، زهرا ماهر
- رویکرد دین‌مدارانه همسران و نقش آن در تقویت بنیان‌های خانواده..... ۹۳
سیدعباس خلیقی‌پور، ندا عسگری، فهیمه نوریان
- نقش والدین در تربیت اجتماعی فرزندان از منظر اسلام..... ۱۲۵
زهرا قندی
- کارکرد تربیتی و روان‌شناختی توبه در سلامت روان، از منظر آیات و روایات..... ۱۵۳
هدیه مسعودی صدر، علی نقی فقیهی
- معنای زندگی در قرآن کریم..... ۱۷۵
مریم موحدیان عطار

نقش عدالت محوری در ثبات خانواده از منظر آیات و روایات

جمیله بیگلر^۱

چکیده

خانواده به عنوان کوچکترین واحد سازنده اجتماع، از جایگاه بسیار بالایی برخوردار است و سعادت و سلامت اجتماع در گرو سعادت و سلامت خانواده است. سعادت خانواده در سایه روابط صحیح و منطقی اعضای خانواده تأمین می‌گردد، اما در عصر حاضر، این بنیان مقدس با آسیب‌ها و تهدیداتی جدی روبروست. پژوهش حاضر، به منظور یافتن راه‌حلهایی جهت پیشگیری و درمان برخی آسیب‌هایی که بر نظام خانواده وارد می‌شود، صورت گرفته است. روش پژوهش، کتابخانه‌ای و تحلیلی توصیفی است. با بررسی متون و تعالیم اسلامی مشخص گردید اگر عدالت محوری و تعادل با توجه به مفهوم گسترده آن در تمامی ابعاد زندگی خانوادگی جریان داشته باشد، باعث ثبات ارکان بنای مقدس خانواده می‌شود. برای نمونه، اگر زوجین در امور اعتقادی و فرهنگی کفو و هم‌شان یکدیگر باشند، در حق هیچیک از آنها ظلم نمی‌شود. اگر در مواردی مانند روابط زناشویی، روابط با خویشاوندان، مصرف، باروری و بسیاری امور دیگر عدالت محوری و تعادل جریان داشته باشد، موجب رضایت قلبی زوجین و در نتیجه استحکام بنیان خانواده می‌گردد.

واژگان کلیدی: عدالت، تعادل، خانواده، ثبات خانواده.

۱. دانش‌آموخته دوره کارشناسی ارشد رشته نهج البلاغه گرایش اصول دین و معارف علوی، دانشگاه معارف قرآن و

عترت (ع) اصفهان Beigloo@Gmail.com

تاریخ پذیرش: ۹۹/۹/۶

تاریخ دریافت: ۹۹/۷/۲۰



خانواده یک نهاد مقدس و ارزشمند در تعالیم اسلامی و همچنین در عرف جامعه ما ایرانیان است. اساس تمدن اسلامی و ایرانی، خانواده است و در تعالیم وحیانی - اعم از قرآن و سخنان معصومان (علیهم السلام) - ارزش و اهمیت خانواده کاملاً مشهود است. پیامبر گرامی اسلام حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) می فرمایند: «مَا بُنِيَ بِنَاءٌ فِي الْإِسْلَامِ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنَ التَّزْوِيجِ»؛ در اسلام هیچ بنایی ساخته نشد که نزد خداوند عزوجل محبوب تر و ارجمندتر از ازدواج باشد (طبرسی، ۱۳۷۰، ص ۱۹۶).

در اصل دهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آمده است: «از آنجا که خانواده واحد بنیانی جامعه اسلامی است، همه قوانین و مقررات و برنامه ریزی های مربوط باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد» (قربانی، ۱۳۷۵، ص ۳۴). یکی از اهداف شورای فرهنگی، اجتماعی زنان نیز حمایت از تشکیل، تحکیم و تعالی نهاد خانواده و پیشگیری از تزلزل و فروپاشی آن است (عظیم زاده و سرخ حساری، ۱۳۹۶، ص ۶۶).

متأسفانه امروزه بنیان نظام مقدس خانواده رو به ضعف و فروپاشی است و با خطر تقدس زدایی از آن مواجه است (تقوی پور و همکاران، ۱۳۹۶، ص ۱۲۰). عوامل متعدّد و گوناگونی بر سست شدن بنیان خانواده تأثیر دارد که این عوامل شامل موارد برون شخصیتی مانند مشکلات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و... و عوامل درون شخصیتی مانند تک تک ویژگی ها و خصوصیات اخلاقی و درونی فرد است. در بین ویژگی ها و خصوصیات اخلاقی، داشتن تعادل و ویژگی عدالت محوری، تأثیر بسیار زیادی بر زندگی فردی و اجتماعی انسان دارد و چهارچوب نظام ارتباطی او با خالق و مخلوقات را تعیین می نماید. اگر عدالت محوری در تمامی ابعاد زندگی انسان نمود داشته باشد، می تواند بسیاری از مشکلات و مسائلی را که در زندگی مشترک زوجین پدید می آید، برطرف نماید.



با توجه به اینکه امروزه مواردی مانند لذت طلبی، تمتع آنی، مصلحت گرایی فردی، سودگرایی، ماده گرایی و ابزارگرایی بیش از پیش، در زندگی انسان اصل قرار گرفته و همین موارد باعث بروز اختلافات جدی میان زوجین و آسیب پذیری بنیان خانواده شده است، تعادل و عدالت محوری باعث می شود شخص به همان میزان که به حقوق، منفعت و رضایت خاطر خود اهمیت می دهد، حقوق، منفعت و رضایت خاطر دیگران و مخصوصاً همسر نیز برای او ارزش و اهمیت داشته باشد. زوج عدالت محور حتی در صورت عدم آگاهی طرف مقابل از حق و حقوق خود، رعایت استحقاق ها را می نمایند؛ اگرچه در این زمینه متحمل ضرر شود؛ چرا که آنان مجهز به سیستم کنترل درونی هستند که قوی تر از هر ناظر و قانون بیرونی، آنان را ملزم به رعایت عدالت و ادای حقوق یکدیگر می نماید.

در زمینه عدالت در خانواده پژوهش های زیادی انجام شده که حاوی مباحث فقهی، حقوقی از جمله ارث، نفقه، دیه، مهریه و... است. برخی از آن ها نیز موضوع را از بعد تفاوت های جنسیتی زن و مرد مورد بررسی قرار داده، مانند مقاله «عدالت جنسیتی در مناسبات عاطفی اخلاقی و اقتصادی خانواده» از عزت السادات میرخانی و همچنین مقاله «عدالت سالاری در خانواده» از سیدمهدی موسوی کاشمری که به تفاوت های زن و مرد و انتقاد از فمینیسم اشاره دارد.

آنچه این مطالعه را از دیگر موارد متمایز می سازد، آن است که عدالت محوری در تمامی رفتارها و تعاملات زوجین و ابعاد زندگی را لازم و ضروری می داند و در ضمن بحث به برخی از مصادیق آن اشاره می نماید.

ارزش و جایگاه خانواده

خانواده یگانه سازمان اجتماعی بادوام و همگانی بوده که از دیرباز در زندگی بشر ماقبل تاریخ، حتی قبل از اینکه عبادتگاه و دولت و هر سازمانی برای تمرکز فعالیت آدمی به وجود آید، شکل گرفته است. در بند سوم اعلامیه جهانی حقوق بشر چنین آمده است:



«خانواده رکن طبیعی و اساسی جامعه است و باید از حمایت جامعه و دولت بهره‌مند شود» (جانسون، ۱۳۷۷، ص ۱۱۲). خانواده در قانون مدنی ایران تعریف نشده است، ولی نکاح در اصطلاح حقوقی عبارت است از: «قراردادی که به موجب آن زن و مرد در زندگی با یکدیگر شریک و متحد شده و خانواده‌ای را تشکیل می‌دهند». نکته حائز اهمیت در این تعریف، آن است که اختلاف جنس از شرایط اساسی نکاح است و نکاح بین دو هم‌جنس نمی‌تواند تحقق یابد. در تعریف خانواده بر اساس دیدگاه اسلام و ادیان الهی و جامعه‌شناسان، رابطه زوجیت (مذهبی، قانونی و عرفی) شرط است. از این رو، در جامعه‌شناسی، به هر گروه هم‌زیست در زیر یک سقف و در یک خانه، خانواده گفته نمی‌شود (معاونت پژوهش، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۲۰۹). هرچند که امروزه دولت‌های غربی سعی دارند به اشکال و انحای مختلف، انواع مختلف زندگی مشترک، مانند نکاح هم‌جنس را نیز نوعی از خانواده به شمار آورند و برای آن حقوقی ثابت کنند. اینکه فرد حق دارد نوع زندگی مشترک خود را انتخاب نماید، از حقوق به رسمیت شناخته شده در جوامع غربی است (ریبنز مک کارتی و روزالیند، ۱۳۹۰، ص ۲۰۳) که به نظر می‌رسد این هم ترفند جدیدی برای ضربه زدن به نظام مقدس خانواده است.

امروزه به دلیل تغییراتی که در ظاهر شیوه زندگی، رویکرد و اهداف آن پدید آمده، از طرف دیگر، مواردی همچون سودگرایی و منفعت‌طلبی شخصی و لذت‌طلبی، این نهاد مقدس را با تزلزل مواجه ساخته است. البته افزایش آمار طلاق و فروپاشی نظام خانواده یک مسأله جهانی است. بسیاری از نویسندگان غربی معتقدند امروزه در جوامع غربی، ازدواج به شکل سنتی، در حال ناپدید شدن است و تعداد طلاق‌ها رو به افزایش است؛ مثلاً افزایش طلاق در کشور انگلیس در هر سال حدود ۱۰ درصد است. وزیر دولت محلی انگلستان افرادی را که زندگی تک‌والدی را برگزیده‌اند، نکوهش کرده و این نوع خانواده را در بروز بسیاری از مشکلات کشورهای غربی از جمله بریتانیا مقصر دانسته است (معاونت پژوهش، ۱۳۸۶، ص ۱۷۰).



در کشور ایران نیز در سال‌های اخیر، طلاق رشد بالایی داشته است. در سال ۹۳ در هر ساعت، ۱۹ خانواده در ایران از هم فروپاشیده است. نرخ ازدواج کاهش ۶/۷ درصدی و نرخ طلاق، افزایش ۸/۵ درصدی در سال ۹۵ را نشان می‌دهد (مرکز آمار ایران). «هم‌اکنون ایران از نظر طلاق در رتبه چهارم دنیا قرار دارد» (صدرالاشرفی و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۲۸). در بین عوامل درون‌شخصیتی که شامل تک‌تک ویژگی‌ها و خصوصیات درونی و اخلاقی زوجین می‌شود، عدالت‌محوری یک ویژگی مهم است که می‌تواند در ثبات خانواده نقشی مؤثر داشته باشد.

ارزش عدالت‌محوری

عدالت از دیرباز از مهم‌ترین دغدغه‌های بشر بوده است و در تمامی مکاتب فلسفی و اخلاقی و همچنین ادیان مورد توجه بوده است. عدل به معنای موزون بودن و تناسب اجزاء در یک مجموعه است؛ برای اینکه بتواند به هدف خود نائل آید (مطهری، ۱۳۷۵، ص ۵۵). معنای دیگر عدل، میانه‌روی، اعتدال و رعایت حد وسط است. «خَيْرُ الْأُمُورِ أَوْسَطُهَا»؛ بهترین کارها میانه‌روی است (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۵۳۷). همچنین عدل به معنای رعایت استحقاق‌ها و عطا کردن به هر ذی‌حقی آنچه استحقاق آن را دارد آمده است؛ به این معنا که وقتی طرف مقابل حقی دارد، بر انسان لازم است که حق او را ادا کند (مطهری، ۱۳۷۵، ص ۵۷). «الْعَدْلُ يَضَعُ الْأُمُورَ مَوَاضِعَهَا»؛ عدل امور را بر جای خود می‌نهد (نهج‌البلاغه، حکمت ۴۳۷). عدالت عبارت است از رعایت حدود (افلاطون، ۱۳۶۸، ص ۲۸). ارسطو عدل را بر دو گونه می‌داند؛ عدلی که قانونی است و عدلی که در نبشته‌خوان نیامده است؛ یعنی عدل قانونی و عدل اخلاقی (ارسطو، ۱۳۸۱، ص ۳۳۶).

در اسلام عدل که یکی از صفات خداوند است، از اصول دین شیعیان به شمار می‌رود و این موضوع، اهمیت این صفت را می‌رساند؛ و چنان با اصول بنیادی اسلام درآمیخته است



که گویا: «اسلام منهای عدل مساوی است با اسلام منهای اسلام و انکار عدل درواقع با انکار اسلام یکی است» (محمدی ری شهری، بی تا، ص ۸۵).

در نظام آفرینش، عدل از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است؛ به طوری که اساس نظام عالم و اراده و مشیت الهی، بر پایه عدل است که آن را عدالت تکوینی، وجودی و یا فلسفی می‌نامند (جعفری تبریزی، ۱۳۷۸، ص ۱۰). «شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُوا الْعِلْمِ قَانِمًا بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ» (آل عمران/۱۸)؛ خداوند خود شاهد است بر اینکه معبودی جز او نیست، ملائکه و صاحبان علم نیز شهادت می‌دهند به یگانگی او و اینکه او همواره به عدل قیام دارد، معبودی جز او که عزیز و حکیم است وجود ندارد.

از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است: «بِالْعَدْلِ قَامَتِ السَّمَوَاتُ وَ الْأَرْضُ»؛ آسمان‌ها و زمین بر عدل استوارند (کاشانی، بی تا، ص ۱۱۴). «این تعبیر، رساترین تعبیری است که درباره عدالت ممکن است بشود؛ یعنی نه تنها زندگی محدود بشر در این کره خاکی بدون عدالت برپا نمی‌شود، بلکه سرتاسر جهان هستی و آسمان‌ها و زمین، همه در پرتو عدالت و تعادل نیروها و قرار گرفتن هر چیزی در مورد مناسب خود برقرار هستند و اگر لحظه‌ای به مقدار سرسوزنی از این اصول منحرف شوند، رو به نیستی خواهند گذارد» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ص ۳۰۲). عدالت در نظام عالم باعث شده است که تمام اجزاء در سیستم پیچیده عالم، هماهنگ و منظم به کار و فعالیت خود مشغول باشند و باوجود گسترگی و تنوع و تعدد بی نظیر اجزاء، فعالیت هیچ جزئی مانع و مزاحم جزء دیگر عالم نباشد. انسان عدالت‌محور به اخلاق، قانون و حقوق دیگران پایبند است، در بینش و گرایش خود به آن ارزش و بها می‌دهد و در مقام عمل هم مراقب و مواظب اعمال و رفتار خود هست که مبدا نظری، سخنی و یا عملی مخالف عدل و انصاف از او سرزنند. یکی از ویژگی‌های انسان نمونه و داشتن نفس به عدالت‌محوری است. «عِبَادَ اللَّهِ إِنَّ مِنْ أَحَبِّ عِبَادِ اللَّهِ إِلَيْهِ عَبْدًا أَعَانَهُ اللَّهُ عَلَى نَفْسِهِ، قَدْ أَلَزَمَ نَفْسَهُ الْعَدْلَ فَكَانَ أَوَّلَ عَدْلِهِ نَفْيُ الْهَوَى عَنْ نَفْسِهِ يَصِفُ الْحَقَّ وَ يَعْمَلُ بِهِ (نهج البلاغه، خطبه ۸۷)؛ ای بندگان خدا! همانا از بهترین و محبوب‌ترین بندگان نزد خداوند، بنده‌ای است که خداوند او را در



پیکار با نفسش یاری کرده است... او خود را به عدالت واداشته و آغاز عدالت او، آنکه هوای نفس را از دل بیرون رانده است، حق را می شناساند و به آن عمل می کند.

نکته قابل توجه در این فرمایش امیرالمؤمنین (علیه السلام) این است که در ابتدای خطبه می فرماید: «أَعَانَهُ اللَّهُ عَلَى نَفْسِهِ» به این معنا که عدالت محوری یکی از توفیقات الهی است که باید مدد الهی شامل حال انسان شود تا بتواند به طور شایسته حق عدالت را در تمام ابعاد آن به جا آورد چراکه موانع مختلفی، از جمله هوای نفس و منیت و خودمحوری بر سر راه انسان قرار دارد و انسان نیازمند یاور و حامی در این زمینه است (هاشمی خوئی، بی تا، ص ۳۷۱).

نکته دیگر در عبارت «قَدْ أَلَزَمَ نَفْسَهُ» نهفته است؛ انسان عادل، نفس خود را ملزم به رعایت عدالت می سازد. به عبارت دیگر، ویژگی عدالت محوری نیازمند مراقبت و تلاش دایم است (قمی مشهدی، ۱۳۶۸، ص ۵۶۱). چنین ویژگی (عدالت محوری) خود به خود به وجود نمی آید و اراده ای محکم و بینشی صحیح در این زمینه لازم است (دلشاد تهرانی، ۱۳۹۰، صص ۲۰۱ الی ۲۰۷)؛ چراکه نفس انسان، او را به خودخواهی و خودمحوری دعوت می کند. بنابراین لازم است انسان، دائم بر اعمال نفس مراقبت نماید. این پاسبانی درونی است و جدای از قانون و مراقبین و بازرسین بیرونی است.

عدالت محوری موجب می شود انسان نه مورد ظلم واقع شود، و نه خود به دیگران ظلم کند. خانواده نیز یک واحد اجتماعی کوچک است که عدالت محوری در تمامی ابعاد و جزئیات آن لازم است. عدالت محوری در خانواده به معنای رعایت استحقاق ها با قرار دادن هر چیز در جای خود و پرهیز از افراط و تفریط در تمامی زمینه هاست که عدم رعایت عدالت، حتی در جزئی ترین زمینه از زندگی خانوادگی، باعث اختلال و بی ثباتی و فروپاشی نظام خانواده می گردد. تعادل و عدالت محوری در همه ابعاد زندگی خانوادگی لازم است که به برخی از ابعاد آن اشاره می شود.



تعادل زوجین (کفو بودن)

یکی از موارد مهمی که در ازدواج و تشکیل خانواده و تحکیم آن نقش مهمی دارد، تعادل زوجین، به معنای کفو بودن است که در لغت به معنای مثل و مانند و شبیه در حَسَب و مال و جنگ (فراهِیدی، ۱۴۰۹، ج ۵، ص ۴۱۴) است. کفویت در ازدواج، به معنای این است که زن و مرد در حَسَب و دین و نَسَب و خانه و مانند آن یکسان باشند (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۱۳۹). البته «اصل زوجیت، کفویت فکری، عقیدتی، اخلاقی و رفتاری داوطلبان ازدواج را می‌طلبد و نه تمکن مالی و تبار اقتصادی و اجتماعی خانواده‌ها و خویشاوندان ذی‌ربط را» (افروز، ۱۳۸۰، ص ۲۳).

شخص عدالت‌محور سعی می‌کند کفو خود را انتخاب کند؛ چرا که کفو هر شخصی در باورها، شئونات، خواسته‌ها و عملکردها نزدیک به اوست. وقتی کفویت برقرار باشد، انتظارات و خواسته‌های زوجین از یکدیگر نیز تعدیل می‌شود. کفو بودن زوجین در زمینه‌های مختلفی مطرح است؛ از جمله در ایمان و اعتقاد. در قرآن مکرر تأکید شده که زنان مؤمن و پاک، شایسته مردان مؤمن و پاک هستند و زنان مشرک و خبیث و بدسرشت، شایسته مردان مشرک و خبیث و بدسرشت هستند (النور/ ۲۶ و البقرة/ ۲۲۱).

«کفویت در جنبه‌های ایمانی، فکری، اقتصادی و... مطرح است، اما تکیه اسلام در کفویت، بیشتر بر مسأله ایمان و اعتقاد است» (عظیم‌زاده و سرخ حصار، ۱۳۹۶، ص ۶۹). دلیل این تأکید نیز اهمیت این موضوع است؛ چراکه شالوده و اساس تفکر، رفتار و برنامه زندگی هر انسانی، براساس نوع جهان‌بینی، اعتقادات، باورها و ارزش‌های اعتقادی اوست.

البته همسانی زوجین در امور اعتقادی در دیگر ادیان نیز مطرح است؛ «بر حسب آمارهای مربوط به کشورهای غربی، یهودیان بیش از دیگران از ازدواج با غیرهم‌کیشان خود اجتناب می‌ورزند و در میان مسیحیان، کاتولیک‌ها بیشتر به ازدواج درون‌گروهی روی می‌آورند» (بستان، ۱۳۸۸). میزان بالای تفاوت در عقاید بین زوجین، احساس زیان را برای فرد به

وجود می‌آورد و تقاضای طلاق را در بین آنان بالا می‌برد (غیائی و همکاران، ۱۳۸۳، ص ۱۰۱).

بنابراین «در انتخاب همسر با توجه به دستور دین باید عاقلانه انتخاب کرد و نباید تحت تأثیر عوامل احساسی قرار گرفت» (خلیلی حسین‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۸، ص ۸۶)؛ چرا که تغییر دیدگاه و اعتقادات، به آسانی میسر نیست و نباید زوجین تصور کنند که اصل، عشق و محبتی است که بین آنها ایجاد شده و اختلاف عقیده بعد از ازدواج خودبه‌خود حل خواهد شد. در صورت اختلاف در عقاید زوجین، یا یکی از طرفین، باید دست از عقاید خود بردارد تا اختلافات برطرف شود و یا اینکه کار به جدایی می‌کشد. ممکن نیست زوجین با هم زندگی مشترک داشته باشند و هر کس به دین و آیین خود باشد؛ «اگر مسلمانی را سراغ دارید که با فرد بی‌دینی ازدواج کرده و در کمال مهر و آرامش زندگی می‌کند، مطمئن باشید او هم مسلمان نیست، بی‌دینی است در قالب مسلمانی، چرا که عملکرد هر کدام بر اساس فرهنگ و اعتقادات اوست و چگونه ممکن است دو فرهنگ متباین در جنبه اجرا و عمل، متفاوت نباشند؟» (قائمی، بی‌تا، ص ۲۴۹).

حال اگر یکی از زوجین از نظر اعتقادی و درجه پایبندی به اصول و ارزش‌های دینی متفاوت با دیگری باشد و برای استحکام و تداوم زندگی مشترک به ناچار سر تسلیم فرود آورد، در حق او ظلم صورت گرفته است. شخص عدالت‌محور به خود این اجازه را نمی‌دهد که به دلایل مختلفی مانند عشق و علاقه و... با شخصی ازدواج کند که از نظر ایمان و تقوا در سطح بالاتری از خودش قرار دارد؛ چرا که برای مرتبه بالای ایمان طرف مقابل، ارزش قائل است؛ مگر اینکه تصمیم داشته باشد که در ایمان و اعتقادات، مراتب رشد و کمال را طی کند. در صورت عدم کفویت و هم‌ترازی در اعتقادات، زوجین با مشکلات متعددی روبرو می‌شوند. «ما حتی گاهی با زن و مردی مواجه هستیم که از یکدیگر گله دارند که چرا نماز شب نمی‌خواند؟ چرا نمازش را اول وقت انجام نمی‌دهد؟ چرا برای فرزندانش الگوی عبادت



و تقوای مناسبی نیست؟ گاهی اینان از این تضادها آنچنان به ستوه می آیند که حاضر می شوند تن به جدایی و متارکه دهند» (قائمی، همان، ص ۲۵۰).

قبل از ازدواج برای انتخاب، نهایت توجه و دقت لازم است؛ اگر انتخاب و تشکیل زندگی مشترک انجام شد و زوجین بعد از آن متوجه تفاوت بین خود و همسرشان در زمینه های گوناگون شدند، در این صورت عدالت محوری ایجاب می کند که شخصی که در این زمینه پایین تر است، تلاش نماید خود را رشد دهد. البته طرف مقابل نیز باید با راهنمایی و مدارا و سازگاری و صبر و تغافل، زمینه را برای ایجاد تغییرات در همسر خود فراهم نماید. تغافل یعنی چشم پوشی کردن از چیزها (فراہیدی، ۱۴۰۹، ج ۴، ص ۳۷۱) و نادیده گرفتن قضایاست. تغافل، مصلحت زندگی و لازمه معاشرت با مردم شمرده شده است (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ص ۳۵۹). البته باید در نظر داشت که در تغافل نباید حرام خدا، حلال شود و یا حلالی، حرام شود؛ بنابراین کسی که اعتدال و میانه روی را در زندگی خود اصل مهمی قرار می دهد، با توجه به شرایط، گاهی چشم پوشی کرده، تغافل می کند، گاهی با برخورد کریمانه از موضوع عبور می کند و گاهی نیز دلسوزانه تذکر می دهد و در همه حال بر احساسات و خشم خود غلبه دارد. «گذشت از خطای دیگران، به ویژه همسر، نه تنها نقصان به حساب نمی آید، بلکه عین درایت و پختگی است» (خلیلی حسین آبادی و همکاران، ۱۳۹۸، ص ۱۲۸).

امروزه به دلایلی مانند مهاجرت، تحصیلات، اشتغال و... ارتباط افراد در سطح بسیار وسیع تری با فرهنگ های متفاوت و به دنبال آن ازدواج ها نیز در پهنه وسیع تر جغرافیایی، مذهبی و فرهنگی شکل می گیرد که ممکن است برای زوجین مشکل ایجاد کند. آنچه در این زمینه مهم است و باید بدان توجه شود، این است که خانواده ها و خود زوجین باید مراقب باشند با توجه به اختلاف فرهنگ ها، سطح تحصیلات، شخصیت و... هم سطح و هم ردیف خود را انتخاب کنند تا سعادت و خوشبختی نصیب هر دو طرف گردد و به هیچ یک ظلم نشود. «عدم تناسب فرهنگ خانوادگی و روحیات زن و مرد با یکدیگر، از عوامل مهم طلاق است و این مسأله ای است که باید قبل از اختیار همسر، دقیقاً مورد توجه قرار گیرد که



زوجین علاوه بر اینکه کفو مذهبی یکدیگر باشند، کفو فرعی نیز باشند؛ یعنی تناسب‌های لازم از جهات مختلف در میان آن دو رعایت شود. در غیر این صورت، نباید از به هم خوردن چنین ازدواج‌هایی عجب کرد» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲۴، ص ۲۲۹).

معمولاً در چنین ازدواج‌هایی، فردی که در مرتبه پایین‌تر قرار دارد، به دلیل احساس (مستقیم و غیرمستقیم) کمبودها و حقارت‌هایی در خود، دچار افسردگی و کینه می‌شود و از طرف دیگر، به زوج مقابل نیز ظلم می‌شود؛ چرا که او نیز همسر و همراهی متناسب با شأن خود می‌خواهد تا در کنار او به آرامش برسد. زن و شوهر باید بتوانند در مناسبات و روابط اجتماعی خود همراه یکدیگر پیش بروند؛ اگر یکی از آن‌ها از شأن و منزلت خوبی در بین مردم برخوردار باشد و دیگری نتواند چنین جایگاهی برای خود داشته باشد، مسلماً این نقص برای هردوی آن‌ها ملال‌آور خواهد بود و احساس نارضایتی از زندگی مشترک برای آن‌ها پدید خواهد آورد؛ بنابراین کفویت در شخصیت و رفتار و مرتبه علمی و فرهنگ خانوادگی برای زوجین کاملاً لازم و ضروری بوده و نباید نسبت به آن بی‌توجه بود.

کفویت در مال و شرایط اقتصادی

کفویت در مال و شرایط اقتصادی، به خودی خود، خیلی مهم نیست، ولی از آنجا که شرایط اقتصادی بر ابعاد دیگر زندگی تأثیرگذار است، ممکن است اختلاف در زمینه اقتصاد و معیشت خانواده زوجین باعث بروز مشکلاتی بین زوجین گردد. البته «بیشتر فقهای شیعه کفویت در مال را شرط ازدواج ندانسته و به مسلمان بودن زوجین اکتفا کرده‌اند؛ زیرا خداوند وعده داده که با ازدواج، فقر به گشایش تبدیل می‌شود. ولی برخی دیگر کفویت در مال را نیز شرط دانسته‌اند؛ به این معنا که مرد باید توان تأمین مخارج و قدرت پرداخت نفقه‌ای که در شأن همسر باشد را داشته باشد» (مرکز فرهنگ و معارف قرآن، ۱۳۸۲، ج ۳، ص ۵۵۵). بنابراین اگر اختلاف طبقاتی، متضمن اختلاف شدید تربیتی و خواسته‌ها و انتظارات باشد، باعث



می‌شود که بین خواسته‌ها و طرز اندیشه‌ها توافقی نباشد و در نتیجه این تعارض‌ها بین زوجین اختلاف حاصل شود.

یکی دیگر از ابعاد کفویت، هم‌ترازی زوجین از نظر سنی است. دلیل این مسأله آن است که انسان در سنین مختلف زندگی ویژگی‌های خاص آن دوره و نیازهای خاص آن زمان را دارد. به عنوان نمونه، انسان در هنگام جوانی، شور و هیجان بیشتری دارد، اهل خطر کردن است، بیشتر تابع احساسات است و راحت‌تر تغییر می‌پذیرد. ولی در سنین بالاتر، اغلب اهل آرامش و احتیاط می‌شود، عقلانیت در زندگی او پر رنگ‌تر می‌گردد و کمتر قابل تغییر است. بنابراین همگام با این تغییرات، نیازهای انسان در سنین مختلف نیز تغییر پیدا می‌کند و وقتی دو نفر با فاصله سنی زیاد با هم زندگی مشترکی را شروع می‌کنند، تعارض و گاهی تضاد در نیازها و تمایلات پیدا می‌کنند که این موضوع باعث نزاع و کشمکش بین آنان شده و می‌تواند مانع تحکیم ارکان خانواده شود.

بنابراین در مجموع لازم است بین زوجین از جهات مختلف مانند مذهب، فرهنگ، سن، تحصیلات، شخصیت اجتماعی و موارد دیگر کفویت و هم‌شانی وجود داشته باشد. اگر چنین همانندی وجود نداشته باشد، ارکان خانواده سست و متزلزل شده، به جدایی بین زوجین می‌انجامد و یا در صورت ادامه زندگی مشترک بین زوجین، یکی از آنان باید متحمل ظلم و ضرر گردد.

تعادل در باروری

یکی از اهداف ازدواج، فرزندآوری و افزایش نسل پاک است. این موضوع در تعالیم اسلامی نیز تأکید شده است. پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرمایند: «اَطْلُبُوا الْوَلَدَ فَإِنَّیْ أَكَاثِرُ بِكُمْ الْأُمَّمَ غَدًا» (ابن بابویه، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۱۰۵)؛ فرزند داشتن را طلب کنید که فردای قیامت من بر زیادی امتم بر سایر امت‌ها مباحثات خواهم کرد. در عصر حاضر که سیاست کاهش جمعیت از سوی دنیای غرب، ترویج می‌شود و تعداد فرزندان در یک خانواده ایرانی، کمتر از تعداد



فرزندان در یک خانواده صهیونیست اسرائیلی یا یک خانواده آمریکایی است (عظیم زاده و سرخ حصاری، ۱۳۹۶، ص ۶۷)، باید به این موضوع بیشتر دقت شود.

از ویژگی‌های فطری انسان، میل به بقا و ابدیت خواهی و گریز از فنا و مرگ است که میل به داشتن فرزند، یکی از نشانه‌های این میل فطری است (ذوفقاری، ۱۳۹۵، ص ۶). در دنیایی که روابط جنسی تا این حد شکننده و از نظر اخلاقی تضعیف گردیده، وجود فرزند می‌تواند این پیوند بی‌ثبات را التیام بخشد و شوری دوباره در دل زوجها ایجاد کند (ریبنز مک کارتی و روزالیند، ۱۳۹۰، ص ۴۴۸).

در این زمینه، مسأله تنظیم خانواده اهمیت ویژه‌ای دارد. پر واضح است که همه خانواده‌ها از نظر شرایط و امکانات مادی و معنوی، یکسان نیستند؛ باوجود اینکه «فرزندآوری از اهداف ازدواج بوده و مورد تأکید دین اسلام و سایر ادیان آسمانی است» (آذربایجانی و همکاران، ۱۳۸۵، ص ۱۱)، ولی اگر این فرزندآوری موجب عسر و حرج خانواده گردد، کنترل آن نه تنها خلاف نیست؛ بلکه هم عقل و هم شرع، آن را مجاز می‌داند. طبق قاعده نفی ضرر (نه زیان دیدن، و نه زیان رساندن، در دین اسلام روا نیست) (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۲۸۰) و نفی حرج (در دین بر شما هیچ مشقت و سختی نیست) (الحج/۷۸)، اگر فرزندآوری به هر نحوی برای زوجین و یا خانواده ضرر داشته و آنها را به عسر و حرج بیندازد، زوجین می‌توانند با در نظر گرفتن مصلحت خانواده، مانع از فرزنددار شدن خود گردند و یا تعداد فرزندان را به حداقل برسانند. بنابراین با توجه به اهمیت فرزندآوری از یک طرف، و جواز ممانعت از فرزندداری در صورت عسر و حرج و ضرر از طرف دیگر، لازم است در این زمینه بین زوجین و خواسته‌ها و انتظارات آنان در این زمینه تعادل وجود داشته باشند. گاهی یکی از زوجین فرزند بیشتری می‌خواهد و دیگری آمادگی و یا توان آن را ندارد که در این صورت ممکن است به او صدمات روحی و یا جسمی وارد شود. گاهی نیز یکی از زوجین اصلاً تمایلی به فرزنددار شدن ندارد؛ بدون این‌که شرایط طرف مقابل را در نظر داشته باشد که در این صورت، به یقین به طرف مقابل ظلم می‌شود؛ درحالی‌که



عدالت محوری ایجاب می‌کند تمایلات طرف مقابل نیز در نظر گرفته شود و با خودخواهی و خودمحوری در این زمینه تصمیم‌گیری نشود.

تعاادل در تقسیم کار

خانواده کانون مشترکی است که بر اساس مهر و محبت و مودت بنا گشته است و زن و مرد با تلاش و همکاری، چرخ آن را به حرکت درمی‌آورند و این همکاری از زمان‌های بسیار قدیم کاملاً مشهود بوده است (بستان، ۱۳۸۸، ص ۱۳۷). تقسیم‌بندی وظایف زن و مرد در زندگی نمونه و موفق حضرت علی (علیه السلام) و حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) نیز انجام شده است. به این ترتیب که کارهای بیرون از منزل بر عهده امام علی (علیه السلام) و کارهای داخل منزل بر عهده حضرت زهرا (علیها السلام) نهاده شد و آنان از این تقسیم‌بندی بسیار خرسند بودند (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۳، ص ۸۱). در تعالیم اسلامی نیز این تقسیم‌بندی براساس ویژگی‌های فطری زن و مرد صورت گرفته است. «برخی دانشمندان بر نقش محوری تقسیم کار جنسیتی در حفظ پیوستگی و انسجام خانواده تأکید کرده‌اند» (خطیبی، ۱۳۹۷، ص ۱۰).

البته در تقسیم‌بندی وظایف، نباید خانواده را مانند یک نظام خشک اداری تلقی نمود که هر یک از کارکنان مستقل از دیگری انجام وظیفه نماید، بلکه خانواده اجتماع کوچکی است که زوجین، آن را بر اساس مودت و محبت به منظور رسیدن به آرامش، تشکیل داده‌اند که هر گاه وظیفه و مسئولیت یکی از آنها بر دوش وی سنگینی نمود، دیگری با شوق و صمیمیت به یاری او می‌شتابد. «این صحیح نیست که زن یا شوهر طرف مقابل خود را اسیر و کلفت بی‌اجر و مزد تصور کند و به هرگونه که خواست بر او حکم براند» (قائم‌ی، بی‌تا، ص ۲۵۱). عدم رعایت حال یکدیگر در تقسیم مسئولیت زوجین در خانواده، به مرور زمان، موجب رنجور شدن و فرسودگی و نارضایتی در آنها می‌گردد.

مؤمن باید اوقات شبانه‌روز خود را به سه بخش عبادت، کار، تفریح و استراحت تقسیم کند (نهج‌البلاغه، حکمت ۳۹۰)؛ بنا بر این فرمایش مدبرانه، صحیح نیست که مثلاً یکی از



زوجین، همه اوقات شبانه‌روز خود را به کار اختصاص دهد و از سایر نیازها و ابعاد وجودی خود غافل گردد؛ درحالی‌که دیگری از اوقات فراغت بیشتری برخوردار باشد. گاهی مرد خانواده با وجود بیماری و ناتوانی، هیچ فرصتی برای استراحت و یا درمان خود نیز باقی نمی‌گذارد و یا گاهی این وضعیت برای زن در خانواده پیش می‌آید که در این صورت هنگامی که تعادل در کار و تفریح و استراحت وجود نداشته باشد، سلامتی روحی و جسمی نیز در معرض خطر قرار خواهد گرفت و نتیجه آن چنین می‌شود که زوجین در کنار هم احساس آرامش و شادکامی نخواهند داشت. عدالت‌محوری ایجاب می‌کند در مواردی که کار یکی از زوجین سخت‌تر و سنگین‌تر است، همسر او با درک شرایط و سختی کار وی، بار اضافه‌ای بر دوش وی نیفکند و تا حد امکان باری از دوش او بردارد. مثلاً در مواردی که یکی از آنها مجبور به کار شبانه در بیرون از منزل است، همسر وی در روز، زمینه را برای استراحت و تجدید قوای او فراهم نماید.

از طرف دیگر، گاهی برخی افراد نسبت به خانواده و اهل و عیال خود با بی‌مسئولیتی برخورد کرده و یا در این زمینه تلاش حداقلی دارند. به‌طور مثال، برخی مردان فقط در ساعت اداری موظف در اداره و یا شرکت مشغول به کار می‌شوند و بقیه روز را به استراحت و یا بطالت می‌گذرانند و اهل خانه در مشقت و سختی، زندگی خود را می‌گذرانند؛ درحالی‌که در چنین شرایطی مرد می‌تواند با برنامه‌ریزی، ساعات بیشتری به کار و فعالیت بپردازد و با اشتغال به کارهای متنوع دیگر، درآمد بیشتری برای رفاه خود و خانواده کسب کند که «ایجاد گشایش مادی برای اعضای خانواده در حد توان، از وظایف اوست» (تقوی‌پور و همکاران، ۱۳۹۶، ص ۱۳۶). این موضوع در بین زنان نیز مشاهده می‌شود که در قبال همسر و فرزند و خانواده خود هیچ احساس مسئولیت و تعهدی نمی‌کنند و تمام وقت خود را به امور بیهوده و زخارف دنیوی معطوف می‌دارند.

از طرفی، بر اساس دیدگاه فقهی و حقوقی، خانه‌داری و انجام امور مربوط به آن برای زن الزامی نیست. بنابراین می‌تواند حتی در برابر آن و یا در برابر تربیت و نگهداری فرزندان



(و نیز شیردادن به نوزاد) اجرت بخواهد (عباس‌نژاد، ۱۳۸۴، ص ۲۹۰)، ولی از نظر اخلاقی و انسانی، زن و مردی که با هم اقدام به تشکیل زندگی مشترک نموده‌اند، باید با هم همکاری و همراهی داشته باشند تا بتوانند زندگی موفق و شاد و سالمی در کنار یکدیگر داشته باشند و اساس شراکت هم همین است که شرکا در سود و زیان هم شریک باشند.

توجه بیش از اندازه زنان به امور خانه و یا فرزندان و یا اشتغال در ساعات کاری زیاد، باعث غفلت از توجه به سلامتی خود و یا نیازهای همسرشان و یا تربیت فرزندان می‌گردد. در این رابطه، موضوع اشتغال اهمیت زیادی دارد. اشتغال زنان در بیشتر موارد نیاز واقعی خانواده و جامعه نیست؛ بلکه به تبع تغییراتی مانند صنعتی‌شدن جامعه و مصرف‌گرایی و پیدایش نیازهای کاذب است. جهاد و تلاش زن در منزل، همسررداری (نهج‌البلاغه، حکمت ۱۳۶) و تربیت فرزند است و وظیفه‌ای در قبال تأمین مخارج خانواده ندارد و علاوه بر این، توانایی‌های جسمی و روحی او نیز متناسب با انجام کارهای سخت و طولانی مدت بیرون از منزل نیست. یک مادر شاغل باید بین کار و خانواده‌اش توازن برقرار نماید؛ به این معنا که او ناچار است هر دو جنبه زندگی را مورد توجه قرار دهد و چنین نقش‌های متفاوتی او را با تنش‌های زیادی مواجه می‌سازد (ریبنز مک کارتی و روزالیند، ۱۳۹۰، ص ۶۰۴).

اشتغال زنان باعث بالا رفتن سطح استقلال اقتصادی و انتظارات آنان و عدم توانایی در تأمین نیازهای روحی و عاطفی شوهران گشته و بروز اختلال در روابط خانوادگی چنین خانواده‌هایی دور از انتظار نیست و احتمالاً به همین دلیل است که محققان، شاخص‌های بی‌ثباتی خانواده، از جمله اندیشیدن در مورد طلاق را در خانواده‌هایی با زنان شاغل، بالاتر یافته‌اند (بستان، ۱۳۸۸، ص ۲۰۹). بنابراین لازم است در این زمینه فرهنگ‌سازی مناسبی از طرف خانواده، مراکز آموزشی، رسانه‌ها و... انجام شود که «لَا تُمْلِكِ الْمَرْأَةُ مِنَ الْأَمْرِ مَا جَاوَزَ نَفْسَهَا» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۵۱۰)؛ کاری که برتر از توانایی زن است به او وامگذار. «فَإِنَّ الْمَرْأَةَ رِيحَانَةٌ وَ لَا يَسْتَبِقُهَا مَانَةٌ» (نهج‌البلاغه، نامه ۳۱)؛ زن گل بهاری است، نه قهرمان [کارگزار و خدمتکار].



اسلام با غیرت و جوانمردی، از شرف و عفت و ناموس و روح و جسم زن محافظت می‌نماید. با توجه به اینکه زن در قبال تأمین مخارج خانواده مسئولیتی ندارد، مگر در موارد خاص، دین اسلام نیز با اشتغال زنان مخالف نیست؛ بلکه مراعات توانایی‌های جسمی و روحی زنان را می‌کند؛ برخلاف جوامع صنعتی استکباری که به زن به دید یک کارگر ارزان قیمت و کم توقع می‌نگرد، دین اسلام با استقلال اقتصادی و آزادی حضور زنان در اجتماع هیچ مخالفتی ندارد، بلکه «به زنان توصیه شده با حفظ اولویت مسئولیت‌های خانوادگی، در فعالیت‌های اجتماعی حضور داشته باشند» (تقوی‌پور و همکاران، ۱۳۹۶، ص ۱۳۷). بلکه آنچه مورد تأکید است، حفظ و حراست از قوای جسمانی و روحانی زنان و جایگاه اجتماعی ایشان است و اینکه ارزش و مقام واقعی زن، اجازه کار و اشتغال در هر شغل و مکانی را به او نمی‌دهد. نقش همسری برای یک زن بعد از ازدواج، اجباری، ولی نقش او در زمینه اشتغال، نقشی اختیاری است (سیف، ۱۳۶۸، ص ۱۱۸).

در زمینه تعادل در تقسیم کار در خانواده، لازم است فرزندان خانواده متناسب با سن خود، برخی مسئولیت‌ها را برعهده بگیرند. متأسفانه امروزه زوجین در خانواده‌ها همه بار زندگی را خود به دوش می‌کشند؛ به این امید که زمینه مساعدی برای درس و تحصیل فرزندان خود فراهم نمایند؛ در صورتی که در زمان‌های پیش، اغلب فرزندان، هم کار می‌کردند و هم درس می‌خواندند و در بیشتر موارد هم بسیار موفق بودند. اینکه به فرزندان در منزل هیچ مسئولیتی واگذار نشود، چون ممکن است از عهده آن برنیایند، یا اینکه به او مسئولیتی واگذار نشود تا بتواند در امر تحصیل خود موفق باشد، فکری کاملاً اشتباه و برآمده از عدم اعتدال است. آموزه‌های دینی اسلام چنین طرز تفکری را بیان ننموده است. بلکه راهکاری بسیار عالی در این زمینه دارد؛ زوجین باید با همفکری یکدیگر، متناسب با سن و توانایی فرزندان، بعضی از امور خانواده را به آنان واگذار نمایند که در این صورت هم تعادل در خانواده بهتر برقرار می‌شود و هم فرزندان مسئولیت‌پذیری را که یکی از گزاره‌های ارزشی نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی است (سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، بند ۲۳)،



به صورت عملی در جریان زندگی فرامی گیرند. بنابراین در یک خانواده عدالت محور لازم است با رعایت استحقاق‌ها (در نظر گرفتن شرایط روحی، جسمی، سنی و جنسی اعضا) مسئولیت‌ها در بین اعضای خانواده تقسیم شود و هرکدام از اعضا خود را موظف بداند در انجام مسئولیت‌های خود کوتاهی نکند. با برنامه‌ریزی صحیح، کار و فعالیت و استراحت و تفریح شامل همه افراد خانواده بشود و به خصوص زوجین در این زمینه حال یکدیگر را رعایت کنند.

عدالت در تعدّد زوجات

موضوع تعدّد زوجات، از مواردی بحث‌برانگیزی است که از زمان‌های قدیم در بین همه ادیان مطرح بوده است (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۴، ص ۱۵۴) و «حتی در تورات نیز جلوه‌هایی از آن به چشم می‌خورد» (قائمی، بی‌تا، ص ۱۰۵). بنابراین مسأله تعدّد زوجات از قبل از اسلام بدون هیچ محدودیتی در بین مردم وجود داشته، درحالی‌که دین اسلام در این موضوع محدودیت‌هایی قائل شد. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «... فَأَنْكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَى وَ ثُلَاثَ وَ رُبَاعَ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً...» (النساء/۳)؛ پس آن کس از زنان را به نکاح خود درآورید که شما را نیکو و مناسب با عدالت است: دو یا سه یا چهار (نه بیشتر) و اگر بترسید که چون زنان متعدّد گیرید، راه عدالت نیموده و به آنها ستم کنید، پس تنها یک زن اختیار کنید.

از آنجا که قوانین اسلام، کامل و بدون عیب و نقص است، در این زمینه نیز حکم را کامل بیان نموده و می‌فرماید: اگر می‌توانید بین چند همسر به عدالت رفتار کنید، تنها یک زن اختیار کنید و نه بیشتر. در این جمله حکم مسأله را معلق به خوف کرده و نه علم. به این معنا که فرموده: «اگر می‌توانید» و نفرموده «اگر می‌دانید که نمی‌توانید عدالت برقرار کنید». علّت آن است که در این امور، وسوسه‌های شیطانی و هواهای نفسانی اثر روشنی در آن دارد



(طباطبایی، ۱۳۹۰، ص ۱۶۸)؛ یعنی حتی ترس از بی عدالتی نیز مانع از اختیار بیش از یک زوج می شود.

در حکم تعدّد زوجات، عموماً به ابتدای حکم توجه و دقت شده و به ادامه حکم عنایتی نشده است. واقعیت این است که اگر قسمت دوم حکم (شرط برقراری عدالت بین چند همسر) بیشتر بین مردم روشن شود و روی آن تأکید شود، دلیلی ندارد این مسأله از سوی زنان باعث دل آزرده‌گی و رنجش شود و زنان با حساسیت خاصی با آن برخورد نمایند؛ بلکه این حساسیت و نگرانی از آن مردانی خواهد بود که بیش از یک زن اختیار کرده و یا تصمیم به انجام چنین کاری دارند. البته عرف و فرهنگ جامعه نیز در این زمینه بی تأثیر نیست؛ چراکه فرهنگ جامعه بر روی قسمت اول آیه، یعنی تعدّد زوجات (هو)، بسیار حساسیت نشان می دهد، ولی به قسمت دوم آیه که تأکید بر عدالت محوری در همه ابعاد زندگی دارد، هیچ توجه و عنایتی ندارد (بابازاده، ۱۳۹۰، صص ۲۰۱-۱۹۳). رسانه ها و مطبوعات نیز در زمینه ایجاد این حساسیت و نگرش منفی بی تقصیر نبوده اند.

عدالت بین همسران باید هم در تأمین ضروریات زندگی، مانند خوراک و پوشاک و مسکن رعایت شود، هم در تأمین امکانات رفاهی و تجمّلات و هدیه، و هم در مصاحبت و هم نشینی و ارتباطات زناشویی. البته رعایت دوستی و محبت قلبی عادلانه در بین زنان و اینکه یک مرد به اندازه مساوی زنان خود را دوست بدارد، امری ناشدنی است؛ هرچند بخواهد چنین کند؛ زیرا دوستی یک امر قلبی است و کنترل آن به طور دائم از حیطة اختیار آدمی بیرون است (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۵، ص ۱۰۱). در موضوع محبت، قسمتی که مربوط به قلب است، در کنترل انسان نیست؛ ولی اظهار آن در کنترل انسان است.

عدالت در روابط اعضای اصلی و فرعی خانواده

هسته اولیه خانواده را مرد و زنی که پیوند زناشویی برقرار می کنند، تشکیل می دهند و سپس فرزندان نیز به جمع اضافه می شوند و اعضای اصلی خانواده را کامل می کنند. گاهی در برخی



خانواده‌ها پدر، مادر، خواهر و یا برادر زوجین نیز ممکن است با اعضای اصلی زندگی کنند که اعضای فرعی خانواده را تشکیل می‌دهند. البته پدر و مادر زوجین جایگاه ارزشمندی دارند و از این جهت که نقش اصلی در پیوند زناشویی را زوجین ایفا می‌کنند، والدین آنها اعضای فرعی خانواده محسوب می‌شوند.

موضوعی که باید به آن توجه شود، این است که در نظام خانواده، هر کس باید به وظایف خود کاملاً آگاه بوده و حقوقش نیز رعایت گردد. عدالت‌محوری ایجاب می‌کند در اجتماع کوچک خانواده، هیچ دلیل و بهانه‌ای باعث ظلم به دیگری نشود. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَى أَنْفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ إِنْ يَكُنْ غَنِيًّا أَوْ فَقِيرًا فَاللَّهُ أَوْلَىٰ بِهِمَا فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا» (النساء/۱۳۵)؛ هان ای کسانی که ایمان آورده‌اید! عمل به عدالت را بپا دارید- از روشن‌ترین مصادیق آن این است که- طبق رضای خدا شهادت دهید، هرچند به ضرر خودتان، یا پدر و مادر و خویشاوندان باشد، ثروت توانگر و دلسوزی در حق فقیر وادارتان نسازد به اینکه برخلاف حق شهادت دهید؛ چون خدا از تو، به آن دو مهربان‌تر است، پس هوا و هوس را پیروی نکنید که بیم آن هست از راه حق منحرف شوید.

«قَوَّام» به معنای مبالغه در قیام به قسط یعنی اینکه شخص قوام به قسط، کمال مراقبه را به خرج دهد تا به انگیزه‌ای از هوای نفس یا عاطفه یا ترس و یا طمع و یا غیره از راه وسط و عادلانه، عدول نکند و به راه ظلم نیفتد. پس زنهار که علاقه شما به منافع شخصیتان و یا محبتی که نسبت به والدین و خویشاوندان خود دارید، شما را بر آن دارد که شهادت را یعنی آنچه را دیده‌اید، تحریف کنید و از ادای آن مضایقه نمایید (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۵، ص ۱۰۸). بنابراین گاهی مسائلی مانند خودخواهی، هوای نفس، محبت زیاد، ترس، طمع و... باعث می‌شود در خانواده، حقوق برخی نادیده گرفته شود و به آنها ظلم گردد؛ مثلاً در بعضی خانواده‌ها یکی از زوجین با تحکم بر دیگری، او را تنها وسیله‌ای برای برطرف نمودن نیازهای خود می‌داند؛ بدون اینکه به حقوق، احساسات و عواطف همسر توجهی نماید.



«هنوز عده‌ای با افکار و اندیشه‌های جاهلانه چنین می‌پندارند که در سایه ازدواج به برده‌گیری و یا کلفت‌گیری موفق شده‌اند و متأسفانه این اندیشه نزد برخی مردان، رایج‌تر از زنان است. باید به این عده تفهیم کرد که ازدواج برده‌گیری نیست، زن برده نیست، بلکه مونس زندگی است و مرد کلفت نیست، بلکه همسر و هم‌شان شماس است» (قائم، بی‌تا، ص ۳۰۵).

روابط زن و مرد باید لبریز از مهربانی، دلسوزی و احترام متقابل باشد. «با اینکه زوجین هر دو موظف به رعایت حقوق یکدیگرند، شاید وظیفه مرد در این زمینه بیشتر باشد؛ از آن جهت که زن حساس‌تر و طبعش لطیف‌تر است. متأسفانه گاهی با مردانی مواجهیم که به خودروی خود، بیش از همسرشان اهمیت می‌دهند و اگر خودرو نیاز به تعمیر داشته باشد در تعمیرگاه بالای سر آن می‌ایستند تا اصلاح شود؛ در صورتی که به همسرشان چنین مرحمتی ندارند و یا با زنانی مواجهیم که به میز و مبل و آینه خانه‌شان بیش از همسرشان توجه دارند» (همان).

گاهی بنا به شرایطی، والدین زوجین با آنان در یک خانه زندگی می‌کنند که در این صورت، این موضوع بسیار دقیق و قابل تأمل است. «نیکی به والدین، از احکام عامی است که مختص به شریعت اسلام نیست و در همه شرایع تشریع شده است» (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۹، ص ۱۵). اهمیت توجه و نیکی به والدین در آموزه‌های اسلام نیز بر کسی پوشیده نیست؛ به طوری که مکرر پس از دعوت به یکتاپرستی، نیکی به والدین سفارش شده است. از جمله می‌فرماید: «... وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَبِذِي الْقُرْبَىٰ...» (النساء/۳۶)؛ و خدا را پرستید و چیزی شریک او نگیرید و به پدر و مادر احسان کنید و همچنین به خویشاوندان نیز نیکی کنید.

در قرآن کریم عموماً نیکی به پدر و مادر، مطلق بیان شده است و نوع این نیکی مشخص نشده، شاید به دلیل وضوح و روشنی آن یا اینکه در زمان‌ها، مکان‌ها، حالات و اشخاص و طبقات مختلف، این نیکی تفاوت دارد (موسوی سبزواری، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۳۰۹).



احسان در قرآن کریم به معانی مختلفی به کار برده شده است؛ از جمله احسان در قول و گفتار، احسان در رفتار و احسان در مال (همان). بنابراین در تعامل با والدین، باید مراقب همه نیازها و ابعاد وجودی آنان بود؛ مثلاً گاهی در برخی خانواده‌ها، در زمینه‌های مالی از هیچ احسان و نیکی به والدین فروگذاری نمی‌شود، ولی در قول و گفتار، سخنانی به زبان رانده می‌شود که باعث رنجش والدین می‌گردد. همچنین هنگامی که برخی دیگر از اعضای فرعی خانواده، مانند خواهر و یا برادر زوجین، بنا به دلایلی ناچارند با زوجین در یک خانواده زندگی کنند، باید عدالت در حق آنان رعایت شود و حقی از آنان پایمال نگردد. متأسفانه گاهی در خانواده‌ها از این افراد، بیش از اندازه انتظار و توقع دارند؛ به طوری که بیشتر بار مسئولیت را بر عهده آنان می‌گذارند، مثلاً به این دلیل که این‌ها مجردند و وقت اضافه دارند، اغلب توجه کافی به آنان نمی‌شود و با آنها چنان برخورد می‌شود که احساس سربار بودن برای خانواده را دارند و حتی گاهی برای رهایی و تغییر وضعیت خود، حاضر به انجام هر کاری می‌شوند؛ در حالی که شخص عدالت‌محور انصاف به خرج داده و حد وسط را در هر چیزی رعایت می‌کند؛ از هر فردی به میزان توانایی و وظایف او توقع و انتظار دارد و هم خود ظلم نمی‌کند، و هم اگر از سوی سایر افراد خانواده ظلمی صورت گیرد، مانع آن می‌شود و در این زمینه بی‌تفاوت نیست.

در خانواده عدالت‌محور، مرد خانواده مراقب است که برای مراعات حقوق مادر خود، به همسرش ظلم ننماید و همچنین به قیمت ادای حقوق همسر و فرزند، به والدین و یا سایر افرادی که با وی زندگی می‌کنند، ظلم و بی‌توجهی نشود.

حب ذات، خودخواهی و حب دنیا می‌تواند عامل ایجاد نزاع و دشمنی گردد؛ مثلاً اگر مادران در نظر داشته باشند که هر آنچه را برای دختر خود می‌پسندند، برای عروس خود نیز پسندند و یا آنچه را برای فرزند خود می‌خواهند، برای همسرش نیز بخواهند، هیچ‌گاه عروس و یا داماد خانواده بین مادر خود و مادر همسرش تفاوتی قائل نخواهد شد؛ همان‌طور که در برخی خانواده‌ها زوجین بین مادر خود و همسرشان تفاوتی قائل نیستند و در کمال احترام



و دلسوزی باهم معاشرت دارند. البته این موضوع بین پدران خانواده‌ها نیز مطرح است، ولی به میزان کمتری؛ چون معمولاً پدران بر عکس مادران در روابط خود بیشتر تابع تعقل هستند تا احساسات و به همین دلیل رفتار عاقلانه‌تری از خود نشان می‌دهند.

عدالت بین فرزندان

یکی از آثار و نشانه‌های خانواده پویا و متعادل، تربیت و پرورش فرزندانی لایق و شایسته توسط والدین است. برای انجام چنین مهمی توسط والدین، زمینه و شرایط باید از همه جهت مناسب و مهیا باشد. یکی از عوامل مؤثر در ایجاد زمینه مناسب، رعایت عدالت در بین فرزندان است. عوامل گوناگونی، مانند سن فرزندان، جنس آنان، بیماری و سلامتی و یا زشتی و زیبایی و اخلاق و رفتار آنان ممکن است والدین را به تبعیض و بی‌عدالتی سوق دهد.

قرآن کریم، تنها ملاک فضیلت را تقوا می‌داند (الحجرات/۱۳)، ولی حتی در نظر گرفتن ایمان و اخلاق آنان هم نباید باعث تبعیض شود؛ چراکه تبعیض موجب دشمنی و کدورت بین فرزندان می‌گردد؛ مانند حضرت یوسف (علیه السلام) و دشمنی برادرانش که به پدر در مورد طرز معاشرت وی ایراد می‌گرفتند و حس حسادت، آنها را به طرح نقشه وادار کرد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۹، ص ۳۲۲).

اینکه عواملی مانند ایمان، اخلاق و منش، بیماری و ضعف و یا پایین بودن سن نسبت به سایر فرزندان باعث جلب توجه و رضایت بیشتر والدین می‌گردد، قابل تردید نیست. این محبت، قلبی است و در کنترل انسان نیست و نمی‌توان مانع آن شد، ولی بروز و ظهور این محبت که در رفتار انسان نمایان می‌گردد، قابل کنترل است؛ هرچند بسیار مشکل است، ولی با تمرین و ممارست و دقت در عواقب عدم رعایت عدالت، می‌توان واکنش‌ها را کنترل نمود. فردی که مورد تبعیض و بی‌عدالتی از سوی والدین قرار گرفته نیز باید با صبر و توکل و پناه بردن به خدا از وسوسه‌های شیطان، موجبات رنجش پدر و مادر خود را فراهم نکند.



مردی از انصار نزد پیامبر ﷺ آمد و به ایشان عرض کرد: مایلم شما شاهد باشید که من نخلستانی را به فرزندم بخشیدم. پیامبر اسلام ﷺ به او فرمود: آیا فرزند دیگری نداری؟ عرض کرد: بله دارم. پیامبر ﷺ فرمود: به او هم چنین نخلستانی بخشیده‌ای؟ عرض کرد: خیر. پیامبر ﷺ فرمودند: «فَإِنَّا مَعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ لَا نَشْهَدُ عَلَى الْجَنَفِ» (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۶۹)؛ ما انبیاء بر ستم، شهادت نمی‌دهیم.

طبق این فرمایش پیامبر ﷺ تبعیض بین فرزندان، مصداق ظلم و ستم است؛ چراکه در معانی عدالت نیز بیان شد که یکی از معانی عدالت، تساوی و نفی هرگونه تبعیض است. البته عدالت بین فرزندان هم از جنبه‌های مادی باید مورد توجه قرار گیرد، و هم از جنبه‌های غیرمادی، مانند محبت و توجه. «برقراری عدالت و مساوات در برخورد بین فرزندان، موضوع بسیار مهمی است؛ به‌طوری‌که رعایت این مسأله، به‌ویژه از بروز و رشد عواطف منفی مانند احساس حقارت، کینه و حسد که الگوی ایمنی‌بخش را به خطر می‌اندازد، جلوگیری می‌کند (عباس‌نژاد، ۱۳۸۴، ص ۲۷۱). از آنجا که انسان فطرتاً از ظلم و بی‌عدالتی متنفر و گریزان است، و عدل و انصاف خواسته طبیعی اوست، به یقین هر جا تبعیضی به ناحق صورت پذیرد، روح و روان او را دگرگون و رنجور می‌سازد. اگر در خانواده‌ای بین فرزندان (اعم از دختر و پسر) تبعیضی صورت پذیرد، فکر و ذهن فرزندان آن خانواده را دچار تنفر و ناامنی خواهد کرد. در چنین شرایطی، آن فرزند قادر نخواهد بود در مسیر رشد و کمال گام بردارد و دائم با افکار منفی مانند انزجار و کینه و حسادت درگیر خواهد شد.

گاهی یکی از زوجین و یا هر دوی آن‌ها جنسیت فرزندان را مدّ نظر قرار داده و یکی را انتخاب می‌کنند و به او مهر و محبت بیشتری می‌ورزند؛ البته دیدگاه والدین نسبت به جنسیت فرزندان نیز باید متعادل باشد؛ به این معنا که نه دیدگاه سنتی، شبیه جاهلیت، داشته باشند که بین دختر و پسر تفاوت زیادی قائلند؛ یکی را مظهر قدرت، منطق و اعتماد می‌دانند و دیگری را مظهر عجز، حقارت و نقص؛ و نه دیدگاه مدرن و غرب‌گرایی؛ به این معنا که هیچ اختلافی بین دختر و پسر وجود ندارد و ویژگی‌های زنانه و مردانه اعتباری ندارد. آرمان گروه دوم،



ایجاد جامعه دو جنسیتی است که گرچه دو جنس از نظر جسمی متفاوتند، ولی از نظر ویژگی‌ها و توانایی‌ها کاملاً مساوی هستند. دیدگاه خانواده باید دیدگاه میانه و معتدل باشد. در این دیدگاه، ضمن حفظ حرمت انسانی هر دو جنس، والدین می‌کوشند استعداد و توانایی فرزندان را با توجه به جنسیت آنان شکوفا سازند؛ و این دیدگاه بهترین شیوه در تربیت فرزند است؛ چراکه مردان و زنانی که از ابتدا با همان جنسیت متولد شده مورد پذیرش و حمایت خانواده قرار گرفته‌اند، در بزرگسالی و تشکیل خانواده بهتر می‌توانند نقش خود را ایفا نموده و حقوق طرف مقابل را ادا نمایند (مؤسسه آموزشی و پژوهشی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۴۸۵). بنابراین رعایت تعادل در این زمینه نیز لازم و ضروری است.

گاهی نیز والدین با توجه به سن فرزندان، بین آنها تبعیض قائل می‌شوند و مثلاً امکاناتی را فقط برای برخی از آن‌ها فراهم می‌نمایند و کار خود را با دلایل گوناگون توجیه می‌نمایند، درحالی‌که تبعیض بین فرزندان، قابل توجیه نیست. در یک درخت نزدیکترین و دورترین شاخه‌ها و برگ‌ها به منبع تغذیه، یکسان و عادلانه از ریشه غذا دریافت می‌کنند و هرگز درخت از ساقه‌ها و برگ‌های دورتر غافل نمی‌شود (شرفی، ۱۳۷۸، ص ۴۰). با این توضیحات، ارجحیت دادن به فرزندی به خاطر اینکه اولین فرزند و یا آخرین فرزند است، دور از عدالت است. تبعیض بین فرزندان باعث بالا رفتن سطح توقع و انتظار فرزند ترجیح داده‌شده و خودبزرگ‌بینی وی و تقویت حس سلطه‌جویی او بر دیگران و احساس حقارت در سایر فرزندان نیز می‌گردد و راه‌هایی از این آفات، کنترل دقیق رفتار و واکنش‌ها از سوی والدین است.

تعادل در مصرف

با وجودی که خداوند نعمت‌های بی‌شمار و بی‌حساب در اختیار انسان قرار داده، ولی به او سفارش می‌نماید از اسراف بپرهیزد. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِندَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ» (الاعراف/۲۶)؛



ای فرزندان آدم! زینت و آراستگی خویش را نزد هر مسجدی برگیرید و بخورید و بیاشامید و اسراف مکنید، زیرا او اسراف‌کنندگان را دوست ندارد.

واژه «اسراف»، واژه بسیار جامعی است که هرگونه زیاده‌روی در کمیت و کیفیت و بیهوده‌گرایی و اتلاف و مانند آن را شامل می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۶، ص ۱۴۹). اسراف، زیاده‌روی از حد شرع و عقل در مال و کار و معصیت است (اگرچه غالباً در مورد بخشش‌ها و هزینه‌ها و مخارج به کار می‌رود) (طیب، ۱۳۶۹، ج ۳، ص ۳۸۴).

مسلم است که «صرف مال در وجوه خیر، اسراف نیست. مثلاً در غذا و لباس زینتی (فاخر) هنگامی که در شأن انسان باشد. احتیاط آن است که لباس خانه غیر از لباس خارج از خانه باشد» (مجلسی، ۱۴۰۶، ج ۱، ص ۳۱۵). «آنچه در راه حرام و معصیت خدا صرف شود، حتی اگر به اندازه دانه جوی باشد، خوردن چیزی که مناسب انسان نیست و ضرر به بدن می‌رساند و هر کاری که موجب اتلاف مال شود، اسراف است، ولی در آنچه برای بدن مفید است، اسراف نیست و هر آنچه در راه خدا و رضای او مصرف شود، نیز اسراف نیست اگرچه بسیار باشد» (قمی مشهدی، ۱۳۶۸، ج ۹، ص ۴۲۵). مثلاً گاهی به دلیل بیماری و یا علل دیگر لازم است از فلان غذا (که شاید قیمت بالایی هم داشته باشد) استفاده گردد که این مورد اسراف محسوب نمی‌شود و اصولاً مالی که برای حفظ آبرو و یا حفظ سلامتی، ایجاد محبت و دوستی، صلح و هر موضوع خیر دیگری استفاده شود، اسراف محسوب نمی‌شود.

بنابراین انسان عدالت‌محور علاوه بر اینکه از همه نعمت‌ها و مواهب الهی بهره‌مند می‌گردد، مراقب است در استفاده از نعمت‌ها دچار اسراف نشود. عدم رعایت این موضوع از سوی زوجین باعث بروز برخی مشکلات بین آنها می‌گردد؛ مثلاً زوجین در مواردی مانند لباس، غذا، پذیرایی و مهمانی‌ها، اسباب و اساس منزل و... باید حد تعادل و میانه‌روی را حفظ کنند؛ به طوری که زندگی آنها نه به فقر و فقرنمایی منجر شود، و نه به اسراف و تبذیر کشیده شود. متأسفانه برخی چنین می‌پندارند که در تعالیم اسلام فقر و فقرنمایی محبوب و ارزشمند



است؛ درحالی که اظهار نعمت نزد خداوند پسندیده تر از کتمان آن است. در وسایل الشیعه نیز بابی تحت عنوان «استحباب اظهار ثروت و مال حتی اگر مالی در کار نباشد، اظهار نعمت و زندگی به بهترین شیوه زندگی مردم همزمان خود و کراهت کتمان نعمت» وجود دارد (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۵، ص ۸).

امام هادی علیه السلام به نقل از پدرانش از امام صادق علیه السلام می فرمایند: «إِنَّ اللَّهَ (تَعَالَى) يُحِبُّ الْجَمَالَ وَالتَّجْمِيلَ، وَيَكْرَهُ الْبُؤْسَ وَالتَّبَاؤُسَ، فَإِنَّ اللَّهَ (عَزَّ وَ جَلَّ) إِذَا أَنْعَمَ عَلَى عَبْدٍ نِعْمَةً أَحَبَّ أَنْ يَرَى عَلَيْهِ أَثَرَهَا» (طوسی، ۱۴۱۴، ص ۲۷۵ و طبرسی، ۱۳۷۰، ص ۴۱)؛ خداوند به یقین زیبایی و آراستگی را دوست دارد و فقر و فقرنمایی را ناپسند می دارد، پس هرگاه خداوند عزوجل نعمتی بر بنده ای می دهد، دوست دارد اثر آن نعمت را بر او ببیند.

پرسیدند: این ظهور نعمت خدا در زندگی چگونه باید باشد؟ فرمود: «لباس های تمیز بپوشد. از عطر و بوهای خوش استفاده کند [و خود را معطر و خوشبو سازد]. خانه اش را گچ کاری [سفیدکاری، رنگ آمیزی و دکوربندی] کند. حیاط خانه و در خانه [و همه فضاهای مربوط به خانه را] جاروب کند و تمیز نگاه دارد. حتی روشن کردن چراغ پیش از غروب آفتاب، فقر را از بین می برد و روزی را فراوان می کند» (همان).

بنابراین شایسته است انسان مؤمن، زندگی آبرومندی داشته باشد که این بهترین سپاسگزاری از نعمت های خداوند است و خساست و تنگ نظری و از طرف دیگر اسراف و تبذیر شایسته انسان عدالت محور نیست. در تفسیر نمونه آمده است: «در اسلام، استفاده از زینت به صورت معقول و خالی از هرگونه اسراف، مانند بهره گیری از لباس های خوب، انواع عطریات، بعضی سنگ های قیمتی و مانند آن - مخصوصاً در مورد زنان - که نیاز روحیشان به زینت بیشتر است، توصیه شده است، ولی باز تأکید می کنیم که باید خالی از اسراف و تبذیر باشد» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۱، ص ۱۸۱).

در مورد خوردنی ها و نوشیدنی ها نیز رعایت اعتدال و میانه روی لازم است و باید از اسراف دوری نمود. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم می فرمایند: «وَأَعْلَمُ أَنَّ الْمَعْدَةَ بَيْتُ الدَّاءِ وَالْحِمِيَّةُ هِيَ



الدَّوَاءُ» (ابن بابویه، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۵۱۲)؛ بدان که معده، خانه و کانون تمام دردها و امساک، بالاترین داروهاست.

امروزه ثابت شده که یکی از مهم‌ترین دستورات بهداشتی، همین پرهیز از زیاد خوردن و زیاد نوشیدن است؛ زیرا مصرف غذاهای اضافی، باوجود کمی تحرک بدنی، باعث جمع شدن این مواد غذایی اضافی در بافت‌های بدن شده و بیماری‌هایی مانند قند، چربی، تصلب شرایین، نارسایی‌های کبدی و انواع سکته‌ها را به وجود می‌آورد و برای از بین بردن این گونه بیماری‌ها راهی جز میانه‌روی در تغذیه، و تحرک کافی نیست (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۶، ص ۱۵۳). میانه‌روی در تغذیه به این معناست که فرد تا کاملاً گرسنه نشده، غذا نخورد و مطمئن شود که غذای پیشین هضم شده و تا کاملاً سیر نشده، از خوردن و نوشیدن امتناع ورزد که بیشتر بیماری‌ها به خاطر زیاد خوردن و نوشیدن است (مجلسی، ۱۴۰۶، ج ۱، ص ۳۱۵). البته منظور از میانه‌روی در خوردن این نیست که کم غذا بخورد و از مقدار لازم بکاهد؛ به‌طوری‌که بدن با کمبود برخی مواد غذایی مواجه شود. بلکه باید به اندازه بخورد و از پرخوری پرهیز کند.

در توضیحاتی که گذشت، به پرهیز از اسراف و رعایت اعتدال در پوشاک و خوراک اشاره شد که البته نهی اسراف، منحصر به این موارد نیست؛ بلکه هدف، بیان مثال و مصداق روشن اسراف است و البته در تمام امور زندگی باید میانه‌روی و اعتدال را رعایت کرد.

موضوع دیگری که عدالت‌محوری ایجاد می‌کند که بدان توجه شود، این است که افراد در خانواده نیازهای متنوع و گوناگونی دارند و لازم است با توجه به درآمد و توانایی اقتصادی خانواده، به تمام این نیازها پاسخ داده شود. توجه به برخی نیازها و نادیده گرفتن بعضی دیگر صحیح نیست؛ مثلاً اگر برای تأمین لباس و وسایل منزل هزینه گزافی صرف شود، ولی در موارد مربوط به سلامتی، مانند سلامت دندان‌ها هزینه‌ای در نظر گرفته نشود، این موضوع به دور از عدالت‌محوری است؛ همچنین اینکه برای تحصیل فرزند در مدارس غیر انتفاعی مقدار زیادی از درآمد خانواده خرج شود، ولی در زمینه کتاب و کتابخوانی



اعضای خانواده، تفریح و شادی، ورزش و صله رحم و موارد دیگر، هزینه‌ای در نظر گرفته نشود. تعادل در خانواده وقتی برقرار می‌شود که به نیازهای همه افراد خانواده توجه و دقت لازم به عمل آید؛ مثلاً در استفاده از وسایل زینتی، وسایل سواری، وسایل منزل و امثال آن متناسب با امکانات و شأن و نیاز اعضای خانواده به دور از چشم و هم‌چشمی، مدگرایی و افراط و تفریط هزینه شود.

تعادل در روابط فامیلی

انسان موجودی است که مؤانست و معاشرت از نیازهای فطری اوست. یکی از سفارش‌های دین اسلام که در راستای پاسخ به همین نیاز اوست، صله رحم به معنای ارتباط با خویشاوندان است. «صله رحم از نشانه‌های اهل تقواست» (عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۲۱۳) و «بریدن از خویشاوندان، از آداب جاهلیت است و قاطعان رحم ملعون خدا هستند» (کاشانی، بی تا، ج ۸، ص ۳۵۰). چرا که قاطع رحم، رابطه‌های فطری و طبیعی را از بین می‌برد و قطعاً کسی که نسبت به خویشاوند و فامیل خود عواطف نداشته باشد و حقوق آنها را پایمال کند، به مراتب نسبت به سایر مردم نیز ظلم خواهد نمود. غیر از پدر و مادر، خویشاوندان عبارتند از: «اولاد و اولاد اولاد؛ هر چه پایین رود، اجداد هر چه بالا رود؛ چه از طرف پدر و چه از طرف مادر و جدات نیز به همین نحو، اعمام و عمت و احوال (دایی) و خالات و اولاد آنها، اخوان و اخوات و اولاد آنها» (طیب، ۱۳۶۹، ج ۲، ص ۸۰) که البته اینها اقوام نسبی انسان هستند. «برخی منابع اقوام سببی را نیز خویشاوند به حساب می‌آورند» (موسوی سبزواری، ۱۴۰۹، ج ۷، ص ۲۵۶)؛ اما اینکه صله رحم چگونه باید انجام شود امیرمؤمنان علی (علیه السلام) می‌فرماید: «صَلُّوا أَرْحَامَكُمْ وَ لَوْ بِالتَّسْلِيمِ، يَقُولُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى: «وَ اتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَ الْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا» (النساء/ ۱) (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۱۵۵)؛ با خویشاوندان خود صله رحم داشته باشید؛ اگرچه در حد یک سلام باشد که خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید: بترسید از آن خدایی که به نام او از یکدیگر مسألت و



درخواست می‌کنید (خدا را در نظر آرید) و در باره ارحام کوتاهی نکنید که همانا خدا مراقب اعمال شماست.

اقسام صله رحم عبارت است از: «زیارت، الفت، مودت، سبقت به سلام و احسان، ارسال هدایا، ضیافت، قضای حاجت و اصلاح حال یکدیگر، عیادت مریضان، دعای خیر و صدقه به ارباب حاجت» (طیب، ۱۳۶۹، ج ۱، ص ۴۸۶).

برخی صله رحم را به معنای ضیافت‌های آن‌چنانی همراه با اسراف می‌دانند؛ در صورتی که می‌توان با خویشاوندان ارتباط داشت؛ بدون اینکه ریخت و پاشی صورت بگیرد. با توجه با اینکه ارتباط با خویشاوندان و صله رحم می‌تواند به شکل‌های گوناگونی صورت پذیرد، بنابراین عذری برای قطع رحم و بریدن از آنها باقی نمی‌ماند؛ به‌ویژه اینکه امروزه پیشرفت تکنولوژی، وسایل ارتباط جمعی متنوعی در اختیار بشر قرار داده است.

موضوعی که زوجین عدالت‌محور باید در نظر داشته باشند، این است که اگر صله رحم در تعالیم اسلامی سفارش بسیار شده، منظور ارتباط با خویشاوندان هر دو زوج است.

سفارش صله رحم با خویشاوندان، به‌طور مطلق بیان شده که هم شامل خویشاوندان سببی است و هم خویشاوندان نسبی. همچنین این فرمان الهی برای گروه خاصی صادر نشده و همه افراد ملزم به اجرای آن هستند. در این صورت، اگر ارتباط و رفت‌وآمد فقط با خویشاوندان یکی از زوجین صورت پذیرد، و با خویشاوندان دیگری قطع رابطه شود، حق خویشاوندان یکی از آنها ادا نمی‌شود. عدالت‌محوری ایجاب می‌کند مرد و زن زمینه را برای ارتباط و رفت‌وآمد با بستگان و خویشاوندان یکدیگر فراهم نمایند؛ همان‌طور که خود مایل هستند با خویشاوندان خود ارتباط داشته باشند.

نکته دیگر اینکه در برخی موارد، با برخی از اقوام رفت‌وآمد صورت می‌گیرد و با برخی دیگر به کلی قطع رابطه می‌شود که این نیز باعث عدم تعادل در روابط فامیلی می‌گردد. گاهی زوجین به دلایلی مانند سوء افکار و یا رفتار با برخی از خویشاوندان قطع رابطه می‌کنند که این کار نیز پسندیده نیست. دلیل این سخن آن است که ارحام در قرآن به‌صورت مطلق



بیان شده و هیچ قیدی مثل ایمان، تقوا و سایر صفات ندارد. بنابراین حتی اگر در بین بستگان، افرادی باشند که از نظر ایمان و تقوا در درجات پایینی باشند، نباید با آنان قطع رابطه شود، بلکه برای حفظ و مراقبت خانواده، لازم است روابط محدود گردد؛ مثلاً می‌توان تلفنی با چنین خانواده‌هایی در ارتباط بود و از احوال آنان جويا شد.

البته در مورد والدین موضوع از حساسیت‌های خاصی برخوردار است. «با اینکه جهاد یکی از مهم‌ترین برنامه‌های اسلامی است، مادام که جنبه وجوب عینی پیدا نکند، یعنی داوطلب به قدر کافی باشد، بودن در خدمت پدر و مادر از آن مهم‌تر است و شرکت در جهاد اگر موجب ناراحتی آنها شود، جایز نیست. نیکی به پدر و مادر باید به‌طور مستقیم و بدون واسطه صورت گیرد؛ یعنی فرزند باید شخصاً به آنها خدمت و نیکی نماید (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۲، ص ۷۹).

با توجه به حساسیت و اهمیت موضوع، نوع صله رحم و نیکی به والدین، با صله رحم با سایر خویشاوندان کمی متفاوت است. از این‌رو، لازم است زوجین با علم کافی به این موضوع که خدمت به والدین وظیفه آنان است، زمینه را برای خدمتگزاری و امتثال فرمان الهی در این راستا را برای یکدیگر فراهم سازند و در این راه مانع یکدیگر نشوند. البته لازم به ذکر است که نیکی به والدین و خدمتگزاری به آنها وظیفه فرزندان آنهاست و همسران آن فرزندان در این زمینه وظیفه‌ای ندارند؛ هرچند اگر همسران تلاش و کوششی در این جهت بنمایند، مودّت و رحمت بین خود و همسر را افزایش داده و از پاداش الهی نیز بی‌بهره نخواهند بود. «طبق ماده ۱۰۳۳ قانون مدنی هر کس در هر خط و به هر درجه که با یک نفر قرابت نسبی داشته باشد، در همان خط و به همان درجه با زوج یا زوجه او خواهد داشت. بنابراین پدر و مادر زن یک مرد، اقربای درجه اول آن مرد و برادر و خواهر شوهر یک زن، از اقربای سببی درجه دوم آن خواهند بود». (قربانی، ۱۳۷۵، ص ۲۷۰).

با توجه به اشکال مختلف احسان و نیکی و اینکه شرایط و نیازها و حالات والدین در زمان‌های مختلف، متفاوت از یکدیگر است، وظیفه هر انسانی نسبت به دیگری نیز در قبال



پدر و مادر خود متفاوت است. گاهی مصداق نیکی به والدین این است که هر چند روز یک بار با آنها تماس و یا دیداری داشته باشد و گاهی مصداق نیکی به آنها برطرف نمودن نیازهای مادی آنان است و گاهی نیکی به آنان به معنای بودن کنار آنان، غذا دادن، حمام کردن و انجام کارهای شخصی ایشان است. اعتدال در این زمینه یعنی اینکه ابتدا فرزند با شناخت نیاز والدین، حدود وظیفه خود را به خوبی بشناسد و سپس با در نظر گرفتن حقوق همسر و فرزندان، برای انجام وظایف خود اقدام نماید. همچنین با قرار دادن خانواده در جریان وظایف خود می‌تواند از حمایت‌های آنان نیز بهره‌مند گردد. مخصوصاً در هنگام کهنسالی والدین که «اگر در نزد تو به کهنسالی رسیدند، به مانند طفلی هستند که نیازمندی‌های خاصی دارند و در هر حالت اطاعت از والدین واجب است و نیازمندی در کهنسالی بیشتر است» (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۶، ص ۶۳۱).

پدر و مادر مستحق احترام و اطاعت هستند، ولی اگر اطاعت از آنها موجب نافرمانی امر الهی است، در کمال احترام، نباید از فرمان آنها اطاعت کرد؛ و به همین صورت در مورد سایر نزدیکان نیز اصل، امتثال فرمان الهی است با رعایت ادب و احترام (علوی، ۱۳۷۲، ص ۱۴۲). به‌طور کلی تعادل در روابط فامیلی هم به کمیت روابط مربوط می‌شود، و هم به کیفیت آن. زن و مرد هر دو در صله رحم با خویشاوندان خود حق دارند. حد متعادل در میزان روابط نیز باید رعایت گردد و موجب وابستگی و در نتیجه دلبستگی بیش از حد نگردد که باعث بی‌اعتنایی به حقوق همسر می‌شود و یا محبت همسر تحت الشعاع محبت دیگران قرار می‌گیرد (قائمی، بی‌تا، ص ۲۹۷) و این خود موجب ظلم و بی‌عدالتی به همسر می‌گردد.

تعادل در آراستگی و خودآرایی

یکی از تمایلات و گرایش‌های انسان که خداوند در نهاد وی قرار داده است، گرایش به زیبایی است. خودآرایی و زینت، از جمله مواردی است که دین اسلام به آن اهتمام بسیار



داشته و یکی از ویژگی‌های بهشتیان این است که با گردنبندهایی از طلا، مروارید و نقره و لباس‌هایی از ابریشم و حریر زینت شده‌اند (الکھف/۳۱؛ الانسان/۲۱؛ الحج/۲۳).

در تعالیم اسلامی دستورات زیادی در این زمینه آمده است. از جمله: توجه به نظافت بدن، خضاب کردن، روغن مالی بدن، ازاله موی بدن، استفاده از سرمه، مسواک، شانه کردن مو، عطر زدن، کوتاه کردن ناخن و شارب (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۲۲).

زینت بر سه قسم است؛ زینت برای مردم، زینت برای محارم و زینت برای همسر. زینت برای مردم، شامل لباس، انگشتر، سرمه و حنای کف دست است؛ زینت برای محارم که علاوه بر موارد قبلی، زینت‌آلات از گردن به بالا، دستان و میچ پا به پایین است و زینت برای همسر که شامل کل بدن است (قمی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۱۰۱).

واجب است زنان در زینت و خودآرایی خود، حد و حدود آن را رعایت نمایند که اگر چنین نکنند، در حق خود، همسر و جامعه ظلم نموده و از عدالت دور می‌شوند. جاذبه‌های جنسی باید منحصر به فضای صمیمی خانواده باشد و در اختیار نامحرمان قرار نگیرد؛ چراکه یکی از دلایل اینکه آمار طلاق در شهرها بیشتر از روستاهاست، بی‌بند و باری، بدحجابی و دلربایی خیابانی در شهرهاست (رهبر، ۱۳۹۰، ص ۳۰).

لازم به ذکر است نظافت و آراسته بودن ظاهر، مخصوص به گروه خاصی نیست؛ بلکه شایسته است هر انسان مؤمنی تا آنجا که می‌تواند، همیشه حتی در حال تهیدستی نیز آراسته باشد (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۹۰)؛ حتی با دوستان و نزدیکان صمیمی خود: «لِیَتَزَيَّنَّ أَحَدُكُمْ لِأَخِيهِ الْمُسْلِمِ إِذَا أَتَاهُ كَمَا يَتَزَيَّنُّ لِلْغَرِيبِ الَّذِي يُحِبُّ أَنْ يَرَاهُ فِي أَحْسَنِ هَيْئَةٍ» (ابن بابویه، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۶۱۲)؛ هر یک از شما باید هنگامی که نزد برادر مسلمان خود می‌رود، خود را آراسته سازد؛ همان‌گونه که برای غریبه زینت می‌کند که دوست دارد او را در بهترین شکل ببیند.

این موضوعی است که زنان و مردان متدین باید به آن اهمیت دهند؛ چراکه بیشتر آنها هنگامی که قصد خروج از منزل را دارند و یا می‌خواهند در مجلسی شرکت کنند، به ظاهر



خود رسیدگی می‌کنند، ولی در سایر موارد و هنگامی که در منزل و کنار همسر خود هستند، به این موضوع توجهی ندارند. طبق فرمایش امام (علیه السلام) در هر مکان و جمعی شخص وظیفه دارد به ظاهر خود رسیدگی نماید. البته این موضوع بین زوجین اهمیت بیشتری دارد؛ چراکه تجمل و آراستگی زوجین برای یکدیگر نتایج مفیدی برای استحکام بنیان خانواده دارد.

درضمن، رسیدگی به ظاهر و آراسته بودن زوجین، وظیفه هر دوی آنهاست و هم مرد در این زمینه موظف است و هم زن. «بعضی از مردان واقعاً بی‌انصافند، به خود نمی‌رسند، دیر به دیر اصلاح می‌کنند، اهل دود هستند، دندان و دهانشان بدبو و کثیف است، لباس مناسبی به تن ندارند، به قیافه خود نمی‌رسند و از این بدتر توقع دارند زن آنها به هر شکلی، درست در اختیار آنان باشد، اینان مردانی ستمگر و مستحق عتاب و سرزنش هستند» (انصاریان، ۱۳۷۹، ص ۳۷۲). زوجین باید تا حدودی طبق میل و دلخواه یکدیگر لباس بپوشند (قائم‌بی‌تا، ص ۳۱۴) و مراقب باشند که در این زمینه حقّی از یکدیگر ضایع نکنند تا از مسیر عدالت‌محوری دور نشوند.

نکته دیگری که در این زمینه باید ذکر شود، این است که در هر امری تعادل لازم است. عدم رسیدگی زوجین به ظاهر خود و ناآراسته بودن آنان، قبیح است و زیاده‌روی آنان در این زمینه هم پسندیده نیست. زیاده‌روی و افراط زوجین، نه از طرف خود، و نه انتظار بیش از اندازه از طرف مقابل، هیچیک پسندیده نیست. گاهی درگیری و نزاع بین زوجین به این دلیل است که یکی از آنها نمی‌تواند انتظارات بیش از حد همسرش را پاسخ گوید. گاهی مد و مدگرایی باعث می‌شود برای برخی زنان، هزینه لوازم آرایش، بیشتر از مقداری باشد که باید صرف امور ضروری دیگر مانند سلامتی آنها شود که این موضوع به دور از تعادل است. البته این نکته فراموش نشود که «طبیعتاً زن مایل به خودآرایی و خودنمایی است. این حالت روانی محلی را برای بروز خود می‌طلبد که محیط خانواده و فضاهایی متناسب با آن، بهترین زمینه آن است. تجلّی این حالت روانی در محیط جامعه و نهادهای اجتماعی دیگر به سلامت روابط انسانی آسیب جدی وارد می‌کند (عباس‌نژاد، ۱۳۸۴، ص ۲۳۳). بنابراین محیط



خانه و خانواده از نظر شرع و عقل، بهترین محل برای ارضای این نیاز زن است که باید در حد معقول به آن پرداخته شود.

تعادل در عبادت

یکی از نیازهای فطری انسان، حسّ خداجویی و پرستش است. خداوند در قرآن هدف از خلقت انسان را عبادت و کرنش او بیان نموده است: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (الذاریات/۵۶)؛ جن و انس را نیافریدم مگر برای اینکه مرا عبادت کنند.

نکته‌ای که در این بخش از بحث عدالت محوری، قابل توجه است، آن است که در عبادت هم انسان موظف به حفظ اعتدال است: «وَاقْتَصِدْ يَا بُنَيَّ فِي مَعِشَتِكَ وَاقْتَصِدْ فِي عِبَادَتِكَ» (مفید، ۱۴۱۳، ص ۲۲)؛ فرزند عزیزم! در زندگانی میانه‌رو باش و در عبادت نیز میانه‌روی پیشه کن.

مشخص است که منظور، میانه‌روی در انجام مستحبات است؛ زیرا حدود و میزان اعمال عبادی واجب، مشخص و معین است و نمی‌توان به آن چیری افزود و یا از آن کم کرد، ولی در عبادات مستحبی که حدود و میزان تعیین شده‌ای ندارد، امکان اینکه انسان به افراط و تفریط کشیده شود، وجود دارد.

گاهی زوجین با اهتمام بیش از اندازه خود به اعمال مستحبی، موجب رنجش و آزدگی همسر و سایر افراد خانواده را به وجود می‌آورند و حقوق آنان را ضایع می‌کنند. حتی گاهی باعث ایجاد بی‌رغبتی و کسالت نسبت به برخی از برنامه‌های دینی و عبادات در سایر افراد خانواده می‌گردند. درحالی‌که سفارش شده مؤمن، در حال شوق و رغبت به انجام مستحبات بپردازد؛ یعنی تا این اندازه حالت خود او نیز در بجا آوردن مستحبات مهم است؛ تا چه رسد به اینکه در این میان حقی از دیگری ضایع شود؛ مثلاً گاهی سایر اعضای خانواده منتظر حضور پدر و یا مادر خانواده برای صرف افطار هستند و وی با خیالی آسوده، در حال انجام مستحبات و تعقیبات نماز است و یا یکی از زوجین در حال خواندن دعا در مجلسی است



و همسر او با سختی فراوان، از فرط خستگی، یا بیماری و یا علل دیگر منتظر به پایان رسیدن صفحات دعاست. نمونه دیگر افراط در انجام اعمال عبادی است. مانند اینکه برخی مصمم به پیاده‌روی و زیارت امام حسین (علیه السلام) در اربعین هستند؛ درحالی‌که همسر و فرزندان‌شان در همراهی با او و یا دور از وی، در رنج و سختی هستند.

درست است که انجام مستحبات در تعالیم اسلامی سفارش شده، ولی تا زمانی که بجا آوردن آن، حقی از دیگری ضایع نکند. به‌ویژه درباره زوجین که در تعامل با یکدیگر و زندگی مشترک قرار است به آرامش برسند، رعایت این نکته بسیار ضروری است. «سفارش می‌کنم زمان جلسات را در مساجد و هیئات کوتاه کنید، به یک نماز جماعت و ساعتی بیان احکام و معارف و دقایقی ذکر مصائب اهل بیت (علیهم السلام) قناعت کنید. این برنامه و روش رسول حق و ائمه بزرگوار بود» (انصاریان، ۱۳۷۹، ص ۵۸). «یکی از شگردهای بزرگ شیطان، این است که عبودیت را از ما می‌گیرد و عبادت را جایش می‌گذارد. عبودیت و بندگی اقتضا می‌کند ما با زن و فرزندان بنشینیم و حرف بزنیم. شیطان می‌گوید الان وقت نماز جعفر طیار است. الان وقت مطالعه ارشادالقلوب است. از این جهت است که به جایی نمی‌رسیم» (مؤسسه آموزشی و پژوهشی، ۱۳۸۶، ج ۳، ص ۱۴).

از طرف دیگر، کوتاهی در انجام مستحبات نیز شایسته نیست و «وجود دعا و عبادت جمعی در خانواده» (تقوی‌پور و همکاران، ۱۳۹۶، ص ۱۳۰) و صرف وقت و هزینه برای آن در خانواده، علاوه بر آثار و برکات معنوی، موجب انس و الفت بیشتر بین زوجین و سایر افراد خانواده می‌گردد. بنابراین لازم است در امری مانند عبادت نیز مانند سایر امور زندگی تعادل را رعایت نمود.

با توجه به توضیحاتی که در این فصل داده شد و به برخی موارد به آن اشاره شد، انسان عدالت‌محور در همه ابعاد زندگی میانه‌روی و اعتدال را رعایت می‌کند؛ چراکه عدالت‌محوری بهترین شیوه برای قرار گرفتن هر چیزی در جای خود، رعایت استحقاق‌ها و ادا کردن حق هر ذی‌حقی است. این شیوه در تمام ابعاد زندگی باید جاری باشد. «در راه رفتن، نه سست



و آهسته و نه تند و با عجله، بلکه به نحو متعارف، در معاشرت، نه زیاد گرم بگیرد و با هر کس و ناکس معاشرت کند، و نه عزلت و کناره گیری کند. در صحبت، نه پرحرفی کند و نه ساکت بنشیند. در بذل، نه اسراف و نه تقتیر، در عبادت، نه آنکه به کلی از خلق دور شود و در بیابان و کوه و مغازه مشغول ذکر شود و نه در وظائف شرعی کوتاهی کند» (طیب، ۱۳۶۹، ج ۱۰، ۴۲۶). به عبارت دیگر عدالت محوری در تمامی حرکات و رفتار انسان باید رعایت شود. در این صورت رضایت زوجین از زندگی مشترک در حد بالایی قرار می گیرد و صفا و صمیمیت بین آنان روزبه روز بیشتر شده و بنیان زندگی مشترک آنان استحکام می یابد؛ و برعکس آن، اگر استحقاق ها رعایت نشود و حقوق آنان (زوجین) پایمال شود، روزبه روز به رنجش و احساس ضرر آنان اضافه شده و پایه های زندگی مشترک سست می گردد. بسیاری از مواردی که تحت عنوان ابعاد عدالت محوری توضیح داده شد، اموری است که عدالت محوری، انسان را از نظر اخلاقی مقید به رعایت آن ها می کند؛ حتی اگر از نظر فقهی و حقوقی قانون مشخص و معینی برای آن وضع نشده باشد.

نتیجه گیری

با توجه به معنای لغوی و اصطلاحی عدل و گستره مفهومی آن روشن شد که عدل یعنی اعطاء حق هر ذی حق، رعایت استحقاق ها، قرار دادن هر چیز در جای خود، اعتدال و میانه روی و رعایت حد وسط و تساوی و نفی هرگونه تبعیض. اساس نظام عالم بر مبنای عدل و عدالت است. هر سیستمی برای ثبات و پایداری خود، نیازمند تعادل است؛ بنابراین عدالت در هر جامعه ای ضامن بقای آن جامعه خواهد بود. خانواده نیز کوچک ترین واحد سازمان یافته در جامعه است که رشد و تعالی جامعه در گرو ثبات، رشد و تعالی خانواده است. برای اینکه خانواده از تزلزل و فروپاشی در امان بماند، باید تعادل داشته باشد و زوجین موظفند در تمامی ابعاد زندگی مشترک مانند ایمان، شأن و منزلت اجتماعی، تقسیم کارها بین یکدیگر، روابط فامیلی، فرزندآوری و بسیاری زمینه های دیگر تعادل و میانه روی را رعایت



نمایند و با رعایت استحقاق‌ها به خود و سایر اعضای خانواده ظلم نکنند و به این ترتیب موجبات خشنودی و رضایت قلبی خود و طرف مقابل را فراهم نموده و باعث ثبات و استحکام ارکان خانواده شوند.

با توجه به اینکه مبحث عدالت محوری بسیار گسترده است، ضروری است که این مطالعه در سایر زمینه‌ها نیز انجام گردد، مانند تعادل در آموزش، پرورش و تربیت، تعادل در استفاده از رسانه، تعادل در مدیریت و مشارکت، تعادل در سلامت جسم و روح و بسیاری موارد دیگر. همچنین با توجه به اهمیت عدالت محوری لازم است در این زمینه آموزش‌های لازم قبل از ازدواج و در کتاب‌های درسی و دانشگاهی به جوانان و زوجین ارائه گردد. همچنین رسانه‌ها نیز در آموزش و ترویج عدالت محوری در خانواده می‌توانند در این امر نقش بسزایی داشته باشند.

منابع و مأخذ

۱- قرآن کریم

۲- نهج البلاغه

۳- آذربایجانی، کریم و همکاران، جمعیت و تنظیم خانواده، اصفهان: دانشگاه اصفهان، ۱۳۸۵ش.

۴- ابن بابویه، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۱۳ق.

۵- ابن بابویه، محمد بن علی، الخصال، قم: جامعه مدرسین، ۱۳۶۲ش.

۶- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۴ق.

۷- ارسطو، اخلاق نیکوماخوس، ترجمه صلاح الدین سلجوقی، تهران: عرفان، ۱۳۸۱ش.

۸- افروز، غلامعلی، مبانی روانشناختی ازدواج در بستر فرهنگ و ارزش‌های اسلامی، تهران: ۱۳۸۰ش.

۹- افلاطون، جمهور، تهران: شرکت انتشارات علمی - فرهنگی، ۱۳۶۸ش.

۱۰- انصاریان، حسین، نظام خانواده در اسلام، قم: ام‌اینها، ۱۳۷۹ش.

۱۱- بابازاده، علی‌اکبر، مسائل ازدواج و حقوق خانواده، قم: دانش و ادب، ۱۳۹۰ش.

۱۲- بستان نجفی، حسین؛ بختیاری، محمدعزیز؛ شرف‌الدین، حسین، اسلام و جامعه‌شناسی خانواده، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۸ش.

۱۳- تقوی‌پور، محمدرضا؛ اسماعیلی، محسن؛ صلواتیان، سیاوش، الگوی جامع خانواده تراز در اندیشه اسلامی، فصلنامه فرهنگی - تربیتی زنان و خانواده، شماره ۳۸، ۱۳۹۶ش.

۱۴- جانسون، گلن، اعلامیه جهانی حقوق بشر و تاریخچه آن، ترجمه محمدجعفر پوینده، تهران: نشر نی، ۱۳۷۷ش.

۱۵- جعفری تبریزی، محمدتقی، عدالت و ستم، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۸ش.

۱۶- حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، قم: مؤسسه آل‌البیت (ع)، ۱۴۰۹ق.



۱۷- خطیبی، اعظم، سنجش میزان اثرگذاری مؤلفه‌های سازگاری بر تحکیم خانواده، فصلنامه فرهنگی تربیتی زنان و خانواده، شماره ۴۲، ۱۳۹۷ش.

۱۸- خلیلی حسین آبادی، سیدحسن؛ ترکی نیسیانی، بتول و میرشاه جعفری، سیدابراهیم، نقش گذشت در تحکیم بنیان خانواده از دیدگاه اسلامی، بصیرت و تربیت اسلامی، شماره ۵۰، ۱۳۹۸ش.

۱۹- دلشاد تهرانی، مصطفی، تراز حیات، تهران: دریا، ۱۳۹۰ش.

۲۰- ذوققاری، شهاب‌الدین، درسنامه اخلاق و تربیت در نهج‌البلاغه، اصفهان: دانشگاه معارف قرآن و عترت (پایه)، ۱۳۹۵ش.

۲۱- رهبر، محمدتقی، نقش حجاب در ثبات خانواده، ماهنامه پاسدار اسلام، شماره ۳۵۴، ۱۳۹۰ش.

۲۲- رینرز مک کارتی، جین و روزالیند ادواردز، مفاهیم کلیدی در مطالعات خانواده، بی‌جا، نشر علم، ۱۳۹۰ش.

۲۳- سند تحول بنیادین آموزش و پرورش

۲۴- سیدعلوی، سیدابراهیم، این‌گونه معاشرت کنیم، تهران: رسالت قلم، ۱۳۷۲ش.

۲۵- سیف، سوسن، تئوری رشد خانواده، تهران: دانشگاه الزهراء (ع)، ۱۳۶۸ش.

۲۶- شرفی، محمدرضا، خانواده متعادل، تهران: سازمان انجمن اولیا و مربیان، ۱۳۷۸ش.

۲۷- صدرالاشرافی، مسعود و همکاران، آسیب‌شناسی طلاق (علل و عوامل آن) و راهکارهای پیشگیری از آن، مجله علوم اجتماعی- مهندسی فرهنگی، شماره ۷۳-۷۴، ۱۳۹۱ش.

۲۸- طباطبایی، سیدمحمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، چاپ دوم، ۱۳۹۰ق.

۲۹- طبرسی، حسن بن فضل، مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، تهران: ناصرخسرو، چاپ سوم، ۱۳۷۲ش.

۳۰- طبرسی، حسن بن فضل، مکارم الاخلاق، قم: شریف رضی، ۱۳۷۰ ش.

۳۱- طوسی، محمد بن حسن، الامالی، قم: دارالتقافه، ۱۴۱۴ ق.

۳۲- طیب، عبدالحسین، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران: اسلام، چاپ دوم، ۱۳۶۹ ش.

۳۳- عباس نژاد، محسن، قرآن، روانشناسی و علوم تربیتی، مشهد: بنیاد پژوهش‌های قرآنی حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۴ ش.

۳۴- عظیم‌زاده اردبیلی، فائزه و سرخ حصار، فاطمه، سیاست‌های کلان فرهنگی خانواده در پرتو آموزه‌های دینی، فصلنامه علمی - ترویجی فقه و حقوق (ندای صادق)، شماره ۶۷، ۱۳۹۶ ش.

۳۵- غیائی، پروین؛ معین، لادن؛ روستا، لهراسب، بررسی علل اجتماعی گرایش به طلاق در بین زنان مراجعه کننده به دادگاه‌های شیراز، مجله زن و جامعه، شماره ۳، ۱۳۸۳ ش.

۳۶- فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، قم: هجرت، ۱۴۰۹ ق.

۳۷- قائمی، علی، نظام حیات خانواده در اسلام، تهران: انجمن اولیا و مربیان، بی‌تا.

۳۸- قربانی، فرج‌الله، مجموعه کامل قوانین اساسی - مدنی، تهران: دانشور، ۱۳۷۵ ش.

۳۹- قمی مشهدی، محمد بن محمد رضا، کنزالدقائق و بحر الغرائب، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸ ش.

۴۰- قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، قم: دارالکتاب، ۱۳۶۳ ش.

۴۱- کاشانی، فتح‌الله بن شکرالله، منهج الصادقین فی الزام المخالفین، تهران: کتابفروشی اسلامیة، چاپ اول، بی‌تا.

۴۲- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران: دارالکتب الاسلامی، ۱۴۰۷ ق.

۴۳- مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار الجامعة لدرر الاخبار الائمة الاطهار (علیه السلام)، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.



۴۴- مجلسی، محمدتقی، *روضه المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه*، قم: مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانپور، ۱۴۰۶ق.

۴۵- محمدی ری شهری، محمد، *عدل در جهان بینی توحید*، قم: یاسر، بی تا.

۴۶- مرکز فرهنگ و معارف قرآن، *دایرة المعارف قرآن کریم*، قم: بوستان کتاب، چاپ سوم، ۱۳۸۲ش.

۴۷- مطهری، مرتضی، *عدل الهی*، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۷۵ش.

۴۸- معاونت پژوهش، گروه روانشناسی، *تقویت نظام خانواده و آسیب شناسی آن*، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۶ش.

۴۹- مفید، محمد بن محمد، *الامالی*، قم: کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.

۵۰- مکارم شیرازی، ناصر، *تفسیر نمونه*، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ دوازدهم، ۱۳۷۱ش.

۵۱- مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، *خانواده پویا*، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۶ش.

۵۲- موسوی سبزواری، عبدالاعلی، *مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن*، بی جا: دفتر سماحة آیت الله العظمی سبزواری، چاپ دوم، ۱۴۰۹ق.

۵۳- هاشمی خویی، میرزا حبیب الله، *منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغه*، تهران: مکتبه الاسلامیه، بی تا.

راهکارهای مواجهه با چالش‌های دینی و اخلاقی فضای مجازی

بر مبنای طرح‌واره انسان عامل

نیره حاجی‌علیان^۱

چکیده

نظریه انسان عامل، تبیین‌کننده این امر است که در اندیشه اسلامی، انسان عاملی در نظر گرفته می‌شود، که می‌توان اعمال صادر شده از او را به خودش منتسب نموده و او را منشأ عملش در نظر گرفت. در طرح‌واره انسان عامل، عمل دارای سه مبناست؛ مبنای شناختی، گرایشی و ارادی - اختیاری. مبنای شناختی عمل ناظر به تصویر و تصویری است که فرد از عمل و نتایج مترتب بر آن دارد. مبنای گرایشی عمل، به تمایلات و هیجانات فرد در مورد آن عمل اشاره دارد، اعم از آنکه این هیجان‌ها معوق به اقدام یا پرهیز باشد. مبنای ارادی - اختیاری ناظر بر تصمیم‌گیری و گزینش فرد در مورد انجام دادن عمل است و هنگامی عمل تحقق خواهد یافت که علاوه بر وجود تصویرشناختی و هیجان‌های درونی، تصمیم و انتخاب نیز در مورد آن تحقق یابد. هدف از نگارش این مقاله، ارائه راهکارهایی برای مقابله با چالش‌های دنیای مجازی بر اساس نظریه انسان عامل است. بنابراین بر اساس روش توصیفی - تحلیلی، ابتدا چالش‌های دنیای مجازی بر تربیت دینی و اخلاقی بر اساس ماهیت «ساخت‌زایی» این شبکه‌ها بیان نموده و سپس بر اساس نظریه اسلامی عمل، راهکارهایی برای مقابله با این شبکه‌ها بیان شد. عقلانیت، تقوای حضور و ارزیابی، طرد یا گزینش، راهکارهای مقابله با دنیای مجازی بر اساس یافته‌های این پژوهش است.

واژگان کلیدی: نظریه اسلامی عمل، تربیت دینی، انسان عامل، عقلانیت، شبکه‌های مجازی.

۱. استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات nayerehalian@gmail.com



عصر فناوری‌های نوین ارتباطی و گسترش فراگیر آن که به دنبال خود مفاهیم جدیدی چون واقعیت مجازی و فضای سایبری را به همراه آورد، تغییر و تحولات زیادی در زندگی بشر ایجاد نمود و ما را با جهان جدیدی مواجه ساخت؛ جهانی که در آن متفاوت می‌اندیشیم، می‌نویسیم، می‌خوانیم، ارتباط برقرار می‌کنیم و به‌طور کلی، جهانی که در آن متفاوت زندگی می‌کنیم. این محیط چند رسانه‌ای جدید، بافت معنایی چندساخته‌ای به‌وجود آورده که غالب جلوه‌های فرهنگی و سیاسی را با همه تنوع و گوناگونی در خود جای می‌دهد. در حوزه فرهنگی و در بافت ابرمتنی که به‌وسیله رسانه‌های نوین شکل می‌گیرد، جلوه‌های گذشته، حال و آینده با یکدیگر پیوند می‌یابند و یک محیط نمادین جدید ایجاد می‌کنند که در آن دنیای مجازی به واقعیت محیط زندگی ما بدل می‌شود.

بیل گیتس^۱ رئیس و مؤسس آمریکایی شرکت مایکروسافت، معتقد است تحت تأثیر فضاهای مجازی جدید که در آن تلویزیون‌ها و رایانه‌ها به یک شبکه هوشمند جهانی مرتبط هستند، عناصر رفتاری انسان‌ها شکل خواهند گرفت و این شبکه‌ها، ستون فقرات ساختار اجتماعی ما را تشکیل می‌دهند (Kimberky, 2006: 329). به اعتقاد پاتریشا^۲ «اینترنت، این فناوری جدید، جایی بین دو سوی جبرگرایی فنی و سازه اجتماعی قرار دارد و در انواع فعالیت‌های آدمی رخنه کرده است» (پاترشیا، ۱۳۸۲، ص ۴۰۲).

اینترنت، شکل و شرایط کنش اجتماعی و تجربه انسانی را در سرتاسر جهان تعیین می‌کند (کاستلز، ۱۳۸۹، ص ۱۳).

در این پژوهش، کوشش بر آن است که بر اساس رویکرد اسلامی عمل، راهکاری برای روبرویی با دنیای مجازی ارائه شود. رویکرد اسلامی این پژوهش از نظریه انسان عامل (باقری، ۱۳۸۲) اخذ خواهد شد و مبنای پژوهش قرار خواهد گرفت. نظریه انسان عامل

1. Bill Gates

2. Patricia



تبیین‌کننده این امر است که در اندیشه اسلامی، انسان عاملی در نظر گرفته می‌شود که می‌توان اعمال صادر شده از او را به خودش منتسب نموده و او را منشأ عملش در نظر گرفت. در طرح‌واره انسان عامل، عمل دارای سه مبناست؛ مبنای شناختی، گرایشی و ارادی - اختیاری. با توجه به مبانی سه‌گانه عمل، هر جلوه یا حالتی از انسان اعم از درونی و بیرونی که مبتنی بر سه مبنای مذکور باشد، عمل محسوب می‌گردد، در غیر این صورت نمی‌توان از آن به منزله عمل آدمی سخن گفت. بر این اساس، می‌توان گفت هر رفتاری بر سه مبنای شناختی، گرایشی و ارادی - اختیاری مبتنی باشد، آن رفتار عمل محسوب می‌شود.

مبنای شناختی عمل ناظر به تصویر و تصویری است که فرد از عمل و نتایج مترتب بر آن دارد. طبیعی است که این تصویر و تصور امری پویا و متحول باشد و متناسب با آن نیز می‌توان گفت مبنای شناختی عمل تغییر و تحول یافته است. اما مبنای گرایشی عمل، به تمایلات و هیجانات فرد در مورد آن عمل اشاره دارد؛ اعم از آنکه این هیجان‌ها معوق به اقدام یا پرهیز باشد. و مبانی ارادی - اختیاری ناظر بر تصمیم‌گیری و گزینش فرد در مورد انجام دادن عمل است و هنگامی عمل تحقق خواهد یافت که علاوه بر وجود تصویرشناختی و هیجان‌های درونی، تصمیم و انتخاب نیز در مورد آن تحقق یابد.

بنابراین زمانی که عملی با این مبانی از فردی سر می‌زند، وی در قبال آن مسئول خواهد بود و می‌توان وی را در خصوص آن، مورد سؤال و مؤاخذه قرار داد. در دیدگاه انسان عامل، تصویری که از انسان در نظر داریم، به منزله موجودی است که در کشاکش نیروهای مختلف محیطی، خود منشأ عمل است و با اعمال خویش هویت خود را رقم می‌زند.

ضرورت پژوهش

با توجه به اهمیت فضای مجازی در توسعه جوامع، در جامعه ما نیز در سال‌های اخیر به فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات توجه زیادی شده است؛ ولی در این رابطه آسیب‌های جدی وجود دارد که ضروری است به ریشه‌یابی آن پرداخت. «کشور ما از نظر بهره‌مندی از اینترنت

در بین ۱۸۷ کشور جهان، رتبه ۸۷ را دارد که بر اساس طبقه‌بندی اتحادیه جهانی مخابرات جزء کشورهای متوسط به شمار می‌رود. ۳۵ درصد استفاده‌کنندگان اینترنت را قشر نوجوان تشکیل می‌دهند و میانگین صرف شده برای اینترنت ۵۲ دقیقه در هفته است» (صادقیان، ۱۳۸۴). شبکه‌های دوست‌یابی در کشور ما به سرعت در میان نوجوانان ایرانی محبوب شده است و «ایرانی‌ها رتبه سوم را در این شبکه‌ها کسب کرده‌اند» (ستارزاده، ۱۳۸۶). شبکه‌های اجتماعی دارای ویژگی‌هایی نظیر فشرده‌شدن زمان و مکان، ارتباطات سریع، سرعت بروز تغییرات، وجود توأمان فرایندهای عام‌گرایی و خاص‌گرایی، بسط تنوع فرهنگی و دینی و... است و می‌توان تصور نمود که در این فضا و شرایط، رابطه میان فهم، عمل و اعتقاد دینی به دلیل تنوع دریافت‌های دینی و برداشت‌های متکثر از دین، تضعیف شده و گرایش به رفتارهای غیردینی تأیید و تقویت و تربیت دینی را دچار چالش‌های متعدد می‌سازد. تحقیق فوق درصدد بررسی راهکارهای نظریه اسلامی عمل در مقابله به دنیای مجازی است. پژوهش پیش رو تنها یک سؤال دارد؛ راهکارهای نظریه اسلامی عمل (انسان عامل) برای مقابله با چالش‌های دنیای مجازی چیست؟

مبانی نظری و مروری بر مطالعات گذشته

پیشینه پژوهش در این مطالعه به دو قسمت تقسیم می‌گردد؛

الف) پژوهش‌های انجام شده در زمینه شبکه‌های مجازی؛

اصغری، ۱۳۹۳، در مقاله تأثیر شبکه‌های اجتماعی مجازی بر باورهای دینی، اعتقادی و تعامل فرهنگی افراد، بیان می‌دارد؛ پژوهش حاضر تنها بر جنبه‌های بحران‌زای این فرآیند تأکید کرده است و یکی از آثار فضای مجازی، شبکه‌های اجتماعی را در جوامع، به‌خصوص جوامع درحال‌گذار، ایجاد بحران دینی افراد می‌داند. یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که براساس یک تقسیم‌بندی نسلی، نسل سوم بیشترین کاربران فضای مجازی در ایران بوده و بیش از نسل‌های دیگر در معرض آثار ناشی از شبکه‌های اجتماعی مجازی هستند.



پیشوایی و همکاران، ۱۳۹۳، در مقاله‌ای تحت عنوان نقش شبکه‌های اجتماعی در باورهای دینی را بررسی می‌نماید و به عنوان یافته‌های تحقیق بیان می‌دارد؛ شبکه‌های اجتماعی تأثیر بسزایی در تغییر باورهای دینی از جمله در ابعاد اعتقادی و مناسکی دارد.

ب) پژوهش‌های انجام شده در زمینه انسان عامل؛

مدنی‌فر و همکاران، ۱۳۹۴، در مقاله‌ای تحت عنوان اهداف واسطی تربیت در دوران کودکی بر اساس رویکرد اسلامی عمل، تلاش داشته است تا با مفروض انگاشتن نظریه اسلامی عمل و چارچوب انسان‌شناختی آن، تصویری از دوران کودکی و اهداف فعالیت‌های تمهیدی در آن فراهم آورد. در این پژوهش تلاش شده آن دسته از شرط‌هایی که در دوران کودکی امکان تحقق دارند، در مقام اهداف تمهید در دوران کودکی تبیین شوند. برخی از این اهداف عبارتند از: سلامت، پاکی و قوت جسم، آشنایی اولیه با آموزه‌های دینی شامل پیام‌های انسانی، مفاهیم، مناسک و مظاهر دین، افزایش قابلیت انتخاب و دست‌ورزی با امیال درونی و افزایش گرایش معطوف به مصادیق خیر.

آزاد منش و همکاران، ۱۳۹۵، در مقاله‌ای تحت عنوان تبیین اهداف و ملاحظات تربیت اخلاقی کودک با نظر به مفهوم عاملیت انسان در اندیشه اسلامی، تلاش دارد تا به تبیین اهداف و ملاحظات کلی تمهیدی «تربیت اخلاقی کودک» بر اساس ماهیت دوران کودکی از منظر رویکرد اسلامی عمل بپردازد. در این دیدگاه، انگاره کلی دوران کودکی از نظر اخلاقی، «گزینش‌گری مسئولانه» است که شامل سه مؤلفه گزینه‌پردازی، گزینش‌گری و پذیرش مسئولیت پیامدهای گزینش است. تمهید اخلاقی در دوران کودکی اهدافی از این دست را شامل می‌شود: «آشنایی با امور نیک و بد»، «دست‌ورزی با امیال» و «گرایش به خوبی‌ها و تنفر از زشتی‌ها». علاوه بر این، با نظر به اهداف تمهیدی تربیت اخلاقی کودک و گزاره‌های واقع‌نگر دوران کودکی، ملاحظات برای تمهید اخلاقی قابل طرح است که برخی از آن‌ها بدین قرارند: «ارائه امور اخلاقی متناسب با توان قوه شناختی کودک»، «ارتباط کودک با محیط غنی اجتماعی - اخلاقی» و «به رسمیت شناختن حدود آزادی سلبی و ایجابی کودک».



نیره حاجی علیان، ۱۳۹۶، در مقاله‌ای تحت عنوان تبیین مبانی عمل اخلاقی بر اساس نظریه انسان عامل بیان داشته است: با بررسی آیات قرآن و روایاتی که به حوزه اخلاق مرتبط می‌شود، به مبانی شناخت خدا به عنوان بنیاد خیر و خیر بنیادین، شناخت کرامت انسانی به عنوان زیربنای اخلاق، شناخت خداوند به عنوان واضع حد و حدود، ادراک کلیت عقلانی عمل اخلاقی در حیطه شناختی و مبانی انسان خواستار خیر نهایی و تعادل هیجانی مبنای فضیلت اخلاقی در حیطه گرایشی و مبنای اراده و عزم شرط لازم اعمال اخلاقی در حیطه ارادی - اختیاری دست یافته و نظریه انسان عامل را به حیطه اخلاق تعمیم دادیم.

تحقیقاتی که به چالش‌های شبکه‌های اجتماعی در ارتباط با باورها و هویت دینی پرداخته، صرفاً به توصیف این چالش‌ها پرداخته و راهکاری برای رویارویی با چالش‌های دنیای مجازی ارائه نداده است. در این پژوهش تلاش است با توجه به رویکرد عاملیت انسان، راهکاری برای رویارویی با چالش‌های مزبور ارائه گردد.

روش تحقیق

در این تحقیق از روش کیفی از نوع تحلیلی - اسنادی استفاده شد. زیرا از طرفی در پی توصیف و شناخت شرایط موجود (توصیف) و از طرف دیگر در پی تحلیل و استنتاج از مفاهیم و کشف عناصر و مفاهیم اصلی است. هدف از روش تحلیل فلسفی فهم و بهبود بخشیدن مجموعه مفاهیم یا ساختار مفهومی است که بر حسب آنها تجربه را تفسیر می‌کنیم، مقاصد را بیان می‌داریم و مسائل را ساخت‌بندی می‌کنیم. در این پژوهش از تحلیل مفهومی که ناظر به فراهم آوردن تفسیرهای عینی است استفاده خواهد شد.

یافته‌های پژوهش

عصر فناوری‌های نوین ارتباطی و گسترش فراگیر آن که به دنبال خود مفاهیم جدیدی چون واقعیت مجازی و فضای سایبری را به همراه آورد، تغییر و تحولات زیادی در زندگی بشر



ایجاد نمود و ما را با جهان جدیدی مواجه ساخت؛ جهانی که در آن متفاوت می‌اندیشیم، می‌نویسیم، می‌خوانیم، ارتباط برقرار می‌کنیم و به‌طور کلی، جهانی که در آن متفاوت زندگی می‌کنیم. این محیط چند رسانه‌ای جدید، بافت معنایی چند ساخته‌ای به‌وجود آورده که غالب جلوه‌های فرهنگی و سیاسی را با همه تنوع و گوناگونی در خود جای می‌دهد.

در حال حاضر میزان استفاده و ضریب نفوذ اینترنت، یکی از سنجه‌هایی است که از طریق آن وضعیت فرهنگی، علمی، اجتماعی و رفاهی کشورها را می‌سنجند. «بنابراین، کشوری که میزان حضور بیشتری در این محیط داشته باشد، نشانگر توسعه و شکوفایی علم و فناوری در آن کشور است. از سوی دیگر، هر چه میزان حضور کشوری در محیط وب بیشتر باشد، یعنی سایت‌های علمی، تجاری و ارتباطی فعال و گسترده‌ای داشته باشد، این کشور امکانات ارتباطی بهتری با سایر کشورها داشته و کشورهای دیگر می‌توانند به تبادلات گوناگونی با این کشور پردازند که همه به رشد بیشتر آن کشور کمک می‌کنند» (اسدی، ۱۳۹۱).

با توجه به گستردگی حیطه شبکه‌های مجازی، می‌توان بیان کرد که شبکه‌های مجازی تأثیرات مثبت و منفی متعددی بر تربیت و باورهای دینی مخاطبان بگذارد که به آن اشاره می‌شود.

چالش‌های شبکه‌های ارتباطی مجازی بر تربیت دینی مخاطبان

وجه بارز و چالش‌آفرین انقلاب ارتباطات برای تربیت دینی، خصیصه «ساخت‌زایی» آن است. «ساختارهای عینی و مفهومی‌ای که ما تاکنون با آنها همراه بوده‌ایم و با نظر به آنها تربیت دینی خود را سامان داده‌ایم، در برابر موج ساخت‌زدای این قرن، متزلزل می‌گردند. حاصل این ساخت‌زدایی، آن است که واقعیت‌ها و مفاهیم متقابل، تقابل خود را از دست می‌دهند. از جمله این ساختارهای واقعی و مفهومی متقابل که برای تربیت دینی و اخلاقی نیز اهمیت داشته‌اند، می‌توان از ساختارهای «دور- نزدیک» و نیز «ممنوع - مجاز» نام برد.

ساختار «دور- نزدیک» در مورد تقابل مکانی است و بر حسب آن، نقاط به دور و نزدیک تقسیم می‌شوند. این ساختار از نظر تربیتی به ویژه تربیت دینی و اخلاقی، تاکنون مهم بوده است؛ زیرا تلاش‌های تربیتی بر آن بوده است که با دورکردن افراد از محیط‌های نامطلوب، آنان را مصونیت بخشد و امکان تحقق تربیت را فراهم آورد. اما تقابلی که در این ساختار مورد نظر بوده است، در عصر ارتباطات، به تدریج ساخت‌زدایی می‌شود. این شکل از ساخت‌زدایی، به درجات بیشتر و با کیفیتی تمام‌تر در رایانه و شبکه‌های مجازی آشکار گردیده است.

ساختار «ممنوع - مجاز» نیز در معرض این ساخت‌زدایی واقع شده است. در گذشته پدران و مادران به بچه‌ها اجازه نمی‌دادند که صحنه‌های خشونت‌آمیز یا غیراخلاقی را مشاهده کنند؛ اما پا به پای رشد و توسعه وسایل ارتباطی، استحکام این ساختار رو به ضعف گذاشته است. میزان این ساخت‌زدایی با توجه به شبکه‌های ارتباطی رایانه‌ای، به مراتب بالاتر و قاطع‌تر می‌شود. به این ترتیب، مرزهای ممنوع و مجاز در نوردیده می‌شود و بسیاری از اموری که در گذشته ممنوع محسوب می‌شد، امروز مجاز و یا اجتناب‌ناپذیر شده و فضا به گونه‌ای دگرگون می‌شود که بسیاری از امور را به تدریج و در عمل، تحمیل می‌کند» (باقری، ۱۳۸۴، صص ۶۰-۶۴).

شکسته شدن مرزها و ساخت‌های تقابلی مذکور، با توجه به مباحث اخلاقی و دینی بسیار مهم است؛ زیرا تربیت دینی و اخلاقی، به‌طور جدی، با حدود و مرزها سروکار دارد. تربیت دینی و اخلاقی، به یک معنا، تعیین مرزها و مانوس کردن افراد با آنهاست. اگر مرزی وجود نداشته باشد، آدمی می‌تواند به هر کاری مبادرت کند و در این صورت، سخن گفتن از تربیت دینی و اخلاقی میسر نخواهد بود.

با توجه به آنچه بیان شد، شبکه‌های ارتباطی مجازی، می‌توانند آسیب‌هایی را در حوزه‌های مختلف تربیت دینی به دنبال داشته باشند. «در حوزه آسیب‌های اعتقادی، دسته‌ای از آسیب‌ها از همان نخست و با عضویت در شبکه‌ها رخ می‌نماید و به بیان دیگر، برخی از



ویژگی‌های ذاتی و اقتضائات این شبکه‌ها، در تضاد و تعارض با باورهای دینی کاربران است، مانند ارتباط پیوسته کاربران با یکدیگر و دسته‌دگر از چالش‌ها و آسیب‌ها مواردی است که به وسیله افراد و گروه‌های معاند، با برنامه‌ریزی پیشین و هدفمند اعمال می‌شود که شناسایی و آگاهی‌یافتن از آن ضروری است. مانند ترویج دینی دروغین (حلاج، ۱۳۹۳). در زیر به برخی از چالش‌های دنیای مجازی در زمینه تربیت دینی می‌توان اشاره نمود؛

۱- روابط آزاد بین افراد نامحرم، حیازدایی و نقض احکام شرعی

شبکه‌های مجازی با توجه به ساختار «مجاز- ممنوع» برای کاربرانشان فضایی را به وجود می‌آورند که کاربر آزادانه و بدون قید و بندی با دیگر کاربران ارتباط برقرار می‌کند که از آن به فرایند «دوست‌یابی» یاد می‌شود. بر اساس عرف جامعه ارزشی ما که مبتنی بر احکام دینی است، روابط پسر و دختر و مرد و زن نامحرم در محدوده‌های مشخصی تعریف و تعیین شده است. متأسفانه فضای سایت‌های دوست‌یابی و شبکه‌های اجتماعی مجازی، به نقض این احکام و شکسته شدن قبح ارتباط خارج از شرع و عرف با نامحرم و عادی شدن روابط دختر و پسر می‌انجامد که با ارزش‌های اسلامی ایرانی همخوانی ندارد. به علاوه در چنین فضایی، نظارت، همچون نظارت دنیای واقعی وجود ندارد و جوانان با ورود به آن، به راحتی می‌توانند با تعداد زیادی از غیر همجنسان خود ارتباط داشته باشند؛ ارتباطی که به دلیل نبود هیچ قانون خاص و نیروی کنترل‌کننده‌ای، شکل و هویت تازه‌ای به خود می‌گیرد که در دنیای واقعی، به دلایلی همچون ترس از آبرو، خانواده، جامعه و تقیدات دینی، امکان شکل‌گیری آن در این حد وجود ندارد.

۲- ترویج فساد و بی‌بندوباری

وجود فضای بی‌بندوباری و دوری از حیا و عفت، یکی از ویژگی‌های برخی شبکه‌های اجتماعی مجازی است. برای مثال، در نوشته‌های آموزشی - تبلیغاتی، فیس‌بوک نمونه



عکس‌های نامناسب و شخصی از افراد مختلف نمایش داده می‌شود تا کاربران به درج تصاویر خود در این شبکه اجتماعی تشویق شوند. «فعالیت بدون محدودیت برای گروه‌های ضد اخلاقی، مانند هم‌جنس‌گراها و مروجان انواع روابط نامشروع، بخش دیگری از مصادیق فساد و بی‌بندوباری است. گاهی عوامل جرم و فساد و باندهای منحرف که با سوءاستفاده از این شبکه‌ها در صدد گسترش فساد هستند، با ظاهری فریبنده خود را در معرض دوستی با افراد آسیب‌پذیر قرار می‌دهند. ساده‌انگاری برخی کاربران جوان، آسیب‌ها و خطرهای جدی را به دنبال خود داشت. همچنین به دلیل آزادی مطلق و بی‌حد و حصر کاربران، گاهی در این شبکه‌ها تصاویر مستهجن به نمایش گذاشته می‌شود. برای مثال افرادی در فیس‌بوک و بلاگ اسپارت با نمایش گذاردن بدن برهنه خود، قصد اعلام اعتراض خود علیه حجاب را داشتند» (افراسیابی، ۱۳۹۲).

۳- تبلیغ ادیان و باورهای کاذب

فرقه‌های مبلغ بی‌دینی در غرب، دین اسلام را بزرگ‌ترین سدّ پیش روی خود برای گسترش افکارشان می‌بینند. بنابراین کاربر در لابه‌لای محصولات اینترنتی، شاهد خودنمایی این فرقه‌هاست. «برخی شبکه‌های اجتماعی مجازی، مهم‌ترین ابزار پشتیبان جریان‌های انحرافی با تمرکز دین‌ستیزی و فرقه‌گرایی هستند و در شست‌وشوی مغزی ملت‌ها نقش مهمی دارند. بیش از هشت میلیون سایت شیطان‌پرستی در شبکه‌های مجازی وجود دارد» (افراسیابی، ۱۳۹۲، ص ۷۶).

۴- هنجارسازی‌های معارض با آموزه‌های دینی

«در اینترنت و فیس‌بوک، فرد در موقعیت گریز از الگوهای فکری فرهنگی مرسوم جامعه قرار می‌گیرد. از هویت بیرونی خود خارج می‌شود و با هویتی کاذب، هر علاقه‌ای را که به



سبب موانعی در عرصه واقعی نمی‌تواند دنبال کند، در محیط مجازی دنبال می‌کند. سرعت نقل و انتقال مفاهیم و بی‌توجهی به اصالت مکان عینی در محیط مجازی فیس‌بوک، علاقه به بازی با هویتی متکثر و غیرواقعی و خروج از سلطه الگوهای بیرونی را افزایش می‌دهد» (مظاهری سیف، ۱۳۹۲، ص ۲۵۴). بدین ترتیب، گرایش‌های ساختارشکنانه در کاربران تقویت شده و با ایجاد لغزندگی و تردید در باورهای آنان نسبت به الگوهای ارزشی، اعتقادی و دینی، الگوهای مغایر بر آنان تحمیل و سرانجام الگوهای جدیدی خلق می‌شود که با الگوی فکری، عقیدتی و رفتاری سابق در تعارضند.

۵- هتک حرمت مقدسات

«از نظر آموزه‌های دینی، مقدّسات و شعائر دین، پرچم و نماد دین هستند و حرمت و قداست ویژه‌ای دارند و مسلمانان موظف به رعایت و حفظ آن هستند. به همین دلیل، توهین به مقدّسات شیعیان، نوک پیکان سلطه‌گری فرهنگی جهان غرب قرار گرفته است و در هر برهه‌ای که جریان سلطه ناکام می‌شود، توهین به استوانه‌های عقیدتی مسلمانان را در پیش می‌گیرد» (خان‌صیمی و همکاران، ۱۳۹۳). در این شبکه‌ها، اموری که در گذشته کاری نادرست و ممنوع در نظر گرفته می‌شد، امروز با هتک حرمت به مقدّسات امری مجاز و مورد قبول است.

۶- اشاعه اخبار دروغ و شایعه در شبکه‌های اجتماعی در تضاد با دستورات و باورهای دینی اخبار دروغ، جعلی یا تحریف شده در برخی سایت‌ها و شبکه‌های اجتماعی مجازی به آسانی منتشر می‌شود. این در حالی است که از پخش اخبار دروغ و شایعه‌پراکنی، در قرآن و سیره ائمه اطهار (علیهم‌السلام) به شدت نهی شده و از نظر شرع و قانون، گناه است. برای مثال، «در برخی شبکه‌های اجتماعی مجازی، افراد سودجو صفحه‌ای را به نام فردی مشهور باز کرده‌اند، بدون آنکه وی باخبر باشد و اخبار دروغ و عکس‌هایی نامناسب در این صفحات منتشر می‌کنند



که موجب بروز مشکلاتی در جامعه می‌شود. همچنین هنگامی که فاجعه‌ای طبیعی، بحران یا حادثه‌ای اتفاق می‌افتد، واکنش مردم در شبکه‌های اجتماعی متفاوت است. افراد مختلف به تناسب شخصیت، دانش، بینش و نوع اطلاع‌رسانی که به آنها می‌شود، به صورت‌های مختلف واکنش نشان می‌دهند که یکی از واکنش‌ها، شایعه‌پردازی یا کمک ناخواسته به اشاعه شایعه است» (دهقان شاد، ۱۳۹۰).

۷- هنجارسازی‌های معارض با آموزه‌های دینی

«در اینترنت و فیس‌بوک، فرد در موقعیت گریز از الگوهای فکری فرهنگی مرسوم جامعه قرار می‌گیرد. از هویت بیرونی خود خارج می‌شود و با هویتی کاذب، هر علاقه‌ای را که به سبب موانعی در عرصه واقعی نمی‌تواند دنبال کند، در محیط مجازی دنبال می‌کند. سرعت نقل و انتقال مفاهیم و بی‌توجهی به اصالت مکان عینی در محیط مجازی فیس‌بوک، علاقه به بازی با هویتی متکثر و غیرواقعی و خروج از سلطه الگوهای بیرونی را افزایش می‌دهد» (مظاهری سیف، ۱۳۹۲، ص ۲۵۴). بدین ترتیب، گرایش‌های ساختارشکنانه در کاربران تقویت شده و با ایجاد لغزندگی و تردید در باورهای آنان نسبت به الگوهای ارزشی، اعتقادی و دینی، الگوهای مغایر بر آنان تحمیل و سرانجام الگوهای جدیدی خلق می‌شود که با الگوی فکری، عقیدتی و رفتاری سابق در تعارضند.

۸- فراهم آوردن فضای باز و تحریف واقعیت و القای شبهات دینی

«شبکه‌های اجتماعی فضایی را پدید می‌آورند تا هر شخص، با هر سلیقه و نظری به بیان باورهای خود بپردازد. این مسأله به نوبه خود امتیاز به شمار می‌آید، اما مانند ویژگی‌های دیگر فضای مجازی، در مواردی که مخالف ارزش‌ها و احکام شرع اسلامی باشد، آثار سوئی به دنبال دارد. در شبکه‌های اجتماعی اینترنتی نیز مانند دیگر رسانه‌ها، افراد و گروه‌های مغرض با اهداف ازپیش تعیین‌شده و با شیوه‌های مخصوص، اقدام به تبلیغات ضد دینی و حمله به اعتقادات مذهبی و جعل واقعیت می‌کنند» (مظاهری سیف، ۱۳۹۲، ص ۲۵۴).

۹- ترویج رذایل اخلاقی

از دیگر ویژگی‌های رسانه‌های جدید اینترنتی و شبکه‌های اجتماعی مجازی از جمله فیس‌بوک، تأثیر بر افکار عمومی و بسیج کاربر برای اهداف خاص است؛ به گونه‌ای که به واسطه این رسانه‌ها، نوعی فضای عمومی شکل می‌گیرد و بسیاری از افراد بی‌آنکه یکدیگر را ببینند و تبادل نظر کنند، مانند یکدیگر، فکر، و در نتیجه مانند یکدیگر نیز عمل می‌کنند. بر این اساس با تولید پیام، شعار و اندیشه به شیوه‌ای هنری و از راه تصویر، گرافیک، صدا و موسیقی، تصورات بسیج می‌شوند» (مظاهری سیف، ۱۳۹۲، ص ۲۵۴).

۱۰- تعارض ارزش‌های دینی

تغییرات فن‌آورانه، ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی را تحت تأثیر خود قرار داده است. یکی از چالش‌های فراوری فرهنگ‌ها، برخورد با این پدیده است؛ چون اساساً ورود اینترنت همراه با ارزش‌های غربی، چالش‌های جدیدی را در کشورهای دیگر به وجود آورده است. از آنجایی که برخی از عناصر موجود در این پدیده، مغایر با فرهنگ خودی (ارزش‌های اسلامی - ایرانی) است، پس می‌توان گفت اینترنت می‌تواند آسیب‌های زیادی را به همراه داشته باشد. مثلاً ورود اینترنت در حوزه خانواده موجب تغییر نظام ارزشی در خانواده‌ها می‌شود. در یک مطالعه تجربی نشان داده شد که استفاده جوانان از اینترنت، موجب کاهش ارزش‌های خانواده شده است» (زنجانی‌زاده، ۱۳۸۴).

۱۱- شکاف نسل‌ها و از بین رفتن الگوهای دینی

اینترنت شکاف میان نسل‌ها را بیشتر کرده است. امروزه با ورود وسایل و فن‌آوری‌های جدید به عرصه خانواده‌ها، شاهد این هستیم که والدین و فرزندان ساعت‌های متمادی در کنار یکدیگر می‌نشینند، بدون آنکه حرفی برای گفتن داشته باشند. ما دیگر کمتر نشانه‌هایی از آن نوع خانواده‌هایی را داریم که والدین و فرزندان دور هم نشسته و درباره موضوعات مختلف



خانوادگی و کاری با هم گفتگو کرده و نظرات همدیگر را راجع به موضوعات مختلف جویا شوند. در شرایط فعلی روابط موجود میان والدین و فرزندان به سردی گراییده و دو نسل به دلیل داشتن تفاوت‌های اجتماعی و تجربه‌های زیستی مختلف زندگی را از دیدگاه خود نگریسته و مطابق با بینش خود آن را تفسیر می‌کنند. (رحیمی، ۱۳۹۰، ص ۱۷).

«امروزه سرعت فن‌آوری، شکاف بین نسل فرزندان و والدینشان را بسط داده است. بر اساس اظهارات معاون سازمان بهزیستی کشور، میزان گفت‌وگو در بین اعضای خانواده در کشور، تنها حدود ۳۰ دقیقه است که این می‌تواند آسیب‌زا باشد» (رحیمی، ۱۳۹۰، ص ۱۹). شکاف بین نسل‌ها می‌تواند الگوهای دینی را کمرنگ نموده و جوانان تمایلی به پیروی از نسل قبلی خود در باورهای دینی نخواهند داشت.

با توجه به ماهیت عصر ارتباطات، در این پژوهش تلاش می‌شود تا با توجه به رویکرد اسلامی عمل، راهکاری را برای مقابله با چالش‌های دنیای مجازی برای تربیت دینی در عصر حاضر ارائه دهیم.

رویکرد انسان عامل

نظریه انسان عامل، تبیین‌کننده این امر است که در اندیشه اسلامی، انسان عاملی در نظر گرفته می‌شود که می‌توان اعمال صادر شده از او را به خودش منتسب نمود و او را منشأ عملش در نظر گرفت. در طرح‌واره انسان عامل، عمل دارای سه مبناست؛ مبنای شناختی، گرایشی و ارادی - اختیاری. با توجه به مبانی سه‌گانه عمل، هر جلوه یا حالتی از انسان اعم از درونی و بیرونی که مبتنی بر سه مبنای مذکور باشد، عمل محسوب می‌گردد، در غیر این صورت نمی‌توان از آن به منزله عمل آدمی سخن گفت. (باقری، ۱۳۸۷، ص ۸۴).

مبنای شناختی عمل ناظر به تصویر و تصویری است که فرد از عمل و نتایج مترتب بر آن دارد. طبیعی است که این تصویر و تصور امری پویا و متحول باشد و متناسب با آن نیز می‌توان گفت که مبنای شناختی عمل تغییر و تحول یافته است. اما مبنای گرایشی عمل، به



تمایلات و هیجانات فرد در مورد آن عمل اشاره دارد، اعم از آنکه این هیجان‌ها معوق به اقدام یا پرهیز باشد. برای تحقق هر عمل، علاوه بر مبدأ معرفتی باید در فرد میلی به انجام عمل، نیز پدیدار گردد و اراده وی نیز بر اقدام به آنان قرار گیرد. مبانی ارادی - اختیاری ناظر بر تصمیم‌گیری و گزینش فرد در مورد انجام دادن عمل است و هنگامی عمل تحقق خواهد یافت که علاوه بر وجود تصویرشناختی و هیجان‌های درونی، تصمیم و انتخاب نیز در مورد آن تحقق یابد. بنابراین زمانی که عملی با این مبانی از فردی سر می‌زند، وی در قبال آن مسئول خواهد بود و می‌توان وی را درخصوص آن مورد سؤال و مؤاخذه قرار داد. در دیدگاه انسان عامل، تصویری که از انسان در نظر داریم، به منزله موجودی است که در کشاکش نیروهای مختلف محیطی، خود منشأ عمل است و با اعمال خویش هویت خود را رقم می‌زند.

در نظریه اسلامی عمل، عاملیت انسان قابل حذف نیست. بنابراین زمانی که از عمل سخن به میان می‌آید، عاملی را که این عمل منسوب به اوست، نمی‌توان نادیده گرفت. «هر فعلی که از کسی صادر می‌شود، معنا و مفهومش را از نیت و قصد عامل آن به دست می‌آورد. فاعل عملی معین، آن کار را یا به خاطر رسیدن به چیزی و یا رهیدن از چیزی انجام می‌دهد. این حیث التفاتی در ظهور عمل اساسی است؛ به‌طوری که اگر آن را حذف کنیم و در نظر نگیریم، از عمل نمی‌توانیم سخن بگوییم. با حذف این حیث، بین فعلی که از انسان سر می‌زند و فروغلتیدن پاره‌سنگی از بالای کوه تفاوتی نیست» (باقری، ۱۳۷۵).

رویکرد انسان عامل و چالش‌های دنیای مجازی

با توجه به رویکرد اسلامی عمل، می‌توان از مؤلفه‌های تربیت دینی در قرن بیستم (کتاب نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، ج ۲ دکتر خسرو باقری) برای رویارویی با دنیای مجازی استفاده نمود.

مطابق با مبانی شناختی ذکر شده در رویکرد اسلامی عمل، یکی از مؤلفه‌های اساسی



تربیت دینی، عقلانیت است. عقل در لغت به معنای امساک، پیوند دادن و نگه داشتن است و به همین دلیل بستن شتر را عقل گویند. عقل به قوایی گفته می‌شود که آماده پذیرش علم و دانش است و گاهی نیز به دانشی نیز که به وسیله همین قوه به دست آمده است، گویند (راغب اصفهانی، بی‌تا، ذیل ماده ع ق ل). در قرآن کریم مشتقات عقل در چندین مورد استفاده شده است که شاید بتوان گفت همان فهم درست و دقیق و دریافت صحیح از حقایق عالم است. در قاموس چنین آمده است: «عقل الشیء، فهمه» (فیروزآبادی، ماده ع ق ل).

لفظ عقل از این باب بر ادراک اطلاق می‌شود که در ادراک عقد قلبی به تصدیق هست و «انسان را به این جهت عاقل می‌گویند، و به این خصیصه ممتاز از سایر جانداران می‌دانند که خدای سبحان انسان را فطرتاً این چنین آفریده که در مسائل فکری و نظری حق را از باطل، و در مسائل عملی خیر را از شر، و نافع را از مضر تشخیص دهد، چون از میان همه جانداران او را چنین آفریده که در همان اول پیدا شدن و هست شدن، خود را درک کند و بداند که او، اوست و سپس او را به حواس ظاهری مجهز کرده تا به وسیله آن، ظواهر موجودات محسوس پیرامون خود را احساس کند، ببیند و بشنود و بچشد و بیوید و لمس کند و نیز او را به حواسی باطنی چون؛ اراده، حب، بغض، امید، ترس و امثال آن مجهز کرده تا معانی روحی را به وسیله آنها درک کند، و به وسیله آن معانی، نفس او را با موجودات خارج از ذات او مرتبط سازد و پس از مرتبط شدن، در آن موجودات دخل و تصرف کند، ترتیب دهد، از هم جدا کند، تخصیص دهد و تعمیم دهد و آن گاه در آنچه مربوط به مسائل نظری و خارج از مرحله عمل است، تنها نظر دهد و حکم کند، و در آنچه که مربوط به مسائل عملی است و مربوط به عمل است، حکمی عملی کند، و ترتیب اثر عملی بدهد» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ص ۳۷۳).

سؤالی که مطرح می‌شود، این است که آیا عقل توان تعیین حسن و قبح افعال را داراست و می‌تواند در حیطه اخلاق، خوبی و زشتی اعمال را برای انسان مشخص نماید؟

در پاسخ به این سؤال، دو دیدگاه وجود دارد؛ به اعتقاد معتزله، عقل، حسن و قبح ذاتی



افعال را مستقل از شرع می‌تواند درک نماید و بنابراین مستقلات عقلیه را بیان می‌نمایند. بر طبق این نظریه بیان می‌دارند: «ما بالبداهه درک می‌کنیم که افعال ذاتاً متفاوتند و بالبداهه درک می‌کنیم که عقول ما بدون اینکه نیازی به ارشاد شرع داشته باشد، این حقایق مسلم را درک می‌کند (مطهری، ۱۳۷۴، ص ۲۰). با توجه به نظرات بیان شده در مورد حسن و قبح اعمال، می‌توان بیان نمود حسن و قبح افعال، عقلی است. زیرا عقل آدمی توان شناخت برخی حسن‌ها و قبح‌ها را دارد. مطابق با نظر معتزله، در بسیاری از آیات قرآن کریم، خداوند، توان شناسایی حسن و قبح را به عقل الهام نموده و می‌فرماید: «فَاللَّهُمَّ فَجُورَهَا وَتَقْوَاهَا» (الشمس، ۸۱). به عبارتی دیگر، خداوند این دو حقیقت را به انسان الهام و تعلیم نموده و به تعبیر ساده‌تر، راه و چاه را به او نشان داده است. همان‌گونه که در آیه‌ای دیگر می‌فرماید: «وَ هَدَيْنَاهُ النَّجْدَيْنِ» (البلد، ۱۰). بنابراین خیر و شر اخلاقی به انسان آموخته شده و انسان به کُلّیتی از کارهایی که سزاوار است انجام دهد و کارهایی که سزاوار انجام نیست، شناخت دارد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت انسان توان درک حسن و قبح اعمال را داشته و عقل عملی او را به انجام کارهای خوب و دوری از کارهای بد دعوت می‌نماید. به عبارتی، همه انسان‌ها دارای نعمت عقل بوده و اگر در آیات و روایات، نکوهشی بر بی‌تفکری انسان صورت گرفته، به جهت عدم استفاده صحیح از آن است.

از آنجا که در دنیای مجازی، مبادله اطلاعات و نظرگاه‌های مختلف، به آسانی صورت می‌پذیرد و حاصل آن، می‌تواند بروز سؤال‌ها و تردیدهای فراوان در حجّیت و اعتبار دین باشد، در چنین شط عظیمی از سؤال‌ها و تردیدها، دین‌ورزی و تربیت دینی هنگامی دوام می‌آورد که موجودیتی موجّه و مدلّ داشته باشد؛ نه آنکه امری سلیقه‌ای تلقّی شود (باقری، ۱۳۸۴، ص ۷۲). بنابراین برای رویارویی با چالش دین‌ستیزی در دنیای مجازی، متربی باید از عقل نظری استفاده نموده و دین و باورهای دینی خود را مستدل نماید. بدین صورت شبهه‌های وارد شده بر دین را به راحتی می‌تواند پاسخ دهد و بدین طریق در دریای عظیم چالش‌های دین و دین‌داری، با تعقّل دین خود را حفظ نماید.



از سوی دیگر، حضور در دنیای مجازی در این عصر باید چهره عقلانی داشته باشد. همان‌طور که بیان شد، یکی از ویژگی‌های دنیای مجازی ساخت زدایی «مجاز- ممنوع» است. در دنیای مجازی خیلی از رفتارهای غیر اخلاقی و دینی که در گذشته قابل کنترل بود، امروزه تبدیل به شرط لازم برای عضویت در این شبکه‌ها شده است و کاربران به دور از نگاه کنترل‌کننده خانواده یا جامعه، تن به رفتارهای غیر اخلاقی و دینی می‌دهند (مثل عکس‌ها و چت‌های نامتعارف). با توجه به ویژگی بازداری و نمایاندن درست و غلط عقل عملی، با تکیه بر عقل عملی می‌توان از انجام برخی از اعمال غیر اخلاقی بر حذر داشته شود و کاربر را از انجام بسیاری از اعمال منافی عفت در شبکه‌های مجازی باز می‌دارد.

در این مرحله و با اتکا به عقل عملی و نظری، فرد دارای تقوایی از نوع تقوای حضور می‌گردد. «تقوا یا حفظ خویشتن، گاه با دوری گزیدن و پرهیز میسر می‌گردد. اگر تربیت دینی تنها بر این‌گونه از تقوا استوار باشد، نوعی تربیت قرنطینه‌ای تحقق خواهد یافت که در آن، حفظ افراد، تنها با قرار گرفتن در محدوده‌ای جدا و دور از شرایط منفی میسر است» که در دنیای مجازی با ساخت‌زایی «دور- نزدیک» و «ممنوع - مجاز» تقوای قرنطینه‌ای ناکارآمد به نظر می‌رسد؛ اما تقوای حضور، همچنان در دسترس ماست و این است که باید چون مؤلفه‌ای اساسی از تربیت دینی در این عصر مورد توجه قرار گیرد. به یک معنا می‌توان گفت تقوای حضور، مفهوم متفاوتی از مرز و مرزگذاری را فراهم می‌آورد. در تقوای پرهیز، مرز، صورت «مکانی» دارد، اما در تقوای حضور، مرز، شکل «مکانتی» می‌یابد (باقری، ۱۳۸۴، ص ۷۶).

به عبارت دیگر، با توجه به تقوای حضور، فرد نه تنها از دنیای مجازی فاصله نمی‌گیرد، بلکه در عین حضور در دنیای مجازی، مکانت و مرتبه خود را به صورتی می‌بیند که تن به بسیاری از اعمال و افکار غیر دینی و اخلاقی نداده و بدین طریق، از آلودگی شرایط مصون می‌ماند. بدین طریق کاربر دارای تقوای حضور، انجام بسیاری از اعمال متداول در شبکه‌های مجازی را در شأن خود ندانسته و گرایش‌های خود را تحت کنترل مبنای شناختی «عقلانیت» قرار می‌دهد.



لازمه چنین حضوری در جامعه مجازی، ارزیابی اطلاعات، شرایط و رفتارهای مطلوب در شبکه‌های مجازی است. «ارزیابی و نقّادی، مستلزم بازشناسی جنبه‌های مثبت و منفی پدیده‌های این دوران است. طرد یک‌باره و تمام‌عیار هر آنچه متعلق به این دوران است، نه تنها ممکن نیست، بلکه مطلوب هم نیست؛ زیرا این‌گونه طرد تمام‌عیار، در دامن خود، پذیرش تمام‌عیار را می‌پروrand. اگر تربیت دینی، بنا را بر طرد تمام‌عیار مظاهر عصر حاضر بگذارد، وجهه‌ای غیر منصفانه و دور از واقع از خود خواهد ساخت و همین امر، زمینه را فراهم می‌سازد تا افراد تحت تربیت، به شورشی واداشته شوند که نتیجه آن، قبول عصیت‌آلود، انتقام‌جویانه و تمام‌عیار است (باقری، ۱۳۸۴، ص ۷۸). با توجه به مؤلفه‌های ذکر شده، کاربر می‌تواند با عقلانیت، گرایش‌ها و هیجانات خود را تحت کنترل در آورده، با داشتن تقوای حضور، به دور از آسیب‌های دنیای مجازی، حضوری فعال داشته و دست به انتخاب محتوای دنیای مجازی بزند.



بحث و نتیجه‌گیری

همان‌طور که بیان شد، در طرح‌واره انسان عامل، عمل دارای سه مبناست؛ مبنای شناختی، گرایشی و ارادی - اختیاری.

مبنای شناختی عمل ناظر به تصویری است که فرد از عمل و نتایج مترتب بر آن دارد. طبیعی است که این تصویر و تصور امری پویاست و متناسب با آن مبنای شناختی، عمل قابلیت تغییر را دارد. مبنای گرایشی عمل، به تمایلات و هیجانات فرد در مورد آن عمل اشاره دارد. برای تحقق هر عمل، علاوه بر مبدأ معرفتی باید در فرد، میل به انجام عمل نیز پدیدار گردد و اراده وی نیز بر اقدام به آن قرار گیرد. مبنای ارادی - اختیاری ناظر بر تصمیم‌گیری و گزینش فرد در مورد انجام دادن عمل است و هنگامی عمل تحقق خواهد یافت که علاوه بر وجود تصویرشناختی و هیجان‌های درونی، تصمیم و انتخاب نیز در مورد آن تحقق یابد.

بنابراین برای مقابله با چالش‌های دنیای مجازی ابتدا باید در زمینه مبنای شناختی تربیت داشته باشیم. این مبنا نیازمند عقلانیت نظری و عملی در حیطه دین و اخلاق هستیم تا کاربر بتواند علی‌رغم حضور فعال در شبکه‌های مجازی از شبهات دینی و تبلیغات ضد دین در امان مانده و از سمت دیگر اجازه هم‌رنگ شدن با جامعه شبکه مجازی را به خود ندهد. در دنیای مجازی با ساخت زایی «دور- نزدیک» و «ممنوع - مجاز» تقوای قرنطینه‌ای ناکارآمد به نظر می‌رسد. بنابراین باید به تقوای حضور روی آوریم. از آنجا که عقلانیت لازمه تقوای حضور است، در قدم بعدی با رشد عقلانیت می‌تواند در دنیای مجازی فعال بوده و چالش‌های دنیای مجازی را تبدیل به فرصت نمود.

- ۱- افرا سیابی، محمد صادق، *مطالعات شبکه‌های اجتماعی و سبک زندگی جوانان*، تهران: سیمای شرق، ۱۳۸۲ ش.
- ۲- باقری، خسرو، *نگاهی دوباره به تربیت / سلامی*، جلد اول، تهران: انته‌شارات مدرسه، ۱۳۸۶ ش.
- ۳- باقری، خسرو، *نگاهی دوباره به تربیت / سلامی*، جلد دوم، تهران: انته‌شارات مدرسه، ۱۳۸۴ ش.
- ۴- باقری، خسرو، *هویت علم دینی*، تهران: انته‌شارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۲ ش.
- ۵- باقری، خسرو، *عمل آدمی و آثار آن*، تهران: حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۵ ش.
- ۶- باقری، خسرو و خسروی، زهره، «*راهنمای درونی کردن ارزش‌های اخلاقی از طریق برنامه‌ریزی درسی*»، فصلنامه مطالعات برنامه‌ریزی درسی، فصل بهار، شماره ۸، ۱۳۸۷ ش.
- ۷- پاتریشیا، ولیس، *روان‌شناسی اینترنت*، ترجمه فضل‌الله قنادی، تهران: مؤسسه انتشاراتی ایران نو، ۱۳۸۲ ش.
- ۸- خان صیمی و همکاران، «*تقش شبکه‌های اجتماعی در باورهای دینی*»، مطالعات جوان و رسانه، بهار، سال ۴، شماره ۱۳، ۱۳۹۳ ش.
- ۹- دهقان شاد، علیرضا، *نظریه‌های ارتباطات*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم، ۱۳۹۰ ش.
- ۱۰- زنجان‌زاده، هما و محمدجوادی، علی، *بررسی تأثیر اینترنت بر ارزش‌های خانواده در بین دانش‌آموزان دبیرستانی ناحیه ۳ مشهد (در سال ۸۲-۸۳)*، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره ششم، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۴.
- ۱۱- طباطبایی، سیدمحمدحسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴ ش.



۱۲- کاستلز، مانوئل، *عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ*، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: طرح نو، ۱۳۸۰ش.

۱۳- فیروزآبادی، مجدالدین محمد بن یعقوب، *القاموس المحيط*، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۹۹۱م.

۱۴- مطهری، مرتضی، *مجموعه آثار*، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۷۴ش.

۱۵- مظاهری سیف، حمیدرضا، انسان در جست‌وجوی معنا، نشریه پگاه، ۱۳۹۲ش.

16. Kimberly, M. C, (2007), "The Positive and Negative Implications of Anonymity in Internet Social Interactions", Volume 23, Issue 6, P 3038-3056.

پیش‌بینی امید، قدردانی و رضایت از زندگی بر اساس سبک زندگی اسلامی

دانشجویان شهر اصفهان^۱

ظریفه حقیقت‌پور^۲

مجتبی طغیانی^۳

زهرا ماهر^۴

چکیده

هدف پژوهش حاضر پیش‌بینی امید، قدردانی و رضایت از زندگی براساس سبک زندگی اسلامی دانشجویان شهر اصفهان است. روش پژوهش، توصیفی و از نوع همبستگی است. جامعه آماری شامل کلیه دانشجویان دوره کارشناسی و کارشناسی ارشد دانشگاه‌های دولتی، غیرانتفاعی و آزاد اسلامی شهر اصفهان در سال تحصیلی ۹۹-۱۳۹۸ بود که سیصدنفر از آن‌ها به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. ابزار اندازه‌گیری شامل پرسشنامه پنجاه سؤالی سبک زندگی اسلامی (طغیانی، کجباف و قمرانی)، پرسشنامه دوازده سؤالی امید به زندگی بزرگسالان (شنايدر، پرسشنامه پنج سؤالی رضایت از زندگی (دینر و همکاران) و شش سؤالی قدردانی (مک کولوف و همکاران) بود. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون گام‌به‌گام استفاده شد. نتایج پژوهش نشان داد سبک زندگی اسلامی بر سه متغیر امید، قدردانی و رضایت از زندگی دانشجویان تأثیر دارد و می‌تواند آنها را پیش‌بینی کند. ۲۱ درصد از متغیر امید، ۱۸ درصد از متغیر قدردانی، و ۳۴

۱. این مقاله برگرفته از پایان‌نامه ارشد رشته روانشناسی اسلامی گرایش مثبت‌گرا، دانشگاه معارف قرآن و عترت (عج) اصفهان است.

۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد رشته روانشناسی اسلامی گرایش مثبت‌گرا دانشگاه معارف قرآن و عترت (عج) اصفهان
zarifehhagheghat@gmail.com

۳. استادیار گروه روانشناسی دانشگاه معارف قرآن و عترت (عج) اصفهان mtoghiani@gmail.com

۴. دکترای جامعه‌شناسی Zahra.maher92@gmail.com



درصد از رضایت از زندگی به واسطه سبک زندگی اسلامی قابل تبیین است. همچنین بین سبک زندگی اسلامی با امید، قدردانی و رضایت از زندگی دانشجویان، همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد.

واژگان کلیدی: امید، قدردانی، رضایت از زندگی، سبک زندگی اسلامی، دانشجویان

مقدمه

برای داشتن سبک زندگی^۱ مطلوب، دو نوع جهت‌گیری لازم است: ۱. بایدها و نبایدهای مورد قبول در زندگی؛ ۲. شیوه‌های اجرا و به عینیت رساندن آن. جهت‌گیری اول، به‌طور غالب ارزشی و اخلاقی است و جهت‌گیری دوم، مبتنی بر ارزش‌های عملی است. اخلاق، جهت‌گیری‌های کلی زندگی و علوم انسانی، به‌ویژه روان‌شناسی، شیوه‌های رسیدن به آن را فرا راه انسان قرار می‌دهد (شولتز^۲، ۱۳۹۶).

سبک زندگی از موضوعات بین رشته‌ای است. اخلاق و روان‌شناسی، به هر دو بُعد روانی و جسمانی سبک زندگی توجه دارد. از میان روان‌شناسان، آدلر^۳ به تفصیل به بررسی سبک زندگی پرداخته است. سبک زندگی عبارت است از: مشی کلی فرد در جهت رسیدن به اهداف و غلبه بر مشکلات (شاملو، ۱۳۹۲). اما در سبک زندگی اسلامی عمق عواطف، نگرش‌های فرد و اعتقادات وی سنجیده نمی‌شود، بلکه رفتارهای فرد مورد سنجش قرار می‌گیرد. اما هر رفتاری که بخواهد مبنای اسلامی داشته باشد، باید حداقل‌هایی از شناخت و عواطف اسلامی را پشتوانه خود قرار دهد (رضایی تبریزی و شفیعی آبادی، ۱۳۸۷).

سبک زندگی اسلامی، الگوی زندگی هر فرد است که شامل شاخص اجتماعی (به وظایفی اشاره می‌کند که فرد در ارتباط با دیگران، فراتر از خود و خانواده هسته‌ای خود انجام می‌دهد)، شاخص عبادی (به وظایفی از زندگی اشاره دارد که رابطه بین فرد و خداوند را

1. life style

2. Sholts

3. Adler



نشان می‌دهد)، شاخص باورها (به مفاهیم درونی شده‌ای اشاره دارد که به‌طور مستقیم وظایف رفتاری زندگی نیستند؛ اما در لایه‌های زیرین عاطفی و شناختی، حضور دارند)، شاخص اخلاق (به صفات و رفتارهای درونی شده‌ای در فرد اشاره دارد که وظیفه رسمی قانونی او محسوب نمی‌شود؛ اما فرد آن صفت را دارد و آن رفتار را انجام می‌دهد)، شاخص مالی (به رفتارهایی از فرد اشاره دارد که مستقیم یا غیرمستقیم به امور اقتصادی و مادی زندگی مربوط می‌شود)، شاخص خانواده (به رفتارها و روابط فرد از این حیث که عضوی از یک خانواده است اشاره دارد)، شاخص سلامت (به تمام اموری اشاره دارد که به گونه‌ای در سلامت جسمانی و روانی فرد، ایفای نقش می‌کنند)، شاخص تفکر و علم (به فضای شناختی فرد اشاره دارد؛ اعم از شناخت‌های موجود در فرد، تلاش برای افزایش شناخت‌های خود)، شاخص دفاعی - امنیتی (به وظایفی اشاره دارد که به‌صورت فردی یا اجتماعی، به امنیت افراد و جامعه مربوط می‌شود)، و شاخص زمان‌شناسی (به وظایف فرد در ارتباط با استفاده بهینه از زمان مربوط می‌شود (کجباف و همکاران، ۱۳۸۹).

دین می‌تواند بخشی بنیادی از زندگی بسیاری از افراد باشد و ممکن است رضایت از زندگی را در طول دوره زندگی تحت تأثیر قرار دهد، سبک زندگی اسلامی در سه سطح فردی، خانوادگی و اجتماعی مطرح می‌شود و پیش‌بینی کننده برای رضایت از زندگی است (آذربایجانی و موسوی اصل، ۱۳۹۱). رضایت از زندگی به معنای ارزیابی مثبت شناختی عاطفی در زندگی خود (الیسون^۱، ۲۰۱۷). در تعریفی دیگر رضایت از زندگی به معنای احساس سلامت، خوشبختی، شادی و نشاط در زندگی و امید به زندگی است (دیمانتو^۲، ۱۳۹۴).

بر اساس این تعاریف، در رضایت از زندگی، امید نیز مستتر است و باید به آن توجه کرد. امید مجموعه‌ای ذهنی است که مبتنی بر حس متقابل اراده و برنامه‌ریزی برای رسیدن به

1. Allison

2. DeMateuo

هدف است. امید در حقیقت احساسی سرشار از خوش بینی است. امید، نوعی آگاهی درونی به این نکته است که مجبور نیستید در تمام عمر رنج ببرید. استعداد امیدواری، آشکارترین نشان زندگی و چیزی است که انسان را از عزم و توان آغاز کردن برخوردار می‌کند. امید بزرگترین درمان است. تنها نیرویی که بشر را در کمال امنیت از میان سرزمین‌های ناشناخته هدایت می‌کند (زقاری و همکاران، ۲۰۱۲). ایمونز و مک کالوک^۱ (۲۰۱۴) در مطالعه‌ای گزارش نمودند که امید با قدردانی و قدرشناسی^۲ همبستگی مثبتی دارد و قدردانی و قدرشناسی از ویژگی‌های افرادی است که دارای امید بالایی هستند. همچنین وجود امید و قدردانی در فرد می‌تواند در سالم‌سازی سبک زندگی مؤثر باشد؛ زیرا فرد نسبت به داشته‌های خود، احساس خوشایند و قدردانی دارد و امید بیشتری را در زندگی احساس خواهد کرد (مک کالوک، ایمونز و تسنگ^۳، ۲۰۱۵).

با توجه به مطالب مطرح شده، این سؤال مطرح می‌شود که آیا سبک زندگی اسلامی توان پیش‌بینی امید، قدردانی و رضایت از زندگی را دارد؟ بر همین اساس، پژوهش حاضر به بررسی پیش‌بینی امید، قدردانی و رضایت از زندگی بر اساس سبک زندگی اسلامی دانشجویان شهر اصفهان می‌پردازد.

روش‌شناسی

نوع پژوهش، کاربردی و روش پژوهش، توصیفی و از نوع همبستگی بود. جامعه پژوهش حاضر، شامل کلیه دانشجویان دوره کارشناسی و کارشناسی ارشد دانشگاه‌های دولتی، غیرانتفاعی و آزاد اسلامی شهر اصفهان در سال تحصیلی ۹۹-۱۳۹۸ بود. در این پژوهش حجم نمونه آماری پژوهش ۳۰۰ نفر از دانشجویان دوره کارشناسی و کارشناسی ارشد دانشگاه‌های دولتی، غیرانتفاعی و آزاد اسلامی شهر اصفهان در نظر گرفته شد. روش

1. Emmons & Meccullough

2. Gratitude

3. McCullough, Emmons & Tsang



نمونه‌گیری در پژوهش حاضر، در دسترس است؛ به این شکل که ابتدا از میان دانشگاه‌های دولتی و غیردولتی شهر اصفهان، سه دانشگاه انتخاب می‌شوند و آزمودنی‌ها پرسشنامه‌های تحقیق را پاسخ دادند. در این پژوهش از چهار پرسشنامه سبک زندگی اسلامی ساخته شد. پرسشنامه ۵۰ سؤال و دارای ۶ خرده مقیاس است که عبارتند از: ارتباط با دیگران (سؤالات ۱ تا ۹)، تغذیه (سؤالات ۱۰ تا ۲۲)، تفریح و اوقات فراغت (سؤالات ۲۳ تا ۲۸)، خواب - بیداری (سؤالات ۲۹ تا ۳۷)، عبادت (سؤالات ۳۸ تا ۴۸)، و ورزش (سؤالات ۴۹ و ۵۰). حداقل نمره فرد در آزمون «۰» و حداکثر آن «۲۰۰» خواهد بود. نمره بالاتر به معنای نزدیکی بیشتر سبک زندگی فرد به سبک زندگی اسلامی است. این آزمون، نقطه برش ندارد؛ چون سبک زندگی همه افراد، تاحدودی اسلامی است.

روایی همزمان با پرسشنامه و پایایی پرسشنامه را به ترتیب ۰/۵۴ و ۰/۸۲ گزارش دادند. همچنین در پژوهش حاضر برای سنجش پایایی پرسشنامه پس از انجام یک مطالعات مقدماتی بر روی ۳۰ نفر از افراد جامعه آماری و تعیین واریانس سؤالات، از طریق ضریب آلفای کرونباخ مورد محاسبه و ضریب پایایی کلی پرسشنامه ۰/۸۲ به دست آمد. جدول (۳-۲) نتایج ضریب پایایی شش خرده مقیاس در پژوهش حاضر را نشان می‌دهد.

دومین ابزار، پرسشنامه امید به زندگی بزرگسالان شنایدر به منظور جمع‌آوری اطلاعات در مورد امید به زندگی استفاده می‌شود. مقیاس امید بزرگسالان پرسشنامه‌ای خودگزارشی شامل ۱۲ سؤال است که توسط شنایدر و همکاران (۲۰۰۲) برای بزرگسالان بزرگتر از ۱۵ سال ساخته شده است. هر سؤال براساس یک مقیاس لیکرت هشت درجه‌ای کاملاً مخالفم (نمره ۱)، تا کاملاً موافقم (نمره ۸) پاسخ داده می‌شود. نمره ۸ کمترین میزان امید و ۶۴ بالاترین سطح امید است. سؤالات ۳، ۵، ۷ و ۱۱ انحرافی بوده و نمره‌ای به آنها تعلق نمی‌گیرد. شنایدر و همکاران (۲۰۰۲) پایایی این پرسشنامه را از طریق آلفای کرونباخ ۰/۸۴ و از طریق بازآزمایی آن در دوره‌ای ۱۰ هفته‌ای ۰/۸۰ به دست آورده‌اند. در پژوهش دورقی و همایی (۱۳۹۵) پایایی آن ۰/۸۵ گزارش داده شد.

همچنین در پژوهش حاضر برای سنجش پایایی پرسشنامه، پس از انجام یک مطالعات



مقدماتی بر روی ۳۰ نفر از افراد جامعه آماری و تعیین واریانس سؤالات، از طریق ضریب آلفای کرونباخ مورد محاسبه و ضریب پایایی کلی پرسشنامه ۰/۸۸ به دست آمد.

سومین ابزار، پرسشنامه رضایت از زندگی را دینر و همکاران (۱۹۸۵) برای اندازه‌گیری رضایت از زندگی به کار گرفتند. این پرسش‌نامه پنج سؤال دارد و هر سؤال هفت گزینه دارد که در این بررسی از یک (کاملاً مخالفم) تا هفت (کاملاً موافقم) نمره‌گذاری شده است.

دینر و همکاران (۱۹۸۵) روایی همزمان پرسشنامه را ۰/۶۲ و پایایی آن را ۰/۸۵ گزارش نمودند. کجباف و همکاران (۱۳۹۰) پایایی پرسشنامه را از طریق آلفای کرونباخ ۰/۸۲ گزارش دادند. همچنین در پژوهش حاضر برای سنجش پایایی پرسشنامه پس از انجام یک مطالعات مقدماتی بر روی ۳۰ نفر از افراد جامعه آماری و تعیین واریانس سؤالات، از طریق ضریب آلفای کرونباخ مورد محاسبه و ضریب پایایی کلی پرسشنامه ۰/۸۴ به دست آمد.

چهارمین ابزار، پرسشنامه قدردانی توسط مک کولوف و همکاران (۲۰۰۱) تهیه شد. این پرسشنامه دارای ۶ سؤال با طیف هفت گزینه‌ای (کاملاً مخالفم نمره ۱، تا کاملاً موافقم نمره ۷) است. مک کولوف و همکاران (۲۰۰۱) روایی همزمان پرسشنامه را ۰/۵۵ و پایایی آن را ۰/۸۳ گزارش نمودند. امیدوار (۱۳۹۷) پایایی پرسشنامه را از طریق آلفای کرونباخ ۰/۸۲ گزارش دادند. در پژوهش حاضر برای سنجش پایایی پرسشنامه پس از انجام یک مطالعات مقدماتی بر روی ۳۰ نفر از افراد جامعه آماری و تعیین واریانس سؤالات، از طریق ضریب آلفای کرونباخ مورد محاسبه و ضریب پایایی کلی پرسشنامه ۰/۸۷ به دست آمد.

یافته‌های پژوهش

فرضیه اصلی پژوهش: سبک زندگی اسلامی می‌تواند امید، قدردانی و رضایت از زندگی دانشجویان شهر اصفهان را به‌طور معناداری پیش‌بینی کند.

جدول (۷-۴) نتایج ضریب رگرسیون همزمان پیش‌بینی امید، قدردانی و رضایت از زندگی

دانشجویان بر اساس سبک زندگی اسلامی

مدل	متغیر	ضریب	خطای	ضریب	ارزش t	ضریب	سطح
		Beta	معیار	رگرسیون		تعیین	معناداری
گام اول	امید	۰/۳۹	۰/۱۰	۰/۲۲	۳/۸۸	۰/۲۱	۰/۰۰۱
گام دوم	امید	۰/۴۵	۰/۱۵	۰/۲۵	۲/۹۹	۰/۱۸	۰/۰۰۳
گام سوم	قدردانی	۱/۵۴	۰/۲۳	۰/۶۰	۷/۰۵	۰/۱۸	۰/۰۰۱
گام چهارم	امید	۰/۴۵	۰/۱۴	۰/۲۵	۳/۳۳	۰/۳۴	۰/۰۰۱
گام پنجم	قدردانی	۱/۳۰	۰/۲۱	۰/۴۷	۶/۱۱	۰/۳۴	۰/۰۰۱
گام ششم	رضایت	۱/۱۶	۰/۱۴	۰/۴۲	۸/۴۷	۰/۳۴	۰/۰۰۱

از زندگی

بنابر نتایج حاصله، سبک زندگی اسلامی بر سه متغیر امید، قدردانی و رضایت از زندگی دانشجویان تأثیر دارد و در صورتی که دانشجویان از سبک زندگی اسلامی پیروی کنند، می‌توان پیش‌بینی کرد که امید، قدردانی و رضایت از زندگی آنها نیز افزایش یابد. ۲۱ درصد از متغیر امید، ۱۸ درصد از متغیر قدردانی، و ۳۴ درصد از رضایت از زندگی به واسطه سبک زندگی اسلامی قابل تبیین است. بنابراین برای ساخت معادله رگرسیون، باید سبک زندگی اسلامی در کنار امید، قدردانی و رضایت از زندگی قرار داشته باشد. براساس نتایج مربوط به ضریب تعیین، متغیر سبک زندگی اسلامی با ورود هر یک از سه متغیر امید، قدردانی و رضایت از زندگی، تأثیرگذاری بیشتری را داشته؛ به گونه‌ای که سبک زندگی اسلامی به‌طور همزمان تأثیرگذاری بیشتری بر سه متغیر امید، قدردانی و رضایت از زندگی داشته است.

فرضیه اول پژوهش: بین سبک زندگی اسلامی و امید در دانشجویان شهر اصفهان رابطه



جدول (۴-۸) ضریب همبستگی رابطه بین سبک زندگی اسلامی با امید در دانشجویان

منبع	r	ضریب تعیین	سطح معناداری
سبک زندگی اسلامی با امید	۰/۲۲	۰/۰۵	۰/۰۰۱

بنابر نتایج حاصله، r مشاهده شده در سطح $0/05$ $p \leq$ همبستگی مثبت و معناداری را بین سبک زندگی اسلامی با امید در بین دانشجویان نشان می‌دهد. به عبارت دیگر، در صورتی که سبک زندگی دانشجویان براساس اسلام باشد، این احتمال وجود دارد که امید آنها بیشتر شود. ضریب تعیین نشان می‌دهد که میزان تبیین واریانس مشترک بین متغیر سبک زندگی اسلامی با متغیر امید $0/05$ است.

جدول (۴-۹) ضریب همبستگی رابطه خرده مقیاس‌های سبک زندگی اسلامی با امید در دانشجویان

منبع	r	ضریب تعیین	سطح معناداری
ارتباط با دیگران با امید	۰/۴۰	۰/۱۶	۰/۰۰۱
تغذیه با امید	۰/۱۶	۰/۰۲	۰/۰۰۶
تفریح و اوقات فراغت با امید	۰/۲۷	۰/۰۸	۰/۰۰۱
خواب - بیداری با امید	۰/۰۷	۰/۰۰۴	۰/۲۲
عبادت با امید	۰/۰۱	۰/۰۰۱	۰/۸۵
ورزش با امید	۰/۰۷	۰/۰۰۴	۰/۲۳

بنابر نتایج حاصله، r مشاهده شده در سطح $0/05$ $p \leq$ همبستگی مثبت و معناداری



را بین خرده مقیاس‌های ارتباط با دیگران، تغذیه، و تفریح و اوقات فراغت با امید در بین دانشجویان نشان می‌دهد. به عبارت دیگر، در صورتی که سبک زندگی دانشجویان در مورد ارتباط با دیگران، تغذیه، و تفریح و اوقات فراغت براساس دین اسلام باشد، این احتمال وجود دارد که امید آنها در زندگی بیشتر شود. ضریب تعیین نشان می‌دهد که میزان تبیین واریانس مشترک بین خرده مقیاس‌های ارتباط با دیگران، تغذیه، و تفریح و اوقات فراغت با امید به ترتیب ۰/۱۶، ۰/۰۲ و ۰/۰۸ است. این در حالی است که خرده مقیاس‌های خواب - بیداری، عبادت، و ورزش بر امید دانشجویان تأثیرگذار نیست.

فرضیه دوم پژوهش: بین سبک زندگی اسلامی و قدردانی در دانشجویان شهر اصفهان رابطه معناداری وجود دارد.

جدول (۴-۱۰) ضریب همبستگی رابطه بین سبک زندگی اسلامی با قدردانی در دانشجویان

منبع	r	ضریب تعیین	سطح معناداری
سبک زندگی اسلامی با قدردانی	۰/۴۰	۰/۱۶	۰/۰۰۱

بنابر نتایج حاصله، r مشاهده شده در سطح $p \leq ۰/۰۵$ همبستگی منفی و معناداری را بین سبک زندگی اسلامی با قدردانی در بین دانشجویان نشان می‌دهد. به عبارت دیگر، در صورتی که سبک زندگی دانشجویان براساس اسلام باشد، این احتمال وجود دارد که قدردانی آنها از نعمت‌ها و داشته‌ها در زندگی بیشتر شود. ضریب تعیین نشان می‌دهد که میزان تبیین واریانس مشترک بین متغیر سبک زندگی اسلامی با متغیر قدردانی ۰/۱۶ است.

جدول (۴-۱۱) ضریب همبستگی رابطه خرده مقیاس‌های سبک زندگی اسلامی با قدردانی در



دانشجویان

منبع	r	ضریب تعیین	سطح معناداری
ارتباط با دیگران با قدردانی	۰/۴۱	۰/۱۶	۰/۰۰۱
تغذیه با قدردانی	۰/۱۱	۰/۰۱	۰/۰۶
تفریح و اوقات فراغت با قدردانی	۰/۴۴	۰/۱۸	۰/۰۰۱
خواب - بیداری با قدردانی	۰/۱۵	۰/۰۲	۰/۰۰۹
عبادت با قدردانی	۰/۲۳	۰/۰۵	۰/۰۰۱
ورزش با قدردانی	۰/۰۱	۰/۰۰۱	۰/۸۱

بنابر نتایج حاصله، r مشاهده شده در سطح $p \leq ۰/۰۵$ همبستگی مثبت و معناداری را بین خرده مقیاس‌های ارتباط با دیگران، تفریح و اوقات فراغت، خواب - بیداری و عبادت، با قدردانی در بین دانشجویان نشان می‌دهد. به عبارت دیگر، در صورتی که سبک زندگی دانشجویان در مورد ارتباط با دیگران، تفریح و اوقات فراغت خواب - بیداری، و عبادت براساس دین اسلام باشد، این احتمال وجود دارد که قدردانی آنها از فرآیندهای زندگی بیشتر شود. ضریب تعیین نشان می‌دهد که میزان تبیین واریانس مشترک بین خرده مقیاس‌های ارتباط با دیگران، تفریح و اوقات فراغت خواب - بیداری، و عبادت با قدردانی به ترتیب ۰/۱۶، ۰/۱۸، ۰/۰۲ و ۰/۰۵ است. این در حالی است که خرده مقیاس‌های تغذیه، و ورزش بر قدردانی دانشجویان تأثیرگذار نیست.

فرضیه سوم پژوهش: بین سبک زندگی اسلامی و رضایت از زندگی در دانشجویان شهر اصفهان رابطه معناداری وجود دارد.

جدول (۱۲-۴) ضریب همبستگی رابطه بین سبک زندگی اسلامی با رضایت از زندگی در

دانشجویان

منبع	r	ضریب تعیین	سطح معناداری
سبک زندگی اسلامی با رضایت از زندگی	۰/۵۰	۰/۲۵	۰/۰۰۱

بنابر نتایج حاصله، r مشاهده شده در سطح $0/05 \leq p$ همبستگی منفی و معناداری بین سبک زندگی اسلامی با رضایت از زندگی در بین دانشجویان نشان می‌دهد. به عبارت دیگر، در صورتی که سبک زندگی دانشجویان براساس اسلام باشد، این احتمال وجود دارد که رضایت از زندگی در بین آنها بیشتر شود. ضریب تعیین نشان می‌دهد که میزان تبیین واریانس مشترک بین متغیر سبک زندگی اسلامی با متغیر رضایت از زندگی ۰/۲۵ است.

جدول (۱۳-۴) ضریب همبستگی رابطه خرده مقیاس‌های سبک زندگی اسلامی با رضایت از زندگی در دانشجویان

منبع	r	ضریب تعیین	سطح معناداری
ارتباط با دیگران با رضایت از زندگی	۰/۶۷	۰/۳۸	۰/۰۰۱
تغذیه با رضایت از زندگی	۰/۳۵	۰/۱۱	۰/۰۰۱
تفریح و اوقات فراغت با رضایت از زندگی	۰/۳۶	۰/۱۲	۰/۰۰۱
خواب - بیداری با رضایت از زندگی	۰/۲۲	۰/۰۵	۰/۰۰۱
عبادت با رضایت از زندگی	۰/۰۶	۰/۰۰۳	۰/۲۷
ورزش با رضایت از زندگی	۰/۱۱	۰/۰۱	۰/۰۶

بنابر نتایج حاصله، r مشاهده شده در سطح $0/05 \leq p$ همبستگی مثبت و معناداری



را بین خرده مقیاس‌های ارتباط با دیگران، تغذیه، تفریح و اوقات فراغت، و خواب - بیداری با رضایت از زندگی در بین دانشجویان نشان می‌دهد. به عبارت دیگر، در صورتی که سبک زندگی دانشجویان در مورد ارتباط با دیگران، تغذیه، تفریح و اوقات فراغت، و خواب - بیداری براساس دین اسلام باشد، این احتمال وجود دارد که رضایت آنها از زندگی بیشتر شود. ضریب تعیین نشان می‌دهد که میزان تبیین واریانس مشترک بین خرده مقیاس‌های ارتباط با دیگران، تغذیه، تفریح و اوقات فراغت، و خواب - بیداری با رضایت از زندگی به ترتیب ۰/۳۸، ۰/۱۱، ۰/۱۲، و ۰/۰۵ است. این در حالی است که خرده مقیاس‌های عبادت و ورزش بر رضایت از زندگی دانشجویان تأثیرگذار نیست.

یافته‌ها در مورد پیش‌بینی امید، قدردانی و رضایت از زندگی براساس سبک زندگی اسلامی دانشجویان نشان داد سبک زندگی اسلامی بر سه متغیر امید، قدردانی و رضایت از زندگی دانشجویان تأثیر دارد و در صورتی که دانشجویان از سبک زندگی اسلامی پیروی کنند، می‌توان پیش‌بینی کرد که امید، قدردانی و رضایت از زندگی آنها نیز افزایش یابد. ۲۱ درصد از متغیر امید، ۱۸ درصد از متغیر قدردانی، و ۳۴ درصد از رضایت از زندگی به واسطه سبک زندگی اسلامی قابل تبیین است. براساس نتایج مربوط به ضریب تعیین، متغیر سبک زندگی اسلامی با ورود هر یک از سه متغیر امید، قدردانی و رضایت از زندگی، تأثیرگذاری بیشتری داشته؛ به‌گونه‌ای که سبک زندگی اسلامی به‌طور همزمان تأثیرگذاری بیشتری بر سه متغیر امید، قدردانی و رضایت از زندگی داشته است.

یافته‌های پژوهش حاضر در راستای یافته‌های پژوهش‌های ذاکر (۱۳۹۸)، امیدوار (۱۳۹۷) عرب‌زاده، نعیمی و پیرساقی (۱۳۹۶)، باقری، حسینی و نجاری (۱۳۹۵)، دورقی و همایی (۱۳۹۵)، طغیانی، کجباف و بهرام‌پور (۱۳۹۲)، کجباف، سجادیان، کاویانی، و انوری (۱۳۹۰)، کجباف، سجادیان، کاویانی، و انوری (۱۳۹۰)، هیدی، اشوپ، توسی و ویگنر^۱ (۲۰۱۸)، شرکت و الیسون^۲ (۲۰۱۷)، براون^۳ و همکاران (۲۰۱۶)، و مون^۴ (۲۰۱۵) است. یافته‌های پژوهش حاضر در راستای یافته‌های پژوهش‌های امیدوار (۱۳۹۷) عرب‌زاده، نعیمی و پیرساقی (۱۳۹۶)، باقری، حسینی و نجاری (۱۳۹۵)، دورقی و همایی (۱۳۹۵)، کجباف، سجادیان، کاویانی، و انوری (۱۳۹۰)، کجباف، سجادیان، کاویانی، و انوری (۱۳۹۰)، هیدی، اشوپ، توسی و ویگنر (۲۰۱۸)، شرکت و الیسون (۲۰۱۷)، براون و همکاران (۲۰۱۶)، و مون (۲۰۱۵) است. در پژوهش امیدوار (۱۳۹۷) پیش‌بینی رضایت از زندگی و قدرشناسی دبیران

1. Headey, Schupp, Tucci & Wagner

2. Sherkat & Ellison

3. Brown

4. Moone



دوره متوسطه دوم براساس سبک زندگی اسلامی، در مطالعه عرب‌زاده، نعیمی و پیرساقی (۱۳۹۶) پیش‌بینی رضایت از زندگی دانشجویان براساس سبک زندگی اسلامی و هوش معنوی دانشجویان، در تحقیق باقری، حسینی و نجاری (۱۳۹۵) رابطه بین سبک زندگی اسلامی و شادکامی با رضایت از زندگی، در پژوهش دورقی و همایی (۱۳۹۵) رابطه سبک‌های زندگی، امید به زندگی و معنای زندگی با رضایت از زندگی مددکاران، در تحقیق کجباف، سجادیان، کاویانی، و انوری (۱۳۹۰) رابطه سبک زندگی اسلامی با شادی در رضایت از زندگی دانشجویان، در پژوهش هیدی، اشوپ، توسی و ویگنر (۲۰۱۸) رابطه بین زندگی براساس اعتقادات مذهبی با احساس رضایت در زندگی و امید به زندگی، در مطالعه شرکت و الیسون (۲۰۱۷) رابطه مذهب و سبک زندگی مذهبی افراد با احساس رضایت از زندگی، در تحقیق براون و همکاران (۲۰۱۶) رابطه بین باورهای مذهبی با احساس رضایت و ثبات در زندگی، و در پژوهش مون (۲۰۱۵) رابطه بین اعتقادات و باورهای دینی با احساس قدردانی و قدرشناسی و امید به زندگی همراه با آرامش و ثبات در زندگی مورد تأیید قرار گرفت.

در تبیین یافته‌های پژوهش می‌توان گفت، سبک زندگی اسلامی معمولاً دارای مجموعه‌ای از قواعد و قوانین، ارزش‌ها و هنجارهای رفتاری (احکام و اخلاق)، و مراسم است، که می‌تواند احساس رضایت بیشتری در فرد به‌وجود آورد و از آنجا که هدف سبک زندگی اسلامی، کمال واقعی انسان و رسیدن به درجات عالی و ایجاد رضایتمندی است، متغیرهایی همچون امید و قدردانی، حالات روانی هستند که در نتیجه پیروی از سبک زندگی اسلامی، تقویت می‌شوند. بنابراین، سبک زندگی اسلامی این توانایی را دارد که احساس رضایتمندی از زندگی را با داشتن امید بیشتر و قدرشناسی از نعمت‌های زندگی تقویت کند، آنچنان که نتایج پژوهش حاضر نیز این موضوع را اثبات نموده است.

منابع و مأخذ

- ۱- آتش‌پور، حمید و سمیرا جنتیان، *روانشناسی رفتار مصرف کننده*، اصفهان: انتشارات روزآمد، ۱۳۸۹ش.
- ۲- آتش‌پور، حمید، حیدری، علیرضا و کاظمی، احسان، *روانشناسی سلامت*، اصفهان: کتابسرای رشد، ۱۳۸۸ش.
- ۳- آرگایل، م، *روانشناسی شادی*، ترجمه مسعود گوهری، حمیدطاهر نشاط دوست، حسن پالاهنگ، فاطمه بهرامی، اصفهان: جهاد دانشگاهی، ۱۳۹۲ش.
- ۴- آویبورن، ل، *در جستجوی خوشبختی*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، اصفهان: انتشارات معرفت، ۱۳۹۱ش.
- ۵- احمدی، خدابخش، بررسی رابطه بین تقیدات مذهبی و ناسازگاری زناشویی، مقالات همایش تقویت نظام خانواده و آسیب شناسی آن، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۸۷، ۱۳۹۰ش.
- ۶- اختر محقق، مهدی، شادکامی، شخصیت و موفقیت، حدیث زندگی ۴، ش ۵۲، ۱۳۹۳ش.
- ۷- آذربایجانی، مسعود و موسوی اصل، مهدی، *درآمدی بر روانشناسی دین*، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، ۱۳۹۱ش.
- ۸- استریت، ا، *مشاوره خانواده، نظر و عمل در نگرش سیستمی*، ترجمه مصطفی تبریزی و علی علوی نیا، تهران: فراوان، ۱۳۹۵ش.
- ۹- اشترلین، ه، کلمنت، آ، و زیمون، ف، مفاهیم و تئوری‌های کلیدی در خانواده درمانی، ترجمه سعید پیرمادی، تهران: همام، ۱۳۹۴ش.
- ۱۰- اورنسون، ا، *روانشناسی اجتماعی*، ترجمه حسین شکرکن، تهران: انتشارات رشد، ۱۳۹۲ش.
- ۱۱- امیدوار، سارا، پیش‌بینی رضایت از زندگی و قدرشناسی دبیران دوره متوسطه دوم براساس سبک زندگی اسلامی، پایان نامه کارشناسی ارشد روانشناسی، دانشگاه آزاد شهر همدان، ۱۳۹۷ش.

- ۱۲- باقری، حسین، حسینی، زهرا، و نجاری، مرتضی، بررسی رابطه بین سبک زندگی اسلامی و شادکامی با رضایت از زندگی، سومین کنفرانس بین‌المللی روانشناسی، علوم تربیتی و سبک زندگی، تربت حیدریه: دانشگاه تربت حیدریه، ۱۳۹۵ش.
- ۱۳- بایار، و، نمونه انسان بهتری باشیم، ترجمه ناهید فخرایی، تهران: نشر کتاب، ۱۳۹۳ش.
- ۱۴- پاول، ب. و لیندزی، د، تشخیص و درمان اختلال‌های روانی بزرگسالان در روانشناسی بالینی، ترجمه محمدرضا نیکخو و هامایاک آوادیس یاسن، تهران: انتشارات سخن، ۱۳۹۵ش.
- ۱۵- توسلی، علی، درآمدی بر جامعه‌شناسی، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۹۴ش.
- ۱۶- جمالی، فریبا، بررسی رابطه بین نگرش‌های مذهبی، احساس معنا بخش بودن زندگی، و سلامت روان در دانشجویان دانشگاه‌های تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه الزهراء، ۱۳۹۴ش.
- ۱۷- حسینی، احمد، معرفی سبک و روش استاندارد برای دستیابی به زندگی سالم، فصلنامه اصول بهداشت روانی، مشهد: سال سوم، ۱۰-۹، ۶۱، ۱۳۸۹ش.
- ۱۸- خدایاری فرد، محمد، کاربرد مثبت‌نگری در روان درمانگری با تأکید بر دیدگاه اسلامی، مجله روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران، ۱ (۶۰)، ۱۳۹۲ش.
- ۱۹- خوارزمی، شهناز، کیفیت زندگی و انقلاب دیجیتال-آینده نگری، تهران: امیرکبیر، ۱۳۹۳ش.
- ۲۰- دورقی، خدیجه، و همایی، رضوان، بررسی رابطه سبک‌های زندگی، امید به زندگی و معنای زندگی با رضایت از زندگی در مددکاران بهزیستی شهرستان آبادان، اولین همایش بین‌المللی افق‌های نوین در علوم انسانی، ۱۶، ۱۳۹۵ش.
- ۲۱- دیمانتو، ا، روان‌شناسی سلامت، ترجمه م. کاویانی و همکاران، تهران: سمت، ۱۳۹۴ش.
- ۲۲- ذاکر، ساناز، پیش‌بینی رضایت از زندگی و تعهد و صمیمیت زناشویی زوجین براساس سبک زندگی اسلامی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه آزاد همدان، ۱۳۹۸ش.



۲۳- رضایی تبریزی، ح، و شفیع‌آبادی، ع، اثربخشی معنادرمانی گروهی بر ارتقاء سلامت زنان، اندیشه و رفتار، ۳ (۹)، ۲۰-۷، ۱۳۸۷ش.

۲۴- رضایی، جواد، نقش سبک زندگی اسلام محور (با تأکید بر نظام خانواده) و بیان راهکارهای آن برای افزایش صمیمیت زوجین، مجموعه مقالات چهارمین کنگره ملی آسیب شناسی خانواده، تهران: دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۹۰ش.

۲۵- شارف، ر، نظریه‌های روان درمانی و مشاوره، ترجمه مهرداد فیروزبخت، تهران: خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۹۴ش.

۲۶- شاملو، سعید، روانشناسی شخصیت، تهران: رشد، ۱۳۹۲ش.

۲۷- شولتس، د، روانشناسی کمال، ترجمه گیتی خوشدل، تهران: ویرایش، ۱۳۹۶ش.

۲۸- صادقی، محمد، مقایسه بهداشت عمومی و رضایت از زندگی در زنان مبتلا به دیابت نوع ۱ و ۲ و افراد عادی، مجله تحقیقات علوم رفتاری، دوره ۸، ۱۳۸۶ش.

۲۹- طغیانی، مجتبی، کجباف، محمدباقر، و بهرام‌پور، محمد، بررسی رابطه سبک زندگی اسلامی با نگرش‌های ناکارآمد در میان دانشجویان دانشگاه اصفهان، دانش و پژوهش در روانشناسی کاربردی، ۱۴، ۱۳۹۲ش.

۳۰- طولابی، حمید، صمدی، علی و مطهری‌نژاد، زهرا، سبک زندگی اسلامی و جهت‌داری، مجموعه مقالات همایش روانشناسی اسلامی، ش ۲۴، ۱۳۹۲ش.

۳۱- عرب‌زاده، مهدی، نعیمی، قادر، و پیرساقی، فهیمه، پیش‌بینی رضایت از زندگی دانشجویان براساس سبک زندگی اسلامی و هوش معنوی، رویش روانشناسی، ش ۶، ۱۳۹۶ش.

۳۲- عزیزاده، حمیدرضا، آدلر پیشگام روانکاوی جامعه‌نگر، تهران: داتره، ۱۳۹۳ش.

۳۳- عمرانی، سعید، میرزاییان، بهناز و حسن‌زاده، رضا، بررسی اثربخشی درمان‌شناختی رفتاری به شیوه گروهی بر امید به زندگی بیماران مبتلا به ام‌اس، مجله علوم پزشکی مازندران، دوره ۲۳، ۱۳۹۱ش.



۳۴- فیرس، ج، و تیموتی، ج، روانشناسی بالینی، مفاهیم، روش‌ها و حرقه، ترجمه مهرداد فیروزبخت، تهران: انتشارات رشد، ۱۳۹۴ش.

۳۵- کاوی، ا، هفت عادت خوب خانواده، ترجمه سوسن ملکی، تهران: ذهن آویز، ۱۳۹۵ش.

۳۶- کجفاف، محمدباقر، سجادیان، پریناز، کاویانی، محمد و انوری، حسن، بررسی رابطه سبک زندگی اسلامی با شادی در رضایت از زندگی دانشجویان شهر اصفهان، روانشناسی و دین، ش ۴، ۱۳۹۰ش.

۳۷- کرتیس، آ. ج، روانشناسی سلامت، ترجمه فرامرز سهرابی، تهران: انتشارات طلوع دانش، ۱۳۹۳ش.

۳۸- کریمی، یوسف، روانشناسی شخصیت، تهران: امین، ۱۳۹۲ش.

۳۹- کوپر، رابرت، مدیریت عشق و عاطفه، ترجمه علیرضا عزیزی، تهران: چاپ رامین، ۱۳۹۵ش.

۴۰- گلدنبرگ، آ، و گلدنبرگ، ن، خانواده درمانی، ترجمه: حسین شاهی بروانی، ح، ر نقشبندی، س، ارجمند، تهران، نشر روان، ۱۳۹۵ش.

۴۱- گنجی، نادر، رابطه بین سبک‌های حل مسئله و حمایت اجتماعی با استرس، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی ساوه، ۱۳۹۰ش.

۴۲- محمدپوریزدی، احمدرضا، ویکتورامیل فرانکل بنیان‌گذار معنا درمانی، تهران: دانژه، ۱۳۹۴ش.

۴۳- معین‌الغریبی، فریبا، ارتباط مؤثر؛ راهکارهایی برای بهبود روابط بین فردی، تهران: انتشارات قطره، ۱۳۹۴ش.

۴۴- منشی، غلامرضا، روانشناسی سلامت، اصفهان: انتشارات غزل، ۱۳۸۹ش.

۴۵- مهدوی‌کنی، محمدسعید، زندگی در اسلام، قم: نور، ۱۳۹۰ش.

۴۶- هالفورد، ک، زوج‌درمانی کوتاه مدت، ترجمه مصطفی تبریزی، مزده کاردانی و فروغ جعفری، تهران: انتشارات فراروان، ۱۳۹۴ش.

48. Allison, W. (2017). *Spiritual therapeutic Landscapes and healing: Case Study*. Anne de Beeper, Quebec, Canada. McMaster university Ontario, Canada.
49. Appellbaum, S. (2016). self efficacy as a mediator of goal setting and performance, some human resource applications. *Journal of Managerial psychology*, (II) (3), 33-47.
50. Argyle, M. (2010). *Psychology and Religion*. Routledge, London.
51. Bergin, A. E. (2016). Religiosity and mental health: A critical revaluation and meta-analysis. *Professional Psychology: Research and Practice*, 14(2), 170-184.
52. Banson, W. (2015). The role of hope and study skills in predicting test anxiety level of university students high school and psychological health, self-esteem, positive thinking and social communication. These is for degree of master of science in the department of educational sciences middle east technical university.
53. Bergner, M. (2016). quality of life health status and Gratitude. *Med care*, 3(3), 27-39.
54. Brown, E., Orbuch, T.L., Bauermeister, J.A. (2016). Religiosity and marital stability among Black American and White American couples. *Family Relations*, 57(2), 186-197.
55. Brandon, J. S; Zell, A. (2015). Trait Self-Control Predicts Performance on Behavioral Tests of Self-Control. *Journal of personality*, 75, 743-755.
56. Chaiker, J. H. (2017). Gratitude and wisdom in relationship satisfaction. *West Journal Nurs*, 22(71), 796-811.
57. Danner, D.D. (2015) Positive emotions in early life and longevity; findings from the nun study. *Journal of personality and social psychology*, 4: 800- 813.
58. Dinter, D.C. (2015). Forsaking all others: How religious involvement promotes marital fidelity in Christian, Jewish, and Muslim couples. *Rev Relig Res*, 48(3):290- 307.
59. Donald, H. (2015). A metaanalysis of the efficacy of cognitive

therapy for Gratitude models in couples. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 57, 414-419.

60. Emmons, F. & McCullough, K. (2014). Gratitude and happiness: Development of a measure of gratitude and relationships with subjective well-being.

61. Fergocan, C., Kolsn, L. & Barnt, K. T. (2012). Religious Heterogamy and Marital Conflict: Findings from the National Survey of Families and Households. *Journal of Family*, 23: 551-576.

62. Haber, K. & Karter, D. (2018). *Black men and marriage: the impact of spirituality, religiosity and marital commitment on marital satisfaction*. Unpublished doctoral dissertation: Alabama University.

63. Hannon, P. A. (2015). Dealing with betrayal in close relationship: commitment Gratitude? *Journal of Personality & Social Psychology*, 82 (6), 956-974.

64. Headey, B., Schupp, J., Tucci, I. & Wagner, G. (2018). Authentic Happiness Theory Supported by Impact of Religion on Life Satisfaction: A Longitudinal Analysis with Data for Germany. *The Journal of Positive Psychology*, 1, 73.

65. Howells, A., & McGillivray, I. (2016). Working at intimate relationships: Links between gratitude, self regulation, communication, and relationship satisfaction. Proceedings of the APS psychology of relationship interest 6 Annual Conference, 71-79.

66. Jens, R. (2016). Effects of spiritual well-being on subsequent happiness well-being, and stress. *Journal of Religion and Health*, 49(1), 1-20.

67. Keem, D. (2018). *the couples psychotherapy treatment planner and Gratitude*. New York, NY. 1001.

68. Lyons, R. & Langille, L. (2018). *Healthy lifestyle: strengthening the effectiveness of Lifestyle approaches to improve health*. The Canadian consortium of health promotion centers.

69. McCullough, M.; Emmons, R. & Tsang, J. (2015) The Grateful Disposition: A Conceptual and Empirical Topography. *Journal of Personality and Social Psychology*, 82, 1, 112-127.

70. Morrison, D.(2013). The Divorce process and Gratitude. *Jornal of marriage and the family*,2(2)303-314.
71. Moone,A.(2015).Relationship between Religious Attitude and hope and appreciation among Professional Employees. *Journal of the Indian Academy of Applied Psychology*, 34, 66-69
72. Ogden,R.(2018). *Gratitude: trengthening the effectiveness of Lifestyle approaches to improve health*. The Canadian Consortium of health promotion researeh Center: April.
73. Sherkat, D.E. & Ellison, C.G.(2017). Recent developments and current controversies in the sociology of religion. *Annu Rev Sociol*, 25. 383-394.
74. Snyder, C.R. & Peterson, C. (2005). *Handbook of hope: theory, measures & applications*.1th edition, San Diego: Academic Press: 25-27.
75. Snyder, C. R. & Lopez, S.J. (2010). *Handbook of Positive Psychology*. 3th edition ,US: Oxford University Press: 9-11.
76. Vatkens,K., Wood, A. M., Joseph, S. & Maltby, J. (2013). *Gratitude predicts psychological well-being above the Big Five facets. Personality and Individual Differences*, 46,443–447.
77. Wilson,P.H.(2014). Prediction of outcome with Gratitude group cognitive therapy for dpresion.*Behavior Research and Therapy*,27, 333-343.
78. Zagharim L., Jomehri, F. & Baghari, F. (2012). The relationship between personality traits and Life expectancy in patients with multiple sclerosis. *Iranian Rehabil J*, 10, 9-19.



رویکرد دین‌مدارانه همسران و نقش آن در تقویت بنیان‌های خانواده

سیدعباس خلیقی‌پور^۱

ندا عسگری^۲

فهمیه نوریان^۳

چکیده

دین با پاسخگویی به یکی از عمیق‌ترین نیازهای فطری انسان، همه ابعاد مختلف حیات فردی و اجتماعی او، از جمله فرهنگ، سیاست، اقتصاد و تعلیم و تربیت را تحت تأثیر قرار می‌دهد. نقش خانواده به عنوان عاملی کلیدی در اثربخشی هر یک از این حیطه‌ها نیز به طور خاص، تابع رویکرد دینی همسران است. از این رو ضرورت دارد جایگاه دین‌مداری در این حوزه به دقت مورد مطالعه قرار گیرد. پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش رویکرد دین‌مدارانه همسران در تقویت بنیان‌های خانواده، ابتدا به تبیین مفهوم دین‌مداری پرداخته و سپس تأثیر آن را در استحکام خانواده مورد مطالعه قرار داده است. یافته‌های حاصل از این پژوهش که با استفاده از شیوه کتابخانه‌ای و رویکرد توصیفی و تحلیلی انجام شده است، نشان می‌دهد دین‌مداری به معنای باور قلبی و پایبندی عملی به آموزه‌های دینی، می‌تواند هنجارهای رفتاری انسان را شکل دهد، وحدت و انسجام اعضای خانواده را تقویت نماید، میزان رضایتمندی همسران از زندگی مشترک را گسترش دهد و باعث ارتقای سلامت

۱. عضو هیأت علمی گروه علوم تربیتی، دانشگاه معارف قرآن و عترت (ع) اصفهان

Khalighipoor@yahoo.com

۲. دانش‌آموخته دوره کارشناسی ارشد رشته تاریخ و فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه پیام‌نور اراک

Mo.azad33@yahoo.com

۳. دانش‌آموخته دوره کارشناسی رشته معارف اسلامی و علوم تربیتی، دانشگاه معارف قرآن و عترت (ع) اصفهان

Norfahime@gmail.com

خانواده‌ها گردد. افزون بر این‌ها، دین از طریق ارائه ارزش‌های عمیق اخلاقی و معنوی می‌تواند به هدایت انسان و شکل‌دهی رفتارهای او در زمینه ارتباطات خانوادگی بپردازد و اختلافات میان اعضای خانواده را کاهش دهد. از برجسته‌ترین پیامدهای رویکرد دین‌مدارانه در محیط خانواده، احساس امنیت و آرامشی است که در همسران و فرزندان به وجود می‌آید. همچنین رضایت خاطر و تسلیم در برابر مقدرات الهی، رعایت حقوق همسر و فرزندان، همکاری با سایر اعضای خانواده، رعایت احترام متقابل، وجود سازگاری و مدارا در فضای خانواده و چشم‌پوشی از خطاهای احتمالی دیگران نیز به عنوان سایر دستاوردهای رویکرد دین‌مدارانه در محیط خانواده‌ها مطرح می‌شود که تأثیر قابل توجهی در تقویت بنیان‌های خانواده خواهد داشت.

واژگان کلیدی: دین‌مداری، ایمان، ازدواج، خانواده، تحکیم خانواده.

۱- مقدمه

خانواده، بنیادی‌ترین نهاد در جامعه انسانی است که وظیفه تربیت و سازندگی افراد و انسان‌ها را بر عهده دارد (حسن‌زاده، ۱۳۹۲، ص ۴۷). دین اسلام، پیوند ازدواج و تشکیل خانواده را محبوب‌ترین و عزیزترین نهاد بشری نزد خداوند متعال معرفی نموده و پیروان خود را به تشکیل خانواده دعوت نموده است (سالاری‌فر، ۱۳۹۶، ص ۵). پیامبر گرامی اسلام ﷺ در این باره فرمودند: «مَا بُنِيَ بِنَاءٌ فِي الْإِسْلَامِ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى مِنَ التَّزْوِيجِ»؛ در اسلام، هیچ بنایی ساخته نشده است که نزد خدای بزرگ، محبوب‌تر از ازدواج باشد. به جرأت می‌توان گفت: سخنی والاتر از این در تبیین قداست خانواده گفته نشده است (محمّدی ری‌شهری، ۱۳۸۷، ص ۱۲). از این رو در معارف اسلامی برای تأسیس، تثبیت، تقویت و تحکیم نهاد مهم و سرنوشت‌ساز خانواده و پیشگیری از فروپاشی آن، رهنمودهای بسیاری ارائه شده است. سلامت و سعادت جامعه به سلامت و پویایی خانواده وابسته است و سلامت و تعادل نظام خانواده نیز به کیفیت روابط بین زن و شوهر، والدین و فرزندان بستگی دارد (کیان‌فرد،



۱۳۹۵، ص ۴). متأسفانه در بعضی از جوامع نه تنها کارکردهای خانواده، بلکه اصل تمامیت آن با جایگزین‌های احتمالی و انحرافی مانند زندگی مشترک بدون ازدواج یا هم‌زیستی دو همجنس و خانواده‌های تک‌والدی به چالش کشیده شده است؛ به گونه‌ای که نشانه‌های جدّی از هم‌پاشیدگی این کانون دیرپای اجتماعات بشری در بسیاری از جوامع صنعتی ظاهر شده است. تزلزل بنیان خانواده‌ها و اوضاع اسف‌بار چنین اجتماعات از هم‌گسیخته‌ای، وجدان‌های بیدار خیراندیشان را متأثر ساخته است و برای حل این مشکل، چاره می‌جویند (نوری، ۱۳۸۹، ص ۹۲). آنان همواره در پی یافتن پاسخی برای این پرسش هستند که مهم‌ترین عامل مؤثر در محافظت از کیان خانواده و جلوگیری از فروپاشی و تزلزل آن چیست؟

خانواده، طبیعی‌ترین واحد تولید مثل و فراگیرترین واحد اجتماعی است (علاسوند، ۱۳۹۵، ص ۱۸۲) و به عنوان اصلی‌ترین پایگاه رشد و شکوفایی شخصیت انسان و محل پرورش اجتماعی کودکان و نوجوانان، اساسی‌ترین سهم را در سلامت و اعتلای جوامع بشری بر عهده دارد (کیان‌فرد، ۱۳۹۵، ص ۵). خانواده‌ای که می‌خواهد منشأ اثر باشد، نیازمند استحکام و تحکیم است (توحیدی‌نژاد، ۱۳۹۴، ص ۶۲). اولین شرط داشتن جامعه‌ای سالم و بویا، سلامت و پایداری خانواده است؛ زیرا همه دستاوردهای علمی و هنری بشر، تنها در سایه خانواده‌های سالم و امن پدید می‌آید (حسن‌زاده، ۱۳۹۲، ص ۵۵). از این رو، پرداختن به عوامل مؤثر در حفظ سلامت و امنیت خانواده‌ها و نقش دین در این زمینه، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ چنان که آموی (۱۳۹۴) ضمن اشاره به جایگاه والای دین در تحکیم بنیان خانواده، معتقد است بین افول دین‌داری و ضعف نهاد خانواده، رابطه مستقیمی وجود دارد و هنگامی که کانون گرم خانواده دچار بحران شود، تربیت دینی نیز ضربه جبران‌ناپذیری خواهد خورد.

موضوع دین و تأثیر آن بر ابعاد مختلف زندگی انسان، به دلیل فطرت خداجوی او قدمتی به اندازه تاریخ آفرینش انسان دارد. همه انبیای الهی، هدف از دعوت خود را تزکیه انسان و هدایت و راهنمایی او به سوی کمال و سعادت، بیان نموده‌اند. در این مسیر، حراست از کیان



خانواده که بر مبنای اصول الهی تشکیل شده است و تأکید بر تحکیم روابط میان زوجین، عامل مهمی به شمار می‌آید. واقعیت این است که در چند دهه اخیر، نقش دین و معنویت در زندگی، مورد توجه محققان زیادی در حوزه دانش روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و علوم تربیتی قرار گرفته است. پیچیدگی جوامع مدرن امروزی، باعث ایجاد تغییراتی در سبک زندگی مردم شده و مسایل و مشکلاتی را در پی داشته است. بسیاری از انسان‌ها در این شرایط، نیاز به معنویت را بیشتر احساس می‌کنند؛ به‌طوری که اخیراً در جوامع مادی نیز گرایش بیشتری نسبت به دین و معارف الهی، مشاهده می‌گردد.

ایمان، تعلق قلبی و باور عمیق درونی نسبت به خداوند مهربان و فرستادگان اوست که اگر بنیان خانواده‌ها بر پایه آن استوار گردد، کانون خانواده را گرم و باصفا می‌سازد و از کشمکش، اختلافات، طلاق و فروپاشی جلوگیری می‌کند (مشهدی آقایی، ۱۳۸۹، ص ۵۴). پرهیزگاران و دین‌داران در نگرش اسلامی، موظفند رفتارهای خود را با انگیزه جلب رضایت الهی و اطاعت از حق، کنترل کنند و تعهدات خود را در قبال همسر و فرزندان‌شان به خوبی ادا نمایند؛ به همین دلیل نهاد خانواده در میان جوامع دین‌مدار، استوارتر است و بسیار کمتر از ملت‌های غیرمؤمن، دچار فروپاشی می‌شود (نوری، ۱۳۸۹، ص ۱۰۴) ولی در جوامع با نگرش مادی، پیوندهای خانوادگی بر اساس منافع شخصی و ملاک‌های مادی برقرار می‌شود و لذا از استحکام چندانی نیز برخوردار نیست.

انسان، بدون ایمان نمی‌تواند زندگی سالمی داشته باشد و یا کار مفید و ثمربخشی برای بشریت و تمدن بشری انجام دهد. انسان فاقد ایمان، یا به صورت موجودی غرق در خودخواهی درمی‌آید که هیچ وقت از لاک منافع فردی خود خارج نمی‌شود و یا تبدیل به فردی سرگردان خواهد شد که تکلیف خویش را در زندگی و در مسایل اجتماعی و اخلاقی نمی‌داند (مطهری، ۱۳۷۱، ص ۴۱). از این رو، هدف پژوهش حاضر، تبیین نقش دین در تحکیم بنیان‌های خانواده و نشان دادن تأثیر آن در تنظیم روابط میان زوجین است. در واقع پژوهش حاضر، دین‌مداری را به عنوان راهبردی قابل اطمینان برای تقویت و تحکیم بنیان خانواده،



معرفی نموده و درصدد پاسخ‌گویی به این پرسش اساسی است که دین‌مداری چگونه می‌تواند مانع تزلزل و ازهم‌پاشیدگی خانواده‌ها شود؟

در ارتباط با نقش دین، دین‌داری و ایمان در تقویت و تحکیم بنیان‌های خانواده، کتاب‌ها و مقالات زیادی منتشر شده است که در اینجا به ذکر تعدادی از آن‌ها بسنده می‌شود؛

اکرم حسینی (۱۳۸۳) در مقاله‌ای با عنوان «تحکیم خانواده در آموزه‌های قرآنی» علاوه بر معرفی خانواده آرمانی از دیدگاه قرآن کریم، به بررسی موضوع تحکیم خانواده از ابعاد مختلف، پرداخته است. وی مواردی همچون فطرت، اخلاق و شریعت را به عنوان انگیزه‌های تحکیم خانواده، برشمرده و عوامل تحکیم خانواده را به این صورت معرفی نموده است؛ فرهنگ و محیط اجتماعی، اقتصاد جامعه، دین‌داری و تعهدات الهی و همچنین روابط میان اعضای خانواده.

محمد محمدی ری‌شهری (۱۳۸۷) در کتابی با عنوان «تحکیم خانواده از نگاه قرآن و حدیث» موضوع خانواده را در سه محور تشکیل خانواده، عوامل تحکیم آن و آسیب‌های خانواده مورد بررسی قرار داده است. در این کتاب با استفاده از آیات قرآن کریم و روایات اهل بیت (علیهم‌السلام)، عوامل مورد تأکید اسلام برای تحکیم خانواده به سه دسته زیر تقسیم شده است؛ اظهار محبت و دعا، خوش‌خویی و خوش‌رفتاری، رفق و مدارا، تغافل و چشم‌پوشی، قناعت و ساده‌زیستی، رعایت حقوق یکدیگر، همکاری در امور زندگی، رعایت احترام متقابل و تأمین نیازهای جنسی، از جمله وظایف مشترک مرد و زن به شمار می‌آید. غیرت‌ورزی و تأمین نیازهای اقتصادی، علمی، فرهنگی، دینی و روانی هم به عنوان وظایف خاص مرد، شمرده شده و امانت‌داری و پذیرفتن مدیریت شوهر نیز تحت عنوان وظایف خاص زن، مطرح شده است.

زهرا روحی (۱۳۹۰) در مقاله خود با عنوان «تحکیم خانواده و راهکارهای تقویت آن» به بررسی آیاتی از قرآن کریم پرداخته است که تشکیل خانواده را بر پایه مهر و محبت، اطمینان و اعتماد، سکون و آرامش و... معرفی می‌فرماید. در این مقاله، از عواملی همچون

عفو و گذشت، تأمین نیازهای عاطفی، مهرورزی، همدلی، ابراز محبت، دلجوایی و هدیه دادن به عنوان راهکارهای تحکیم خانواده یاد شده است.

مهدی کرامتی (۱۳۹۲) در مقاله کوتاه «راهکارهای تحکیم روابط اعضای خانواده» با تمرکز بر ارتباطات خانوادگی، عوامل زیر را به عنوان راهکارهایی عملی برای برقراری روابط مستحکم بین اعضای خانواده مطرح نموده است؛ احیای تفکر دینی، تقویت اخلاق اسلامی، صبر و شکیبایی، تکریم اعضای خانواده، پرداختن به تفریحات سالم و آشنایی با مهارت‌های زندگی.

علی توحیدی‌نژاد (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان «راهکارهای تحکیم خانواده از منظر دین»، اخلاق نیک را از جمله اوصاف مهم و برجسته انسان و عامل مؤثری در ثبات و تحکیم خانواده معرفی نموده و به بررسی نقش اخلاق در استوارسازی بنای خانواده از منظر دین پرداخته است. همچنین در این مقاله، فواید و ثمرات رعایت اصول اخلاقی در بین اعضای خانواده بیان شده است.

ایمان محکم‌کار، نادر بابازاده و محمد مهدی حلاج (۱۳۹۵) در مقاله خود با عنوان «بررسی عوامل تأثیرگذار بر تحکیم بنیان خانواده از دیدگاه اسلام» پس از مطالعه و بررسی آیات قرآن کریم و احادیث معصومان (علیهم‌السلام) با موضوع استحکام خانواده به این نتیجه دست یافتند که عواملی همچون ایمان و فضیلت‌گرایی، عشق و محبت، شناخت نقش‌ها و وظایف خانوادگی، وجود همکاری و تفاهم بین اعضای خانواده، عدالت و اعتماد و ادب و احترام می‌تواند در تحکیم بنیان‌های خانواده نقش بسزایی داشته باشد.

محمد هادی یدالله‌پور و محمدحسن شاد (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی مؤلفه‌های تحکیم خانواده در قرآن و روایات»، عوامل مؤثر بر تحکیم خانواده را در سه حوزه بینش و نگرش، گرایش و گروه و همچنین روش و منش، طبقه‌بندی نموده‌اند. در این مقاله، مؤلفه‌های تحکیم خانواده بر مبنای معارف قرآن و اهل بیت (علیهم‌السلام)، به صورت زیر برشمرده شده است؛ ایمان، فضیلت‌گرایی، محبت، عشق، حیا، عفت، حجاب، عفو، گذشت و تعامل سازنده با همسر.



چنان که ملاحظه می‌شود اکثر این پژوهش‌ها به صورت کلی راهکارها و عوامل تحکیم بنیان خانواده را مورد بررسی قرار داده‌اند و روی مؤلفه خاصی تمرکز نکرده‌اند. مقاله حاضر در ادامه مطالعات قبلی، به بررسی نقش دین‌مداری به طور خاص در تحکیم بنیان‌های خانواده پرداخته است. این مطالعه با رویکرد توصیفی - تحلیلی و با استفاده از شیوه کتابخانه‌ای به صورت سندکاوی و مطالعه در متون و مقالات انجام گرفته است. پژوهشگران با مطالعه کتاب‌ها و مقالات مربوط به نقش دین در نهاد خانواده و فیش‌برداری از آن‌ها و انجام تجزیه و تحلیل به صورت کیفی و توصیفی، نتایجی را در خصوص تأثیر دین‌مداری بر تقویت و تحکیم بنیان‌های خانواده استخراج نموده‌اند.

۲- دین و دین‌پژوهی

دین یکی از عمیق‌ترین نیازهای فطری بشر است که همه ابعاد مختلف حیات او را دربرمی‌گیرد و شامل مجموعه‌ای از باورها، ارزش‌ها و رفتارهای فردی و اجتماعی است (کلاک و کلاک^۱، ۲۰۱۹، ص ۱۰۸)؛ بنابراین مقوله دین و کارکردهای مختلف آن، از دیرباز مورد توجه پژوهشگران قرار داشته است. در دهه‌های اخیر نیز محققان بسیاری در مجامع علمی، دین‌پژوهی را به شیوه علمی دنبال کرده‌اند؛ تا آنجا که عصر حاضر را دوره بازگشت به دین و بازنگری در مفاهیم آن نام نهاده‌اند. انسان قرن بیست و یکم به عنوان «انسان دین‌ورز» شناخته شده است؛ زیرا آخرین پژوهش‌های جمعیت‌شناختی نشان می‌دهد بیش از ۹۵ درصد انسان‌ها به وجود خداوند ایمان دارند (خدایاری‌فرد و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۲). با توجه به این که دین، جزء جدایی‌ناپذیر زندگی بشر در تمامی دوره‌های تاریخی بوده است؛ آشنایی با کارکردهای اساسی دین و بررسی آثار آن در عرصه حیات بشری، اهمیت و ضرورت روزافزون پژوهش در حیطه دین و دین‌داری را روشن‌تر می‌کند (اسپیلکا^۲ و همکاران، ۲۰۰۳، ص ۳).

1. Clack & Clack

2. Spilka



با توجه به اینکه دین بر شیوه زندگی انسان‌ها تأثیر مستقیم می‌گذارد، نقش عمیق و ریشه‌دار دین‌مداری در نهادهای مختلف اجتماعی و سیاسی، مسایل فرهنگی و نهاد تعلیم و تربیت، امری انکارناپذیر است (همتی، ۱۳۹۲، ص ۱۲). این نفوذ عمیق دین در حوزه‌های مختلف زندگی انسان و تحت تأثیر قرار گرفتن ابعاد مختلف جسمانی، روانی و رفتاری او، موجب توجه پژوهشگران به مطالعه دین و دین‌داری شده است. کارکردهای متنوع دین و پیامدهای تأثیرگذار دین‌مداری در عرصه‌های گوناگون حیات بشری، نشانگر اهمیت و ضرورت روزافزون پژوهش در این حیطه است. از این رو، به زعم رودیکا و لائورا^۱ (۲۰۱۳، ۵۵۴) در دهه‌های اخیر، مطالعات درباره تأثیر دین و معنویت در امور فردی و اجتماعی، افزایش یافته است و روان‌شناسان و جامعه‌شناسان، بیشتر به پژوهش‌های دینی توجه کرده‌اند. دین در لغت به معنای طاعت، عبادت، جزا، حکم، شأن، عادت، حساب و... آمده است (راغب اصفهانی، ۱۳۹۲) و در اصطلاح به صورت‌های مختلفی تعریف شده است. دین از دیدگاه فلسفی، وجه امتیاز اصلی بشر نسبت به سایر موجودات است و مهم‌ترین کارکرد دین از این منظر، جستجو برای یافتن حقیقت است (کلاک و کلاک، ۲۰۱۹، ص ۱۰۸). حسن‌زاده آملی (۱۳۸۶) دین را دستورالعملی معرفی نموده است که منطبق با ابعاد وجودی انسان است و تعالی او را مد نظر دارد. دین، مجموعه‌ای از گزاره‌ها و آموزه‌ها درباره خدا، انسان و جهان است که از طریق وحی، عقل و فطرت برای هدایت آدمی و تأمین کمال و سعادت حقیقی انسان به او رسیده است (علی‌تبار فیروزجایی، ۱۳۸۷، ص ۱۴). بدین ترتیب می‌توان گفت: دین، مجموعه‌ای از اعتقادات، اخلاقیات و مقررات فردی و اجتماعی را دربرمی‌گیرد که برای پرورش انسان‌ها و اداره امور جامعه وضع شده است (میری، ۱۳۹۸، ص ۱۱۹).

امروزه دین‌شناسان بزرگ بر ابعاد گوناگون، متنوع و متعدد دین تأکید می‌ورزند و تک‌بعدی انگاشتن دین را مردود می‌شمارند. دین دارای کارکردهای متنوع و متعدد معرفتی،



سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و تربیتی است و در جنگ و صلح، تعلیم و تربیت، اخلاق و فرهنگ جامعه کاملاً حضور و رسوخ دارد (همتی، ۱۳۹۲، ص ۹).

اندیشمندان مسلمان نیز دین را به عنوان پدیده‌ای چندبعدی معرفی نموده‌اند که مجموعه‌ای از راه و روش‌ها را دربرمی‌گیرد و جنبه‌های مختلف زندگی انسان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. دین در این دیدگاه، نیازی بنیادی و اولیه برای انسان به شمار می‌آید که به صورت فطری در اعماق جان او ریشه دارد؛ از این رو، جمشیدی‌ها و آخوندی (۱۳۹۵) اذعان داشته‌اند که انسان فقط با دین می‌تواند به رشد، تعالی و سعادت نایل گردد. دین به عنوان یک نوع جهان‌بینی در شکل‌گیری رفتارهای فردی و جمعی انسان، تأثیر دارد؛ بنابراین دین‌مداری در متن زندگی روزمره افراد، ظهور و بروز دارد و به همه افکار، احساسات و رفتار آنان، جهت می‌دهد (سیاسی و حسنی، ۱۳۹۵، ص ۲۱).

دین، شامل سه جزء عقاید، احکام و دستورالعمل‌های اخلاقی است و انسان را به هدفی متعالی که همان سعادت و خوشبختی است، رهنمون می‌سازد. کنش‌های اساسی دین در این تعریف، یا همان فواید و اثرات دین‌مداری، سه حوزه اصلی شناختی، عاطفی و رفتاری را دربرمی‌گیرد (محمدی مصیری و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۱۰۹). این مفهوم دین‌مداری که به انجام رفتارهای دینی در کنار باورها و اعتقادات مذهبی اشاره دارد، بیانگر نوع خاصی از رفتارها و عملکردهای اشخاص است که می‌توان افراد دین‌مدار را از این طریق تشخیص داد. بدین ترتیب، هدف اصلی برنامه‌های تربیت دینی، تلاش برای دین‌مدار شدن انسان‌ها در ابعاد سه‌گانه شناختی، عاطفی و رفتاری و در نهایت، حرکت آنان در جهت تقرب به خداوند است.

با توجه به تأثیر فوق‌العاده نگرش دینی در فعالیت‌های گوناگون افراد، انتظار می‌رود رویکرد دین‌مدارانه همسران نیز بتواند زمینه مناسبی برای بهبود تعاملات آنان در محیط خانواده فراهم نماید. اصولاً باورهای دینی، ارزش‌آفرین است و هنجارهای رفتاری افراد و جوامع را به خوبی شکل می‌دهد. بنابراین رویکرد دینی با قداست بخشیدن به ارزش‌های

اخلاقی، می‌تواند نقش مؤثری در هدایت انسان‌ها ایفا نماید. از طرفی، با توجه به اینکه تعلیم و تربیت فرزندان در کانون مقدس خانواده، مهم‌ترین هدف والدین است و آموزه‌های دینی نیز همین هدف ارزشمند را دنبال می‌کند، استفاده از شیوه‌های ارتباطی برخاسته از معارف دینی اهمیت دوجندان می‌یابد. از همین روی، پژوهشگران در مقاله حاضر به دنبال تبیین پیامدهای ناشی از حاکمیت رویکرد دینی در روابط خانوادگی هستند و تلاش کرده‌اند نقش دین‌مداری را در تحکیم ارتباط میان همسران و تقویت بنیان‌های خانواده مورد بررسی قرار دهند.

پژوهش حاضر از این منظر دارای اهمیت است که اصلی‌ترین وظیفه خانواده‌ها در جامعه اسلامی، تربیت دینی نسل آینده است. امروزه به سبب تحولات زیربنایی علوم تربیتی و گسترش نفوذ رسانه‌ها، سطح آگاهی و دانش والدین به مراتب ارتقاء یافته و استفاده از شیوه‌های سنتی در تعلیم و تربیت دینی، پاسخ‌گو نیست. نهادهای تربیتی جامعه که خانواده، نخستین و تأثیرگذارترین آن‌ها به شمار می‌رود، باید افراد را به گونه‌ای آموزش دهند که در اعمال و رفتار خود به آموزه‌های دینی پایبند باشند. همچنین باید تلاش شود تا زمینه‌ای فراهم گردد که فرزندان در راستای رشد و شکوفایی استعدادهای فطری و دینی خود، گام بردارند.

یکی از مسائلی که در این نظام تربیتی باید مورد توجه قرار گیرد، نحوه تعامل والدین با یکدیگر و چگونگی ارتباط آنان با فرزندان به عنوان ارکان اصلی فرایند تعلیم و تربیت است. بنابراین نتایج پژوهش حاضر که نقش دین‌مداری را در تقویت بنیان‌های خانواده مورد بررسی قرار داده است، می‌تواند به بهبود وضعیت تربیتی خانواده‌ها نیز کمک نماید.

۳- مفهوم دین‌مداری

دین‌داری یا تدین، ناظر به پذیرش دین توسط انسان‌هاست؛ از این رو عنوان عام متدین یا دین‌دار به افرادی اطلاق می‌گردد که ارزش‌ها و نشانه‌های دینی در زندگی آنان جلوه یافته



است. نوعی باغبان و همکاران (۱۳۹۴، ص ۱۷۱) دین‌داری را یک نظام عملی مبتنی بر اعتقادات می‌دانند که از جانب پروردگار متعال برای هدایت انسان‌ها در مسیر رشد و کمال الهی، ارائه شده است و شامل عقاید، باورها، نگرش‌ها و رفتارهای انسان در ابعاد فردی و اجتماعی است. دین‌داری از نظر اسلام، هدفی تربیتی محسوب می‌شود و به معنای کاربرد برنامه‌های تربیتی در راستای دین‌دار شدن انسان‌ها، ایمان افراد به «ما أَنزَلَ اللَّهُ»^۱ و دستیابی به قرب الهی است (اعرافی و همکاران، ۱۳۹۷، ص ۲۹). عموماً در پژوهش‌های اخیر از اصطلاح دین‌داری برای توصیف میزان تعهدی که یک فرد یا گروه به مجموعه‌ای از باورهای دینی دارند، استفاده شده و اثرات دین‌داری در سه حوزه اصلی شناختی، عاطفی و رفتاری، مورد توجه قرار گرفته است.

مراد از دین‌مداری، التزام عملی به دین و پایبندی به آن با همه ابعادش در اعمال و رفتار و به اجرا گذاشتن احکام و دستورهای آن در همه شئون و ساحت‌های فردی و اجتماعی زندگی است (ابراهیم‌زاده، ۱۳۸۹، ص ۳۴). در واقع، دین‌مداری به رفتار دینی مبتنی بر باورها و اعتقادات، اشاره دارد و بیانگر کیفیت رفتاری است که افراد دین‌مدار با آن، مشخص می‌شوند. ساختار معارف دینی بر مبنای روابط چهارگانه انسان با خداوند، خود، دیگران و جهان هستی شکل گرفته است؛ این ساختار ارتباطی در سه مؤلفه اساسی تشکیل‌دهنده دین یعنی اعتقادات، احکام و اخلاقیات نیز ملاحظه می‌شود. با توجه به این سه عنصر اصلی و در نظر گرفتن ویژگی‌های شناختی، عاطفی و رفتاری مورد تأکید در رویکرد روان‌شناختی، می‌توان دین‌مداری را به این صورت تعریف کرد: «شناخت و باور داشتن به پروردگار یکتا، پیامبران و جهان واپسین و علاقه‌مندی نسبت به خداوند و بندگان برگزیده او که موجب به وجود آمدن التزام عملی برای انجام وظایف دینی در جهت تقرب به خدای متعال گردد.» بدین ترتیب، جوهر اصلی دین‌مداری را التزام عملی نسبت به انجام وظایف دینی تشکیل

۱ «ما أَنزَلَ اللَّهُ» به معنای «آنچه از سوی خداوند، نازل شده است.» می‌باشد و مصادیق آن در آیات متعددی از قرآن کریم، از جمله در آیات ۱ تا ۴، ۱۴۶ و ۲۸۵ سوره البقرة بیان شده است.



می‌دهد و دو عامل شناخت و باور دینی و عواطف و احساسات دینی به مثابه مقدمات لازم برای انجام وظایف و تکالیف دینی هستند.

جمشیدی‌ها و آخوندی (۱۳۹۵) ایمان و عمل صالح را معادل اخلاق نظری و اخلاق عملی دانسته و به عنوان دو بعد اصلی دین‌مداری، معرفی نموده‌اند و تأکید دارند که این دو مؤلفه با همدیگر، رابطه‌ای دوسویه دارند. اما به تعبیر شهید مطهری (۱۳۹۶) هر جا که در قرآن از مؤمنان، تمجید شده است؛ یعنی کسانی که شهادتین را می‌گویند و در دل، اعتقاد دارند و با جوارح و اعضای خود به عمل می‌پردازند. عمل صالح در این رویکرد به عنوان عامل مستقلى در کنار ایمان، تلقی نمی‌شود، بلکه جزئی از ایمان محسوب می‌گردد. این دیدگاه با تعریف امام علی (علیه السلام) از ایمان همخوانی دارد؛ آنجا که فرموده‌اند: «وَالْإِيمَانُ هُوَ الْإِقْرَارُ بِاللِّسَانِ وَ الْعَقْدُ فِي الْقَلْبِ وَ الْعَمَلُ بِالْأَرْكَانِ»؛ ایمان با سه چیز، محقق می‌شود: اقرار به زبان، اعتقاد قلبی و عمل با اعضا (کلینی، ۱۳۷۵، ج ۴، ص ۹۲).

بدین ترتیب از مقایسه تعریف دین‌مداری و ایمان، روشن می‌شود که اعتقاد قلبی به پروردگار یکتا، پیامبران و جهان واپسین و همچنین التزام عملی نسبت به انجام وظایف دینی در هر دو تعریف وجود دارد، اما اقرار زبانی یعنی شهادت دادن به یگانگی خداوند و فرستادگان او که اولین جزء از تعریف ایمان است، در تعریف دین‌مداری نیامده است. البته با توجه به اینکه اقرار زبانی، مقدمه باور قلبی به شمار می‌آید، می‌توان این دو تعریف را کاملاً منطبق بر یکدیگر دانست.

یکی از مهم‌ترین شاخص‌های دین‌مداری، بهره‌مندی از روح تعبد و بندگی خالصانه است که در پرتو معرفت عمیق انسان نسبت به فقر ذاتی‌اش و از طریق خودسازی و جهاد با نفس در چارچوب تعالیم دین، حاصل می‌شود (نعمتی و مسجدی، ۱۳۹۱، ص ۱۷۹). از این رو، مؤمنان واقعی، تسلیم محض پروردگار متعال هستند و ضمن تبعیت کامل از همه اوامر و نواهی خداوند، نسبت به انجام اعمال صالح و شایسته نیز التزام عملی دارند. بدین ترتیب، توجه ویژه بندگان خالص خداوند به بعد عملی ایمان، باعث تقویت و استحکام ایمان آنان



می‌گردد. در آیات متعددی از قرآن کریم برای تبیین مفهوم دین‌مداری، دو مؤلفه ایمان و عمل صالح به صورت توأمان مطرح شده و آثار ملازمت این دو در ابعاد فردی و اجتماعی، بیان شده است که به اجمال مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد:

ایمان، بهترین سرمایه زندگی انسان است که اگر آن را از کف داد، مهم‌ترین سرمایه زندگی خود را از دست داده است (مطهری، ۱۳۷۱، ص ۴۹). به این موضوع در قرآن کریم نیز اشاره است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ تِجَارَةٍ تُجْزِيكُمْ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ تُمْنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ» (الصَّفَّ/۱۰ و ۱۱)؛ ای اهل ایمان، آیا شما را به تجارتی سودمند که شما را از عذاب دردناک آخرت نجات بخشد، راهنمایی کنم؟ آن تجارت، این است که به خدا و رسول او ایمان آورید. اخلاق، انسانیت، عدالت، هم‌دلی، خیرخواهی، آزادگی و ده‌ها فضیلت دیگر، همه سرمایه‌هایی هستند که به دست آوردن و حفظ آن‌ها نیازمند سرمایه ارزشمندی به نام ایمان است.

خداوند متعال در برخی از آیات قرآن کریم، نتیجه همراهی ایمان و عمل صالح را فلاح و رستگاری معرفی می‌فرماید: «فَأَمَّا مَنْ تَابَ وَ آمَنَ وَ عَمِلَ صَالِحًا فَعَسَىٰ أَنْ يَكُونَ مِنَ الْمُفْلِحِينَ» (القصص/۶۷)؛ و اما کسی که توبه کند و ایمان بیاورد و به کار شایسته بپردازد، امید است که از رستگاران باشد.^۱ در آیات دیگری نیز آموزش گناهان را ثمره توأم ساختن ایمان و عمل صالح، برشمرده است: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَ أَجْرٌ عَظِيمٌ» (المائدة/۹)؛ خدا کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند به آموزش و پاداشی بزرگ، وعده داده است.^۲ این مغفرت الهی نسبت به بندگان تا آنجا ادامه می‌یابد که پروردگار متعال، وعده محو گناهان و لغزش‌های آنان را مطرح می‌فرماید: «وَالَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُكَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَ لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَحْسَنَ الَّذِي كَانُوا يَعْمَلُونَ» (العنکبوت/۷)؛

۱. در سوره مریم، آیه ۶۰ و سوره فرقان، آیه ۷۰ نیز مضمون مشابهی آمده است.

۲. در آیه ۸۲ سوره طه، آیه ۵۰ سوره الحج، آیه ۴ سوره سبأ، آیه ۷ سوره فاطر و آیه ۲۹ سوره الفتح نیز مضمون مشابهی آمده است.



و کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، قطعاً گناهانشان را از آنان می‌زداییم و بهتر از آنچه می‌کردند، پاداششان می‌دهیم^۱ و حتی در مواردی از تبدیل گناهان به حسنات، سخن به میان می‌آورد: «فَأُولَٰئِكَ يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ» (الفرقان/۷۰)؛ پس خداوند، بدی‌هایشان را به نیکی‌ها تبدیل می‌کند. چنانکه ملاحظه می‌شود پروردگار متعال در این آیات، توبه و بازگشت را مقدم بر ایمان و عمل صالح، دانسته و آمرزش گناهان و رسیدن به سعادت و خوشبختی را از نتایج آن برشمرده است. همچنین به توبه‌کنندگان باایمانی که به انجام اعمال صالح پرداخته‌اند، وعده داده است که گناهان و لغزش‌های آنان را محو فرماید و علاوه بر ارائه پاداش به آن‌ها، گناهانشان را نیز تبدیل به حسنات نماید.

در تعدادی از آیات قرآن کریم تأکید شده است که انسان‌های باایمان و صالح، هرگز ترس و اندوهی به دل خود راه نمی‌دهند: «مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (المائدة/۶۹)؛ هر کس به خدا و روز قیامت، ایمان بیاورد و کار نیکو بکند، پس نه ترسی بر آنان غلبه می‌کند و نه اندوهگین خواهند شد.^۲ خداوند متعال به این گروه از بندگان خود، وعده جانشینی و امنیت داده است: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا» (التَّوْر/۵۵)؛ خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، وعده داده است که حتماً آنان را در این سرزمین، جانشین خود قرار دهد؛ همان‌طور که کسانی را که پیش از آنان بودند جانشین خود قرار داد و آن دینی را که برایشان پسندیده است، پابرجا می‌سازد و ترسشان را به امنیت تبدیل می‌کند.

از این آیات شریف می‌توان فهمید که خداوند متعال به مؤمنان صالح و درستکار، اطمینان خاطر و امنیتی داده است که هر گونه ترس و اندوهی را از دل آنان می‌زداید و باعث رفع نگرانی آنان می‌شود. علاوه بر این، تأثیر عمیق ایمان و عمل صالح می‌تواند، زمینه را برای به دست آوردن مقام جانشینی و خلافت الهی فراهم سازد.

۱. در آیه ۲ سوره محمد ﷺ و آیه ۹ سوره تغابن نیز مضمون مشابهی آمده است.

۲. در آیه ۲۷۷ سوره بقره نیز مضمون مشابهی آمده است.



در دسته دیگری از آیات قرآن کریم، خداوند متعال به بندگان مؤمن و صالح خود، بشارت پاداش می‌دهد: «يُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا حَسَنًا» (الک‌هف/۲)؛ به مؤمنانی که کارهای شایسته می‌کنند، نوید می‌دهد که پاداشی نیکو در انتظارشان است.^۱ در مواردی نیز از ارائه پاداش مضاعف و پاداش بی‌حساب به این دسته از بندگان، سخن گفته است: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ» (فصلت/۸)؛ کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، پاداشی بی‌پایان در انتظارشان است.^۲ همچنین در بسیاری از آیات قرآن کریم به وعده اعطای بهشت، اشاره شده است که پاداش خاص بندگان مؤمن و صالح خداوند در جهان آخرت است: «أَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ جَنَّاتُ الْمَأْوَى نُزُلًا بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (السجدة/۱۹)؛ اما کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، به پاداش آنچه انجام می‌دادند، در باغ‌هایی پر از درخت جایگزین می‌شوند و پذیرایی می‌گردند.^۳ پروردگار متعال در این آیات شریف، به بندگان مؤمن و صالح خود بشارت داده است که به آنان پاداش نیکو، پاداش مضاعف و پاداش بی‌حساب عطا می‌فرماید. همچنین ورود بندگان به بهشت جاویدان را مشروط به دین‌مداری، یعنی داشتن ایمان و انجام عمل صالح به صورت توأمان ذکر نموده است.

از دیگر موضوعاتی که قرآن کریم، آنها را نتیجه دین‌مداری یا ملازمت ایمان و عمل صالح برشمرده است، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: رحمت الهی (الجاثیة/۳۰، التغاین/۹)

۱. در آیات ۲۵، ۶۲ و ۱۷۷ سوره البقرة، آیه ۵۷ سوره آل عمران، آیه ۱۷۳ سوره النساء، آیه ۹ سوره المائدة، آیه ۴ سوره یونس، آیه ۹۷ سوره النحل، آیه ۹ سوره الاسراء، آیات ۲، ۳۰ و ۸۸ سوره الک‌هف، آیه ۷ سوره العنکبوت، آیه ۴۵ سوره الروم، آیه ۴ سوره سبأ، آیه ۷ سوره فاطر و آیه ۲۹ سوره الفتح نیز مضامین مشابهی آمده است.

۲. در آیه ۳۷ سوره سبأ، آیه ۲۵ سوره انشقاق و آیه ۶ سوره تین نیز مضامین مشابهی آمده است.

۳. در آیات ۲۵ و ۸۲ سوره البقرة، آیه ۵۷، ۱۲۲ و ۱۲۴ سوره النساء، آیه ۴۲ سوره الاعراف، آیه ۹ سوره یونس، آیه ۲۳ سوره هود، آیه ۲۳ سوره ابراهیم، آیه ۱۰۷ سوره الک‌هف، آیه ۶۰ سوره مریم، آیه ۱۴، ۲۳ و ۵۶ سوره الحج، آیه ۵۸ سوره العنکبوت، آیه ۱۵ سوره الروم، آیه ۸ سوره لقمان، آیه ۳۷ سوره سبأ، آیه ۴۰ سوره غافر، آیات ۲۲ و ۲۳ سوره الشوری، آیه ۳۰ سوره الجاثیة، آیه ۱۲ سوره محمد، آیه ۹ سوره التغاین، آیه ۱۱ سوره الطلاق و آیه ۱۱ سوره البروج نیز مضامین مشابهی آمده است.



و البروج/۱۱)، هدایت الهی (یونس/۹)، لقای الهی (الکهف/۱۱۰)، حیات طیبه (النحل/۹۷)، عاقبت نیکو (الرعد/۲۹)، اجابت درخواست (الشوری/۲۶)، روزی بهشتی (الحج/۵۰، سبأ/۴، غافر/۴۰ و الطلاق/۱۱) و محبت بندگان خدا (مریم/۹۶).

آذربایجانی و موسوی اصل (۱۳۹۶) مهم ترین تأثیر دین مداری بر زندگی انسان را احساس آرامش و اطمینانی می دانند که برای او به وجود می آید. آنان تأکید نموده اند که این اطمینان خاطر، موجب می شود انسان از وابستگی و تعلق خاطر به مسائل دنیوی که منشأ همه ناراحتی ها و نگرانی هاست، رها شده و به آرامش دست یابد و از زندگی خود در این جهان، احساس رضایت کند. همچنین می توان انتظار داشت این آرامش روانی سبب شود که فرد با دیگران، به ویژه اطرافیان خود، مهربان باشد و به یاری آنان بشتابد.

۴- جایگاه خانواده در اسلام

از بدو پیدایش انسان همواره زنان و مردان با تشکیل کانونی به نام خانواده، عمری را در کنار یکدیگر گذرانده و به پرورش فرزندان در دامن پرمهر خویش پرداخته اند. انسان امروزی برای اینکه بتواند مشکلات زندگی خانوادگی را از جامعه خود ریشه کن کند، ابتدا باید مفهوم خانواده را بداند (بهشتی، ۱۳۹۲، ص ۳۳). خانواده، گروه کوچکی از انسان هاست که تعدادی عضو دارد و حد فاصل بین فرد و جامعه به شمار می رود. خانواده را می توان از دیدگاه های مختلفی تعریف کرد که به پاره ای از آن ها اشاره می شود:

خانواده، متشکل از افرادی است که از طریق پیوند زناشویی، هم خونی یا پذیرش فرزند با یکدیگر به عنوان زن، شوهر، پدر، مادر، برادر، خواهر و فرزند در ارتباط متقابل هستند، فرهنگ مشترکی پدید می آورند و در کنار یکدیگر زندگی می کنند (ساروخانی، ۱۳۹۳، ص ۱۳۴). خانواده یک واحد حقوقی است که حداقل از یک زن و یک مرد که بین آنها رابطه زوجیت به وجود آمده است، تشکیل می شود. البته وجود زن و مرد در ابتدا شرط ایجاد خانواده است، ولی شرط بقای آن نیست؛ مانند خانواده ای که از یک مادر و یک فرزند



تشکیل می‌شود و پدر خانواده در قید حیات نیست (بهجت‌پور و همکاران، ۱۳۸۵، ص ۲۵۷). خانواده، اساس اجتماع است و این واحد، حاصل پیوند طبیعی ازدواج میان دو ناهمجنس است. خانواده، کارکردهای متفاوتی دارد که تولید مثل و آرامش‌زایی، مهم‌ترین آنهاست. حفظ و استحکام این نهاد به استواری نظام‌های اجتماعی می‌انجامد (علاسوند، ۱۳۹۵، ص ۱۸۱). در تعریف سازمان ملل متحد از خانواده نیز آمده است: خانواده یا خانوار به گروه دو یا چندنفره‌ای اطلاق می‌شود که با هم زندگی می‌کنند، درآمد مشترکی برای تأمین غذا و دیگر ضروریات زندگی دارند و از طریق پیوند خونی، ازدواج یا فرزندخواندگی با هم نسبت دارند (اعزازی، ۱۳۸۵، ص ۲۲).

اولین مفهوم مشترکی که از مجموع این تعاریف، استنباط می‌شود، این است که مفهوم خانواده، نشان‌دهنده پیوندی عمیق و پایدار در ابعاد جسمی و روحی بین چند نفر برای زیستن در فضایی واحد است؛ یعنی خانواده بدون تحقق این پیوند، معنایی ندارد و قوام این نهاد ارزشمند، وابسته به میزان پیوند اعضای آن است. بنابراین برای تعالی و بهبود کارایی خانواده، لازم است بر تحکیم پیوند و روابط میان اعضای خانواده تأکید شود. از این رو، تحکیم روابط خانوادگی را می‌توان مهم‌ترین عامل سعادت و رشد افراد و اعضای خانواده دانست که تأثیر به‌سزایی در پویایی و توسعه همه‌جانبه جامعه نیز دارد.

خانواده از نظر اسلام، نهادی است که بر پایه ازدواج مرد و زن شکل می‌گیرد و با تولید مثل، توسعه می‌یابد. این نهاد، اساس سازندگی شخصیت انسان و مهم‌ترین عامل تکامل جامعه بشری است (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۷، ص ۱۱). خانواده به عنوان نخستین نهاد اجتماعی، زیربنای توسعه جوامع پیشین و منشأ گسترش و پیشرفت فرهنگ و تمدن بشری در طول تاریخ بوده است. پرداختن به این بنای مقدس و حمایت و هدایت آن به جایگاه واقعی و متعالی خود، سبب اصلاح خانواده بزرگ انسانی خواهد شد و غفلت از آن، موجب دور شدن بشر از حیات حقیقی و سقوط به ورطه هلاکت و ضلالت می‌گردد (حسن‌زاده، ۱۳۹۲، ص ۵۸).



نقطه آغازین تشکیل خانواده، برقراری پیوند زوجیت است. در قرآن کریم، زوجیت به عنوان یک اصل همگانی در آفرینش معرفی شده است: «وَمِنْ كُلِّ شَيْءٍ خَلَقْنَا زَوْجَيْنِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ» (الذاریات/۴۹)؛ و از هر چیز یک جفت آفریدیم؛ شاید متذکر شوید. انسان نیز تابع همین اصل است، لذا پروردگار متعال خطاب به او می‌فرماید: «وَوَخَّلَقْنَاكُمْ أَزْوَاجًا» (النبا/۸)؛ و شما را به صورت زوج‌ها آفریدیم. این پیوند زوجیت، میان دو نفر هم‌نوع برقرار می‌شود، چنانکه قرآن کریم اشاره می‌فرماید: «وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُم مِّنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا» (النحل/۷۲)؛ و خداوند برای شما از نوع خودتان همسرانی قرار داد. در جای دیگری نیز حکمت این پیوند را چنین بیان فرموده است: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» (الروم/۲۱)؛ و از نشانه‌های او این است که همسرانی از نوع خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش بیابید و میانتان مودت و رحمت قرار داد. در این، نشانه‌هایی است برای گروهی که می‌اندیشند. از مجموع این آیات نورانی می‌توان نتیجه گرفت که تشکیل خانواده در نخستین گام، زمینه‌ای تکوینی و ریشه‌ای عاطفی و روحی دارد. میل عاطفی و نیازهای جسمانی انسان که با ازدواج اشباع می‌شود، هر دو طرف این پیوند یعنی مرد و زن را به آرامش می‌رساند (علاسوند، ۱۳۹۵، ص ۱۸۳).

همچنین از این آیات برداشت می‌شود که آفریدگار حکیم، خانواده را کانون مودت و رحمت قرار داده است. مودت و رحمت، جان‌مایه تحکیم پیوند خانوادگی است؛ بنابراین هر چه این جان‌مایه تقویت شود، نهاد خانواده مستحکم‌تر می‌گردد و آرامش بیشتری بر زندگی اعضای خانواده حاکم می‌شود (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۷، ص ۱۴). قرآن با این‌گونه تعبیرات، در حقیقت به فلسفه اساسی تشکیل خانواده اشاره کرده است. اگر جفت‌گرایی در سرشت انسان وجود نداشت و همسران، وسیله سکون و آرامش یکدیگر نبودند و دوستی و رحمت میان آن‌ها قرار داده نمی‌شد، چه نیازی داشتند که با بستن پیمان زناشویی، استقلال فردی خود را خدشه‌دار کنند و همه لوازم و نتایج آن را تحمل نمایند؟! در وجود انسان، زمینه‌ای



از مودّت و رحمت وجود دارد که تجلّی‌گاه آن فقط خانواده است؛ بنابراین برای هر چه گرم‌تر شدن کانون خانواده و بهره‌گیری بیشتر از برکات آن، ضروری است که در جهت تقویت مودّت و رحمت خدادادی، برنامه‌ریزی درازمدت و همه‌جانبه صورت گیرد (بهشتی، ۱۳۹۲، صص ۳۹-۴۰)

۵- عوامل تحکیم بنیان خانواده

ضرورت پرداختن به موضوع تحکیم خانواده، ریشه در اهمیت نهاد خانواده دارد. نهاد مقدّس خانواده، رکن بنیادی اجتماع بشری و محل برخورد فرهنگ‌های گوناگون است؛ تا آنجا که سعادت و شقاوت امت‌ها، مرهون هدایت و ضلالت خانواده است (حسن‌زاده، ۱۳۹۲، ص ۵۱). اگر هدف از برقراری زوجیت و تشکیل خانواده، چنان که قرآن کریم فرموده است، به سکونت رسیدن اعضای خانواده در نظر گرفته شود، لازم است همه رفتارها و تعاملات در راستای تحقق این هدف باشد. بدین ترتیب، مقصود از تحکیم خانواده، فراگیر شدن اصل اعتدال و حاکمیت اخلاق بر فضای کلی خانواده و حفظ حقوق همه اعضا است (غلام‌پور و اسامه سکین، ۱۳۸۸، ص ۱۰۳).

هنرمندی زوجین در آن است که در ازدواج خود، معیارهای استحکام خانواده را رعایت کنند و گرنه در خانواده‌ای که پایه‌های آن متزلزل و در حال فروپاشی باشد، جز یک عمر رنج و دشواری چیز دیگری عاید آن‌ها نخواهد شد (رشیدپور، ۱۳۸۹، ص ۱۱۲).

نهاد خانواده مانند هر پدیده دیگری در معرض تهدیدها و عوامل آسیب‌زای فراوانی قرار دارد که هر یک متناسب با شدت و ضعف خود می‌تواند موجب بروز آشفتگی‌هایی در کانون خانواده شود و در نهایت، منجر به فروپاشی خانواده و طلاق گردد. از مهم‌ترین این عوامل می‌توان به عدم شناخت و آگاهی هر یک از زوجین نسبت به اصول زندگی مشترک، بی‌توجهی به نیازهای همسر و فرزندان و دخالت‌های ناروای اطرافیان اشاره کرد.

عامل مهم دیگری که بنیاد خانواده را تهدید می‌کند، سست شدن باورهای مذهبی و کاهش

معنویت است. زن و شوهری که نقش خداوند را در ارتباطات میان خود به فراموشی سپارند، کانون خانواده را با دست خود به سوی تزلزل و نابودی سوق می‌دهند. بی‌شک روابط انسانی که تهی از معنویت باشد، بسیار سست و شکننده خواهد بود و با هر بهانه‌ای از هم می‌گسلد. یکی از اساسی‌ترین راه‌های استقرار و استمرار ارزش‌های اخلاقی و دینی در جامعه، تقویت و تحکیم نهاد خانواده است. برای یافتن راهکارهای تقویت این نهاد ارزشمند، توجه به این نکته ضروری است که نحوه برقراری پیوند خانوادگی به محبت اعضای خانواده نسبت به یکدیگر و قداست این نهاد برمی‌گردد که اولی به جنبه روانی اشاره دارد و دومی، بعد معنوی را بیان می‌نماید. هر عاملی که موجب تقویت محبت و قداست خانواده شود، این نهاد مقدس را تحکیم می‌بخشد و هر چه از محبت و قداست خانواده بکاهد، موجب سستی و فروپاشی خانواده می‌شود (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۷، ص ۳۷۹).

قداست خانواده، بالا رفتن ارزش زن در جامعه، دوام و استحکام خانواده‌ها، کام‌گیری صحیح و کامل زوجین از یکدیگر در محیط با صفای خانواده، از بین رفتن زمینه‌های فساد و فحشا، تربیت صحیح فرزندان، به کار افتادن استعدادها، نیروها و خلاقیت‌ها در جهت رفع مشکلات مادی و اقتصادی و امیدواری اعضای جامعه به الطاف خداوندی، همه حلقه‌های یک رشته‌اند (بهشتی، ۱۳۹۲، ص ۷۶).

اگر اصل تشکیل خانواده و ازدواج، به صورت طبیعی و بر اساس فطرت پاک انسانی صورت گیرد، نتیجه‌ای جز حسن و کمال در پی نخواهد داشت؛ چنان که رشیدی‌پور (۱۳۸۹) معتقد است: همه نارسایی‌های موجود در روابط همسران، معلول نحوه تشکیل خانواده است و تأکید می‌نماید اگر در فرایند تشکیل خانواده، موازین و معیارهای منطقی و عقلانی رعایت شود، هیچ مشکلی پدید نیامده و محیطی سرشار از صفا و محبت به وجود خواهد آمد. به همین جهت، اسلام به دختران، پسران و والدین آنان تأکید می‌کند که در انتخاب همسر از دقت و اهتمام نسبت به امور صوری همچون زیبایی ظاهری و توجه به ملاک‌های مادی شدیداً خودداری نمایند؛ زیرا استحکام خانواده مرهون معیارهای واقعی یعنی ایمان و تدین است.



یکی از شرایط بسیار مهم در ازدواج، کفویت زوجین است. کفویت در لغت به معنای شبیه و مانند بودن یا هم‌شأنی و هم‌رتبگی است (دهخدا، ۱۳۷۳). مهم‌ترین شباهت زوجین باید در دین‌داری و اعتقادات آنان جلوه کند؛ چنان که خداوند متعال در قرآن کریم به مردان توصیه فرموده است: «فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ» (النساء/۳)؛ با زنان پاک، ازدواج کنید. در جای دیگری نیز می‌فرماید: «وَ الطُّبَيَّاتُ لِلطُّبَّيِّينَ» (النور/۲۶)؛ زنان پاک، شایسته مردان پاک هستند. پاک‌ی زنان و مردان که در قرآن کریم مورد تأکید قرار دارد، در درجه نخست، همان پاک‌ی و پاکیزگی باطن است که به معنای ایمان به خدا، پیامبران، عالم قیامت و متخلق بودن به اخلاق الهی است و قبلاً در تعریف دین‌مداری به آن اشاره شد. چنانکه در قرآن کریم نیز آمده است: «وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكَاتِ حَتَّىٰ يُؤْمِنَ» (البقرة/۲۲۱)؛ با زنان مشرک ازدواج نکنید تا ایمان بیاورند. بنابراین دختری که می‌خواهد ازدواج کند و پسری که می‌خواهد همسر انتخاب کند، برای اینکه پیوند ازدواج‌شان از استحکام و استواری بیشتری برخوردار باشد، قبل از هر شرط و معیاری، شایسته است به موضوع دین‌داری، ایمان و تقوای طرف مقابل توجه نمایند.

اعتقادات در زندگی انسان‌ها نقش مهمی دارد؛ ترک باورهای دینی، آرامش و لذت را از زندگی خانوادگی سلب می‌کند و موجب اضطراب، حیرت و حسرت طرفین می‌شود؛ حتی اگر فرد از مزایای مادی خوبی برخوردار باشد (سالاری‌فر، ۱۳۹۶، ص ۱۰۹). عقاید، نوع نگاه انسان به زندگی است. اگر هم‌سوئی در عقاید از استحکام لازم برخوردار نباشد، بنیان زندگی دچار تزلزل خواهد شد، اما موافق بودن در عقاید، موجب می‌شود که بسیاری از دغدغه‌های زاید از زندگی زوجین بیرون رود و آرامشی را که حاصل ازدواج است، به راحتی درک کنند. برخورداری زن و شوهر از باورهای دینی مستحکم، تأثیر به‌سزایی در تحکیم روابط اعضای خانواده دارد و بی‌بهره ماندن هر یک از زوجین از این باورها، مشکلات متعددی را در همه مراحل زندگی به دنبال دارد که قرآن کریم از آن به زندگی تنگ و سخت یاد می‌کند و می‌فرماید: «وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكاً» (طه/۱۲۴)؛ و هر کس از یاد من اعراض کند، همانا معیشتش تنگ شود.

ارزش‌ها و باورها و در رأس آنها ایمان و اعتقادات دینی، از عناصر مهم تشکیل‌دهنده شخصیت است. ایمان و باورهای دینی به عنوان رویکرد اصلی و محوری هر فرد در زندگی به صورت مستقیم و غیرمستقیم بر همه ابعاد شخصیت او نظیر هدف زندگی، روابط اجتماعی، امور فرهنگی، مسائل اقتصادی و همچنین دیدگاه فرد نسبت به شغل، تحصیل و ازدواج و حتی جنبه‌های جزئی‌تری از زندگی همچون علایق، رغبت‌ها و ترجیحات رفتاری، اثرگذار است (آذربایجانی و موسوی‌اصل، ۱۳۹۶، ص ۱۶۲). ازاین‌رو ایمان و دین‌داری را می‌توان ضروری‌ترین اموری دانست که باید در انتخاب همسر به آن توجه شود؛ زیرا دو نفر که قصد دارند یک عمر با هم زندگی کنند، تحت تأثیر عقاید، اخلاق، افکار و رفتار یکدیگر قرار خواهند گرفت. شخص دین‌دار، همسرش را به دیانت، تقوا، اخلاق نیک، ترک گناهان و انجام اعمال صالح، تشویق و ترغیب می‌نماید و اسباب سعادت و کمال او را فراهم خواهد ساخت و متقابلاً فرد بی‌ایمان و بی‌تقوا نیز همسرش را به بدی و گناه خواهد کشید. به همین دلیل در احادیث معصومان (علیهم‌السلام) دین‌داری در رأس معیارهای گزینش همسر قرار گرفته است.

۶- نقش دین‌مداری در تقویت بنیان‌های خانواده

در مورد چگونگی تأثیرگذاری ایمان و دین‌مداری بر استحکام خانواده می‌توان به نکات زیر اشاره کرد:

۱- ایمان و دین‌مداری به صورت ویژه‌ای در معنادار کردن زندگی و کاستن از رنج‌های آن نقش دارد. بسیاری از زنان و مردانی که از ارزش‌های دینی فاصله گرفته‌اند، بین آزادی‌های شخصی خود و احساس مسئولیت در برابر خانواده، تناقض جدی می‌بینند و تنها برای خودبودن را نسبت به برای دیگران بودن، ترجیح می‌دهند و این مسأله در موارد بی‌شماری آنان را به رویارویی و خصومت با یکدیگر کشانده است (آیت‌اللهی و همکاران، ۱۳۹۸، ص ۱۰۳). این مشکل، جز با تعیین اهداف زندگی بر اساس تعالیم دینی برطرف نخواهد شد. باور به خداوند، جهان‌بینی متفاوتی به فرد می‌دهد و توکل، رضایت‌مندی و امید به فردایی بهتر



به او می‌بخشد. افراد مؤمن به خاطر خدا، یکدیگر را تحمل می‌کنند و خود را به راحتی از تنگنای نفس پرستی می‌رهانند.

۲- وقتی اعضای خانواده متدین باشند، همگی در باید و نبایدهای زندگی خانوادگی سرسپرده دستورات الهی هستند. از این رو، فردی که مؤمن به خدا باشد، مواظب رفتار و کردار خود هست و حقوق همسر خود را رعایت می‌کند. این هماهنگی و توافق بین اعضای خانواده، مایه آرامش بیشتر و عمیق‌تر شدن محبت بین آن‌ها خواهد بود (علاسوند، ۱۳۹۵، ص ۱۲۰). چنانکه در تعریف دین‌مداری نیز اشاره شد، انسان‌های مؤمن و دین‌مدار نسبت به انجام رفتارهای صواب و اعمال صالح، پایبندی و التزام عملی دارند و همین امر باعث می‌شود که رعایت حقوق دیگران را در اولویت امور خود قرار دهند.

۳- وقتی ایمان در خانواده‌ای راه پیدا کند، دشواری‌ها و مشکلاتی که متوجه اعضای خانواده می‌گردد، زن و شوهر را به ستوه در نمی‌آورد و هر دو با تکیه بر دین‌مداری، صبر و شکیبایی را پیشه خود ساخته و از استحکام خانواده چیزی کاسته نمی‌شود (رشیدپور، ۱۳۸۹، ص ۱۳۷). یکی از مهم‌ترین آثار دین‌مداری این است که فرد مؤمن می‌تواند خود را با وضعیت‌های گوناگونی که در زندگی پیش می‌آید، انطباق دهد. با توجه به اینکه ازدواج، نخستین تجربه‌ای است که مرد و زن در رابطه‌ای مشترک قرار می‌گیرند، گاهی افراد در این موقعیت جدید غافلگیر می‌شوند و هنگام بروز چنین وضعیت‌هایی احساس شکست می‌کنند. روشن است که در چنین موقعیت‌هایی، نخستین گام برای رسیدن به تعادل روحی، درک موقعیت و وضعیت جدید است و اعتقاد به خداوند در این زمینه کمک شایانی به افراد باایمان می‌کند (علاسوند، ۱۳۹۵، ص ۱۵۸).

اساساً انسان نمی‌تواند به تنهایی از پس همه مشکلات زندگی برآید؛ زیرا هر قدر هم قوی باشد، باز هم به پناهگاهی نیاز دارد که در سایه آن بتواند ادامه حیات دهد و این تکیه‌گاه، چیزی جز ایمان نیست. ایمان در سختی‌ها و مشکلات، پناهگاه محکمی است که همه اضطراب‌ها و نگرانی‌ها را به آرامش بدل می‌کند (اسحاقی، ۱۳۸۶، ص ۱۲۸). چنانکه امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: «الایمانُ شَفِیعٌ مُنْجِحٌ» (تمیمی آمدی، ۱۳۸۵، ص ۱۳۸)؛ ایمان،



شفیعی نجات بخش است. از برجسته ترین و مهم ترین آثار رویکرد دین مدارانه و ایمان به خدا، احساس امنیت و آرامش است که زیربنای تحکیم خانواده را تشکیل می دهد.

۴- از دیگر تأثیرات دین مداری و التزام عملی نسبت به انجام رفتارهای منطبق بر ایمان، پرهیز از محرّمات الهی است که در موارد متعدّدی به استحکام خانواده می انجامد.

بر اساس تعالیم دین اسلام، غیبت کردن، تهمت زدن و سخن چینی حرام است؛ از این رو، اعضای خانواده حرمت یکدیگر را پاس می دارند، نسبت به یکدیگر نفرت یا دلخوری پیدا نمی کنند و در معرض اختلافات خانوادگی قرار نمی گیرند. همچنین مرد باایمان برای تأمین مخارج خانواده خود، جز به کسب و کار حلال روی نمی آورد و مال حرام را قبول نمی کند. او با تحصیل مال حلال، مقید به رعایت حقوق تمام افرادی است که از طریق کسب و تجارت با او سروکار دارند و از طرف او به بندگان خدا ضرر و زیانی نمی رسد. زن باایمان نیز با تکیه بر فرمان الهی از همسرش اطاعت می کند و به خواسته های به حق او پاسخ مثبت می دهد. چنین زنی از شوهر خود می خواهد که جز رزق حلال به خانه نیاورد و معتقد است به حلال خداوند باید قناعت کند، گرچه اندک باشد (انصاریان، ۱۳۸۵، صص ۵۷-۵۶).

این شیوه زندگی مؤمنانه در قرآن کریم نیز مورد تأکید قرار گرفته است: «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ» (التوبة/ ۷۱)؛ مردان و زنان باایمان دوست و یاور یکدیگرند، همواره به کارهای شایسته و نیک، فرمان می دهند و از کارهای زشت و ناپسند بازمی دارند و زکات می دهند و از خدا و پیامبرانش اطاعت می نمایند.

۵- دین اسلام بر رعایت فضایل اخلاقی گوناگون، از جمله: صداقت، محبت، وفاداری، ایثار، صبر، گذشت، تواضع و... تأکید فراوان نموده است که این امور از عوامل تأثیرگذار در استحکام روابط اعضای خانواده هستند. بدون شک افرادی که به فضایل اخلاقی آراسته اند، محبوب دیگران می شوند و مهم ترین عامل مؤثر در استحکام خانواده نیز محبت میان اعضای آن است (آیت الهی و همکاران، ۱۳۹۸، ص ۱۰۵).

۶- افراد متدین و باایمان در خلوت و آشکار، خدا را ناظر بر رفتار خویش می دانند و از



آنچه او را ناخشنود می‌سازد، پرهیز می‌کنند. در پرتو ایمان واقعی است که روحیات ارزنده انسانی از عمق وجود افراد مؤمن و دین‌مدار به تدریج، شروع به جوشیدن می‌کند و در رفتار و کردارشان ظهور و بروز می‌کند. شخص دین‌دار با تکیه بر ایمان به خدا و باور قلبی که دارد، به‌طور خودکار از گناهان، زشتی‌ها و بدی‌ها برکنار می‌ماند. تحقق و تبلور همین روحیات ارزنده در اشخاص مؤمن به آنان ارزش و بهای خاصی می‌دهد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این خصوص فرموده‌اند: «أَمَّا الْمُؤْمِنُ فَيَمْنَعُهُ اللَّهُ بِإِيْمَانِهِ» (مجلسی، ۱۳۷۲، ج ۳۳، ص ۵۸۱)؛ شخص مؤمن را خداوند بر اساس ایمانش محفوظ نگه می‌دارد. به عبارت دیگر، شخص مؤمن با تکیه بر ایمان به خداوند، از بدی‌ها و زشتی‌ها فاصله می‌گیرد.

۷- از دیگر آثار مهم دین‌مداری و ایمان به خدا، تسلیم و رضا نسبت به مقدرات الهی است. پدید آمدن این حالت، مبتنی بر فراهم شدن زمینه‌های شناختی و عاطفی است. فرد باید باور داشته باشد که همه رویدادهای جهان، منوط به اذن خداوند و قدرت و توانی است که او به اسباب و علل اضافه می‌کند. همان‌طور که در قرآن کریم، آمده است: «لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» (الک‌هف/۳۹)؛ جز قدرت خداوند، قوه‌ای نیست. به علاوه، خداوند نه تنها نسبت به مصالح انسان‌ها، آگاه‌تر است؛ بلکه خیرخواه‌تر و سعادت‌طلب‌تر از خود آن‌ها نسبت به خودشان نیز هست. تسلیم و رضا به حوادث جهان و احیاناً پدیده‌ها و بلاهای آزاردهنده‌ای همچون سیل، زلزله و مرگ عزیزان که براساس خواست خداوند است، برای انسانی که به امور ماورای طبیعی، باور، و به خدای متعال، تعلق عاطفی دارد، امری مطلوب خواهد بود. مؤمن به سبب ایمانش، دریایی از شوق و عشق و محبت است و به این خاطر، عاشق تحقق صفات مثبت در خود و علاقمند به ظهور ارزش‌ها در خویشتن است. همچنین او دوستدار انس و الفت با دیگران و یکرنگی و صداقت در معاشرت با مردم است، تا آنان را از این طریق به حسنات و ارزش‌ها آشنا کند و پس از آشنایی، زمینه آراستن آنان به ارزش‌ها و خوبی‌ها را فراهم نماید.



بحث و نتیجه‌گیری

در این مقاله پس از ارائه مباحث مقدماتی در ارتباط با مفهوم دین و دین‌مداری، مؤلفه‌های دین‌مداری و رابطه آن با ایمان و عمل صالح، تبیین گردید. بر این اساس، معارف دینی را سه مؤلفه اساسی عقاید، احکام و دستورالعمل‌های اخلاقی تشکیل می‌دهد و دین‌مداری در سه حوزه شناختی، عاطفی و رفتاری بر زندگی انسان‌ها اثر می‌گذارد. بنابراین هدف اصلی تربیت دینی در خانواده‌ها و نظام آموزشی، تلاش برای دین‌مدار شدن فرزندان و فراگیران در این حوزه‌های سه‌گانه و حرکت آنان در جهت تقرب به خداوند است. دین‌مداری در اینجا به معنای التزام عملی و رفتاری به دین و به اجرا گذاشتن احکام و دستورهای آن در ابعاد فردی و اجتماعی زندگی است. بدین ترتیب می‌توان گفت: جوهر اصلی دین‌مداری را التزام عملی نسبت به انجام وظایف دینی تشکیل می‌دهد و دو عامل شناخت و باور دینی و عواطف و احساسات دینی، مقدمات لازم برای انجام این دسته از وظایف هستند. مهم‌ترین تأثیر دین‌مداری بر زندگی انسان نیز احساس آرامش و اطمینانی است که برای او به وجود می‌آید. دین اسلام به رابطه بین مسایل فردی با امور خانوادگی و اجتماعی، نگاهی شبکه‌ای و همگرا دارد. از این رو، بر نقش سلامت معنوی و رویکرد دین‌مدارانه در زندگی به منظور کاهش آسیب‌های زندگی در ابعاد مختلف، تأکید ویژه‌ای شده است. در این رویکرد، افرادی که سبک زندگی خود را مطابق با الگوهای دینی تنظیم کرده‌اند، در عرصه‌های مختلف روابط اجتماعی اعم از ارتباطات خانوادگی و دوستانه، رفتارهای سالم‌تری از خود نشان می‌دهند. قرآن کریم و سخنان گهربار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام نسخه شفابخش الهی برای نجات بشر و بهترین راهنمای تدوین دستورالعمل جامع زندگی انسان است. اجرای کامل این برنامه‌ها می‌تواند انسان را از آسیب‌های جسمی و روحی در ابعاد فردی، خانوادگی و اجتماعی نجات دهد و سعادت و کامیابی را برای او به ارمغان آورد؛ چنانکه خداوند متعال در قرآن کریم فرموده است: «وَنَزَّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَ رَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ» (الاسراء/۸۲)؛ و از قرآن، آنچه شفا و رحمت است برای مؤمنان، نازل می‌کنیم. لذا تلاش پژوهشگران بر آن



بوده که با استفاده از این گنجینه‌های ارزشمند الهی به نسخه‌ای شفاف‌بخش برای تقویت بنیان‌های خانواده دست یابند.

خانواده به عنوان زیربنایی‌ترین نهاد اجتماعی و نخستین خاستگاه فرهنگ و تمدن بشری از اهمیت ویژه‌ای در رشد و تعالی انسان در ابعاد فردی و اجتماعی برخوردار است. خانواده بیشترین تأثیر را در حفظ ارزش‌های فرهنگی، پرورش نسل آینده و ایجاد ثبات و آرامش در جامعه دارد. اسلام به عنوان مکتبی انسان‌ساز، بیشترین توجه را به جایگاه والا و ارزشمند خانواده دارد. از سوی دیگر، باورهای دینی با قابلیت شکل‌دهی به هنجارهای رفتاری افراد و جوامع، همواره به عنوان راهنمای هدایت انسان‌ها در ارتباطات اجتماعی، مورد توجه قرار داشته است.

نقطه آغازین تشکیل خانواده، برقراری پیوند زناشویی بین زن و مرد است. خانواده بدون تحقق این پیوند، معنایی ندارد و عموم خانواده‌ها از افرادی تشکیل می‌شوند که از این طریق به صورت هم‌خونی با یکدیگر به عنوان زن، شوهر، پدر، مادر، برادر، خواهر و فرزند در ارتباط متقابل هستند و در کنار یکدیگر زندگی می‌کنند. یکی از اساسی‌ترین راه‌های استقرار و استمرار ارزش‌های اخلاقی و دینی در جامعه، تقویت و تحکیم نهاد خانواده است. استحکام خانواده بیش از هر چیز، مرهون معیارهای واقعی یعنی ایمان و تدین است. از این رو، ایمان و دین‌داری را می‌توان ضروری‌ترین اموری دانست که باید در انتخاب همسر و تشکیل خانواده به آن توجه کرد.

از برجسته‌ترین و مهم‌ترین آثار رویکرد دین‌مدارانه و ایمان به خدا، احساس امنیت و آرامش است که زیربنای تحکیم خانواده را تشکیل می‌دهد. آفریدگار حکیم، خانواده را کانون مودت و رحمت قرار داده است. از این رو، مهم‌ترین عامل مؤثر در استحکام خانواده، محبت و عشق میان اعضای خانواده است. بنابراین توصیه شده است همسران نسبت به یکدیگر و همچنین در ارتباط با فرزندان خود، اظهار محبت و خوش‌رفتاری داشته باشند. وجود سازگاری و مدارا در فضای خانواده و چشم‌پوشی از خطاهای احتمالی دیگران نیز عامل مهمی در تقویت بنیان‌های خانواده به شمار می‌رود.



از دیگر تأثیرات دین‌مداری و التزام عملی نسبت به انجام رفتارهای منطبق بر ایمان، پرهیز از محرمات الهی است که به استحکام خانواده می‌انجامد. باور قلبی افراد متدین نسبت به پروردگار متعال و تکیه بر ایمان واقعی به خداوند، آنان را از هر گونه گناه، پلیدی، زشتی و بدی برکنار می‌دارد. از دیگر آثار مهم دین‌مداری، تسلیم و رضایت انسان‌های مؤمن نسبت به مقدرات الهی است و بدین ترتیب، ایمان به خدا نقش مهمی در معنادار کردن زندگی و کاستن از رنج‌های آن دارد که می‌تواند به تقویت بنیان‌های خانواده کمک کند.

از سوی دیگر، افراد مؤمن در محیط خانواده، مواظب رفتارهای خود هستند و حقوق همسر و فرزندان را به درستی رعایت می‌کنند. افزون بر این، همکاری با سایر اعضای خانواده و رعایت احترام متقابل نیز باعث می‌شود هماهنگی و توافق قابل توجهی در فضای خانواده به وجود آید. بدین ترتیب، رشته‌های محبت و مودت موجود در این کانون مقدس، تقویت شده و مایه آرامش بیشتر اعضا و عمیق‌تر شدن پیوندهای بین آنان می‌گردد. همچنین توصیه شده است اعضای خانواده از ظرفیت ارزشمندی که در عنصر دعا و ارتباط دائمی با خداوند متعال وجود دارد، به‌خوبی استفاده کنند و همواره استحکام بنیان خانواده را از درگاه پروردگار، مسألت نمایند.

منابع و مآخذ

- ۱- قرآن کریم، ترجمه محمدمهدی فولادوند.
- ۲- آذربایجانی، مسعود و موسوی اصل، مهدی، *درآمدی بر روان‌شناسی دین*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ چهاردهم، ۱۳۹۶ ش.
- ۳- آموی، محمدهادی، *رابطه پایداری خانواده با اخلاق و ایمان*، پایگاه اینترنتی بصیرت، ۱۳۹۴ ش.
- ۴- آیت‌اللهی، زهرا؛ و همکاران، *دانش خانواده و جمعیت*. قم: دفتر نشر معارف، چاپ پانزدهم، ۱۳۹۸ ش.
- ۵- ابراهیم‌زاده آملی، عبدالله، *دین‌باوری و دین‌مداری*، قم: انتشارات زمزم هدایت، ۱۳۸۹ ش.
- ۶- اسحاقی، سیدحسین، *چگونه زیستن (درس‌هایی از چشمه‌سار حکمت امام علی (علیه السلام) به روایت شیعه و سنی)*، تهران: مشعر، ۱۳۸۶ ش.
- ۷- اعرافی، علی‌رضا و همکاران، *اهداف تربیت از دیدگاه اسلام*، تهران: انتشارات سمت، چاپ چهاردهم، ۱۳۹۷ ش.
- ۸- اعزازی، شهلا، *جامعه‌شناسی خانواده با تأکید بر نقش، ساختار و کارکرد خانواده در دوران معاصر*، تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان، ۱۳۸۵ ش.
- ۹- انصاریان، حسین، *فرهنگ مهرورزی از دیدگاه قرآن و اهل بیت (علیهم السلام)*، قم: نشر دارالقرآن، چاپ پنجم، ۱۳۸۵ ش.
- ۱۰- بهجت‌پور، عبدالکریم و همکاران، *تفسیر موضوعی قرآن کریم*. قم: دفتر نشر معارف، چاپ دوم، ۱۳۸۵ ش.
- ۱۱- بهشتی، احمد، *خانواده در قرآن*، قم: مؤسسه بوستان کتاب، چاپ دوازدهم، ۱۳۹۲ ش.
- ۱۲- تمیمی آمدی، عبدالواحد، *عُرُرُ الْحُكْمِ وَ دُرَرُ الْکَلِمِ*، ترجمه محمدعلی انصاری، قم: مؤسسه انتشاراتی امام عصر (عج)، چاپ چهارم، ۱۳۸۵ ش.
- ۱۳- توحیدی‌نژاد، علی، *راهکارهای تحکیم خانواده از منظر دین*، فصلنامه علوم و معارف قرآن و حدیث، شماره ۲، ۱۳۹۴ ش.

- ۱۴- جمشیدی‌ها، غلامرضا و آخوندی، محمدباقر، *الگوی قرآنی برای سنجش دین‌داری در ایران*، فصلنامه آموزه‌های قرآنی، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره ۲۳، ۱۳۹۵ش.
- ۱۵- حسن‌زاده، صالح، *عوامل تحکیم خانواده در فرهنگ اسلامی*، پژوهش‌نامه معارف قرآنی، شماره ۱۵، ۱۳۹۲ش.
- ۱۶- حسن‌زاده آملی، حسن، *مآثر آثار*، تدوین داوود صمدی آملی، قم: نشر الف‌لام‌میم، ۱۳۸۶ش.
- ۱۷- حسینی، اکرم، *تحکیم خانواده در آموزه‌های قرآنی*، فصل‌نامه مطالعات راهبردی زنان، شماره ۲۶، ۱۳۸۳ش.
- ۱۸- خدایاری‌فرد، محمد و همکاران، *تهیه و اجرای برنامه‌های فرهنگی - آموزشی با رویکرد روان‌شناختی، تربیتی و اجتماعی به منظور اعتلای دین‌داری دانشجویان*، تهران: دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران، گزارش نهایی طرح پژوهشی، ۱۳۹۴ش.
- ۱۹- دهخدا، علی‌اکبر، *نعت‌نامه*، زیر نظر دکتر محمد معین و دکتر سیدجعفر شهیدی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۳ش.
- ۲۰- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، *المفردات فی غریب القرآن*، ترجمه: حسین خداپرست، قم: دفتر نشر نوید اسلام، ۱۳۹۲ش.
- ۲۱- رشیدی‌پور، مجید، *تعاون و استحکام خانواده*، تهران: انتشارات انجمن اولیاء و مربیان، چاپ سوم، ۱۳۸۹ش.
- ۲۲- روحی، زهرا، *تحکیم خانواده و راهکارهای تقویت آن*، پژوهش‌نامه اسلامی زنان و خانواده، شماره ۱۱، ۱۳۹۰ش.
- ۲۳- ساروخانی، باقر، *مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده*، تهران: انتشارات سروش، چاپ هجدهم، ۱۳۹۳ش.
- ۲۴- سالاری‌فر، محمدرضا، *خانواده در نگرش اسلام و روان‌شناسی*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ سیزدهم، ۱۳۹۶ش.



- ۲۵- سپاسی، سحر و حسنی، حسن، *رابطه باورهای دینی مدیران با رفتار مدیریت سود*، دوفصلنامه حسابداری ارزشی و رفتاری، شماره ۲، ۱۳۹۵ ش.
- ۲۶- علاسوند، فریبا، *زن در اسلام*، قم: نشر هاجر (وابسته به مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خاوران، ۱۳۹۵ ش.
- ۲۷- علی‌تبار فیروزجایی، رمضان، *مبانی دین‌شناختی معرفت دینی*، فصلنامه قبسات، شماره ۵۰، ۱۳۸۷ ش.
- ۲۸- غلام‌پور، محمد و اسامه سکین، عبدالغنی، *عوامل تحکیم و تقویت نظام خانواده*، فصلنامه مطالعات فقه تربیتی، شماره ۹، ۱۳۸۸ ش.
- ۲۹- کرامتی، مهدی، *راهکارهای تحکیم روابط اعضای خانواده*، مجله زلال وحی، شماره ۲۳، ۱۳۹۲ ش.
- ۳۰- کلینی، محمد بن یعقوب، *اصول کافی*، ترجمه: محمدباقر کمره‌ای، تهران: انتشارات اسوه، چاپ سوم، ۱۳۷۵ ش.
- ۳۱- کیان‌فرد، مصطفی، *عوامل تحکیم بنیان خانواده*، قم: مؤسسه فرهنگی و اطلاع‌رسانی تبیان، ۱۳۹۵ ش.
- ۳۲- مجلسی، محمدباقر، *بحارالانوار الجامعة لدرر الاخبار الائمه الاطهار علیهم السلام*، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ نهم، ۱۳۷۲ ش.
- ۳۳- محکم‌کار، ایمان و همکاران، *بررسی عوامل تأثیرگذار بر تحکیم بنیان خانواده از دیدگاه اسلام (با محوریت قرآن و احادیث معصومین)*، فصلنامه مطالعات اطلاعات و امنیت انتظامی، شماره ۱۶، ۱۳۹۵ ش.
- ۳۴- محمدی ری‌شهری، محمد، *تحکیم خانواده از نگاه قرآن و حدیث*، ترجمه: حمیدرضا شیخی، قم: انتشارات دارالحديث، ۱۳۸۷ ش.
- ۳۵- محمدی مصیری، فرهاد و همکاران، *دین‌داری، کیفیت رابطه با والدین و هویت اخلاقی با نقش تعدیل‌کننده خودتنظیمی*، فصلنامه روان‌شناسی و دین، شماره ۲۴، ۱۳۹۲ ش.



۳۶- مشهدی آقایی، حمید، *نشانه‌ها: شیعه از نگاه آیات و روایات*، مشهد: انتشارات قدس رضوی، ۱۳۸۹ ش.

۳۷- مطهری، مرتضی، *انسان و ایمان*، تهران: انتشارات صدرا، چاپ هشتم، ۱۳۷۱ ش.

۳۸- مطهری، مرتضی، *نبرد حق و باطل*، تهران: انتشارات صدرا، چاپ سی و هفتم، ۱۳۹۶ ش.

۳۹- میری، سیدمحمدحسین، *قلمرو و گستره سیاسی دین در اندیشه امام خمینی (ره)*، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، شماره ۵۸، ۱۳۹۸ ش.

۴۰- نعمتی پیرعلی، دل‌آرا و مسجدی، فاطمه، *رابطه دین‌مداری و بصیرت دینی در نهج‌البلاغه*، دوفصلنامه کتاب قیم، شماره ۷، ۱۳۹۱ ش.

۴۱- نوری، اعظم، *عوامل تحکیم و ثبات خانواده*، پژوهشنامه اسلامی زنان و خانواده، شماره ۶، ۱۳۸۹ ش.

۴۲- نوعی باغبان، سیدمرتضی و همکاران، *بررسی تأثیر دین‌داری درونی و بیرونی بر انسجام ملی؛ مطالعه موردی: شهروندان شهر مشهد*، فصلنامه راهبرد اجتماعی - فرهنگی، شماره ۱۴، ۱۳۹۴ ش.

۴۳- همتی، همایون، *تحلیل نقش دین در جامعه*، فصلنامه معرفت ادیان، شماره ۱۵، ۱۳۹۲ ش.

۴۴- یدالله‌پور، محمدهادی و شاد، محمدحسن، *بررسی مؤلفه‌های تحکیم خانواده در قرآن و روایات*، دوفصلنامه الهیات قرآنی، شماره ۸، ۱۳۹۶ ش.

45. Clack, B. & Clack, B. R. (2019). ***Philosophy of Religion: A Critical Introduction***. (3rd ed.) U.S.A: Polity Press

46. Rodica, M. Z. & Laura, R. B. (2013) The Psychology Behind Religion: how is it to work for a Muslim Company? ***Procedia – Social and Behavioral Sciences***, 84: 553-557

47. Spilka, B. ; Shaver, P. & Kirkpatrick, L. A. (2003) A general attribution theory for the psychology of Religion. ***Journal for the Scientific Study of Religion***, 24: 1-20

نقش والدین در تربیت اجتماعی فرزندان از منظر اسلام

زهرا قندی^۱

چکیده

هدف از انجام پژوهش حاضر، بررسی نقش و جایگاه پدر و مادرها در تربیت اجتماعی فرزندان است. این پژوهش به روش توصیفی - تحلیلی و به صورت کتابخانه‌ای انجام گرفته و به بررسی مفهوم، اهمیت و اهداف تربیت اجتماعی، نقش اختصاصی پدر و مادر در تربیت اجتماعی فرزند پرداخته است و در پایان اصول، روش‌ها و مهارت‌های تربیت اجتماعی در دوران کودکی و نوجوانی را مورد مطالعه قرار داده و به این نتایج دست یافته است. روند اجتماعی شدن در دوران کودکی سریع‌تر اتفاق می‌افتد، چون کودک از زمانی که متولد می‌شود، در حال یادگیری است. از این رو، والدین در تربیت اجتماعی فرزندان نقش حیاتی دارند. تربیت فرزند باید به گونه‌ای باشد که بتواند در اجتماع با سختی‌ها و ناملایمات، کنار آمده و متکی به دیگران نباشد. همچنین تربیت صحیح، نیاز به رعایت اصول، روش‌ها و مهارت‌های خاصی دارد که هر پدر و مادری باید به آنها توجه داشته باشد. مهم‌ترین اصول، عبارتند از: اصل تکریم شخصیت، اصل وفای به عهد، اصل مسئولیت دادن، اصل عزت نفس و اصل تقویت نظم و انضباط. مهم‌ترین روش‌ها نیز عبارتند از: الگوپذیری، تشویق و تنبیه، مشارکت در امور خانواده، توجه به تفاوت‌های فردی، فراگیری آداب اجتماعی، مشورت کردن، پرهیز از مقایسه کردن، هدایت شغلی و نماز جماعت. مهم‌ترین مهارت‌های تربیت اجتماعی کودک و نوجوان نیز عبارتند از: توجه کردن، دوست‌یابی، رابطه با اطرافیان، حل مسأله و تصمیم‌گیری، مهارت «نه گفتن»، غنی‌سازی اوقات فراغت و آمادگی برای تشکیل خانواده.

واژگان کلیدی: والدین، فرزند، خانواده، تربیت، تربیت اجتماعی

۱. دانش‌آموخته دوره کارشناسی رشته معارف اسلامی و علوم تربیتی، دانشگاه معارف قرآن و عترت اصفهان

انسان موجودی اجتماعی است و انسانیت او در اجتماع معنا پیدا می‌کند. البته رابطه انسان با اجتماع ارتباطی یک‌طرفه نیست، بلکه ارتباطی کامل، دوجانبه و سراسر مسئولیت و تأثیر و تأثر است. اجتماع سالم از نظر اسلام جامعه‌ای است که افراد و اعضای آن در نهایت احساس مسئولیت اجتماعی زندگی کنند. پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرمودند: «کلکم راع و کلکم مسئول عن رعیت» (پاینده، ۱۳۸۳، ص ۲۷۶ به نقل از نخعی، ۱۳۷۴، ص ۲)؛ همه شما نسبت به یکدیگر مسئولیت دارید. بنابراین انسان کامل از نظر اسلام، انسانی است که دارای حداکثر ارتباطات اجتماعی باشد. امروزه به دلیل پیچیدگی روابط انسانی و اجتماعی ایفای نقش مؤثر و مفید اجتماعی، به‌ویژه از جانب نوجوانان و جوانان که در آستانه زندگی اجتماعی هستند، امری آسان نیست و مستلزم هنر و ویژه برقراری ارتباط اجتماعی است که فقط در سایه یک تربیت مؤثر و سودمند حاصل می‌شود. (نخعی، ۱۳۷۴، صص ۲ و ۳).

داشتن فرزندی مستقل و اجتماعی برای والدین، یک نقطه قوت محسوب می‌شود. به همین دلیل، تربیت فرزندی اجتماعی یکی از دغدغه‌هایی است که ذهن هر پدر و مادری را به خود مشغول ساخته است. فراگیری اصول، روش‌ها و مهارت‌های اجتماعی، برای فرزند شرايطی را فراهم می‌کند که بتواند در وقایع مختلف رفتارهای درست از خود نشان دهد و در برخورد با مشکلاتی که سر راهش قرار می‌گیرد، درست تصمیم بگیرد. از این رو، والدین نقش اساسی در تربیت اجتماعی فرزند خود ایفا می‌کنند.

در مقاله حاضر سعی شده به موارد زیر پرداخته شود: تربیت اجتماعی به چه معناست؟ اهداف و اهمیت تربیت اجتماعی چیست؟ نقش اختصاصی پدر و مادر در این راستا چیست؟ والدین باید از چه اصول، روش‌ها و مهارت‌هایی برای تربیت اجتماعی فرزندان بهره گیرند؟

بیان مسأله

خانواده اجتماع کوچکی است که کودک عضو آتی آن است و پس از تولد وارد سیستم حاکم بر خانواده شده و از این دریچه با قواعد و مقررات رفتاری زندگی و تعاملات اجتماعی آن



آشنا می‌گردد. اما شکل‌گیری نوع شخصیت کودک و تعیین آن، بستگی به نوع موقعیت وی در خانواده و کیفیت تعامل با او دارد. به عنوان مثال، در صورتی که والدین تمام هم و غم خود را صرف برآوردن هرگونه خواهش و خواسته کودک بنمایند، حس خودپرستی را در او شکوفا می‌کنند. چنین کودکی وقتی وارد اجتماع می‌شود، به دلیل انتظارات غیرمنطقی که از خانواده یاد گرفته، دچار تعارض می‌شود و نمی‌تواند رابطه صحیح و اجتماع‌پسندی با اطرافیان داشته باشد. اما در خانواده‌ای که کودک از حقوق مساوی و وظایف معینی برخوردار و در احساسات و نگرانی‌های سایر اعضای خانواده سهیم باشد، شرایط مناسب برای برخورداری وی از یک شخصیت ایده‌آل اجتماعی فراهم شده است که در سایه آن می‌تواند در زندگی آینده خود نیز به فرد فعال و مثبتی تبدیل شود (بیدی و رنجبرزاده، ۱۳۹۲، ص ۳۳).

تربیت به منزله نور است که ظهور و بروز هرچیز به آن وابسته است. در میان همه موجودات، تنها انسان آمادگی لازم برای تربیت‌پذیری را دارد و این مسأله زمانی میسر است که آدمی در دایره آموزش‌ها و تعالیم مربوط قرارگیرد و عوامل تربیتی در جهت هدایت و راهنمایی او به درستی انجام وظیفه کنند و نکته مهم اینکه هدف تعلیم و تربیت، پرورش شخصیتی است که بتواند بر خود تسلط پیدا کند؛ یعنی تمایلات و عواطف خود را زیر نظر قرار دهد و طبق معیارهای منطقی و عقلی عمل نماید و تسلط بر خود و اراده خود داشته باشد (سلیقه، ۱۳۹۶، ص ۵).

تربیت اولاد رابطه مستقیمی با اصلاح و فساد جامعه دارد و اگر فرزندان در محیط خانواده، درست تربیت شوند، از این ناحیه، مشکلی برای جامعه پیش نمی‌آید. اما اگر فرزندان با تربیت درست پا به عرصه اجتماع بگذارند، رفتار سوء آنان در جامعه سرایت می‌کند و تأثیر منفی بر آن می‌گذارد. چنانکه بسیاری از نابسامانی‌های اخلاقی و رفتاری موجود در جوامع کنونی، ناشی از انحرافات اخلاقی نسل جوان است که بخش عمده آن، ریشه در تربیت خانوادگی آنان دارد. از این رو، پدر و مادر در تربیت فرزند وظیفه‌ای بس مهم به عهده دارند که باید به آن توجه نمایند (علیزاده، ۱۳۹۵، ص ۱۲).

تربیت نباید ناظر به زمان تربیت باشد، بلکه باید ناظر به زمان زندگی و پس از دوره

کودکی باشد. با توجه به اینکه زندگی کودک برای بیست سال بعد است و آن زمان، آغاز زندگی و ازدواج و کار اوست و اینکه زمان هم در حال رشد است، تربیت باید ناظر به آن زمان باشد؛ نه ناظر به زمان کودکی. پس تربیت نباید ناظر به زمان قبل باشد؛ یعنی نباید چیزی به او آموزش داد که مربوط به بیست سال قبل است. حضرت علی (علیه السلام) می‌فرمایند: «لا تقسروا اولادکم علی آدابکم فانهم مخلوقون لزمان غیر زمانکم» (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴، ج ۲۰، ص ۲۶۷)؛ فرزندان خود را به آداب خود و اندازید، چرا که آنها برای زمانی غیر از زمان شما آفریده شده‌اند.

تربیت پایه زندگی است و زندگی بر آن بنا نهاده می‌شود. پس باید به‌گونه‌ای باشد که برای زندگی در سن چهل سالگی، پنجاه سالگی و شصت سالگی هم به کار آید. (پاک نهاد، ۱۳۹۵، ص ۳۵).

اسلام بیشترین توجه را به زندگی اجتماعی داشته و با قوانین و مقررات اجتماعی خود کوشیده است افراد اجتماع را همانند حلقه‌های زنجیر با یکدیگر مربوط ساخته و قلب و روح آنان را نسبت به یکدیگر مهربان و باگذشت گرداند (بیدی و رنجبرزاده، ۱۳۹۲، ص ۶۵). این مقاله، تربیت را از بعد اجتماعی بررسی کرده است و اصول، روش‌ها و مهارت‌های تربیت اجتماعی کودک و نوجوان را مورد بررسی قرار داده است. زیرا یکی از مهمترین نگرانی‌های والدین، نحوه تربیت و پرورش آنهاست و چگونگی ارتباط با کودک و نوجوان، نقش مهمی در تربیت و پرورش آنها دارد. در صورت برخورداری کودک از تربیت اجتماعی صحیح، او می‌تواند به عنوان سرمایه‌ای گران‌بها وارد جامعه شود. تربیت امر ساده‌ای نیست و نمی‌توان با بی‌مبالاتی نسبت به تربیت فرزند، انسانی شایسته تربیت کرد. والدین باید بدانند برای اینکه بتوانند فرزندان اجتماعی تربیت کنند، چه وظیفه‌ای دارند و چگونه باید با کودک و نوجوان خود برخورد کنند تا تربیت اجتماعی صحیح اتفاق بیفتد.

ضرورت پژوهش

تربیت فرزند از جمله وظایفی است که در درجه اول به عهده پدر و مادر و سپس معلمان و

مربیان نهاده شده است (علیزاده، ۱۳۹۵، ص ۱۲). تربیت باید زمینه را برای ورود طفل به زندگی اجتماعی فراهم کند و نخست لازم است بررسی شود که برای زندگی اجتماعی کودک، چه جنبه‌هایی لازم است به او آموزش داده شود. آنچه باید بیاموزد و به یاد بسپارد، عبارت است از آگاهی به ادب معاشرت، پذیرش مسئولیت اجتماعی، نحوه شرکت در مجامع، راه مقابله با نیازهای اجتماعی، فهم مسئولیت‌های اجتماعی و... از سوی دیگر، او در زندگی اجتماعی نیازمند به داشتن ایده‌های عالی و تساوی خواهانه، روح فداکار، گذشت، ایثار، قدردانی، نوع دوستی، میل به خدمت به خلق و لذت بردن از آن، عادت مقابله با مشکلات، حس احترام نسبت به قوانین و مقررات اجتماعی سودمند و غیره است (بیدی و رنجبرزاده، ۱۳۹۲، ص ۶۴).

گاهی والدین از بعضی رفتارهای کودک خود گله می‌کنند. این رفتارها می‌تواند شامل موارد زیر باشد: آرام صحبت کردن، استفاده از کلمات کوتاه به جای جملات، عدم مشارکت در فعالیت‌های کلاسی، عدم مشارکت در بازی‌های گروهی با دوستان و همکلاسی‌ها، مخفی شدن پشت سر پدر یا مادر در میهمانی‌ها، ضعف در گرفتن حق خود، خجالتی و کم‌رو بودن و عدم توانایی در برقراری ارتباط با دیگران. باید گفت مشکلات اساسی این گروه از کودکان، عدم اعتماد به نفس و ناتوانی در استفاده از مهارت‌های اجتماعی است (قاسمیان‌نژاد و سیادتیان، ۱۳۹۳، ص ۵۶). نوجوانی نیز دوران بسیار مهمی برای تربیت فرزند است؛ چراکه حضرت علی (علیه السلام) می‌فرماید: «انما قلب الحدث كالارض الخالية ما القى فيها من شيء قبلته» (آشتیانی و امامی، ۱۳۷۹، ص ۷۵)؛ قلب نوجوان همچون زمین خالیست، هر بذری در آن پاشیده شود، می‌پذیرد.

اهمیت این دوران به قدری زیاد است که پایه رفتار و منش فرد را در سال‌های آتی رقم می‌زند (صداقت‌فر و عزیزی، ۱۳۹۷، ص ۹). دوران کودکی و نوجوانی دوران رشد اجتماعی است. منظور از رشد اجتماعی، آن است که فرد بتواند روابط اجتماعی برقرار کند یا رشد و نمو لازم برای برقراری روابط اجتماعی را به دست آورده باشد. به عبارت دیگر، وقتی فرد



یاد گرفت که با معیارهای گروه، خلیات و سنت‌ها همنوایی کند و به مرحله‌ای رسید که توانست با جامعه ارتباط و تعاون داشته باشد، می‌گوییم از لحاظ اجتماعی رشد و تکامل یافته است (رضایی، ۱۳۹۳، ص ۹۶).

اهمیت و ضرورت این تحقیق از آن روست که کودکان با فطرت پاک به دنیا می‌آیند و پدر و مادر باید قبل و بعد از بچه‌دار شدن، روش صحیح تربیت دینی و دنیوی فرزند را حاصل کنند. تربیت صحیح می‌تواند فرزند را خودساخته و بدون وابستگی به پدر و مادر بار آورد و چون کودک با اجتماع سروکار دارد، باید راه و روش ارتباط مطلوب با اجتماع را بیاموزد. زیرا در اثر روابط و تعاملات اجتماعی، شخصیت کودک و نوجوان رشد می‌کند. پس تربیت اجتماعی باید از دوران کودکی آغاز و در محیط خانواده اتفاق بیفتد. والدین باید بدانند چگونه انسان اجتماعی تربیت کنند که برای جامعه آسیب‌زا نبوده و از گمراهی و فساد به دور باشد و در جامعه فردی ارزشمند شود. به همین جهت، برای رسیدن به این هدف، وظایف دشواری بر عهده آنان است.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع تحقیقات کاربردی است و روش جمع‌آوری مطالب به صورت کتابخانه‌ای بوده است. پژوهشگر با مطالعه جدیدترین کتاب‌ها و مقالات، به تحلیل و توضیح مطالب پرداخته و به نتایج کاربردی دست یافته است. بدین ترتیب می‌توان شیوه تحقیق در این مقاله را توصیفی، تحلیلی دانست که منجر به ارائه راهکارهایی برای تربیت اجتماعی کودک و نوجوان شده است.

مفهوم تربیت اجتماعی

تربیت در لغت به معنای پروردن، پروراندن، پرورش دادن، ادب و اخلاق به کسی یاددادن است (عمید، ۱۳۸۶، ص ۴۲۵). تعریف جامع ارائه شده از تربیت، عبارت است از: فراهم کردن زمینه‌ها و عوامل لازم برای به فعلیت رساندن و شکوفا کردن استعدادهای انسان در



جهت مطلوب (الهامی‌نیا و احمدی، ۱۳۸۷، ص ۲۷؛ به نقل از عمران‌ی و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۵).

تربیت در معنای اصیل و حقیقی آن، مستلزم آن است که آموخته‌ها، یادگیری‌ها و گرایش‌های فکری انسان، در جهت معینی که متناسب با جایگاه و منزلت انسانی اوست، هدایت شود. این هدایت، نخست به وسیله دیگران و سپس به وسیله خود فرد، درونی، پایدار و در عمل و رفتار متربی تجلی پیدا می‌کند. به عبارت دیگر، تربیت باید به عمل، التزام و تعهد درونی و همچنین به تغییر تفکر و سازمان‌دهی گرایش‌ها و تمایلات انسان در جهت ارزش‌های انسانی منجر گردد (مرزوقی، ۱۳۹۷، ص ۱۶).

اجتماع در لغت به معنای جمع شدن، دور هم گرد آمدن، فراهم آمدن، به هم پیوستن و انجمن شدن است (عمید، ۱۳۸۶، ص ۱۱۸). اجتماع در جامعه‌شناسی، به گروهی اطلاق می‌شود که دارای پیوندهای قوی و بادوامی هستند و نیز گاهی مکان جغرافیایی مشترکی دارند. همچنین، اعضای آن در فعالیت‌های اجتماعی مشارکت منظمی دارند (سایت پژوهه). به بیان دیگر، می‌توان گفت: اجتماع، پیوندهای انسانی افرادی است که با یکدیگر کنش‌های ارتباطی مبتنی بر عواطف و الزام‌های متقابل و نیز همزیستی صمیمانه دارند که از ویژگی‌های آن، زمینه‌های پیوند و اشتراک در امور مهم، احساس تعلق، همبستگی و ارتباط نزدیک آنان با یکدیگر است (طرقی و ابراهیمی، ۱۳۹۷، ص ۳).

تربیت اجتماعی، مرکب از دو واژه تربیت و اجتماع است که در لغت به معنای رشد و نمو دادن ابعاد اجتماعی است و چون در مورد انسان به‌کار می‌رود، مراد از تربیت اجتماعی، شکوفاتر کردن استعدادهای مدنی و جمعی آدمیان است (حاجی‌ده‌آبادی، ۱۳۷۷، ص ۱۱۵؛ به نقل از رضایی، ۱۳۹۳، ص ۲۸). بنابراین مقصود از تربیت اجتماعی، یعنی آشناساختن فرد با روحیات اجتماعی و آموختن راه و رسم زندگی کردن با دیگران و سپس پرورش روحیه تعهد و التزام عملی به انجام وظایف خویش (مرزوقی و اناری‌نژاد، ۱۳۸۶، ص ۵).

تربیت اجتماعی بر شناخت و آگاهی فرد از خویشتن و موقعیت‌ها مبتنی خواهد بود؛

اینکه چگونه انسان می‌تواند فاعل اجتماعی شود و مطابق با معیارهای معین اخلاقی بیندیشد و عمل کند (جان نثاری و واعظی، ۱۳۹۶، ص ۳). از این رو، تربیت اجتماعی یکی از انواع مهم و اساسی تربیت است. بعد تربیت اجتماعی، به لحاظ گستردگی، پیچیدگی و جامعیت، پوشش‌دهنده تمام نهادهای اجتماعی تربیتی مشرف بر امر تعلیم و تربیت افراد است که از یک جهت رشد شخصیت فردی و از جهت دیگر انتقال میراث فرهنگی را دربردارد (ملاسلمانی و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۳).

در منابع مختلف برای تربیت اجتماعی، اهداف گوناگونی برشمرده‌اند که مهم‌ترین آنها عبارتند از:

۱. هویت پیدا کردن فرد در جامعه
۲. دوری از بی‌عدالتی
۳. مصون بودن از آسیب‌های اجتماعی
۴. داشتن رابطه خوب با افراد جامعه
۵. داشتن اعتماد به نفس
۶. قدرت مقابله با مشکلات
۷. مسئولیت‌پذیر بودن
۸. پرهیز از خودخواهی
۹. تصمیم‌گیری و داشتن برخورد منصفانه با مردم
۱۰. داشتن ارتباط مستقیم و غیرمستقیم با جامعه
۱۱. پرورش روحیه آینده‌نگری و عاقبت‌اندیشی
۱۲. پرورش روحیه محبت‌ورزی به دیگران (قدمیاری، ۱۳۹۵، ص ۶)
۱۳. پرهیز از دورویی و سخن‌چینی (عمرانی و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۱۹)
۱۴. تعاون و همفکری در امور و تکافل اجتماعی (مرزوقی و اناری‌نژاد، ۱۳۸۶، ص ۱۰)
۱۵. رد تقاضای نامعقول دیگران



۱۶. طرح درخواست‌های خود و ابراز احساسات مثبت و منفی (موسوی و قربانی، ۱۳۹۵، ص ۱۰۴).

اهمیت تربیت اجتماعی

انسان اجتماعی زندگی می‌کند، پس به تربیت اجتماعی مناسب برای آشنایی با مسئولیت‌ها و وظایف اجتماعی خود نیاز دارد. غالب دانشمندان اسلامی، انسان را فطرتاً اجتماعی دانسته و اجتماعی بودن انسان را به خاطر دلایلی چون جبر اجتماعی و یا حسابداری و یا توافق و... نمی‌دانند (بهشتی و افخمی اردکانی، ۱۳۸۶، صص ۳ و ۶). تربیت اجتماعی کودک، زیرمجموعه تربیت خانوادگی و تربیت اخلاقی است. در تربیت خانوادگی به نهاد خانواده و اعضای خانواده در راستای تحقق خانواده مطلوب می‌پردازد که کودک هم عضوی از آن است (رضایی، ۱۳۹۳، ص ۵۹).

هر پدر و مادری امیدوار است فرزندش در زندگی اجتماعی آینده، فردی موفق باشد. بدون شک حقیقت زندگی، ارتباط با انسان‌های گوناگون است و به‌طور مسلم برخورد و سازش با چهره‌های مختلف، همچون چهره‌های خشمگین، حسود، خودخواه، پرتوقع، حسّاس، زودرنج و کم‌گذشت، کار هر کسی نیست. بنابراین توانایی و سازش در محیط اجتماعی نیازمند خصوصیات روحی و اخلاقی است که باید زیربنای آن توسط پدران و مادران، مربیان و معلمان مدارس پی‌ریزی گردد (بیدی و رنجبرزاده، ۱۳۹۲، ص ۶۴). والدین باید فرزندان خود را از کودکی تا نوجوانی به‌گونه‌ای تربیت کنند که فرزندان علاوه بر حس خوب و مثبتی که نسبت به خودشان پیدا می‌کنند، به کمال رشد نیز برسند (ملکی، ۱۳۹۵، ص ۲۱).

تربیت بعد اجتماعی شخصیت، در عین حال که وابسته به تربیت سایر ابعاد شخصیت است، لیکن خود نیز به تنهایی باید مد نظر قرار گیرد. اگر این جنبه از شخصیت کودک تحت تربیت قرار نگیرد، ممکن است او را دچار افراط و تفریط کند. انسان گوشه‌گیر و منزوی و



یا انسان ناپخته در رفتار اجتماعی، به اندازه انسانی که در وابستگی به دیگران افراط می‌کند، از لحاظ رفتار اجتماعی دچار نارسایی است. ازاین‌رو، باید کودک و نوجوان را برای حفظ تعادل در رفتار اجتماعی تحت تربیت قرار داد (احمدی، ۱۳۷۹، ص ۲).

انسان بدون ارتباطات مؤثر اجتماعی و تعامل بین فردی، نمی‌تواند به رشد مطلوب و شکوفایی شخصیت خود برسد و برای بهزیستی و همزیستی مسالمت‌آمیز ناگزیر به همکاری با دیگران، مشارکت در عرصه‌های مختلف اجتماعی، پذیرش مسئولیت و داشتن سهمی برای سازندگی جامعه خویش است. زیرا نیازها و خواسته‌های گوناگون او را وادار می‌کند که با مساعدت و یاری دیگران، موانع و مشکلات را از پیش پای خود بردارد و اطمینان و آرامش خود را حفظ و به‌سوی کمال مطلوب حرکت کند (عابدینی، ۱۳۸۳، صص ۱۷ و ۱۸؛ به نقل از سبحانی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۲).

نقش اختصاصی پدر در تربیت اجتماعی فرزندان

حضور پدر در خانواده، بر پیشرفت تحصیلی و رشد شناختی کودک، تحول نقش جنسی، تحول اخلاقی یا وجدان و فقدان آسیب‌های روانی تأثیر مثبت دارد و غیبت و عدم حضور او، با اختلال در هر یک از این ابعاد همراه است. تشویق پدر و صحت گذاردن بر عملکردهای جسورانه و شجاعانه کودک، باعث می‌شود که او بدون احساس گناه بی‌مورد رشد کند. همانگونه که کودک رشد می‌کند و به حس او افزوده می‌شود، نفوذ پدر نیز افزایش یافته و مهم‌تر می‌شود. پدر بیش از هر کس دیگری می‌تواند کمبود محبت مادر را جبران کند و از وابستگی بیش از حد و افراطی کودک به مادر جلوگیری کرده و برای کودک الگوی رفتاری مردانه باشد. نقش پدر در شکل‌گیری شخصیت کودک همچون پل رابطی است که دنیای وسیع بیرون را به دنیای درونی کودک متصل می‌سازد. این اتصال در شکل‌گیری نقش‌های اجتماعی کودک در آینده بسیار مؤثر است (مهرجو، ۱۳۸۹، ص ۱).

پدر در حالی که موقعیت و اقتدار خویش را در خانواده حفظ می‌کند، باید به‌گونه‌ای عمل



کند که کودک تصویری مثبت و مهربان و دلسوز از وی داشته باشد. پدر لازم است برای حفظ شأن و موقعیت خویش در ارتباط با فرزند خویش و همینطور وظیفه پدری خود، به گونه‌ای عمل کند که رفتار و روابطش با کودک بر اساس احترام متقابل، پذیرش یکدیگر و حفظ شأن و حرمت استقرار یابد (بیدی و رنجبرزاده، ۱۳۹۲، ص ۱۰۱).

نقش اختصاصی مادر در تربیت اجتماعی فرزندان

در میان اعضای خانواده، بیشترین سهم تأثیرگذاری وراثتی و تربیتی، از آن مادر است. او نقش بیشتری در بهداشت، سلامت روان، رشد و تربیت کودک دارد؛ چراکه نخستین رابطه مستقیم کودک با مادر است. همچنین نیازهای کودک را تأمین می‌کند، به خواسته‌های او پاسخ می‌دهد و کودک از عواطف، احساسات و نگرش‌های مادر، بیشترین تأثیرپذیری را دارد. بنابراین وظیفه مادر در برابر کودک، بیش‌تر و سنگین‌تر از دیگران است (هوشیاری و صفورایی پاریزی، ۱۳۹۳، ص ۲).

مادر در خانواده وظایف و تکالیفی دارد که فقط او شایسته انجام آن وظایف است. در صورت نبود مادر در خانه، این وظایف و تکالیف ناقص مانده و موجب بحران در کانون خانواده می‌شود. دامن مادر نخستین مدرسه و اولین پایگاه تربیتی است. در این مدرسه، کودک علم، اخلاق و دین می‌آموزد و مهم‌تر اینکه آنچه کودک در این مدرسه می‌آموزد، برای همیشه نزدش می‌ماند. طفلی که پای به عرصه این جهان می‌گذارد، آگاهی و نیرویی ندارد و کاملاً متکی به مادر است. بر این اساس، تا مادر خود را از عوامل فساد و اخلاق نادرست دور نکند، نمی‌تواند به زندگی خوب فرزندش امیدوار باشد. تأثیر اخلاقی مادر به گونه‌ای است که حتی می‌توان ادعا کرد که راه و رسم زندگی بعدی کودک، ادامه همان روش زندگی کنونی مادر است و چون اندیشه‌های مادر در کودک اثر می‌گذارد، باید بینش‌های خود را تعالی بخشد (برجی نژاد، ۱۳۸۹، صص ۹-۱۵).



۱- مهم ترین اصول تربیت اجتماعی کودک و نوجوان

۱-۱ اصل تکریم شخصیت

کودکی که با ارزش قلمداد می شود و شخصیت او محترم شمرده می شود، به احساس خودارزشمندی دست می یابد و کسی که برای خود ارزش قائل باشد، خود را به زشتی ها آلوده نمی سازد؛ چراکه «من کرمتم علیه نفسه لم یهنها بالمعصية» (محدث نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۱، ص ۳۳۹)؛ کسی که برای خود ارزش قائل است، خود را به واسطه گناه خوار نمی سازد. یکی از مهمترین نکات تربیتی که در تکریم شخصیت کودک باید مورد توجه قرار گیرد، جدی گرفتن احساسات کودک در هفت سال نخست زندگی است (مهری نژاد و اصغری نژاد بلوچی، ۱۳۹۴، ص ۳۳).

تکریم شخصیت کودک، باعث خودباوری و اعتماد به نفس در کودک شده و ارتباطات اجتماعی او را تقویت می کند. در مورد نوجوانان نیز به همین صورت است. به طور قطع، نوجوان دوست دارد با او همانند بزرگسالان رفتار شده و شخصیت او مورد توجه و تکریم دیگران باشد.

۱-۲ اصل وفای به عهد

وفای به عهد که از نشانه های ایمان است و تخلف از وعده برای مؤمن نارواست، نسبت به کودک هم سفارش شده تا این اصل اجتماعی علاوه بر مراعات آن در جامعه، در خانواده هم مراعات گردد. یعنی سفارش شده اگر به فرزند وعده دادید، حتماً وفا کنید و اگر توان وفا ندارید، از همان آغاز وعده ندهید (پاک نهاد، ۱۳۹۵، ص ۸۵).

برای داشتن یک خانواده و در نهایت یک جامعه متعهد، باید کودکانی متعهد و وفادار تربیت کرد؛ زیرا کسی که به عهد و پیمان خود وفادار نباشد، انسانی سست اراده و ضعیف است که نمی توان به او اعتماد کرد. پس مهمترین کار برای تربیت کودکانی با شخصیت سالم و با اراده، این است که والدین به قولی که به فرزند می دهند، وفادار باشند و فرزندشان نیز با الگوبرداری از پدر و مادر، پایبند بودن به عهد را بیاموزد.

۱-۳ اصل مسئولیت دادن

برای اینکه مسئولیت‌پذیری در کودکان شکل بگیرد، باید به آنها اجازه داد که تلاش کردن و خطا کردن را تجربه کنند. شکستی که فرصتی برای کسب اطلاعات جدید و کوششی دوباره بدون تحقیق و طرد شدن برای کودک فراهم کند، منجر به مسئولیت‌پذیری در کودک می‌شود. والدین از طریق قبول توانمندی و صلاحیت کودک و قبول این نکته که هر کاری عواقبی دارد و کودک باید با آنها روبه‌رو شود، می‌توانند به کودک خود کمک کنند که مسئولیت‌پذیری را در خود پرورش دهد (قمی و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۲۵).

۱-۴ اصل عزّت

خداوند خود را «رَبّ العزّه» دانسته است و این وصف، نشانگر آن است که خداوند مالک و صاحب عزّت و تدبیر بوده و عزّت‌پرور است. طبق این بیان، هر کس راه بندگی را ببیماید، به عزّت حقیقی می‌رسد؛ یعنی خداوند تعالی، او را بزرگ، ارجمند و شکست‌ناپذیر می‌سازد. بنابراین، در بحث تربیت اجتماعی باید مرتبی را به گونه‌ای تربیت کرد که در سایه تقوای الهی، عزّت‌جو و حافظ عزت خود و دیگران باشد. اصل عزّت انسان را از وسوسه‌ها حفظ و از تباهی‌ها دور می‌کند؛ چراکه انسان به عزّت‌رسیده زیر بار هیچ عامل خفیف‌کننده صلابت و ارزش انسانی نمی‌رود و تنها مطیع امر الهی است. اولیای تربیتی باید در جهت ایجاد احساس عزّت و رعایت عزّت واقعی مرتبی تلاش کنند؛ چراکه گاه انسان بدون داشتن عزّت واقعی، تنها احساس عزّت‌مندی می‌کند و این احساس پوچ و تو خالی فایده‌ای به حال وی ندارد. عزّت، صفتی واقعی و وجودیست و هر گاه معیار آن، یعنی تقوا، موجود باشد، عزّت نیز موجود است، اما احساس عزّت لزوماً چنین نیست و گاه ممکن است وهمی و پنداری باشد. (بهشتی و افخمی اردکانی، ۱۳۸۶، ص ۱۳).

۱-۵ اصل عزت نفس

اهمیت افزایش عزت نفس در این است که باعث شکل‌گیری خلاقیت، پیشرفت و رشد

استعدادهای فردی می‌گردد و رفتارهای اجتماعی و ارتباطی فرد را تحت تأثیر قرار می‌دهد و در غلبه بر مشکلات کودکان را یاری می‌دهد. برخورد ملایم و منطقی با کودک، پرهیز از مقایسه، عدم تحمیل عقیده، ابراز محبت، عجز نشان ندادن والدین در برابر مشکلات، اجازه ابراز وجود دادن به کودک در خانه، پذیرنده بودن در مقابل طرد شدن و ... از جمله راهکارهای تقویت عزت نفس محسوب می‌گردند. در مورد نوجوان نیز به این صورت است که نوجوانی که عزت نفسش حفظ شده در رویارویی با مسائل و مشکلات از استواری و مقاومت بالایی برخوردار است و آسیب‌پذیری او کمتر است. لازمه خلاقیت، پویایی، پیشرفت و حرکت، ارضای عزت نفس نوجوان است. والدینی که به فرزند نوجوان خود روحیه و امید می‌دهند، توانایی‌های او را تحسین و تمجید می‌کنند، این نیاز را به خوبی در او ارضا می‌کنند و موجب می‌شوند که اعتماد به نفس فرزند آنها تأمین شود و فرزند یا فرزندانشان با اطمینان مسیر پرنشیب و فراز زندگی را طی کنند و با روحیه‌ای مقاوم با مسائل و مشکلات و مسئولیت‌ها مواجه شوند (ملکی، ۱۳۹۵، ص ۵۳).

اگر عزت نفس نوجوان حفظ نشود، زمینه برای انجام بسیاری از ناهنجاری‌ها فراهم می‌شود، چراکه ریشه بسیاری از ناکامی‌ها، ناهنجاری‌ها، جنایت‌ها و ... به عدم عزت نفس و در نتیجه به تربیت نادرست خانواده برمی‌گردد. در این زمینه باید به حدیثی از امام هادی (علیه السلام) توجه شود که می‌فرمایند: «من هانت علیه نفسه فلا تأمن شره» (ابن شعبه حرانی، ۱۳۸۳، ص ۴۸۳)؛ کسی که نفس او در نزدش خوار باشد، از شر او در امان مباش. با توجه به کلام امام (علیه السلام) نمی‌توان در جامعه به چنین کسی اعتماد کرد؛ زیرا برای خود هیچ ارزشی قائل نیست.

۱-۶ اصل تقویت نظم و انضباط

نظم و انضباط عاملی سازمان‌بخش به نیروهای ذهنی، روانی و جسمانی کودکان و نوجوانان محسوب می‌گردد. براساس رعایت نظم و انضباط، فرزندان در انجام کلیه وظایف، دقت نظر و مهارت کسب می‌نمایند. بر این مبناست که کودکان باید بدانند چرا و با چه نیتی از دستورات



و گفته‌های دیگران باید اطاعت کنند و از سوی دیگر در هر لحظه از زندگی خویش باید آمادگی پذیرش نظم و انضباط را داشته باشند.

برای تقویت نظم در فرزندان والدین باید ابتدا مقررات ساده و قابل اجرایی با هماهنگی خود آنها وضع کرد، سپس بر اجرای آن تأکید نمود. برای مثال، برای وسایل و اشیای فرزندان جایی اختصاص دهند و به آنها یاد دهند که هر از چند گاهی وسایل خود را لیست‌برداری و کنترل نمایند و به آنها آموزش دهند که زمان در اختیار را متناسب با کارها و فعالیت‌هایی که باید انجام دهند، تقسیم نمایند و اولویت‌بندی در انجام کارها در دستور کارشان باشد (ملکی، ۱۳۹۵، صص ۶۷ و ۶۸).

وقتی نظم و انضباط در فرزند نهادینه شود، در رفتار اجتماعی او نیز بروز می‌کند. رعایت نظم در جامعه، باعث امانت‌داری، صرفه‌جویی، وجدان کاری، قانون‌مندی، مسئولیت‌پذیری و... می‌شود. از این رو، باید فرزند به گونه‌ای تربیت شود که به نظم و انضباط اهمیت ویژه‌ای دهد.

۲- مهم‌ترین روش‌های تربیت اجتماعی کودک و نوجوان

۲-۱ الگوپذیری

از خلیقات کودک، روحیه تقلید است. یعنی کودک تا چیزی را می‌پسندد، دوست دارد از آن تقلید کند و آن را الگوی کار خویش قرار دهد. روحیه الگوپذیری او قوی و فعال است و هر چه را ببیند - خواه بد و خواه خوب - آن را سرمشق و ایده‌آل خود قرار می‌دهد، و به‌سوی آن تمایل پیدا می‌کند. بنابراین مربی (والدین) باید این مطلب را بداند و در ارائه الگوی مناسب زندگی، او را یاری دهد و از الگوهای نامناسب او را برحذر دارد (پاک‌نهاد، ۱۳۹۵، ص ۴۲). روش الگویی روش مطلوب فطرت آدمی در تربیت است و از مؤثرترین روش‌ها شمرده می‌شود (رمضانی و حیدری، ۱۳۹۱، ص ۴).

۲-۲ تشویق و تنبیه

روش تشویق و تنبیه، به کارگرفتن آدابی است برای تحقق این معنا در آدمی. یعنی آدابی



برای برانگیختگی و بازدارندگی و شکوفاشدن استعداد های انسان در جهت کمال مطلق (رمضانی و حیدری، ۱۳۹۱، ص ۱۰). ابزار تشویق و تنبیه که دو عامل اصلاح و ارتقای انسان است، برای تربیت کودکان هم بسیار مؤثر است. تشویق می تواند برای رشد و ارتقا، و تنبیه برای اصلاح و بازداشت از خلاف، نقش آفرین باشد؛ منتها نباید در تشویق - و به ویژه در تنبیه - افراط نمود. تنبیه افراطی مخرب است (پاک نهاد، ۱۳۹۵، ص ۸۷).

۲-۳ مشارکت در امور خانواده

از جمله عملکرد های فرزندان که هم به رشد خود آنها کمک می نماید و هم بر بزرگسالان بی تأثیر نیست، مشارکت آنها در امور زندگی خانوادگی، تحصیلی و اجتماعی است و بر خانواده است که به تکلیف خویش در این خصوص بپردازد؛ چراکه ترویج مشارکت معنادار برای رشد و پرورش فرزندان نقش اساسی دارد. کودکی که از همان آغاز، تشویق به درگیری فعال با محیط شده است، کودکی خواهد بود برخوردار از استعدادهایی که در طول دوران خردسالی شکوفا می شوند. کودکی که به فرصت های آموزشی پاسخ فعال می دهد، اعتماد، قاطعیت و شایستگی را کسب می کند. مشارکت دادن فرزندان در امور، موجب خواهد شد که آنها نیز به عنوان یک شهروند به نظرات و اعتقادات خود و همچنین به نظرات و اعتقادات دیگران ارزش قائل شوند، آگاهی آنها از مدرسه، محل و اجتماع افزایش پیدا کند و مسئولیت پذیر گردند (ملکی، ۱۳۹۵، ص ۴۹).

۲-۴ توجه به تفاوت های فردی

با توجه به اصل تفاوت های فردی و اینکه هیچ دو نفری را نمی توان یافت که از لحاظ هوش، استعداد، چهره، جسم، روح و... یکی باشند. پس صحیح نیست از دو نفر انتظار و توقع یکسانی داشت؛ زیرا بدیهی است که در زمان تولد خیلی از عوامل شخصیتی افراد - حتی دوقلوها - با هم متفاوت است. پس اگر پدر و مادر بخواهند طبق نظر خود، با مقایسه کردن، رگ غیرت فرزندان را بیدار کنند، کار نادرستی انجام داده اند؛ زیرا با مقایسه کردن حداقل دو



آسیب به فرزندشان می‌رسانند؛ ۱- برانگیختن حسادت ۲- احساس حقارت و ناتوانی (پیغمبری، ۱۳۹۱، ص ۴۶).

۵-۲ فراگیری آداب اجتماعی

انسان به گونه‌ای آفریده شده است که باید از طریق تعلیم، بسیاری از چیزها را بیاموزد و به کار ببندد. در واقع والدین و مربیان نمی‌توانند از کودکان انتظار انجام کارهایی را داشته باشند که هیچ تعلیم و آموزشی درباره آنها ندیده‌اند. در تربیت اجتماعی نیز روش تعلیم، یکی از روش‌های اصلی محسوب می‌شود؛ زیرا کودکان برای تمام مسائل - از نوع حرف زدن و آداب اجتماعی گرفته تا شیوه دوست‌یابی و داشتن ارتباطات درست اجتماعی - باید آموزش ببینند تا برای حضور در اجتماع آماده شوند. آداب اجتماعی ابعاد گسترده‌ای دارد و هیچیک از دید وسیع آیین جهانی اسلام پوشیده نمانده است. اسلام درباره خوردن و آشامیدن، سلام کردن، اجازه گرفتن، در مجلس نشستن، گفتگو کردن، مزاح و شوخی، تبریک و تهنیت، عیادت بیمار، تسلیت، دعا برای عطسه، و... برنامه دارد و هیچ کدام را از نظر نینداخته است (رضایی، ۱۳۹۳، ص ۲۷۱).

۶-۲ مشورت کردن

درصد عظیمی از مشکلات به وجود آمده، به وسیله مشورت با دیگران قابل حل است. فرزندان درباره مسائل و مشکلاتی که با آنها درگیرند، نمی‌توانند از هر لحاظ خوب، بی نقص و کامل عمل نمایند. از این رو، به نظر می‌رسد در یک تربیت مطلوب، دخالت دادن و حمایت کردن کودکان جهت حل مسائل ضرورت دارد. بسیاری از مشکلات خانواده‌هایی که فرزند نوجوان دارند، نتیجه عدم مشورت با آنهاست. برخی از پدران و مادران در تصمیم‌گیری‌های خانوادگی یا در امور مربوط به تحصیل، شغل و ازدواج فرزندانشان با وی مشورت نمی‌کنند و به قول معروف او را به حساب نمی‌آورند. درحالی‌که مشارکت دادن نوجوان در این امور، موجب می‌شود احساس مسئولیت و توانایی تصمیم‌گیری در او ایجاد گردد (ملکی، ۱۳۹۵، صص ۶۹ و ۷۰).



۷-۲ پرهیز از مقایسه کردن

یکی از شکننده‌ترین اعمال تربیتی فرزندان، به‌ویژه، مقایسه بین آنهاست. برخی از والدین فرزندان خود را با یکدیگر مقایسه می‌کنند، برخی با فرزندان اقوام مقایسه می‌کنند، برخی با فرزندان دوستان و آشنایان و همسایگان مقایسه می‌کنند و با این عمل، بهداشت روان فرزند خویش را تهدید می‌کنند و احساس حقارت را در او به وجود می‌آورند و در نهایت عزت نفس او را نشانه می‌روند. بنابراین به والدین توصیه می‌شود تحت هیچ شرایطی فرزندان خود را با دیگران مقایسه نکنند. مقایسه کردن فقط در یک مورد مجاز است و آن، اینکه فرزند با خودش مقایسه شود (همان، ۹).

۸-۲ تربیت و هدایت شغلی

مسأله اشتغال در تربیت اجتماعی بسیار مهم است. یک برنامه راهنمایی شغلی و تحصیلی مناسب در این دوره لازم است تا با شناخت توانایی‌ها و علایق نوجوانان و جوانان آنها را به مسیرهای ویژه هدایت کند. این امر در سازگاری اجتماعی افراد در آینده، فوق‌العاده حائز اهمیت است. میل به استقلال از وابستگی اقتصادی که یکی از نیازهای دوره بلوغ است، ایجاب می‌کند که نوجوان یا جوان هر چه زودتر به تناسب توانایی خود، وابستگی اقتصادی خود را از بزرگ‌ترها کم کند که این امر در رشد خودپنداره مثبت و تکامل شخصیت روحیه اجتماعی او مؤثر است (نخعی، ۱۳۷۴، ص ۷).

۹-۲ نماز جماعت

برگزاری نماز جماعت به فراخوانی افراد منجر می‌شود که طی آن، یک عبادت دسته‌جمعی شکل می‌گیرد و افراد، ضمن رسیدن به فیض معنوی، همگی دارای یک قبله واحد اند. علامه طباطبائی رحمته‌الله فرمودند: (در نماز جماعت) انسان‌ها از وحدت فکری و اتحاد و همبستگی نیز بهره‌مند می‌شود و به تقویت روحیه اتحاد و یکپارچگی و دوری از عزلت می‌پردازند و به بررسی مشکلات سیاسی و فرهنگی نیز در خلال آن می‌پردازند و حس مهربانی و عطوفت اجتماعی را زنده می‌کنند (اکبرزاده و همکاران، ۱۳۹۷، ص ۱۲).



نماز جماعت یک عمل عبادی، سیاسی، اجتماعی است که امام جماعت مردم را با مسائل روز آشنا می‌کند. مردم با شرکت در نماز جماعت نظم و انضباط یاد می‌گیرند. همچنین افراد نمازگزار با هم آشنا شده، با یکدیگر همدردی می‌کنند، به حل مشکلات هم می‌پردازند یا برای مشکلات یکدیگر راه حل پیدا می‌کنند.

بہتر است والدین از همان دوران کودکی فرزند را به شرکت در نماز جماعت ترغیب کنند. مثلاً در نماز جماعت شرکت کنند و کودکان را نیز با خود به همراه ببرند، با او در صف اول نماز بایستند، به او بگویند با شرکت در نماز، دوستان زیادی پیدا خواهد کرد. در صورت شرکت در نماز جماعت برای او هدیه‌ای تهیه کنند، برای او دفتر نقاشی یا خوراکی به همراه بیاورند و... اگر فرزند از کودکی به شرکت در نماز ترغیب شود، در نوجوانی نیز در نماز جماعت شرکت خواهد کرد و به انجام کارهای فرهنگی و اجتماعی و سیاسی تمایل خواهد داشت (به عنوان مثال: عضویت در بسیج، شرکت در برنامه‌های آموزشی، تفریحی و هنری، عضویت در کتابخانه، برگزاری نمایشگاه‌ها و...)

۳- مهم‌ترین مهارت‌های تربیت اجتماعی کودک و نوجوان

۳-۱ مهارت توجه کردن

توجه کردن، یک مهارت مهم و کلیدی در تربیت کودک است و لازم است والدین روش صحیح توجه کردن به کودک را یاد بگیرند. اگر بتوان این مهارت را به خوبی در مورد کودکان به کار گرفت، اعتماد به نفس و احساس کفایت در آنها افزایش می‌یابد.

منظور از توجه کردن در اینجا یعنی توصیف رفتارهای مناسب کودک و در بعضی مواقع تقلید یا تکرار آنچه کودک انجام می‌دهد. با توجه کردن مناسب، پدر و مادر موافقت خود را با رفتار مثبتی که کودکان انجام داده است، نشان می‌دهند و کودک متوجه می‌شود که والدینش رفتار او را تأیید کرده و قبول دارند. توجه مناسب و بجا به رفتارهای مثبت و مطلوب کودک، باعث افزایش رفتارهای مثبت او می‌شود. توجه کردن، اگر به درستی انجام گیرد، باعث ایجاد یک رابطه مثبت بین والدین و کودکان می‌شود (سعدی، ۱۳۹۶، ص ۹).



۲-۳ مهارت دوست‌یابی

کودک یک موجود اجتماعی است که احتیاج به انس و الفت دارد و نیازمند همبازی است. یکی از نیازهای طبیعی کودک، مجالست و انس به معاشران است. پدر و مادر هرگز نمی‌توانند نقش همبازی که کودک به آن نیاز دارد را عهده‌دار شوند؛ گرچه خود را فوق‌العاده و صمیمی نشان دهند. تأثیری که دوست بر انسان می‌گذارد قابل مقایسه با راهنمایی و اندرز پدران و مادران نیست؛ زیرا کودکان در برابر گفته‌های بزرگترها مقاومت می‌کنند، ولی در برابر دوستان و معاشران، ناخودآگاه از رفتار و کردار آنان اقتباس می‌نمایند. رسول خدا ﷺ درباره تأثیرگذاری دوست می‌فرماید: «المرء علی دین خلیله و قرینه» (کلینی، ۱۴۳۰، ج ۲، ص ۳۷۵)؛ انسان تحت تأثیر دوست خود قرار می‌گیرد و آیین و کیش خود را از دوست اقتباس می‌نماید.

پدر و مادر باید با همه وجود تلاش کنند معاشران خوبی برای فرزندان خود انتخاب کنند. با انجام این کار، دو فایده هم نصیب آنان خواهد شد؛ در درجه نخست فرزندشان ناخودآگاه کمالات معاشر خوب را اقتباس کرده، به نیکی گرایش پیدا خواهد کرد، در درجه دوم از معاشرت با افراد فاسد و آلوده برکنار مانده، از آفت‌های زشت آنان مصون خواهد ماند (بیدی و رنجبرزاده، ۱۳۹۲، ص ۱۱۲).

۳-۳ مهارت رابطه با اطرافیان

به حقیقت باید اعتراف کرد که افراد محیط زندگی کودک، در زندگی او نقش مثبت یا منفی فراوانی دارند و این نقش تا بدان درجه مهم است که می‌توان گفت اگر محیطی که طفل در آن زندگی می‌کند، خوب و نیکو باشد، فرزند نیکو پرورش خواهد یافت. در غیر این صورت، پرورش صحیح فرزند دچار تردید خواهد بود. توافق اصول تربیت بستگان و مرتبطان کودک با اصول تربیتی خانواده، از عوامل مؤثر در سازندگی و یا ویرانی بنای زندگی کودک است بنابراین نمی‌توان آن را نادیده گرفت؛ به‌ویژه اینکه در برخی موارد، طفل بیش از آنکه تحت تأثیر والدین باشد، از همبازی‌ها، معلم، مدیر و سایر افراد تأثیر می‌گیرد و تماس آنها با افراد



بزرگتر از خود، حتی گاهی ممکن است موجب لکه‌دار شدن شرف خانوادگی کودک گردد (همان، ۱۱۹).

۳-۴ مهارت حل مسأله و تصمیم‌گیری

بدیهی است توانمندی نوجوانان در استقلال نظر و اندیشیدن مستقلانه، سبب تصمیم‌گیری مناسب در شرایط بحرانی برای آنان خواهد بود. همه انسان‌ها در زندگی فردی و اجتماعی خود با مسائل و مشکلات متعددی مواجه می‌شوند. اگر مسائل مهم زندگی حل‌نشده باقی بماند، استرس، ترس و نگرانی ایجاد می‌کند که در نهایت به فشارهای جسمانی منجر می‌شود. تحقیقات نشان می‌دهد که ناتوانی در مهارت حل مسأله و تصمیم‌گیری با مشکلات و مسائل مهم بهداشتی و اجتماعی مرتبط است (علیزاده، ۱۳۹۵، صص ۹۱ و ۹۲).

۳-۵ مهارت «نه گفتن»

نقش خانواده و مدارس و به‌طور کلی مکان‌های آموزشی در این باره بسیار مهم است. از این‌رو، یادگیری «هنر نه گفتن» فرصتی است برای اینکه نوجوان رشد کند و آگاهی لازم را کسب کند. زیرا بدون اینکه یادبگیرد به دیگران و شرایطی که در آن قرار دارد نه بگوید، هرگز نمی‌تواند به خود و خواسته‌هایش بله بگوید. انجام این کار در زندگی، نه تنها سبب صرفه‌جویی در وقت او می‌شود، بلکه می‌تواند زندگی او را از بروز بسیاری از مشکلات نجات دهد (راهی رهبر، ۱۳۹۵، صص ۷۸ و ۸۰).

۳-۶ مهارت غنی‌سازی اوقات فراغت

یکی از دغدغه‌های پدران، مادران و مربیان، نحوه برنامه‌ریزی و پرکردن اوقات فراغت است. در اوقات فراغت می‌توان با کشف استعدادهای افراد، آموزش‌های لازم را به آنان ارائه داد و به‌طور غیرمستقیم در آنها، مهارت‌های زندگی را ایجاد کرد. بنابراین برنامه‌ریزی برای اوقات فراغت و استفاده صحیح از آن در افراد اهمیت بسزایی دارد. شرط استفاده صحیح از اوقات



فراغت، آموزش است. اوقات فراغت علاوه بر تأثیرات فردی که در شخصیت فرد دارد، به رشد اجتماعی او نیز کمک می‌کند (علیزاده، ۱۳۹۵، صص ۹۵ و ۹۷).

۷-۳ آمادگی برای تشکیل خانواده

امر ازدواج نیز در مراحل نهایی تربیت اجتماعی بسیار حائز اهمیت است؛ از آن جهت که اولاً باعث سلامت و سعادت خود جوان می‌شود و زودتر با مشکلات ناشی از رشد سریع جسمی و جنسی و به تبع آن با مشکلات روحی خود کنار آمده و عوارض زیادی متوجه او نمی‌گردد، ثانیاً در جامعه ما که یک جامعه اسلامی است، عفت اجتماعی که لازمه بقای جامعه است، کمتر مورد تهدید قرار می‌گیرد (نخعی، ۱۳۷۴، ص ۷).

نتیجه‌گیری

در مقاله حاضر، نقش اختصاصی پدر و مادر در تربیت اجتماعی فرزندان بررسی، و راهکارهایی بیان شد. مواردی که هر پدر و مادری باید به آن توجه کنند، در سه بخش اصول، روش‌ها و مهارت‌ها ذکر شد.

مهم‌ترین اصول بیان شده عبارتند از: «اصل تکریم شخصیت» که در بین اصول تربیت اجتماعی، مهم‌ترین اصل است و باعث می‌شود فرزند احساس ارزشمندی کند. «اصل وفای به عهد» که با رعایت آن توسط والدین، فرزند متعهد به خانواده و جامعه بارمی‌آید. «اصل مسئولیت دادن» که به فرزند فرصت تجربه کردن می‌دهد و توانمندی‌های او را نمایان می‌کند. «اصل عزت» که به معنای ذلت نپذیرفتن فرزند در مقابل دیگران است. «اصل عزت نفس» که باعث خودباوری و استفاده از توانمندی‌ها می‌شود. «اصل تقویت نظم و انضباط» که منجر به تربیت فرزندی مسئولیت‌پذیر، قانونمند و امانت‌دار خواهد شد.

در بخش بعدی، مهم‌ترین روش‌ها بیان شد که عبارتند از: روش «الگو پذیری» که به معنای تقلید و الگوبرداری فرزند از والدین و دیگران است. روش «تشویق و تنبیه» که



والدین به وسیله آن درست و غلط کاری را به فرزند نشان می‌دهند و برای اعمالی که انجام داده، پاداش یا مجازات تعیین می‌کنند. تشویق و تنبیه باید در حد تعادل باشد و در آن افراط یا تفریط نشود. تشویق بیش از حد، کارکردش را از دست می‌دهد و باعث می‌شود فرزند همانند قبل تلاش نکند. تنبیه بیش از حد نیز باعث سرکوب شدن و یأس و ناامیدی او می‌گردد. روش «مشارکت در امور خانواده» باعث شکوفاشدن توانایی‌ها می‌شود. روش «توجه به تفاوت‌های فردی» باعث توجه کردن به خلیقات و روحیات و استعدادهاى فرزند می‌شود. «فراگیری آداب اجتماعی» که فرزند نحوه برخورد با افراد و گروه‌های مختلف را یاد می‌گیرد. «مشورت کردن» باعث توانایی در تصمیم‌گیری و احساس مسئولیت می‌شود. «پرهیز از مقایسه کردن» که به روح و روان فرزند آسیب می‌رساند، اعتماد به نفسش را از بین می‌برد و احساس حقارت را در او به وجود می‌آورد. «تربیت و هدایت شغلی» که والدین باید با توجه به نقاط ضعف و قوت فرزندشان، او را به شغل متناسب با روحیات و توانایی‌هایش هدایت کنند. «نماز جماعت» که نوجوان را با افراد جامعه آشنا می‌کند، از مشکلات مردم و موجود در جامعه آگاه می‌کند و او را به فعالیت‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی سوق می‌دهد.

در بخش آخر مقاله نیز به مهم‌ترین مهارت‌های تربیت اجتماعی کودک و نوجوان پرداخته شده که عبارتند از: «مهارت توجه کردن» که با توجه بجا و مناسب والدین به فرزند، رفتارهای مثبت او تقویت شده و اعتماد به نفس او بیشتر می‌شود. «مهارت دوست‌یابی» که یک نوع هنر است. این هنر قابل یادگیری است و وظیفه والدین است که معیارهای انتخاب دوست خوب را به فرزندشان گوشزد کرده و او را در انتخاب دوستی شایسته یاری رسانند. «مهارت رابطه با اطرافیان»: موفقیت فرزند تا حد زیادی به نحوه تعامل با دیگران ارتباط دارد. زیرا اگر افرادی که با آنها تعامل می‌کند، افراد شایسته‌ای باشند، تأثیر مثبتی بر وی خواهند گذاشت و بالعکس. «مهارت حل مسئله و تصمیم‌گیری»: اگر این مهارت به خوبی به فرزند آموخته شود، می‌تواند مسائل و مشکلات را اصولی و صحیح حل و فصل نماید.

این مهارت، اعتماد به نفس او را بالا می‌برد و به او کمک می‌کند تا تصمیمات صحیح بگیرد. «مهارت نه گفتن»: کودک یا نوجوان باید یاد بگیرد خود را تسلیم هرگونه خواسته آزاردهنده‌ای نکند. دستیابی به این مهارت، اعتماد به نفس او را تقویت کرده و به او کمک می‌کند تا در معرض انواع سوء استفاده‌ها قرار نگیرد. «مهارت غنی‌سازی اوقات فراغت» که به فرزند کمک می‌کند تا از زمانی که در اختیار دارد، به‌خوبی استفاده کند. این مهارت باعث رشد همه‌جانبه شخصیت او می‌شود. «مهارت آمادگی برای تشکیل خانواده» که نوجوان باید به مرحله‌ای برسد که آمادگی برای ازدواج داشته باشد و بداند چه وظیفه‌ای در مقابل همسر و فرزندانش خواهد داشت.

با توجه به مطالب بیان شده در بخش‌های قبل، می‌توان گفت روند اجتماعی‌شدن در دوران کودکی سریع‌تر اتفاق می‌افتد؛ چون کودک از اوان کودکی در حال یادگیری است. تربیت یک انسان، تربیت یک جامعه است؛ ازاین‌رو، وظیفه بزرگ و خطیری بر دوش والدین قرار گرفته که مسئولیت آنان را برای تربیت فرزند بیش‌تر می‌کند. در این راستا لازم است پدر و مادر هماهنگ با هم عمل کنند تا کودک یا نوجوان دچار دوگانگی نشود. فرزند باید متوجه شود که زندگی فقط آسایش و آرامش نیست و در هر زمانی، همه چیز برای او فراهم نیست. پس باید با سختی‌ها و ناملازمات کنار آمده و خود در پی تلاش و کوشش باشد؛ نه اینکه با کوچک‌ترین سختی به فساد و تباهی کشیده شود. با تربیت درست، فرزند قادر خواهد بود در دوران نوجوانی و جوانی، جایگاهش را در جامعه پیدا کند و متکی به دیگران نباشد. والدین باید در تربیت فرزند خود صبر و حوصله فراوان به خرج دهند تا نتیجه مطلوبی به دست آورند. پس بهترین کار این است که برای جلوگیری از گرایش فرزندان به آسیب‌های اجتماعی و اخلاقی، بیشترین زمان ممکن برای تربیت آنان صرف شود.

منابع و مأخذ

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- آشتیانی، محمدرضا و امامی، محمدجعفر، *نهج البلاغه*، قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب، چاپ دوازدهم، ۱۳۷۹ش.
- ۳- ابن ابی الحدید، عزالدین عبدالحمید بن هبة الله، *شرح نهج البلاغه*، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ق.
- ۴- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، *تحف العقول عن آل الرسول*، ترجمه اقتباس از ترجمه پرویز اتابکی، قم: مؤسسه علمی فرهنگی دارالحديث، ۱۳۸۳ش.
- ۵- احمدی، علی اصغر، *تربیت اجتماعی فرزندان*، مجله پیوند، شماره ۲۴۷، ۱۳۷۹ش.
- ۶- اکبرزاده، مهسا و همکاران، *تربیت اجتماعی فرزندان*، ششمین همایش علمی پژوهشی علوم تربیتی و روانشناسی، ۱۳۹۷ش.
- ۷- الهامی نیا، علی اصغر و احمدی، محمدرضا، *تعلیم و تربیت در اسلام*، بی جا: اداره آموزش های عقیدتی سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه، ۱۳۸۷ش.
- ۸- برجی نژاد، زینب، *نقش مادر در تربیت فرزندان*، پژوهشنامه اسلامی زنان و خانواده، شماره ۶، ۱۳۸۹ش.
- ۹- بهشتی، سعید و افخمی اردکانی، محمدعلی، تبیین مبانی و اصول تربیت اجتماعی در نهج البلاغه، نشریه تربیت اسلامی، شماره ۴، ۱۳۸۶ش.
- ۱۰- بیدی، فاطمه و رنجبرزاده، اکبر، *اصول تعلیم و تربیت کودک از منظر مکتب اسلام و علم روانشناسی*، تهران: آوای نور، چاپ اول، ۱۳۹۲ش.
- ۱۱- پاک نهاد، سیدمحسن، *تربیت فرزند با الهام از آیات و روایات*، تهران: کتاب کسرا، چاپ اول، ۱۳۹۵ش.
- ۱۲- پاینده، ابوالقاسم، *نهج الفصاحه*، ترجمه: علامه محمدتقی جعفری، اصفهان: انتشارات خاتم الانبیاء، چاپ سوم، ۱۳۸۵ش.



- ۱۳- پیغمبری، سیدمحمد رضا، والدین آگاه، فرزندان دلخواه، کاشان: مرسل، چاپ چهارم، ۱۳۸۴ش.
- ۱۴- جان نثاری، حسینعلی و واعظی، سیدحسین، جایگاه اخلاق در تربیت اجتماعی از منظر قرآن کریم، نشریه پژوهش دینی، شماره ۳۵، ۱۳۹۶ش.
- ۱۵- حاجی ده آبادی، محمدعلی، درآمدی بر نظام تربیتی اسلام، تهران: دفتر تحقیقات و تدوین متون درسی، ۱۳۷۷ش.
- ۱۶- راهی رهبر، فروزان، آموزش مهارت های زندگی ویژه نوجوانان و جوانان، کرج: پژوهش اخوت، چاپ اول، ۱۳۹۵ش.
- ۱۷- رضایی، مهدیه، قرآن و تربیت اجتماعی کودک، قم: پژوهش های تفسیر و علوم قرآن، چاپ اول، ۱۳۹۳ش.
- ۱۸- رضانی، فاطمه و حیدری، مسعود، روش های تربیت اجتماعی کودک بر اساس قرآن و نهج البلاغه، پژوهش در برنامه ریزی درسی، شماره ۶، ۱۳۹۱ش.
- ۱۹- سبحانی نژاد، مهدی و رضایی فریمانی، منیره، ماهیت تربیت اجتماعی از دیدگاه امام علی (علیه السلام)، فصلنامه پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، شماره ۱۳، ۱۳۹۰ش.
- ۲۰- سعدی، زهرا، من و کودکم؛ شیوه های نوین تربیت کودک برای والدین، کرج: سیادت، چاپ اول، ۱۳۹۶ش.
- ۲۱- سلیقه، مریم، شکوه تربیت، تهران: نظری، چاپ اول، ۱۳۹۶ش.
- ۲۲- صداقت فر، فریبا و عزیزی، آریا، نقش مادر در تربیت فرزندان، تهران: قانون یار، چاپ اول، ۱۳۹۷ش.
- ۲۳- طرقي، مجید و ابراهیمی، جواد، تربیت اجتماعی از منظر فقهی مبتنی بر نظام قواعد فقهی، فصلنامه علمی - پژوهشی، شماره ۹، ۱۳۹۷ش.
- ۲۴- عابدینی، احمد، فرزندان و مسئولیت پذیری اجتماعی سیاسی، تهران: انتشارات عابد، ۱۳۸۳ش.



۲۵- علیزاده، محرمعلی، آیین فرزندپروری؛ روش‌های عملی آموزش مهارت‌های زندگی، کرج: سیادت، ۱۳۹۵ش.

۲۶- عمرانی، سیدمسعود و همکاران، راهکارهای تربیت اجتماعی و عاطفی نوجوانان در قرآن و احادیث، پژوهش‌نامه معارف قرآنی، شماره ۲۳، ۱۳۹۴ش.

۲۷- عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ سی و ششم، ۱۳۸۶ش.

۲۸- قاسمیان‌نژاد، علی‌نقی و سیادتیان، سیدحسین، والدین آگاه؛ رفتارهایی ساده برای تربیت کودک، ۱۳۹۳ش.

۲۹- قدیمیاری، معصومه، تربیت اجتماعی از دیدگاه امام علی (علیه السلام) و برنامه آموزش فلسفه کودک، نشریه فلسفه و کودک، شماره ۲، ۱۳۹۵ش.

۳۰- قمی، میلاد و همکاران، والدین آگاه، فرزندان موفق، مشهد: مینوفر، چاپ اول، ۱۳۹۴ش.

۳۱- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، قم: مؤسسه دارالحدیث، ۱۴۳۰ق.

۳۲- محدث نوری، میرزااحسین، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم: مؤسسه آل البیت (علیهم السلام)، ۱۴۰۸ق.

۳۳- مرزوقی، رحمت‌الله، مبانی و اصول تعلیم و تربیت با نگاهی به تحولات دوران معاصر، تهران: انتشارات آوای نور، چاپ سوم، ۱۳۹۷ش.

۳۴- مرزوقی، رحمت‌الله و اناری‌نژاد، عباس، تربیت اجتماعی از منظر نهج‌البلاغه، نشریه تربیت اسلامی، شماره ۴، ۱۳۸۶ش.

۳۵- ملاسلمان‌ی، فرشته و همکاران، بررسی مبانی تربیت اجتماعی از دیدگاه امام سجاد (علیه السلام) در صحیفه سجادیه، نشریه روان‌شناسی و علوم تربیتی، شماره ۱۷، ۱۳۹۰ش.

۳۶- ملکی، حسن، سبک‌ها و اصول فرزندپروری مطلوب، تهران: آوای نور، چاپ اول، ۱۳۹۵ش.



۳۷- موسوی، سیدسعید و قربانی، حسن، *روانشناسی نوجوانان*، تهران: لوح محفوظ، چاپ اول، ۱۳۹۵ ش.

۳۸- مهرجو، پروانه، *نقش پدر در تربیت کودک*، مجله کودک، شماره ۶۹، ۱۳۸۹ ش.

۳۹- مهری‌نژاد، ابوالقاسم و اصغری‌نژاد بلوچی، پریسا، *تربیت از دیدگاه معصومین (علیهم‌السلام) و قرآن کریم*، تهران: آوای نور، چاپ دوم، ۱۳۹۴ ش.

۴۰- نخعی، علیرضا، *تربیت اجتماعی نوجوان و جوان از دیدگاه اسلام*، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، شماره ۱۹۶، ۱۳۷۴ ش.

۴۱- هوشیاری، جعفر و صفورایی پاریزی، محمدمهدی، *ویژگی‌های مادر شایسته از دیدگاه اسلام و روانشناسی*، *پژوهشنامه اسلامی زنان و خانواده*، شماره ۳، ۱۳۹۳ ش.

۴۲- سایت پژوهه www.pajooje.ir

کارکرد تربیتی و روان‌شناختی توبه در سلامت روان، از منظر آیات و روایات

هدیه مسعودی صدر^۱

علی‌نقی فقیهی^۲

چکیده

هدایت‌های دینی در تمام ابعاد زندگی فردی و اجتماعی انسان نقشی انکارناپذیر داشته و در حیات فکری، روانی و معنوی افراد جامعه نقش اساسی ایفا کرده است. عمل به رهنمودهای دینی باعث سالم‌سازی روانی فرد و جامعه می‌شود. یکی از رهنمودهای دینی، توبه است که کارکرد تربیتی و روان‌شناختی مؤثری بر سلامت روان آدمیان دارد. هدف این پژوهش بررسی این کارکردها بر اساس آموزه‌های اسلامی است. روش پژوهش کتابخانه‌ای است که با توصیف محتوایی آیات و روایات درخصوص توبه، کارکرد تربیتی و روان‌شناختی آن بر سلامت روان آدمی بررسی گردیده است. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که طغیانگری در برابر قوانین و احکام الهی، موجب ناسالم‌سازی شخصیت می‌شود، ولی توبه از گناه، زمینه بازسازی روان آدمی را فراهم می‌سازد. بر اساس آموزه‌های قرآن و روایات، تحقق توبه با شرایط آن، توجه به رحمت پروردگار، احساس بخشودگی، احساس عزت و امید به زندگی، سعادت‌مندانه، توانمندشدن بر تغییر خود و افزایش کوشش برای رستگاری را به دنبال دارد و سالم‌سازی شخصیت و ارتقای آن را برای فرد بسترسازی می‌کند.

واژگان کلیدی: توبه، سلامت روان، کارکرد تربیتی و روان‌شناختی، گناه.

۱. عضو هیأت علمی گروه معارف دانشگاه شهید چمران اهواز H.masoudisadr@scu.ac.ir

۲. دانشیار گروه علوم تربیتی دانشگاه قم an-faghihi@qom.ac.ir



۱- مقدمه

از دیدگاه اسلام، گناه آثار نامطلوبی بر انسان می‌گذارد. از جمله آثار آن، آسیب‌های روانی است. پس از انجام گناه، شخص خطاکار مورد سرزنش نفس لوّامه قرار می‌گیرد و دچار تعارض ناشی از گناه می‌شود. در نتیجه نشانه‌های افسردگی و اضطراب نسبت به عقوبت گناه و یأس و ناامیدی در صورت عدم رهایی از این اضطراب و بعضاً تکرار گناه در وی آشکار می‌شود. اسلام بهترین روش برای رهایی از تعارض ناشی از گناه و عواقب منفی آن را، توبه می‌داند. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «وَهُوَ الَّذِي يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَعْفُو عَنِ السَّيِّئَاتِ» (الشوری/۲۵)؛ اوست که توبه را از بندگان خود می‌پذیرد و گناهان را می‌بخشد. پیامبر اسلام ﷺ می‌فرماید: «التَّائِبُ مِنَ الذَّنْبِ كَمَنْ لَا ذَنْبَ لَهُ»؛ کسی که از گناه توبه کند، همانند کسی است که اساساً گناه نکرده است. در مکتب اسلام و همه ادیان آسمانی به توبه بسیار توجه شده است (ر.ک: مقداد، ۱۴۰۵، ص ۴۳۵). و برای درمان احساس گناه و رسیدن به آرامش و تقویت امید به جلب رضایت الهی و کاهش اندوه و اضطراب و رهایی از افسردگی و در اصلاح رفتار، سلامت روان و تکامل شخصیت فرد، مؤثر دانسته شده است (سقلاطونی، ۱۳۹۲، ص ۵۸).

در این پژوهش، ضمن بیان اهمیت سلامت روان از منظر قرآن و روایات، به توصیف و تحلیل آیات و روایات در زمینه کارکرد تربیتی - روان‌شناختی توبه پرداخته شده است. محققان در پژوهش‌های متعدد ابعاد مختلف توبه را تحقیق و بررسی کرده‌اند، از آن جمله باقری صدر (۱۳۹۸)، در مقاله «مفهوم شناسی توبه»؛ یحیی آبادی (۱۳۹۷)، در مقاله «قاعده توبه از منظر فقه و حقوق شیعه»؛ آقاپور و میردامادی (۱۳۹۶) در مقاله «اثرات تربیتی توبه و کاربرد آن در آموزش»؛ اسدی (۱۳۹۱) در مقاله «آثار تربیتی توبه در آیات و روایات»؛ و در مقاله «مبانی توبه در صحیفه سجادیه» اکبرلو و مهدوی راد (۱۳۹۵) از بُعدی دیگری توبه را بازکاوی نموده‌اند.

۲- اسلام و اهمیت سلامت روان

از آنجا که اسلام دینی جامع و کامل است، برای ارتقاء انسان در جنبه‌های مختلف جسمی، روانی و معنوی، برنامه دارد. محور اساسی در سلامت روان آدمی، معنویت و رابطه با خدا است؛ به‌طوری که تأمین سلامت روان با هدایت آدمی به کمال مطلوب و قرب الی الله در ارتباط است (فقیهی، ۱۳۹۶ ب، ص ۱۶۳). از دیدگاه دین فطری (اسلام) سلامت روانی در ابعاد گوناگون شناختی عاطفی، معنوی و رفتاری بسیار با اهمیت است، به‌طوری که آموزه‌ها در حوزه سلامت روان، بخش اعظم تعلیمات قرآن و احادیث معصومان (علیهم‌السلام) را تشکیل می‌دهد. فقط در بحارالانوار ۲۲۶ بار «سلامت و السلامه» آورده شده است و این به غیر از مشتقات دیگر و واژه‌های مرتبط با سلامت روان است. در این دسته از احادیث دانش سلامت روان برترین دانش معرفی گردیده است (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۵، ص ۱۶۴). رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) درباره ارزش سلامت روان فرموده‌اند: مؤمن قلبش خاشع است و سلامتی را با هیچ چیز عوض نمی‌کند (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۷، ص ۳۱۱). و به طور کلی حفظ و ارتقای سلامت روانی، یکی از مهمترین اهداف تربیتی است که در آموزه‌های اسلامی به آن پرداخته شده است و از این روست که دینداری و پابندی به احکام دینی آدمیان را هنجارمند و منطقی تر می‌سازد و سلامت روانی آنان را افزایش می‌دهد (جان بزرگی، ۱۳۸۲، ص ۳۳۸).

یونگ^۱ درباره نقش دینداری در سلامت می‌گوید: «من صدها تن از بیماران را درمان کرده‌ام. از میان بیمارانی که در نیمه عمر خود (۳۵ سالگی به بعد) به سر می‌برند، حتی یک بیمار را نیز ندیده‌ام که اساساً مشککش نیاز به یک گرایش دینی در زندگی نباشد. به جرأت می‌توانم بگویم که تک‌تک آن‌ها به این دلیل قربانی بیماری روانی شده بودند که آن چیزی را که ادیان موجود در هر زمانی به پیروان خود می‌دهند، نداشتند و فرد فرد آن‌ها، تنها وقتی که به دین و دیدگاه‌های دینی بازگشته بودند، به‌طور کامل درمان شدند» (فتحی، امرانی،



۱۳۹۵، ص ۴۹). در تحقیق دیگری که پالوما و پندلتون^۱ درباره نقش مذهب در سلامت روان انجام دادند، مشاهده شد که اعتقادات مذهبی و نمازخواندن، ارتباط قوی و مستقیمی با احساس رضایت کامل از زندگی دارد (کرمی و همکاران، ۱۳۸۵، ص ۳۶).

در اغلب جوامع، شفا دهندگان پیش مدرن، شخصیت‌های مذهبی بودند. قربانی، زیارت، دعا و تسکین معنوی، به صورت متداول برای بسیاری از بیماری‌های جسمی توصیه می‌شدند. یک عقیده مشترک در همه فرهنگ‌های قدیمی این بود که بیماری، نتیجه زیرپا گذاشتن معیارهای اخلاقی یا مذهبی است (کولینز و وودز، ۱۳۸۲، ترجمه حیدری، ص ۸۱). خلاصه اینکه، بیماری نتیجه گناه شمرده می‌شد^۲.

مطالعات آزمایشی انجام شده به منظور تعیین نوع بهزیستی روانی در طول حیات هر فرد، پیوسته از مذهب به عنوان یک ویژگی ضروری برای سلامت مطلوب نام برده‌اند. مطالعه دیگری (میکلی، کارسون، و سوکن، ۱۹۹۵)^۳ این نظریه را مطرح می‌کند که مذهب می‌تواند تأثیری مثبت (مثل ترغیب افراد به همبستگی اجتماعی، کمک به ایجاد معنا در زندگی) یا منفی (پروراندن احساس گناه یا شرمساری بیش از حد در ذهن، به کاربردن مذهب به عنوان یک راه فرار از مواجه شدن با مشکلات زندگی) بر سلامت روانی داشته باشد. این پژوهش همچنین گزارش داد که افراد برخوردار از دینداری درونی سطح بالا، افسردگی و اضطراب کمتری دارند و کمتر در جستجوی توجه نارسای کنشورانه هستند. این افراد همچنین سطوح بالایی از قوی بودن من، همدلی و رفتار اجتماعی انسجام یافته را به نمایش می‌گذارند. پین^۴،

1. Poloma & Pendelton

۲. «كُلَّمَا أَحَدَتْ الْعِبَادُ مِنَ الذُّنُوبِ مَا لَمْ يَكُونُوا يَعْمَلُونَ أَحَدَتْ اللَّهُ لَهُمْ مِنَ الْبَلَاءِ مَا لَمْ يَكُونُوا يَعْرِفُونَ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۲۷۵)؛ هرگاه که بندگان، گناهان تازه ای پدید آورند که قبلاً مرتکب نمی شدند، خداوند بلاي تازه ای برايشان پيش می آورد که قبلاً نمی شناختند.

3. Mikkeli, Carson, Soken

4. Payne, I



برگین^۱، بیلما^۲ و جنکینز^۳ (۱۹۹۱) در بررسی خود درباره مذهب و بهداشت روانی، تأثیرات مثبت دیندار بودن بر بهداشت روان را از لحاظ ارتباط آن با متغیرهای خانواده، حرمت خود، سازگاری شخصی، و رفتار اجتماعی، گزارش کردند. به علاوه، گارتنر^۴، لارسون^۵ و آلن^۶ (۱۹۹۱) مشخص کردند که سطوح پایین دیندار بودن اغلب با اختلافات مربوط به کنترل نکردن تکانه رابطه دارند (کولینز، ترجمه مجتبی حیدری، ۱۳۸۲، ص ۸۱).

۳- مفهوم شناسی

قبل از ورود به بحث در ابتدا لازم است واژه‌های گناه، توبه، سلامت روانی و کارکرد تربیتی _روان‌شناختی تبیین شود.

۳-۱ گناه

گناه در زبان فارسی مترادف با «بزه»، «جرم» و «نافرمانی» است (دهخدا، ۱۳۴۱، ج ۲۷، ص ۱۲۷۶) و در زبان عربی، به‌ویژه در آیات قرآن و ادعیه مأثور از معصومین (علیهم‌السلام) از آن به «معصیت»، «اثم»، «ذنب»، «خطیئه»، «سیئه»، «حَنْث»، «حُوبه»، «لَمَم» و «وِزْر» تعبیر شده است (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۲، ص ۲۹۰؛ ج ۳، ص ۷۴ و ۷۸ و ۳۳۲؛ ج ۱۰، ص ۲۳۷؛ ج ۱۳، ص ۹۳) و در اصطلاح عام آن به معنای نافرمانی و سرپیچی از قانون، اعم از قوانین طبیعی، اجتماعی و الهی و دینی است که تخلف از آن موجب عقوبت و کیفر دنیوی و اخروی می‌شود (رسولی محلاتی، ۱۳۶۳، ص ۴). گناه در اصطلاح رایج دینی آن، به معنای انجام حرام و ترک واجب الهی است (بدخشان، ۱۳۹۱، ص ۱۴).

از دیدگاه قرآن، هر کاری که بر خلاف فرمان خداوند باشد، گناه است (طباطبایی، ۱۳۷۴،

-
1. Bergin, A
 2. Bielma, R
 3. Jenkins, P
 4. Gartner, I
 5. Larson, D
 6. Allen, G



ج ۶، ص ۵۳۲). به عبارتی دیگر، گناه هر عملی است که مایه هتک حرمت عبودیت باشد، و نسبت به مولویت مولا مخالفت شمرده شود. در نهایت، هر فعل و قولی که به وجهی با عبودیت منافات داشته باشد، گناه نامیده می‌شود (همان، ج ۲، ص ۲۰۰).

۳-۲ توبه

«توبه» در لغت به معنای رجوع و بازگشت است (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۲۳۳). راغب آن را رجوع از گناه به بهترین صورت معنا می‌کند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۱۶۹). امام خمینی رحمه الله توبه اصطلاحی را عبارت می‌داند از: «رجوع از طبیعت به سوی روحانیت نفس بعد از آنکه به واسطه معاصی و کدورت نافرمانی، نور فطرت و روحانیت، محجوب به ظلمت و طبیعت شده است» (خمینی، ۱۳۸۶، ص ۲۷۲). و نراقی توبه را پاک کردن قلب از گناه و بازگشت از دوری به قرب و نزدیکی تعریف کرده است (نراقی، بی تا، ج ۳، ص ۵۰).

علامه حلی رحمه الله توبه را به معنای ندامت و پشیمانی از گناهان گذشته و تصمیم بر ترک آن برای همیشه گرفته است (حلی، ۱۴۱۷، ص ۵۷۰).

علامه طباطبایی رحمه الله تصریح می‌کند که توبه و برگشت انسان به سوی پروردگار باید با پشیمانی از گناه همراه باشد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۲۷۴) و نخواهد به موقعیت پیشین یعنی گناه برگردد؛ همان‌طور که در توبه از کفر و شرک، فرد مؤمن می‌شود و نمی‌خواهد در موقعیت کفر و شرک بماند و با میل و اراده خود ایمان را برمی‌گزیند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۳۸۷). از این رو توبه واقعی برای کسی است که از روی جهل و نادانی مرتکب شده است و بعد متوجه می‌شود و بازمی‌گردد و اگر بر اساس روحیه استکباری و عنادی گناه از وی سرزده است، باید از آن روحیه بازگردد و متمایل به عبودیت و بندگی خدا شود. در این صورت است که خداوند توبه‌اش را می‌پذیرد. براین اساس کسی هم که برای بازگشت واقعی خویش حساسی باز نمی‌کند و تا هنگام مرگ به گناه و عدم بازگشت خویش ادامه می‌دهد، چون توبه واقعی ندارد، مورد پذیرش واقع نمی‌شود (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۳۸۰؛ طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۵، ص ۷۲؛ کاشانی، ۱۳۳۶، ج ۲، ص ۴۴۸).



همچنین در کلام رسول خدا ﷺ اصلاح برنامه‌های عبادی، اصلاح لباس ظاهر و باطن، اصلاح اخلاق و رفتار و اصلاح دل و دست، از شرایط کمال توبه به حساب آمده‌اند (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶، صص ۳۵-۳۶).

توبه مخصوص به گناه یا گناهان خاصی نیست و به شخص یا اشخاص معینی اختصاص ندارد. قرآن کریم در یک خطاب عمومی می‌فرماید: «وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعاً أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (النور/۳۱)؛ ای مؤمنان همگی به سوی درگاه الهی توبه کنید؛ باشد که رستگار شوید. خطاب‌های عمومی و واژه «جمعاً» دلیل بر این است که هر گناهکاری دعوت به توبه شده است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷، ص ۲۲۳).

۳-۳ سلامت روان

سازمان بهداشت جهانی، در تعریف سلامت می‌گوید: «سلامت عبارت است از تأمین رفاه کامل جسمی، روانی و اجتماعی، نه فقط نبودن بیماری و نقص عضو (رحیمی، ۱۳۸۹، ص ۱). سلامت روان در روان‌شناسی، علمی است برای بهزیستی و رفاه اجتماعی که تمام زوایای زندگی از محیط خانه گرفته تا مدرسه، دانشگاه، محیط کار و نظایر آن را دربرمی‌گیرد و در سلامت روانی آنچه بیش از همه مورد نظر است، «احترام به شخصیت و حیثیت انسانی است» و تا هنگامی که حیثیت و شخصیت فرد برقرار نشود، سلامت فکر و تعادل روان و بهبود روابط انسانی معنا و مفهومی نخواهد داشت. روی این اصل، روان‌شناسان، سلامت روانی را دانش یا هنری می‌دانند که به افراد کمک می‌کند که با ایجاد روش‌های صحیح روانی و عاطفی بتواند با محیط خود سازگاری حاصل نموده و برای حل مشکلات از راه‌های مطلوب اقدام نماید (میلانی‌فر، ۱۳۷۶، ص ۱۷).

مفهوم سلامت هم در فرهنگ عربی و هم در متون حدیثی به معنای سالم بودن، عاری بودن از بیماری، آفات و بلاهاست (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۴۲۱) سلامت را به معنای عاری بودن از آفات و بلاها معرفی می‌کند. صاحب‌المنجد، لویس معلوف، نیز همین تعریف



را برای سلامت بیان کرده است^۱ (معلوف، ۱۳۶۲، ص ۲۴۷). در فرهنگ نوین (۱۳۵۴، ص ۳۱۲) واژه سَلَم و سلام، به معنای سکینه، صلح و آسودگی آمده است. در قاموس قرآن هم سلامت به معنای کنار بودن از آفات ظاهری و باطنی است (قرشی، ۱۴۱۲، ج ۳، ص ۲۹۶). در متون اسلامی تعبیر متعددی درباره سلامت روانی وجود دارد؛ از جمله:

۱- کلماتی که به اصل بهداشت و سلامت روان اشاره دارد، مانند: «سلامة النفس» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۷، ص ۶۸)، «سلامة القلب» (همان، ص ۲۱۰، حدیث ۳۲، و ج ۱، ص ۱۱۱، حدیث ۷، و ص ۱۵۸، ح ۳۰)، «القلب السليم» (همان، ج ۶۷، ص ۵۴، ح ۱۹، و ص ۲۱۰، ح ۳۲، و ص ۲۳۹، ح ۷)، «قلب سليم» (الشعراء، ۸۹؛ الصّافات، ۸۴) و «سلامة الصدر» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۹۵، ص ۲۳).

۲- کلمات و عبارت‌هایی که به محور اصلی بودن سلامتی و مهم بودن بهداشت و سلامت روان اشاره دارد، مانند: «صحّة الفکرة» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۷، ص ۲۴۵ و ج ۷۹، ص ۷۳)، «صحّة العقل» (همان، ج ۵، ص ۲۲) (بهداشت و سلامت عقلی)، «صحّة التمييز والعقل» (همان، ج ۹، ص ۲۷۳) (بهداشت تشخیصی و عقلی)، «صحّة اليقين» (همان، ج ۷۴، ص ۲۱۳ و ج ۷۵، ص ۹۰) (بهداشت معرفتی و یقینی) و «صحّة التدبير»^۲ (همان، ج ۱، ص ۲۰۴) (درستی تدبیر)، و این محور همان جنبه شناختی انسان است. این نوع سلامتی موجب می‌شود که انسان درست بیندیشد و عقلش در ادراک، تمییز و تشخیص، نیل به معرفت یقینی و تدبیر صحیح، توانمند و کارآمد باشد.

۳- در متون روایی آموزش داده شده که منشأ بیماری‌های روانی، امور مختلف و از جمله عدم شناخت علمی و یقینی و روی‌آوری به آگاهی‌های وهمی، حدسی، شکی و ظنی است (طاهری، ۱۳۸۸، صص ۴۸-۵۰).

۴- برای حفظ سلامت و عدم ابتلا به انواع بیماری‌های روانی، باید شناخت یقینی و مبتنی

۱. «سَلِمَ سَلَامَةً وَ سَلَامًا مِنْ عَيْبٍ أَوْ آفَةٍ... السَّلَامَةُ (مص): البراءة من العيوب والآفات.»

۲. «فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يُحْيِي الْقُلُوبَ بِنُورِ الْحِكْمَةِ كَمَا يُحْيِي الْأَرْضَ بِوَابِلِ السَّمَاءِ.»



بر حجت، نسبت به خود، خدا، محیط، هستی، اهداف و همه امور اساسی زندگی، به دست آورد (کاویانی و پناهی، ۱۳۹۳، ص ۲۳۴).

۵- بر روش‌های روان‌شناختی و تربیتی بسیاری در پیشگیری، اصلاح و درمان توصیه و تأکید شده است (فقیهی، ۱۳۹۶ب، صص ۱۶۵-۱۶۴).

بنابراین سلامت روان از دیدگاه اسلامی حفظ طبیعی بودن آدمی و ارتقاء بخشی آن در جهت اهداف معقول و مشروع است. و معیار آن در بینش معصومان (علیهم‌السلام)، حفظ طبیعی بودن جنبه‌های شناختی عاطفی گرایشی و رفتاری فرد و ارتقاء بخشی آن در مسیر زندگی جاوید و برقراری تعادل و هماهنگی ابعاد گوناگون خود در جهت اهداف عالی آفرینش است. بر این اساس، فردی که در یکی از جنبه‌های فوق از حالت طبیعی بیرون رود و یا در مسیر حرکت به سوی هدف‌های ارزشمند الهی، متوقف و یا انحراف پیدا کند و جنبه‌ای از جنبه‌های جسمی، معنوی، نگرش و باورهای معقول و دینی، تمایلات و رفتارهای طبیعی، آسیب ببیند، از سلامت روان برخوردار نیست (شجاعی و حیدری، ۱۳۸۹، صص ۴۹-۴۸؛ کاویانی و پناهی، ۱۳۹۳، صص ۲۳۵-۲۳۴).

گرچه در تعبیری چون سلامت النفس، سلامت القلب در متون حدیثی، سلامت روانی به مفهوم عاری بودن از بیماری روانی شناختی، اخلاقی، عاطفی و دور بودن از ناهنجاری‌ها مطرح شده است، ولی صرف عاری بودن سلامت نیست؛ بلکه تأمین و ارتقای سلامت و بهزیستی کامل آدمی در جنبه‌های شناختی، گرایش فردی و اجتماعی، شایسته عمل کردن، نیز هست. در این دیدگاه انسان سالم کسی است که علاوه بر این که بیماری روانی ندارد، در مسیر تعالی روانی و تحقق اهداف عالی معنوی و بهره‌وری صحیح از همه استعدادهای خدادادی، در جنبه‌های فردی، اجتماعی و الهی و حتی در ارتباط با طبیعت از رشد و تحول اندیشه و تدبیر بالا و گرایش و باورهای متکامل و دارای حالات مطلوب روانی و عملکردهای شایسته در زندگی (دنیوی و اخروی) است (فقیهی، ۱۳۹۶ب، ص ۱۶۶).

تعریف سلامت روان در دیدگاه اسلام تعریفی پویاست. بنابراین هر کسی که در جهت

رشد و شکوفایی استعدادهای طبیعی، در مسیر هدایت و شکوفایی همه جانبه وجود خویش و در راستای اهداف عالیه انسانی و در مسیر قرب، رشد و تکامل قرار دارد، از سلامت برخوردار است. چنین فردی خلق و خوی اجتماعی‌اش، ادب الهی‌اش، احساسات، عواطف و رفتارهایش انسانی است و باعث هیچ‌گونه آسیبی نه به خود (در همه جنبه‌ها) و نه به دیگران، و نه به طبیعت، نمی‌شود و در موارد تراحم، عقل‌گرایی و تعهدات معنوی، اولویت‌های رفتاریش را معین می‌سازند. و در مقابل کسی که در هر جنبه از رشد طبیعی و کمالی‌اش، توقف، کاستی و انحرافی پدید آید، به صورت نسبی دارای بیماری و مشکلات روانی است (شجاعی و حیدری، ۱۳۸۹، صص ۵۶-۵۱).

۳-۴ کارکرد تربیتی و روان‌شناختی

منظور از کارکرد تربیتی و روان‌شناختی توبه، نقش مثبتی است که توبه به صورت پنهان و غیرمقصود یا آشکارا و مقصود در تحولات و تغییرات پایدار روانی، شناختی، عاطفی و عملکردی فرد دارد و زمینه بهسازی روانی معنوی و نیل به اهداف والاتر زندگی را فراهم می‌سازد (فقیهی، ۱۳۹۶ الف، ص ۷۶).

در حقیقت کسی که توبه می‌کند و از عملکرد نامناسب بازمی‌گردد، به شناخت حقیقت و تمایز آن از امور باطل رسیده است و میلش به انجام کار درست تقویت می‌شود و خود را از عملکردهای نادرست دور نگه می‌دارد، ساختار فکری مناسب برای فعالیت‌های مطلوب پیدا می‌کند و خواسته‌هایش به سوی اهداف ارزشمند جهت پیدا می‌کند و توانمندی‌هایش را در تحقق ارزش‌ها و پرهیز از ضد ارزش‌ها به کار می‌گیرد. همان‌طور که در حدیثی رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره کسی که به توبه دست می‌یابد، می‌فرمایند: چنین شخصی دیگر عملش را خالصانه برای خدا انجام می‌دهد و باطل را رها کرده، به حق پایبند می‌شود و بر انجام کار خیر همت می‌گمارد^۱ (ابن شعبه حرّانی، ۱۴۰۴، ص ۲۰). بنابراین توبه از سه جنبه شناختی،

۱. «أَمَّا عَلَامَةُ التَّائِبِ فَارْبَعَةٌ النَّصِيحَةُ لِلَّهِ فِي عَمَلِهِ وَ تَرْكُ الْبَاطِلِ وَ لُزُومُ الْحَقِّ وَ الْحِرْصُ عَلَى الْخَيْرِ».



عاطفی و عملکردی روان انسان را می‌پروراند و باعث رشد روانی معنوی می‌گردد. البته توبه برای کسی این تأثیرات روانی را دارد که مؤمن است و گرنه فرد غیر مؤمن و حیل‌باز نمی‌تواند واقعاً توبه کند و این آثار روانی را برای خود پدید آورد. چنانچه امام علی (علیه السلام) فرمود: مؤمن بازگشت کننده به خدا، آمرزش‌خواه و توبه کننده است و منافق نیرنگ‌باز، زیان‌بار و شکاک^۱ (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶ ش، ص ۱۹۵).

۴- گناه و ناسالم‌سازی شخصیت

گناه میل و رفتاری است که برخلاف میل طبیعی و فطری آدمی صادر می‌شود و از مسیر سلامت وی را دور می‌سازد و او را دچار اضطراب و احساس گناه می‌کند (نجاتی، ترجمه عرب، ۱۳۷۲، ص ۳۷۶). همان‌طور که در حدیث آمده است: نیکی آن است که از طبیعت آدمی برمی‌خیزد و جان و دل انسان با آن آرامش پیدا کند، ولی گناه آن است که از طبیعت آدمی سرچشمه نمی‌گیرد و جان و دل انسان با آن آرام نمی‌گیرد، هر چند فتوادهندگان (خلاف آن را) به تو فتوا دهند (متقی هندی، ۱۴۰۱، ج ۳، ص ۴۲۶، حدیث ۷۲۷۸).

این اعراض از خواسته‌های فطری، شخصیت فرد را نامتعادل و غیرطبیعی می‌سازد و آرامش و تعادل روانی او را دچار اختلال کرده و اضطراب خاصی بر زندگی او مستولی می‌شود، به‌طوری‌که احساس آرامش در زندگی ندارد. قرآن کریم در آیه ۱۲۴ سوره طه به این حقیقت اشاره دارد که هر کسی که از طبیعت فطریش که توجه به خداست، اعراض کند، شخصیتش اختلال می‌یابد و از این‌رو در زندگی آرامش نخواهد داشت.

۵- تأثیرات تربیتی و روان‌شناختی توبه بر سلامت روان

در قرآن و روایات برای توبه ره‌آورد گران‌بها و پی‌آمدهای مثبت فراوانی ذکر شده که در به‌سازی سلامت روان مؤثر است به تعدادی از آنها در زیر اشاره می‌شود:

۱. «الْمُؤْمِنُ مُنِيبٌ مُسْتَغْفِرٌ تَوَابَ، الْمَنَاقِفِ مَرَأٍ مَصْرٍ مَرْتَابَ».

۵-۱ توجه به محبت و رحمت پروردگار

خداوند متعال با آن عظمتش نسبت به توبه‌کاران اظهار محبت می‌کند و اعلام می‌دارد توبه‌کننده را دوست دارم (البقرة/۲۲۲). رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: چیزی در نزد خداوند محبوب‌تر از مرد مؤمن توبه‌کار و زن مؤمن توبه‌کننده نیست (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۲۹). امام موسی کاظم علیه السلام نیز می‌فرمایند: محبوب‌ترین بندگان نزد خداوند، به دام افتادگانی هستند که توبه می‌کنند (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۶، ص ۷۳).

۵-۲ تأثیر توبه در برکت دنیوی و مادی و ازدیاد رزق و روزی انسان

در آیات قرآن به این ره‌آورد تصریح شده است: «از پروردگار خویش آمرزش بخواهید، سپس به سوی او توبه کنید تا شما را با بهره‌مندی خوبی تا مدتّ معین بهره‌مند سازد» (هود/۳).

امیر مؤمنان علی علیه السلام می‌فرمایند: توبه رحمت (خدا) را فرود می‌آورد (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۱۹۵). همچنین یکی از عوامل نزول باران‌های مفید، سودمند و مستمر برای جامعه در قرآن کریم، توبه افراد عنوان شده است: «و ای قوم من! از پروردگارتان طلب آمرزش کنید، سپس به سوی او بازگردید، تا (باران) آسمان را پی‌درپی بر شما بفرستد و نیرویی بر نیرویتان بیفزاید... (هود/۵۲).

بنابراین جامعه برخوردار از نعمت، جامعه قدرتمند، توانمند و مستقل خواهد بود. جامعه‌ای که از قدرت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی برخوردار است، در برابر دشمنان هراسی احساس نمی‌کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۹، ص ۱۳۹).

۵-۳ بخشودگی گناهان

اثر مهم توبه، بخشیده شدن گناهان انسان خطاکار است. قرآن کریم می‌فرماید: «ای مؤمنان! به سوی خدا توبه کنید ... امید است خداوند گناهان شما را بپوشاند؛ کسی که به درگاه خداوند روی می‌آورد و از گناهان خویش توبه کند، مشمول رحمت و مغفرت خداوند می‌شود» (التحریم/۸).



خداوند به توبه کننده وعده داده است که در صورت بازگشت، در حق او آمرزنده و مهربان است: «هر کس گناهی کرده باشد یا به خودش ظلم کند، پس استغفار کند، خداوند را آمرزنده و مهربان خواهد یافت» (النساء/۱۱۰). بنابراین هر گاه انسان از گناه، هر چند بزرگ، بازگشت و استغفار کرد، مانع مغفرت و آمرزش خداوند نمی‌شود و خداوند گناهان او را می‌بخشد (طبرسی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۶۵۹، زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۵۶۳).

۵-۴ احساس عزّت و پیشگیری از تکرار جرائم

انسانی که مرتکب گناه می‌شود، احساس پستی و سرشکستگی می‌کند و چه بسا ممکن است به آنجا برسد که کاملاً احساس کند شخصیت خود را از دست داده و در این صورت است که به شدّت وجود او برای خانواده و جامعه خطرناک خواهد شد و ممکن است به هر گناه و جنایتی دست بزند؛ چون احساس می‌کند همه چیز را از دست داده است. توبه احساس عزّت را به فرد باز می‌گرداند. امام باقر (علیه السلام) می‌فرماید: عزّت از طریق قوم و خویش، مال و قدرت به دست نمی‌آید. کسی که می‌خواهد عزیز باشد، باید از خواری معصیت الهی به‌سوی اطاعت پروردگار شخصیت خود را تغییر دهد (ابن بابویه، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۱۶۹).

عزّتمندی و شخصیت به اندازه‌ای در اسلام اهمیت دارد که اگر کسی کاری کند که در میان مردم کوچک شود و شخصیتش کوبیده شود، مرتکب حرام شده است و گناهش خیلی بزرگ است (مظاهری، ۱۳۸۶، صص ۱۷۷-۱۷۸). همین‌طور که توهین کردن به مسلمان و کوبیدن شخصیت مسلمان گناهش خیلی بزرگ است؛ به حدّی که محاربه با خدا به حساب می‌آید (نوری، ۱۴۰۸، ج ۹، ص ۱۰۳).

۵-۵ پذیرش جامعه دینی

توبه شخصیت گناهکار را بازسازی می‌کند و او را به حالت اوّل، بلکه بالاتر از آن برمی‌گرداند. قرآن کریم به مردم گوشزد می‌کند که خلافکاران اگر برگشتند، برادران دینی



شما هستند: «اگر توبه کنند و نماز را به پا دارند و زکات بپردازند، برادران دینی شما هستند» (التوبة/۱۱).

۵-۶ احساس سبکی از گناه

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: توبه کننده از گناه مانند کسی است که گناه ندارد (حرّعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۶، ص ۷۵).

۵-۷ امید به رحمت الهی

توبه فرد گناهکار را از ناامیدی نجات می‌دهد و به رحمت الهی و آینده‌ای سعادتمندانه امیدوار می‌سازد. قرآن کریم می‌فرماید: «قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ» (الزمر/۵۳).

«قنوط» به معنای نومیدی است، و مراد از «رحمت» در آیه مورد بحث، به قرینه اینکه خطاب و دعوت در آن به گناهکاران است، رحمت مربوط به آخرت و سعادت انسان است. و در جمله «إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا» نهی از نومیدی را تعلیل نموده و هم اعلام می‌دارد که تمامی گناهان قابل آمرزشند. پس مغفرت خدا عام است، لیکن آمرزش گناهان هر کسی سبب می‌خواهد و به‌طور گزاف نیست، که توبه یکی از این اسباب است (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۷، ص ۴۲۴).

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: در قرآن آیه‌ای گسترده‌تر از آیه «يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا...» (الزمر/۵۳) نیست (طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۲۱، ص ۱۹۸).

وقتی انسان از سوی خداوند به امر توبه وعده داده می‌شود، به این معناست که خداوند اشتباهات انسان را در صورت توبه واقعی خواهد بخشید و از آنجا که خداوند خلف وعده نمی‌کند، وقوع آن مانند واجب است (فخررازی، ۱۴۲۱، ج ۱۰، ص ۴؛ طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۳۷۷؛ کاشانی، ۱۳۳۶، ج ۲، ص ۴۴۹).



همچنین امام علی (علیه السلام) در این زمینه می‌فرمایند: «عجب دارم برای کسی که از (آمرزش خداوند) ناامید می‌شود؛ در حالی که با او (برای گناهانش) استغفار و طلب آمرزش هست» (فیض الاسلام، ۱۳۸۱، حکمت ۸۴).

۵-۸ توانمند شدن بر جبران گذشته و تغییر و بازسازی شخصیت خویش
اگر توبه واقعی انجام گیرد، خداوند علاوه بر نابودی گناهان، آنها را تبدیل به نیکی و حسنات می‌کند؛ چنان‌که می‌فرماید: «مگر کسانی که توبه کنند و ایمان آورند و عمل صالح انجام دهند که خداوند گناهان آنان را به حسنات مبدل می‌کند و خداوند همواره آمرزنده مهربان بوده است»^۱ (الفرقان/ ۷۰).

امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: خداوند به حضرت داوود (علیه السلام) وحی کرد: ای داوود! به راستی بنده مؤمن هر گاه گناهی انجام دهد، سپس برگردد و از آن گناه توبه کند، و هنگام یاد آن گناه از من حیا کند، گناه او را می‌بخشم و کاری می‌کنم که حافظان (نویسندگان) آن را از یاد ببرند و آن گناه را به حسنه تبدیل می‌کنم و [از کسی] باکی ندارم، در حالی که من مهربان‌ترین مهربانانم (ابن بابویه، ۱۴۰۶، ص ۱۳۰).

۵-۹ افزایش کوشش برای فلاح و رستگاری
از مهم‌ترین آثار اخروی توبه، عاقبت به خیری و رستگاری ابدی است. قرآن کریم می‌فرماید: «ای مؤمنان! همگی به سوی خدا توبه کنید؛ شاید رستگار شوید» (النور/ ۳۱).
در کنار رستگاری، آسایش ابدی نیز از آثار و برکات توبه شمرده شده است: «إِلَّا مَنْ تَابَ وَ آمَنَ وَ عَمِلَ صَالِحًا فَأُولَئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ» (مریم/ ۶۰)؛ مگر کسی که توبه کند و ایمان بیاورد و عمل صالح انجام دهد. پس آنان داخل بهشت می‌شوند.

۱. «إِلَّا مَنْ تَابَ وَ آمَنَ وَ عَمِلَ صَالِحًا فَأُولَئِكَ يَبْدُلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ وَ كَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا».



۶- توبه و سالم سازی شخصیت

کاربردهای تربیتی - روان شناختی توبه که اشاره شد، به سالم سازی شخصیت می انجامد؛ زیرا توبه از انحراف و گناه، بازگشت به صراط مستقیم و ضوابط فطری انسانی است که از عوامل بسیار مهم در بازسازی شخصیت سالم است. همچنین توبه یک حالت روانی و روحی و بلکه یک انقلاب روحی در انسان است که لفظ «اَسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّي وَ اَتُوبُ اِلَيْهِ» بیان این حالت است؛ نه خود این حالت، نه خود توبه، مثل بسیاری از چیزهای دیگر که در آنها لفظ خودش آن حقیقت نیست، بلکه مبین آن حقیقت است (مطهری، بی تا، ج ۲۳، ص ۵۳۶).

توبه برای انسان تغییر مسیردادن است، اما نه تغییر مسیر دادن ساده از قبیل تغییر مسیری که گیاه می دهد و یا تغییر مسیری که حیوان می دهد، بلکه تغییر مسیری است که مخصوص خود انسان است و از نظر روانی و روحی کاملاً ارزش تحلیل و بررسی و رسیدگی دارد. توبه عبارت است از یک نوع انقلاب درونی، نوعی قیام، نوعی انقلاب از ناحیه خود انسان علیه خود انسان. این جهت از مختصات انسان است. گیاه تغییر مسیر می دهد، ولی علیه خودش قیام نمی کند، نمی تواند قیام کند، این استعداد را ندارد (مطهری، بی تا، ج ۲۳، ص ۵۳۷). اقدام به توبه با معرفت نسبت به الطاف و رحمت بی پایان پروردگار همراه است و با امید و مثبت اندیشی درصدد جبران خسرانها و ناهنجاری ها برمی آید.

قرآن کریم برای بازسازی شخصیت فرد گناهکار، فرد را در موقعیتی واقع بینانه قرار می دهد، او را امیدوار به جبران گذشته می سازد و با آغوشی باز او را می پذیرد و اعلام می کند قبل از اینکه بنده توبه کند، خداوند به سوی او توبه می کند و رحمت و مغفرتش را نثار کرده و محبت خود را به بنده اش نشان می دهد و وی را به مثبت اندیشی، عاقبت بخیری، اهداف کمالیه و عملکرد در این راستا رهنمون می سازد و از این رو با این استقبال الهی، تحول شخصیتی در فرد پدید می آید و از این جهت با یاد خدا و توجه به الطاف الهی، خود را از گناه کنترل می کند، «هو التَّوَّابُ الرَّحِيمُ» نامیده شده است (قرشی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۲۸۶).

قوانین و راهکارهای هدایتی دین برای زمینه‌سازی و نیل به سعادت در زندگی دنیوی و اخروی است. رسیدن به سعادت از طریق تأمین سلامت معنوی روانی میسر می‌شود (مطهری، بی‌تا، ج ۲۴، ص ۵۴۱). در برابر، عدم عمل به احکام الهی و مخالفت با هدایت‌های الهی از آن جهت که سلامت روانی معنوی آدمی را با مخاطره روبرو می‌سازد، زمینه سعادت وی را نیز از بین می‌برد. این عصیان و نافرمانی، در متون دینی به عنوان گناه محسوب شده است. بازگشت از گناه و توبه می‌تواند این زمینه‌سازی شقاوت را که با گناه پدید آمده است، از میان بردارد و با تأثیر مثبت در سلامت روانی معنوی آدمی زمینه سعادت ابدی را هموار سازد.

در تحقیقات روان‌شناسان و دانشمندان تربیتی نیز، به تأثیر باورها و عملکردهای دینی بر سلامت روان توجه شده است و به این نتیجه دست یافته‌اند که دینداری اثرات مهمی بر سلامت جسم و روان آدمی دارد و به مراتب میزان رضایت افراد دیندار از زندگی بیش از دیگران است (کرمی و همکاران، ۱۳۸۵، ص ۳۶). برخی از آنان تصریح کرده‌اند که گناه و مخالفت با احکام دینی در ابتلا به بیماری و سلب سلامت روانی مؤثر است (فتحی و امرانی، ۱۳۹۵، ص ۴۹).

از نتایج این تحقیق آن است که مهمترین تأثیرات تربیتی - روان‌شناختی توبه شامل: جلب محبت و رحمت الهی، برکت دنیوی و مادی، بخشودگی گناهان، عزتمندی و پیشگیری از تکرار جرائم، پذیرش جامعه دینی، احساس سبکی از گناه، امید به رحمت الهی، توانمند شدن بر جبران گذشته و بازسازی شخصیت خود، افزایش کوشش برای فلاح و رستگاری است.

بنابراین این کارکردهای تربیتی و روان‌شناختی توبه است که به سالم‌سازی شخصیت انسان منجر می‌شود؛ همان‌طور که گناه باعث ناسالم‌سازی شخصیت است، همان‌گونه که برخی تصریح کرده‌اند که همه هدایت‌های الهی زمینه‌ساز سلامت روانی معنوی انسان است؛



از جمله هدایت انسان گناهکار به توبه این کاربرد را دارد که در سالم سازی شخصیت وی مؤثر است (فقیهی، ۱۳۸۴، ص ۱۷۹).

قابل توجه است که این کارکردها و زمینه سازی ها برای توبه از هر گناهی می تواند باشد و نمی توان آن را مخصوص گناه و زمان خاصی دانست. درهای توبه همواره به روی انسان باز است و برای انسانی که به لغزش می افتد و از راه کمال منحرف می شود، خداوند به آمرزش و پذیرش او نوید داده و به این ترتیب انسان را از یاس، ناامیدی و اضطراب که سلامت روان را از بین می برند، باز می دارد. لازم به تأکید است که این کارکردها برای توبه ای است که با پشیمانی و عدم بازگشت به موقعیت گناه و جبران حقوق از دست رفته خداوند، خود، دیگران و هستی، همراه باشد.

منابع و مأخذ

- ۱- قرآن کریم، ترجمه محمدمهدی فولادوند، تهران: دارالقرآن الکریم، ۱۴۱۵ق.
- ۲- آقاپور، بایرام و میردامادی، سیدمحمد، اثرات تربیتی توبه و کاربرد آن در آموزش، مطالعات راهبردی علوم انسانی و اسلامی، شماره ۷، ۱۳۹۶ش.
- ۳- ابن بابویه، محمد بن علی، عیون أخبار الرضا علیه السلام، تهران: نشر جهان، ۱۳۷۸ق.
- ۴- ابن بابویه، محمد بن علی، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، قم: دارالشریف الرضی للنشر، ۱۴۰۶ق.
- ۵- ابن بابویه، محمد بن علی، الخصال، قم: جامعه مدرسین، ۱۳۶۲ش.
- ۶- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول عن آل الرسول، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ق.
- ۷- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع، ۱۴۱۴ق.
- ۸- اسدی، داود، آثار تربیتی توبه در آیات و روایات، بصیرت و تربیت اسلامی، سال نهم، شماره ۲۱، ۱۳۹۱ش.
- ۹- اکبرلو، مهدیه و مهدوی راد، محمدعلی، مجله کتاب و سنت، شماره ۹، ۱۳۹۵ش.
- ۱۰- باقری صدر، محمد، مفهوم شناسی توبه، مجله حدیث و اندیشه، شماره ۲۸، ۱۳۹۸ش.
- ۱۱- بدخشان، نعمت الله، توبه از نگاه عقل و نقل با مروری بر صحیفه سجاده، دوفصلنامه عقل و دین، سال چهارم، شماره ۷، ۱۳۹۱ش.
- ۱۲- تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، قم: دفتر تبلیغات، ۱۳۶۶ش.
- ۱۳- جان بزرگی، مسعود، شیوه های درمانگری، اضطراب و تنیدگی، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۲ش.
- ۱۴- حرعاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۹ق.



- ۱۵- حلی، حسن بن یوسف، *کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد*، قم: مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۷ق.
- ۱۶- خرمی، جواد، *توبه در قرآن*، ماهنامه مبلمان، شماره ۷۱، ۱۳۸۴ش.
- ۱۷- خمینی، روح الله، *شرح چهل حدیث*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه الله، ۱۳۸۶ش.
- ۱۸- دهخدا، علی اکبر، *لغتنامه دهخدا*، تهران: سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، ۱۳۴۱ش.
- ۱۹- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، *المفردات فی غریب القرآن*، بیروت: دارالقلم، ۱۴۱۲ق.
- ۲۰- رحیمی، غلامرضا، *سازمان بهداشت جهانی*، مجله دانشکده پیراپزشکی ارتش جمهوری اسلامی ایران، سال ۵ شماره ۱، ۱۳۸۹ش.
- ۲۱- رسولی محلاتی، هاشم، *کیفرگناه*، تهران: انتشارات کتابخانه صدر، ۱۳۶۳ش.
- ۲۲- زمخشری، محمود بن عمر، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل*، بیروت: دارالکتاب العربی، ۱۴۰۷ق.
- ۲۳- سقلاطونی، مریم، *پیام سلامت (پیام‌های کوتاه و زیرنویس ویژه بهداشت و سلامت)*، قم: مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، ۱۳۹۲ش.
- ۲۴- شجاعی، محمدصادق و حیدری، مجتبی، *نظریه‌های انسان سالم با نگرش به منابع اسلامی*، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمه الله، ۱۳۹۸ش.
- ۲۵- طاهری، حبیب الله، *نقش باورهای دینی در رفع نگرانی‌ها*، قم: انتشارات زائر، ۱۳۸۸ش.
- ۲۶- طباطبائی، محمدحسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه، ۱۳۷۴ش.
- ۲۷- طباطبائی، مصطفی، *فرهنگ نوین (عربی- فارسی)*، تهران: کتابفروشی اسلامی، ۱۳۵۴ش.
- ۲۸- طبرسی، فضل بن حسن، *مجمع البیان*، تهران: انتشارات فراهانی، ۱۳۶۰ش.

- ۲۹- طبرسی، فضل بن حسن، *جوامع الجامع*، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۷ش.
- ۳۰- فتحی، آیت الله و امرانی، ابراهیم، *نقش و کارکرد دین و معنویت در سلامت روانی*، بصیرت و تربیت اسلامی، سال ۱۳ شماره ۳۷، ۱۳۹۵ش.
- ۳۱- فخرالدین رازی، محمد بن عمر، *مفاتیح الغیب (التفسیر الکبیر)*، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۱ق.
- ۳۲- فقیهی، علی نقی، *بهداشت و سلامت روان در آینه علم و دین*، قم: انتشارات سبز، ۱۳۸۴ش.
- ۳۳- فقیهی، علی نقی، *عقل عاطفی در آموزه‌های اسلامی با تأکید بر کارکردهای تربیتی - روان‌شناختی آن*، دوفصلنامه عقل و دین، مؤسسه دین‌پژوهی علوی، سال نهم، شماره ۱۷، ۱۳۹۶الف.
- ۳۴- فقیهی، علی نقی، *مشاوره و روان‌درمانی در نگاه اسلامی (مبانی، اصول و روش‌ها)*، قم: انتشاراتی ابوالحسنی، ۱۳۹۶ب.
- ۳۵- فیض الاسلام، علی نقی، *ترجمه و شرح نهج البلاغه*، مشهد: انتشارات فقیه، ۱۳۸۱ش.
- ۳۶- قرشی، علی اکبر، *قاموس قرآن*، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۱۲ق.
- ۳۷- کاشانی، ملافتح الله، *منهج الصادقین فی الزام المخالفین*، تهران: کتابفروشی محمدحسن علمی، ۱۳۳۶ش.
- ۳۸- کاویانی، محمد و پناهی، علی احمد، *مفاهیم روان‌شناختی در قرآن*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۳ش.
- ۳۹- کرمی، جهانگیر و همکاران، *بررسی روابط چندگانه ابعاد جهت‌گیری مذهبی با سلامت روانی در دانشجویان دانشگاه رازی*، مجله علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شهید چمران، دوره ۱۳، شماره ۳، ۱۳۸۵ش.
- ۴۰- کولینز، جی آر، *روان‌شناسی دین و نقش دین در سلامت جسم و روان*، ترجمه مجتبی حیدری، ماهنامه معرفت، شماره ۷۵، ۱۳۸۲ش.



- ۴۱- کولینز، جی آر؛ وودز، تی ای، *روان شناسی دین و نقش دین در سلامت جسم و روان*، ترجمه مجتبی حیدری، مجله شماره ۷۵، ۱۳۸۲ ش.
- ۴۲- متقی هندی، علی بن حسام الدین، *کنز العمال فی سنن الأفعال والأفعال*، بیروت: مؤسسه الرسالة، ۱۴۰۱ ق.
- ۵۰- مجلسی، محمدباقر، *بحار الأنوار*، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
- ۵۱- مطهری، مرتضی، *مجموعه آثار*، ج ۲۳ و ۲۴، تهران: صدرا، بی تا.
- ۵۲- مظاهری، حسین، *تربیت فرزند از نظر اسلام*، تهران: مؤسسه انتشارات امیر کبیر، شرکت چاپ و نشر بین الملل، ۱۳۸۶ ش.
- ۵۳- معلوف، لوئیس، *المنجد فی اللغة*، قم: انتشارات اسماعیلیان، ۱۳۶۲ ش.
- ۵۴- مقداد، فاضل، *ارشاد الطالبین*، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی، ۱۴۰۵ ق.
- ۵۵- مکارم شیرازی، ناصر، *تفسیر نمونه*، تهران: دار الکتب الإسلامیة، ۱۳۷۴ ش.
- ۵۶- مکارم شیرازی، ناصر، *اخلاق در قرآن*، قم: امام علی بن ابی طالب (علیه السلام)، ۱۳۸۷ ش.
- ۵۷- میلانی فر، بهروز، *بهداشت روانی*، تهران: قومس، ۱۳۷۶ ش.
- ۵۸- نجاتی، محمدعثمان، *قرآن و روان شناسی*، ترجمه عباس عرب، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۷۲ ش.
- ۵۹- نراقی، محمد مهدی، *جامع السعادات*، بیروت: اعلمی، بی تا.
- ۶۰- نوری، حسین بن محمد تقی، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، قم: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام)، ۱۴۰۸ ق.
- ۶۱- یحیی آبادی، محمد، *قاعده توبه از منظر فقه و حقوق شیعه*، نشریه گفتمان فقه و اصول، سال سوم، شماره ۳، ۱۳۹۷ ش.

معنای زندگی در قرآن کریم

مریم موحدیان عطار^۱

چکیده

پرسش از معنای زندگی از مهم‌ترین سؤالاتی است که ذهن هر انسان متفکری را به خود مشغول کرده و با ورود به عصر مدرنیته، این پرسش همگانی‌تر شده و مهم‌تر از قبل جلوه می‌کند. در این مقاله سعی شده با استفاده از روش نقلی و تحلیل محتوایی به این سؤال پاسخ داده شود که معنای زندگی انسان به چیست و با تحقق چه چیزی، زندگی انسان معنادار می‌شود. بررسی‌های انجام شده نشان می‌دهد که زندگی حقیقی و معنادار انسان از نگاه قرآن، همان حیات طیبه است. ایمان و عمل صالح، به عنوان تنها راه ورود به این سطح از حیات، معرفی شده و نور و بصیرت، از اثرات این نوع زندگی است. با این نور است که انسان، حق را از باطل و نفع را از ضرر تشخیص می‌دهد، ارزش‌های حقیقی را می‌شناسد، به آنها متمایل می‌شود و با هر بار عمل، وجودش رشد و تکامل می‌یابد. زندگی در این سطح از حیات، معنادار می‌شود و معنای آن به تکاملی است که در انسان به واسطه این بصیرت ایجاد می‌گردد، که باعث می‌شود انسان در عین حال که به سمت هدف غایی خلقت خود حرکت می‌کند، با از دست دادن هر لحظه از زندگی چیزی بس گران‌بها تر کسب کند.

واژگان کلیدی: معنا، زندگی، معنای زندگی، حیات طیبه، قرآن کریم.

۱. دانش‌آموخته دوره کارشناسی رشته معارف اسلامی و علوم تربیتی، دانشگاه معارف قرآن و عترت (پایگاه) اصفهان

m.movahedian2009@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۹۹/۶/۳۰

تاریخ دریافت: ۹۹/۵/۲۰



معنای زندگی از مسائلی است که امروزه به صورت جدی برای متفکران و اندیشمندان مطرح است. دانشمندان دینی، روان‌شناسان و مشاوران برای حل مشکلات روانی و پیشگیری از پدید آمدن آن‌ها در افراد جامعه، کوشش‌هایی کرده‌اند. با توجه به همه پیشرفت‌ها در علم روان‌شناسی، آنچه مشهود و محسوس است، این است که نظام‌های روان‌شناسی و فلسفی با وجود مزایایشان هنوز نتوانسته‌اند نیاز انسان را تأمین کنند و هنوز نقایص زیادی در نظریه و فنون آن‌ها وجود دارد (ابوالمعالی و آل یاسین، ۱۳۹۵، ص ۸۶).

طبیعی است که یک مسلمان شیعه، طالب آن باشد که جواب این سؤال اساسی و مهم را از مراجع مورد اعتماد دینی خود، یعنی قرآن و سخنان اهل بیت (علیهم‌السلام) بجوید. از این رو، مقاله حاضر درصدد است با بررسی آیات قرآن و روایات اهل بیت (علیهم‌السلام) به این سؤال مهم پاسخ دهد که در چه صورت و با تحقق چه چیزی، زندگی انسان معنادار می‌شود. همچنین در خلال بحث به این سؤالات نیز پاسخ داده می‌شود: رابطه هدف غایی و متعالی خداوند با معنای زندگی انسان چیست؟ ویژگی‌های معنا از منظر قرآن چیست؟ و چه رابطه‌ای بین این ویژگی‌ها با ویژگی‌هایی که تحقیقات انجام شده در این زمینه تاکنون ارائه داده‌اند، وجود دارد؟ همچنین «حیات طیبه» چیست و چه ارتباطی با موضوع معنای زندگی دارد؟

در این پژوهش از روش تحقیق نقلی و تحلیل محتوایی استفاده شده است. فرضیه تحقیق حاضر، آن است که زندگی حقیقی و معنادار انسان از نگاه قرآن، همان «حیات طیبه» است و معنای زندگی به حرکت در مسیر عبودیت، در سطح حیات طیبه است. انسان به محض انجام عمل صالح همراه با ایمان از جانب خداوند، نور و بصیرتی می‌یابد که با آن نور، حق را از باطل و نفع را از ضرر تشخیص می‌دهد و بدین ترتیب، بصیرت شناخت و درک اهداف و ارزش‌های حقیقی را پیدا می‌کند و با هر بار عمل بر اساس این بصیرت، به هدف غایی خداوند نزدیک‌تر شده و در نتیجه زندگی‌اش معنادارتر می‌شود.

تاکنون مطالعات زیادی در رابطه با هدف خلقت انسان، هدفدار بودن خلقت جهان و حتی



معنای زندگی انجام شده است، اما به نظر می‌رسد هنوز خلأهایی در پاسخ‌های ارائه شده وجود دارد؛ برای مثال واحد نبودن پاسخ‌ها، کاربردی نبودن و قابل فهم نبودن پاسخ‌ها، خلط شدن مباحث حاشیه‌ای با اصل موضوع و همچنین بی‌پاسخ ماندن بسیاری از سؤالات در پی پاسخ‌های داده شده. در این مقاله سعی بر آن است که رابطه مباحث مربوط به معنای زندگی با اصل موضوع معنای زندگی، مشخص شده و به اصل معنای زندگی پرداخته شود.

پرسش از معنای زندگی یکی از مهم‌ترین پرسش‌هایی است که بشر از ابتدای حیات خود با آن روبه‌رو بوده است؛ هر چند پیشینه این موضوع، تحت عنوان معنای زندگی به دوران پس از مدرنیته بازمی‌گردد. این بحث قریب به دو دهه است که در جامعه علمی ایران مطرح شده است و در همین دو دهه، آثار زیادی در این زمینه تألیف و ترجمه شده است که خود نشانه اهمیت آن در جامعه امروز ماست (علی‌خانی، ۱۳۹۴، ص ۱۱۳).

۱- معنای «معنای زندگی»

پیش از هر پاسخی، باید به تحلیل خود سؤال معنای زندگی پرداخته شود؛ زیرا این سؤال، خود بسیار ابهام‌آمیز بوده و بحث‌های فراوانی درباره مفهوم دقیق آن تاکنون صورت گرفته است.

۱-۱ معنای «معنا»

در پرسش از مفهوم واژه «معنا» در عبارت «معنای زندگی» سه مفهوم، بیشترین شهرت را دارند؛ هر چند مفاهیم دیگری نیز برای این واژه ارائه شده است. یکی از آن‌ها «معنا» به مثابه «هدف، مطلوب و غایت» است. معنای دیگری که برای این کلمه می‌توان در نظر گرفت، «ارزش، اهمیت و اعتبار» است (علی‌زمانی، ۱۳۸۶، ص ۶۸) و معنای سومی که برای این واژه گفته شده، «کارکرد» است (دیانی، ۱۳۹۰، ص ۲۴).

در صورت اول سؤال «هدف زندگی چیست؟» مطرح است. همچنین «اگر پرسیم آیا



زندگی به زیستش می‌ارزد؟» در این صورت از ارزش زندگی سؤال شده است. اگر سودی که زندگی‌کننده از زندگی می‌برد، بیشتر از هزینه‌ای است که برای زندگی کردن می‌پردازد، آن وقت زندگی می‌ارزیده و اگر مجموع سود کمتر است، آن وقت این زندگی ارزش ندارد؛ یعنی معنی ندارد و اگر بپرسیم «در صورت نبودن انسان چه اتفاقی در عالم می‌افتاد؟» جواب، کارکرد انسان را مشخص می‌نماید (ملکیان، ۱۳۸۲، ص ۱۹).

اما صرف نظر کردن از هر یک از این مفاهیم به نفع دیگری از جامعیت و دقت این مفهوم می‌کاهد. بهتر است معنای «معنا» را جمع هر سه مفهوم «هدف، ارزش و کارکرد» در نظر گرفت و بنابراین، سؤال این‌گونه می‌شود که از منظر قرآن کریم در چه صورت و با تحقق چه چیزی، زندگی انسان معنادار یعنی دارای هدف، ارزش و کارکرد می‌شود؟

۱-۲ معنای «زندگی»

بحث معنای زندگی، غالباً در سه سطح مطرح می‌شود؛ ۱. زندگی نوع بشر؛ ۲. زندگی یک فرد خاص؛ ۳. زندگی خود من. در معنایابی برای ترکیب «معنای زندگی» باید ببینیم، کدام یک از این سطوح مورد نظر است؛ مراد، معنای زندگی نوع بشر است، معنای زندگی یک فرد خاص است یا معنای زندگی خودم؟ آنچه مورد توجه نظریه‌پردازان در باب معنای زندگی است، پرسش از معنای زندگی به‌طور کلی و عام است (علی‌زمانی و زنجانیان، ۱۳۹۶، ص ۳۹).

۲- کشف یا جعل معنای زندگی

«مسأله کشف و جعل معنای زندگی، ذیل مسأله معنای زندگی قرار می‌گیرد که خود جزء مسائل فلسفه دین است. نظریه کشف معنای زندگی می‌گوید، اولاً معنا به عنوان واقعیتهای خارجی وجود دارد، ثانیاً این معنا قابل کشف است؛ یعنی می‌توانیم آن را بفهمیم و درک کنیم. در مقابل، نظریه جعل معنای زندگی می‌گوید، اولاً معنا به عنوان واقعیتهای خارجی وجود



ندارد، ثانیاً چون وجود ندارد، قابلیت کشف ندارد و لذا ما باید خودمان معنایی برای زندگی خویش جعل کنیم. بنابراین چنانچه کشف‌باور باشیم، باید درباره معنایی، بحث کنیم و چنانچه جعل‌باور باشیم، درباره معنابخشی» (امانی، ۱۳۹۴، ص ۲).

۳- مؤلفه‌های معنای زندگی

در برخی تحقیقات، ویژگی‌های مشخصی را برای معنای مطلوب زندگی برشمرده‌اند. این ویژگی‌ها، ویژگی‌های معنا برای انسان است. به عبارتی باید توجه داشت که معنای زندگی انسان دو وجه دارد؛ یک وجه آن انسان است و یک وجه آن خداوند. معنا باید برای انسان ویژگی‌های خاص خود را داشته باشد تا بتواند برای او معنابخش باشد و در عین حال باید مطابق با ویژگی‌ها و ارزش‌های حقیقی باشد که خداوند تعیین کرده است که این وجه دوم معناست. در ادامه به ویژگی‌های معنا از نگاه قرآن نیز پرداخته می‌شود.

مطابق یک بررسی، چیزی می‌تواند زندگی را معنا بخشد که از هفت ویژگی زیر برخوردار باشد:

- ۱- شورانگیز باشد؛ یعنی باید موجب فعالیت و تلاش شود و یا دست کم نباید سستی و ضعف ایجاد کند؛
- ۲- ساده و در عین حال ژرف باشد؛ معنای مطلوب آن است که نه چندان پیچیده و غامض باشد که فقط به‌کار نخبگان آید و نه چندان ساده سطحی باشد که انسان‌های ژرف‌نگر را به‌کار نیاید؛
- ۳- هماهنگ با درون باشد؛ معنای زندگی باید با تمام نیازها و خواسته‌های انسان سازگار بوده و تحمیلی بر انسان نباشد؛
- ۴- اطمینان‌بخش باشد؛ معنای زندگی باید بتواند باور عمیقی به خود جلب کرده و به انسان اطمینان دهد؛
- ۵- واقع‌نگرانه باشد؛ نباید آرمانی و خیال‌پردازانه باشد، بلکه انسان باید بتواند آن را دست‌یافتنی تلقی کند؛



۶- عام و فراگیر باشد؛ معنای زندگی انسان نباید محدود به بخشی از انسان‌ها و گروهی خاص باشد؛

۷- کلی و جامع باشد؛ به همه ابعاد زندگی، اعم از مادی و معنوی، نظر داشته باشد (موفق، ۱۳۸۸).

از میان ویژگی‌های گفته شده آنچه از همه مهم‌تر است، قابل فهم و شورانگیز بودن معنا و هماهنگی آن با درون انسان است. زیرا ابتدا شخص باید کاملاً آن را بفهمد تا آن معنا بتواند برای او ایجاد انگیزه و حرکت کند. همچنین معنا باید به گونه‌ای باشد که با فهم آن، انسان در خود احساس تحرک کند و هم اینکه باید با نیازها و خواسته‌ها و استعدادها و توانایی‌های انسان سازگار باشد.

مباحث مربوط به معنای زندگی از دیدگاه قرآن

در قرآن شواهد زیادی از زندگی انسان‌هایی آمده است که زندگی آنها از نگاه خودشان معنادار بوده، ولی با این حال از نگاه قرآن این زندگی دارای معنای حقیقی نمی‌باشد^۱ یا به عبارتی هدف آنها از منظر قرآن حقیقتاً ارزشمند نیست. هرچند به زعم خود آنها شورانگیز و هماهنگ با درون و قابل فهم باشد.

۴- معیارهای معنا از نگاه قرآن

۴-۱ معنای زندگی نباید صرفاً دنیوی باشد^۲؛

۱. إِنَّ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا وَرَضُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاطْمَأَنَّنُوا بِهَا وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ آيَاتِنَا غَافِلُونَ ، أُولَٰئِكَ مَاوَاهُم النَّارُ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ (یونس/۸ و ۷).

زَيْنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ وَالْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَالْخَيْلِ الْمُسَوَّمَةِ وَالْأَنْعَامِ وَالْخَرْبِ ذَلِكَ مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَآبِ (آل عمران/۱۴).

۲. أَرْضَيْتُمْ بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا مِنَ الْآخِرَةِ فَمَا مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا قَلِيلٌ (الانفال/۳۸).
لَيَبْوَتْهُمْ أَوْبَاتُهَا يُنَكَّبُونَ ، وَ تُحَرَّفًا وَ إِن كُلَّ ذَلِكَ لَمَّا مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةُ عِنْدَ رَبِّكَ لِلْمُتَّقِينَ (سبأ/۳۴ و ۳۵)؛ كَلَّا بَلْ تُحِبُّونَ الْعَاجِلَةَ ، وَ تَذَرُونَ الْآخِرَةَ (القيامة/۲۰ و ۲۱).



بلکه باید چیزی باشد که برای مرحله دوم زندگی انسان، یعنی جهان آخرت، هم کارکرد و فایده داشته باشد.^۱ حیات این دنیا از نظر قرآن، حیاتی ابتدائی است و مرحله پست حیات به شمار می‌رود. آیات قرآن کریم به بیان این حقیقت نیز می‌پردازد که حیات معمولی و پست این دنیا نمی‌تواند آرمان و ایده‌آل نهائی انسان تلقی شود؛ زیرا این دنیا در عین جالب بودن، حقیقتی است ابتدائی؛ نه متعالی و نهائی. از این رو، قرآن از این گونه حیات، با عباراتی همچون متاع فریبنده، لهو و بیهوده، بازی، متاع اندک، آرایش فریبا و... تعبیر می‌کند که در سوره‌های مختلف و آیات متعدد بیان شده است.^۲

علی‌رغم جذابیت‌ها و ارزش‌های ظاهری که در حیات دنیا مشاهده می‌شود و می‌تواند وسیله کمال و تعالی انسان نیز باشد، نمی‌تواند هدف نهائی زندگی قرار گیرد. (هاشمی، ۱۳۸۲، ص ۱۳) و حیات حقیقی انسان در جهان آخرت است.^۳

۴-۲ لهو و لعب نباشد؛^۴

جدی و بافایده باشد. قرآن این دو ویژگی را ویژگی‌های اصلی دنیا می‌داند و به دلیل همین دو ویژگی، دنیا را کافی نمی‌داند، گویی زندگی حقیقی باید خلاف این دو ویژگی را داشته باشد. در کلامی از امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) آمده است: ای مردم! به خدا تقوا بورزید و هیچ کسی بیهوده آفریده نشده است تا بازی کند و بی‌اصل و تکلیف هم رها نشده است تا به زندگی بی‌فایده بپردازد (نهج البلاغه، حکمت ۲۷۳).

۴-۳ ماندگار و صالح باشد^۵

۱. وَ مَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ وَسَعَىٰ لَهَا سَعْيَهَا وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ كَانَ سَعْيُهُمْ مَشْكُورًا (الاسراء/ ۱۹).
 ۲. اَعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَ لَهُوَ زِينَةٌ وَ تَفَاحٌ بَيْنَكُمْ وَ تَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَ الْأَوْلَادِ كَمَثَلِ غَيْثٍ أَعْجَبَ الْكُفَّارَ نَبَاتُهُ ثُمَّ يَهِيْجُ فَتَرَاهُ مَضْفَرًا ثُمَّ يَكُونُ حُطَامًا وَ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَ مَغْفِرَةٌ مِّنَ اللَّهِ وَ رِضْوَانٌ وَ مَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ (الحديد/ ۲۰) و (آل عمران/ ۱۸۵، الانعام/ ۳۲، التوبة/ ۳۸، الزَّعْد/ ۲۶، العنكبوت/ ۶۴، محمد/ ۳۶).
 ۳. وَ مَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهُوَ وَ لَعِبٌ وَ إِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِیَ الْحَيَوَانِ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ (العنكبوت/ ۶۴).
 ۴. وَ مَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَعِبٌ وَ لَهُوَ وَلَلْآخِرَةُ خَيْرٌ لِّلَّذِينَ يَتَّقُونَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ (الانعام/ ۳۲).
 ۵. وَ مَا أَوْثَقْتُمْ مِّن شَيْءٍ فَمَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ زِينَتُهَا وَ مَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ وَ أَبْقَى أَفَلَا تَعْقِلُونَ (القصص/ ۶۰).
- الْمَالُ وَ النَّبُوتُ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ الْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَ خَيْرٌ أَمَلًا (الكهف/ ۴۶).



معنای زندگی انسان باید معنایی باشد که ناظر بر هر دو مرحله زندگی انسان باشد. بنابراین باید ماندگار باشد و صرفاً در دنیا خلاصه نشود. همچنین باید صالح باشد. عمل صالح یعنی عملی که به مقتضای ایمان، و مطابق با اوامر و نواهی و رضایت الهی است.

۴-۴ رشد دهنده باشد^۱

رشد در آیه ۲۵۶ سوره البقره در مقابل «غی» به معنای گمراهی، نادانی و فرورفتن در باطل، روی گردانیدن از راه راست، جهالت و نادانی که منشأ آن اعتقاد فاسد و بی‌اساس است، به کار رفته است. (خلیلی چوپانلو، ۱۳۹۵، ص ۱۵) بنا بر این آیه، معنا چنانچه در مسیر حق باشد، رشد دهنده است.

از امام کاظم (علیه السلام) نقل است که می‌فرمایند: کسی که دو روزش با هم برابر باشد، زیان‌کار است. کسی که امروزش بدتر از دیروزش باشد، از رحمت خدا به دور است و کسی که رشد و بالندگی در خود نیابد، به سوی کاستی‌ها می‌رود و در راه کاستی و نقصان گام‌برمی‌دارد مرگ برایش بهتر از زندگی است^۲ (بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۳۲۷).

۴-۵ در راستای رضایت خدا و در بستر تقوا و خدامحوری باشد و خلافت نباشد^۳

قرآن کریم در موارد زیادی شرط هدف‌ها و انگیزه‌های انسان را تقوا و خدامحوری معرفی

مَا عِنْدَكُمْ يَنْفَدُ وَمَا عِنْدَ اللَّهِ بَاقٍ وَلَنَجْزِيَنَّ الَّذِينَ صَبَرُوا أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (التحل/۹۶)
۱. لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِن بِاللَّهِ فَقَدْ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى لَا انْفِصَامَ لَهَا وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (البقره/۲۵۶)

إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَوَلَّيْنَاهُ فَأَتْبَعُوا آمَرَ فِرْعَوْنَ وَ مَا أَمَرَ فِرْعَوْنَ بِرَشِيدٍ (هود/۹۷)
يَهْدِي إِلَى الرُّشْدِ فَآمَنَّا بِهِ وَلَنْ نُشْرِكَ بِرَبِّنَا أَحَدًا (الجن/۲)
وَ أَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ وَمِنَ الْقَاسِطِينَ فَمَنْ أَسْلَمَ فَأُولَٰئِكَ تَحَرَّوْا رَشَدًا (الجن/۱۴)
۲. مَنْ أَسْتَوَىٰ يَوْمَآ فَهُوَ مَغْبُورٌ وَمَنْ كَانَ آخِرُ يَوْمَيْهِ شَرًّا فَهُوَ مَلْعُونٌ وَمَنْ لَمْ يَعْرِفِ الزَّيَادَةَ فِي نَفْسِهِ فَهُوَ فِي نَقْصَانٍ وَمَنْ كَانَ إِلَى النَّقْصَانِ فَالْمَوْتُ خَيْرٌ لَهُ مِنَ الْحَيَاةِ.

۳. وَلَوْ أَنَّهُمْ فَعَلُوا مَا يُوعَظُونَ بِهِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ وَأَسَدُ تُبَيَّنَّا (التساء/۶۶)؛ وَإِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَ رَبُّكُمْ فَأَعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ (مريم/۳۶).

می‌کند. گویا هر هدفی در این بستر می‌تواند انسان را به هدف اصلی خود نزدیک کند.

۵- آیات مربوط به معنای زندگی

به‌طور کلی آیات مربوط به معنای زندگی در قرآن کریم به چند دسته تقسیم می‌شود؛ دسته اول آیات مربوط به جهان‌بینی و نگرش قرآن است که بستر فکری لازم را برای تعیین یا کشف معنای زندگی انسان فراهم می‌کنند. دسته دیگر آیاتی هستند که به لوازم و موانع و نتایج زندگی معنادار حقیقی بر طبق این نگاه اشاره می‌کنند و دسته سوم آیاتی هستند که به اهداف خداوند از خلقت و ابتلائات انسان اشاره دارند و در نهایت دسته‌ای از آیات هستند که به زندگی حقیقی و معنادار می‌پردازند و به بحث معنای زندگی نزدیک‌ترند. در اینجا هر چهار دسته آیه مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ چرا که هر کدام با این بحث ارتباطی تنگاتنگ دارند؛ به‌طوری که در بسیاری از مطالعات انجام شده به جای اصل معنا به یکی از این موارد پرداخته شده است.

۵-۱ جهان‌بینی قرآن

برای بررسی معنای زندگی از دیدگاه قرآن، باید جهان‌بینی قرآن را در چند حوزه مورد بررسی قرار داد. زیرا تعیین یا کشف معنای زندگی، بستگی زیادی به جهان‌بینی و نگرش‌های انسان دارد. بنابراین در بسیاری از آیات، خداوند ابتدا جهان‌بینی درست و حقیقی را به انسان متذکر می‌شود، تا بدین ترتیب کم‌کم بستر معنای مورد نظر قرآن در ذهن شکل گیرد. مانند:

۵-۱-۱ مسأله وجود معاد و جهان آخرت و محدود نبودن زندگی انسان به دنیا در بسیاری از آیات، قرآن به وجود جهانی غیر از دنیا اشاره شده و در واقع از دید قرآن، زندگی انسان را دو مرحله تشکیل می‌دهد: مرحله «دنیا» و مرحله «آخرت»^۱ و اتفاقاً اصل

۱. يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ ظَاهَرُوا مِنَ الْحَيٰۤاتِ الدُّنْيَا وَهُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُوْنَ (الروم/۷).



و بقای زندگی انسان مرحله آخرت تعریف می‌شود^۱ و بر اساس این نگاه، عدم ایمان به معاد و جهان آخرت یا غفلت از آن و اکتفا به دنیا و اهداف دنیوی صرف، انسان را از یک زندگی معنادار و ارزشمند دور و منحرف می‌سازد^۲.

۵-۱-۲ نگاه به مرگ در قرآن

مرگ در قرآن به معنای نیستی و نابودی نیست و تضادی میان مرگ و معنا وجود ندارد. بلکه نگاه قرآن به مرگ یکی از عوامل معنابخش به زندگی است و به میل عمیق انسان به جاودانگی پاسخ می‌دهد^۳.

۵-۱-۳ اصالت دادن به آخرت در مقابل دنیا

دنیا در نگاه قرآن به خودی خود، ارزشی ندارد بلکه وسیله‌ای است برای آخرت که مرحله اصلی زندگی انسان به شمار می‌رود^۴ و آخرت است که ماندگار و جاودان می‌باشد^۵.

۵-۱-۴ هدفمندی خلقت جهان و انسان

بر اساس جهان بینی و نگرش قرآن، خداوند از خلقت جهان هدف دارد و وجود این جهان، تصادفی و اتفاقی نیست^۶. انسان نیز به عنوان عضو مهمی از این خلقت، بیهوده و عبث آفریده نشده است و غیر از آیاتی که به هدفمندی خلقت جهان اشاره دارد، آیات متعددی به طور

۱. يَا قَوْمِ إِنَّمَا هَٰذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا مَتَاعٌ وَإِنَّ الْآخِرَةَ هِيَ دَارُ الْقَرَارِ (غافر/۳۹).

۲. وَإِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ عَنِ الصِّرَاطِ لَنَّاَكِبُونَ (المؤمنون/۷۴).

۳. إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ (البقرة/۱۵۶)؛ وَلَكِنَّ مَثَلَكُمْ أَكْبَرُ أَوْ قُتِلْتُمْ لَإِلَى اللَّهِ تُحْشَرُونَ (آل عمران/۱۵۸).

۴. وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهُوٌّ وَلَعِبٌ وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ (العنكبوت/۷۴).

۵. وَلِلْآخِرَةِ خَيْرٌ لَّكَ مِنَ الْأُولَى (الضحی/۴) زیرا و الآخرة خیر و ابقی (الاعلی/۱۷).

۶. و يتفكرون في خلق السماوات و الارض ربنا ما خلقت هذا باطلا (آل عمران/۱۹۱)؛ و هو الذي خلق السماوات و الارض بالحق (الانعام/۷۳)؛ و ما خلقنا السماء و الارض و ما بينهما لالعین (الانبیاء/۱۶).



ویژه به هدفمندی خلقت انسان اشاره می‌کنند.^۱ چنانچه انسان به این اصل ایمان و اعتقاد داشته باشد، هرگز زندگی را امری تصادفی و بی‌هدف و بیهوده تلقی نمی‌کند و در پی یافتن این هدف و تحقق آن برمی‌آید.

۵-۲ آیات مربوط به لوازم، موانع، مسیر و نتایج زندگی معنادار

نکته‌ای که در اینجا باید ذکر شود این است که مفاهیمی مانند: فوز و فلاح، ضلالت و خسران، صراط مستقیم، تقوا و عبودیت، ایمان و عمل صالح به نوعی با مسأله معنای زندگی در ارتباط هستند، ولی باید توجه داشت که خود معنا نیستند و باید برای جلوگیری از خلط این مباحث با اصل معنای زندگی، به ارتباط آنها با مسأله معنای زندگی اشاره شود.

۵-۲-۱ لوازم و شروط یک زندگی معنادار

با توجه به آیات زیر، مهم‌ترین لوازم و شروط داشتن یک زندگی معنادار، ایمان، عمل صالح^۲، تقوا^۳، حق‌مداری^۴، عبد بودن^۵، ذکر و یاد خدا^۶، تزکیه نفس^۷، استقامت در اعتقاد و پایداری در ایمان^۸، اطاعت از حدود و قوانین الهی^۹ است. این عوامل در نگاه اول متعدد به نظر می‌آیند ولی در اصل در یک مفهوم خلاصه می‌شوند و آن ایمان و باور قلبی به خداوند و آنچه فرو فرستاده و عمل به مقتضای آن ایمان است. تعدد این مفاهیم از این باب است که هرکدام به

۱. أفحسبتم انما خلقناكم عبثا و انكم الينا لا ترجعون (المؤمنون/۱۱۵).

۲. الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ طُوبَى لَهُمْ وَحَسُنَ مَا أَبْرَزَ (الزُّمَر/۲۹).

۳. لَا تَسْتَوِي السَّيِّئُ وَالطَّيِّبُ وَ لَوْ أَعْجَبَكَ كَثْرَةُ السَّيِّئِ فَاتَّقُوا اللَّهَ يَأُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (المائدة/۱۰۲).

۴. وَالْوَزْنَ يُؤْمِنُ الْحَقُّ فَمَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (الاعراف/۸).

۵. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ارْكَعُوا وَاسْجُدُوا وَاعْبُدُوا رَبَّكُمْ وَافْعَلُوا الْخَيْرَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (الحج/۷۷).

۶. وَادْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (الصَّف/۱۰).

۷. قَدْ أَفْلَحَ مَنْ رَزَّاهَا (الشمس/۹).

۸. الَّذِينَ آمَنُوا وَ هَاجَرُوا وَ جَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَ أَنْفُسِهِمْ أَعْظَمَ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ (التوبة/۲۰).

۹. تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَ مَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَ ذَلِكَ الْقَوْزُ الْعَظِيمُ (التساء/۱۳)؛ وَ مَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ يَخْشَ اللَّهَ وَ يَتَّقِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ (التور/۵۲).



بعدی از ابعاد ایمان و عمل اشاره می‌کنند. برای مثال، عمل گاهی به صورت جهاد و استقامت ظاهری نمایان می‌شود و گاهی در قلب و فکر به صورت تزکیه و ذکر است و در وهله اول بروز ظاهری ندارد.

۵-۲-۲ موانع زندگی معنادار

اموری از قبیل کفر^۱، شرک^۲، عدم ایمان به آخرت^۳، تبعیت از هوا و هوس خود به جای تبعیت از حق^۴، آلوده کردن نفس^۵ و ترجیح دنیا به آخرت^۶، اموری هستند که با وجود این‌ها انسان هرگز قابلیت و آمادگی شناخت معنای مورد نظر خداوند را پیدا نمی‌کند.

۵-۲-۳ نتایج زندگی معنادار

بهشت^۷، فوز و فلاح^۸، رسیدن به مقام راضی و مرضی^۹، ایمنی از ضرر^{۱۰} و ایمنی از ناراحتی و اضطراب^{۱۱} نتایج یک زندگی معنادار هستند. باید توجه شود که این امور ثمرات معنا هستند، نه خود آن.

۱. اِنَّ الَّذِیْنَ كَفَرُوا وَ صَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللّٰهِ قَدْ ضَلُّوا ضَلَالًا بَعِیدًا (النساء/ ۱۶۷).
۲. یَدْعُو مِنْ دُونِ اللّٰهِ مَا لَا یَنْفَعُهُ وَ مَا لَا یَضُرُّهُ وَ مَا لَا یَنْفَعُهُ ذَٰلِكَ هُوَ الضَّلَالُ الْبَعِیدُ (الحج/ ۱۲).
۳. وَ اِنَّ الَّذِیْنَ لَا یُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ عَنِ الصِّرَاطِ لَنَّاَكِبُونَ (المؤمنون/ ۷۴).
۴. فَاِنْ لَّمْ یَسْتَجِیْبُوْا لَكَ فَاعْلَمْ اَنْمَّا یَسْبُغُوْنَ اَهْوَاءَهُمْ وَ مَنْ اَضَلُّ مِمَّنْ اَتَّبَعَ اَهْوَاءَ بَغَیْرِ هُدًی مِنَ اللّٰهِ اِنَّ اللّٰهَ لَا یَهْدِی الْقَوْمَ الظَّالِمِیْنَ (القصص/ ۵۰).
۵. وَ قَدْ حَآبَ مِنْ دَسَآهَا (الشمس/ ۱۰).
۶. ذَٰلِكَ بِاَنْهُمْ اسْتَحْبَوْا الْحَیَاةَ الدُّنْیَا عَلٰی الْآخِرَةِ وَ اَنَّ اللّٰهَ لَا یَهْدِی الْقَوْمَ الْكَافِرِیْنَ (التحل/ ۱۰۷).
۷. لَیُدْخِلَ الْمُؤْمِنِیْنَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِی مِنْ تَحْتِهَا الْاَنْهَارُ خَالِدِیْنَ فِيْهَا وَ یُكْفَرُ عَنْهُمْ سَبِیَاتِهِمْ وَ كَانَ ذَٰلِكَ عِنْدَ اللّٰهِ قُوْرًا عَظِیْمًا (محمّد/ ۵).
۸. وَ الْوَزْنُ یَوْمَئِذٍ الْحَقُّ فَمَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِیْهُ فَاولٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُوْنَ (الاعراف/ ۸).
۹. قَالَ اللّٰهُ هَٰذَا یَوْمٌ یَنْفَعُ الصّٰدِقِیْنَ صِدْقُهُمْ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِی مِنْ تَحْتِهَا الْاَنْهَارُ خَالِدِیْنَ فِيْهَا اَبَدًا رَضِیَ اللّٰهُ عَنْهُمْ وَ رَضُوا عَنْهُ ذَٰلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِیْمُ (المائدة/ ۱۱۹)؛ فَاَمَّا مَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِیْهُ فَهُوَ فِیْ عِشَیةٍ رَّاٰیةٍ (الفرع/ ۷۶).
۱۰. وَ یُنْجِی اللّٰهُ الَّذِیْنَ اَتَّقَوْا بِمَقَارَتِهِمْ لَا یَمْسُهُمْ السُّوْءُ وَ لَا هُمْ یَحْزَنُوْنَ (الزمر/ ۶۱).
۱۱. وَ مَا تُرْسِلُ الْمُرْسَلِیْنَ اِلَّا مُبَشِّرِیْنَ وَ مُنْذِرِیْنَ فَمَنْ اٰمَنَ وَ اَصْلَحَ فَلَا خَوْفٌ عَلَیْهِمْ وَ لَا هُمْ یَحْزَنُوْنَ (الانعام/ ۴۸).

۵-۳ آیات مرتبط با اهداف غایی و متعالی انسان

بررسی‌هایی که در رابطه با هدف و معنای زندگی در قرآن انجام شده نشان می‌دهد که دو نوع هدف در قرآن برای انسان وجود دارد؛ اهداف میانی و اهداف غایی.

۵-۳-۱ اهداف میانی و واسطه‌ای

مانند علم و معرفت^۱، عبادت^۲، تقوا^۳، تشکر^۴، تذکر^۵، تعقل^۶، هدایت یافتن (دیانی، ۱۳۹۰، ص ۳۳).

۵-۳-۲ هدف یا اهداف غایی

در رابطه با هدف غایی انسان نظرات مختلفی وجود دارد مانند تقرب به خداوند که آن را برابر با رسیدن به تمام کمالات و زیبایی‌ها و لذتها می‌دانند. (هاشمی، ۱۳۸۲، ص ۱۵) لقاء الهی، تحقق صفات الهی در روح انسان، حیات طیبه^۷ و سعادت^۸ (دیانی، ۱۳۹۰، ص ۳۴) رسیدن به مقام عبودیت محض و آگاهانه در برابر خداوند و رسیدن به مقام یقین^۹.

۶- ارتباط معنای زندگی انسان با هدف خلقت انسان

سؤالی که در اینجا مطرح است، آن است که آیا صرف کشف و آگاهی از هدف خلقت، انسان

۱. اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَمِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ يَتَنَزَّلُ الْأَمْرُ بَيْنَهُنَّ لِتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَأَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا (الطلاق/۱۲).
۲. وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ (الذاریات/۵۶).
۳. وَتَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَىٰ وَاتَّقُونِ يَا أُولِيَ الْأَلْبَابِ (البقرة/۱۹۷).
۴. ثُمَّ سَوَّاهُ وَنَفَخَ فِيهِ مِنْ رُوحِهِ وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ (السجدة/۹).
۵. وَادْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (الصف/۱۰).
۶. هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ يُخْرِجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ لِتَبْلُغُوا أَشُدَّكُمْ ثُمَّ لِتَكُونُوا شُيُوخًا وَ مِنْكُمْ مَنْ يُوَفِّي مِنْ قَبْلُ وَ لِيَبْلُغُوا أَجْلًا مُّسَمًّى وَ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ (غافر/۶۷).
۷. مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّن ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَ لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (التحل/۹۷).
۸. سعادت را گاهی هدف و گاهی نتیجه در نظر گرفته‌اند.
۹. وَ اعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّىٰ يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ (الحجر/۹۹).





معنای زندگی خود را یافته است؟

پاسخ این است که غایتمندی نظام آفرینش، امری عینی و مربوط به عالم خارج و مستقل از ذهنیت فرد است. در حالی که معنای زندگی امری مربوط به ذهن و روان فرد است. برای آنکه زندگی فرد معنادار شود، علاوه بر آگاهی، وی باید معنا را درک کند؛ تا زمانی که انسان هدف خلقت را نفهمد و درک نکند، زندگی اش معنا نمی‌یابد.

شاید بتوان گفت این تعدّد ظاهری اهداف در قرآن، اعم از اهداف غایی یا میانی که البته همگی در طول هم و پله‌های یک نردبان هستند، به همین علت است که درجات فهم انسان‌ها با هم متفاوت است و به همین دلیل، میزان تمایل و شوق انسان‌ها حتی به اهداف ارزشمند و متعالی هم با یکدیگر متفاوت است و در واقع خداوند با توجه به تفاوت درجه فهم انسان‌ها، در آیات قرآن هم تأکید بیشتر را روی مسیر و لوازم و موانعی قرار داده است که هم برای انسان قابل فهم‌تر هستند و هم با عمل، خود به خود انسان را به هدف غایی خداوند می‌رسانند و به این نحو انسان پله‌های نردبان را به سوی هدف غایی که خداوند قرار داده است، طی می‌کند؛ نه به این منظور که این موارد اصل و جوهر معنا هستند، بلکه از این جهت که این موارد موجب حرکت صحیح به سمت هدف یا اهداف الهی می‌شوند. بنابراین هر انسانی در این مسیر قرار گیرد، عوامل را به کار گیرد و موانع را بشناسد و خود را از انحراف حفظ کند، زندگی او معنا پیدا می‌کند، چه کاملاً از آن هدف آگاه باشد و چه اجمالاً.

در حدیثی از امام علی (علیه السلام) نقل شده که فرمودند: «عبادت کنندگان سه دسته هستند؛ گروهی خدا را به شوق ثواب عبادت می‌کنند که این عبادت تاجران است، گروهی از بیم عذاب، خدا را عبادت می‌کنند که این عبادت بندگان است و گروهی نیز به خاطر شکر و سپاس از خداوند، او را عبادت می‌کنند که این عبادت آزادگان است» (نهج البلاغه، حکمت ۲۳۷).

۱. إِنَّ قَوْمًا عَبَدُوا اللَّهَ رَغْبَةً فَتِلْكَ عِبَادَةُ التَّجَارِ، وَ إِنَّ قَوْمًا عَبَدُوا اللَّهَ رَهْبَةً فَتِلْكَ عِبَادَةُ الْعَبِيدِ، وَ إِنَّ قَوْمًا عَبَدُوا اللَّهَ شُكْرًا فَتِلْكَ عِبَادَةُ الْأَحْرَارِ.



بنابراین به نظر می‌رسد از نگاه دینی هر چند که در حقیقت، هدف غایی مشخص است، ولی در واقع هر هدفی که در مسیر آن هدف متعالی برای انسان قابل فهم باشد و انسان آن را برگزیند، چون در طول و جهت هدف غایی است، ارزشمند و قابل قبول است و تنها شرط آن، این است که محلّ توقّف انسان قرار نگیرد. حاصل بحث آنکه از نگاه دینی، هدفی که هر انسانی برای زندگی خود برمی‌گزیند، هر چند که ممکن است در وهله اول لزوماً همان هدف غایی و متعالی خداوند نباشد، ولی همین که در جهت آن باشد، برای معنادهی به زندگی انسان کافی است.

اما آیا هدف و حرکت به سمت هدف برای یک زندگی معنادار کافی است؟
هدف و حرکت، دو عِلّت ناقصه‌ای هستند که به محض جمع شدن، ایجاد معنا می‌کنند. گویی در اثر حرکت در این مسیر به سمت هدف‌های متعالی، اتّفاقی در درون یا بیرون زندگی انسان می‌افتد که زندگی او را معنادار می‌کند.

خداوند در آیه ۹۷ سوره النحل می‌فرماید: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ اُنْثٰی وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيٰٓةً طَيِّبَةً وَ لَنَجْزِيَنَّهُمْ اَجْرَهُمْ بِاَحْسَنِ مَا كَانُوْا يَعْمَلُوْنَ».

قرآن در این آیه، «حیات طیبه» را به عنوان یک زندگی صحیح و قابل ستایش و در نتیجه معنادار معرفی کرده و از زندگی بخشی به یک انسان زنده سخن می‌گوید. گویا تا قبل از این زنده شدن، انسان اصلاً زنده نبوده و زندگی او معنایی نداشته است. خداوند انسان زنده را انسانی می‌داند که در سطح حیات طیبه زندگی کند و تا زمانی که انسان به این حیات راه نیابد، زندگی او فاقد آثار زندگی حقیقی است. همچنین قرآن کریم، ایمان و عمل صالح که همان حرکت در مسیر اهداف الهی است را دو شرط اساسی و مهم برای تحقّق حیات طیبه و یک زندگی معنادار، معرفی می‌کند.

اما سؤال اینجاست که در اثر ایمان و عمل صالح چه اتّفاقی در درون انسان می‌افتد که

۱. هر کس از مرد و زن کار نیکی به شرط ایمان به خدا به جای آرد ما او را به زندگانی خوش و با سعادت زنده ابد می‌گردانیم و اجری بسیار بهتر از عمل نیکی که می‌کردند به آنان عطا می‌کنیم.



زندگی را معنادار می‌کند؟

با توجه به آیات قرآن می‌توان گفت: در اثر ایمان و عمل صالح، خداوند روح جدیدی در انسان به وجود می‌آورد که حیات طیبه و نتیجه آن روح است. خداوند متعال در وصف مؤمنان می‌فرماید: «أُولَئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَأَيَّدَهُم بِرُوحٍ مِنْهُ...»^۱ و چون «روح» مبدأ حیات، و منشأ قدرت و شعور است، در مؤمن غیر از روح بشریت که در همگان هست، روحی دیگر به وجود می‌آید که موجب حیاتی دیگر می‌شود، و ملازم با قدرت و شعور و آثاری جدید است (حاجی صادقی و بخشیان، ۱۳۹۳، ص ۱۷۳).

یکی از مهم‌ترین آثار این روح، برخورداری از نور و بصیرتی است که موجب می‌شود انسان در زندگی دنیوی که آمیزه‌ای از حق و باطل است، حق را از باطل تشخیص دهد و راه درست را ببیماید، و این چنین است که زندگی‌اش «طیب» و پاکیزه از هرگونه آلودگی و انحراف می‌شود. این همان است که در آیه «أَوْ مَنْ كَانَ مَيِّتًا فَأَحْيَيْنَاهُ وَجَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ كَمَنْ مَثَلُهُ فِي الظُّلُمَاتِ لَيْسَ بِخَارِجٍ مِنْهَا...»^۲ (الانعام/۱۲۲) و آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَآمِنُوا بِرُسُولِهِ يُؤْتِكُمْ كَفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِهِ وَيَجْعَلْ لَكُمْ نُورًا تَمْشُونَ بِهِ وَيَغْفِرْ

۱. أُولَئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَأَيَّدَهُم بِرُوحٍ مِنْهُ وَيُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ أُولَئِكَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ؛ در دل این‌هاست که [خدا] ایمان را نوشته و آنها را با روحی از جانب خود تأیید کرده است، و آنان را به بهشت‌هایی که از زیر [درختان] آن جوی‌هایی روان است درمی‌آورد؛ همیشه در آنجا ماندگارند؛ خدا از ایشان خشنود و آنها از او خشنودند؛ اینانند حزب خدا. آری، حزب خداست که رستگاران‌اند» (المجادله/۲۲).

۲. أَوْ مَنْ كَانَ مَيِّتًا فَأَحْيَيْنَاهُ وَجَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ كَمَنْ مَثَلُهُ فِي الظُّلُمَاتِ لَيْسَ بِخَارِجٍ مِنْهَا كَذَلِكَ زُيِّنَ لِلْكَافِرِينَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ؛ و آیا کسی که مرده (جهل و ضلالت) بود ما او را زنده کردیم و به او روشنی (علم و دیانت) دادیم تا به آن روشنی میان مردم (سرافراز) رود مثل او مانند کسی است که در تاریکی‌ها (ی جهل) فرو رفته و از آن به در نتواند گشت؟ (آری) کردار بد کافران در نظرشان چنین جلوه‌گر شده است (الانعام/۱۲۲).



لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ»^۱ (الحديد/۲۶) به آن اشاره شده است.^۲ در واقع در اثر حرکت در مسیری که خداوند معرفی کرده است - حال چه انسان به هدف اصلی و غایی آگاه باشد و چه نباشد و صرفاً به علت اطاعت امر خداوند چنین مسیری را ببیند - در وجود انسان نور و بصیرتی^۳ ایجاد می شود که با هر گام در این مسیر، آگاهی انسان را نسبت به حقیقت بیشتر می کند و حقیقت را برای انسان قابل فهم تر و مطلوب تر می نماید. بدین ترتیب با هر گامی، در انسان رشد فکری و کمال وجودی ایجاد می کند. این رشد و کمال است که می تواند در کنار حرکت به سمت هدف، لحظه لحظه زندگی را ارزشمند کند.

با بررسی های انجام شده به نظر می رسد این، همان معنایی باشد که توان ارزش بخشی به زندگی را دارد و زندگی را نه تنها به صرفه و قابل تحمل، بلکه محبوب و مطلوب نیز قرار می دهد. برای مثال، کوهنوردی را در نظر بگیرید؛ چنانچه این کوهنورد هدف خاصی نداشته باشد و بی هدف حرکت کند، حرکت او معنایی نخواهد داشت، از طرفی اگر هدف این کوهنورد فتح یک قله هزار متری هم باشد، ولی حرکت نکند، کوهنورد بودن او معنایی پیدا نمی کند و اگر هم هدف داشته باشد، و هم به سوی هدف حرکت کند، ولی لوازم و ابزارهای مورد نیاز

۱. ای کسانی که به حق گرویدید، اینک خداترس و متقی شوید و به رسولش نیز ایمان آرید تا خدا شما را از رحمتش دو بهره نصیب گرداند و نوری شما را عطا کند که بدان نور راه (بهشت ابد) پیمایید و از گناه شما درگذرد، و خدا بسیار آمرزنده و مهربان است (الحديد/۲۶).

۲. علامه طباطبائی رحمته الله ذیل روایتی در این باره، می نویسد: خدا بر ایمان آثاری مترتب نموده که از آن جمله، نوری است که در تمام افعال مؤمن ساری و جاری، و موجب تشخیص خیر از شر، و نفع از ضرر است. این نور، بصیرت و ادراک است که از خواص حیات معنوی است؛ چنانچه نور ادراک حسی و خیالی در انسان و دیگر حیوانات حاصل نمی شود، مگر بعد از پیدایش حیات در آنها. این حیاتی که خدا برای مؤمن اثبات می کند، علاوه بر حیات مشترک او با کافر است. پس مؤمن دو حیات و کافر یک حیات دارد. در این موضع چنین استنباط می شود که مؤمن افزون بر روح مشترک همگانی، از روحی دیگر نیز برخوردار است و حیات و یژه مؤمن (حیات معنوی) برخاسته از این روح است (حاجی صادقی و بخشیان، ۱۳۹۳، ص ۱۷۵).

۳. البته اشاره به این نکته لازم است که با توجه به آیات قرآن و روایات، این روح، و نور و بصیرت حاصل از آن، هم دارای مراتب و در واقع قابل تقویت است، با نیکی و عمل صالح حاضر و با ادامه این روند تقویت می شود و هم در اثر گناه و انحراف از مسیر حق از نزد انسان غایب می شود. شاید علت تأکید بسیار زیاد قرآن به عمل صالح، در درجه اول، ایجاد و سپس تقویت و در نهایت استقرار این نوع حیات در زندگی انسان است.



را نشناسد و یا از آنها استفاده نکند، باز هم به مقصد نمی‌رسد. حالا چنانچه این کوهنورد هدف خود را مشخص کرده و با استفاده از ابزارهای لازم به سمت این هدف حرکت کند، با فتح هر تپه کوچک، بلکه هر قدمی، دید و آگاهی او نسبت به هدف نهایی خود، بیشتر شده و به تبع آن، انگیزه و تمایلش هم برای فتح قلّه مورد نظر بیشتر می‌شود. همچنین در عین حال این حرکت تکاملی به سمت هدف است که سختی مسیر را برای او قابل توجیه و به صرفه و حتی مطلوب می‌کند.

حاصل سخن اینکه، با بررسی‌های انجام شده می‌توان به این نتیجه دست یافت که زندگی حقیقی و معنادار انسان از نگاه قرآن کریم، همان حیات طیبه است. ایمان و عمل صالح که در واقع حرکت در مسیر اهداف الهی هستند، راه ورود به حیات طیبه است و همچنین نور و بصیرت، اثر آن است. با آن نور است که انسان، حق را از باطل و نفع را از ضرر تشخیص می‌دهد، ارزش‌های حقیقی را می‌شناسد و به آنها متمایل می‌شود. با هر بار عمل، وجودش رشد می‌کند و تکامل می‌یابد تا جایی که این روح، کاملاً در وجود انسان مستقر شده و تمام لحظات زندگی‌اش با بصیرت، همراه و از هرگونه آلودگی و انحراف و فساد پاک و طیب می‌شود. زندگی در این سطح از حیات معنادار است و معنای آن به کمال و رشدی است که انسان به وسیله آن، بصیرت کسب می‌کند. این نوع رشد و تکامل است که باعث می‌شود انسان در عین حال که به سمت هدف غایی خلقت خود در حرکت است، با از دست دادن هر لحظه از زندگی، چیزی بس گران‌بها تر کسب کند و آن رشدی است که در عین حرکت به سمت هدف الهی نصیب او می‌شود.



منابع و مآخذ

- ۱- قرآن کریم، ترجمه محی‌الدین مهدی الهی قمشه‌ای، قم: فاطمه الزهرا (علیها السلام)، ۱۳۷۸ ش.
- ۲- شریف رضی، نهج‌البلاغه، ترجمه: محمدمهدی فولادوند، تهران: انتشارات صائب، چاپ سوم، ۱۳۸۰ ش.
- ۳- ابوالمعالی، خدیجه؛ آل‌یاسین، فاطمه‌سادات، بررسی معنای زندگی از دیدگاه امام علی (علیه السلام) و مقایسه آن با دیدگاه ویکتور فرانکل، علوم تربیتی از دیدگاه اسلام، شماره ۶، ۱۳۹۵ ش.
- ۴- امانی، میثم، شواهد کشف‌باوری معنای زندگی در دیدگاه طباطبایی، پژوهشنامه فلسفه دین (نامه حکمت)، شماره ۲۱، ۱۳۹۴ ش.
- ۵- حاجی‌صادقی، عبدالله؛ بخشیان، ابوالقاسم، مفهوم‌شناسی و حقیقت‌یابی حیات طیبه از منظر قرآن، دوفصلنامه علمی- پژوهشی انسان‌پژوهی دینی، سال یازدهم، شماره ۳۱، ۱۳۹۳ ش.
- ۶- خلیلی چوپانلو، آناخانم، بررسی مفهوم «غی» از دیدگاه قرآن و حدیث، مطالعات راهبردی علوم انسانی و اسلامی، شماره ۳، ۱۳۹۵ ش.
- ۷- دیانی، محمود، معنای زندگی از منظر سیدمحمدحسین طباطبایی، پژوهش‌های فلسفی کلامی، شماره ۴، ۱۳۹۰ ش.
- ۸- علی‌خانی، اسماعیل، برخی از شاخصه‌های زندگی معنادار در اسلام، جستارهای فلسفه دین، شماره ۱۰، ۱۳۹۴ ش.
- ۹- علی‌زمانی، امیرعباس، معنای معنای زندگی، نامه حکمت، شماره ۱، ۱۳۸۶ ش.
- ۱۰- علی‌زمانی، امیرعباس و زنجانیان، آرزو، معنای معنا در چهار دوره زندگی تولستوی، نقد و نظر، شماره ۳، ۱۳۹۶ ش.
- ۱۱- مجلسی، محمدباقر، بحارالأنوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار، تهران: انتشارات کتابچی، چاپ ششم، ۱۳۸۶ ش.

۱۲- ملکیان، مصطفی، سلسله درس‌گفتارهای معنای زندگی، دوره دکتری دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۲ش.

۱۳- موفق، علیرضا، معنای زندگی؛ تأملی بر دیدگاه دین و مکاتب بشری، تهران: کانون اندیشه جوان، ۱۳۸۸ش.

۱۴- هاشمی، سیدحمید، هدف زندگی در قرآن، گلستان قرآن، شماره ۱۶۷، ۱۳۸۲ش.

